ولقد کرمنا بنی آدم

از تصنیفات عالی [illegible] عبدالرزاق [illegible]



کنز الانساب



باهتمام علاء الدین بن جیوا خان مهتمم مطبع حیدری و صفدری واقع بندر بمبئی

در مطبع صفدری طبع شد

منصور حیدر راجه

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

از تصنیف حاجی [illegible] عبد الرزاق عم فیضه حسنی



باهتمام ملا نور الدین بن جیوا خان مهتمم مطبع حیدری و صفدری واقع بندر بمبئی

در مطبع صفدری طبع شد



سپاس بیقیاس حضرت رب الناس را دست موسس اساس عالم ایجاد
و تکوین مبانی خلقت اشبرزا و طین انسان را نسبت شرافت از خلقت دیگر
بپایهٔ اعتبار رسانیده و شرفا را بسبب سیادت از خلعت عصمت و حیا
پیرایهٔ افتخار پوشانیده درود نامعدود و هدیهٔ بارگاه حضرت رسالت نبینا
محمد ن المصطفی نبوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زیب
بخش خلقت و عالم تحفهٔ سلام و تحیات زیبا بحبیب رب العباد و بر اصحاب
معلی القاب امجد الامجاد الی یوم التناد باد ص حبیب خدا اشرف انبیا که
که عرش مجیدش بود متکا ع زبان تا بود در دهان جاگیر ثنای محمد بود دلپذیر

بسم الله تعالى الاعلى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا
والصلوة والسلام على رسوله سيدنا ونبينا
ومولانا محمد المصطفى خير الورى سيد الانبياء
منبع الحقيقة المحمدية وبرزخ الكبرى وعلى آله
واهل بيته سر عينية ائمة الهدى وعلى اصحابه
موصوف بجمعية محمودية بجاه العلى وسلم تسليما
كثيرا كثيرا

از تحریر جدید حسینی و نیز کتابی یافت منظوم نسب نامهٔ بزرگان درین عمدة الطالب تحکیم
که از تالیف شاه مخدوم بخش متخلص واقفی فردوسی البهاری و بعده
این دو کتاب در سفر یافت و نیز آنچه که از وقت تالیف عم الاعظم فرزند فرزندان
انها شد مندرج کتاب نمره ترتیبا مبیضه ساخت و موسوم به کنز الانساب
پرداخت درین کتاب تفریق و تفصیل تخمین عنوان گردید اول مقدمة الکتاب
بعده دو باب ضمیمه نسب ذکر نسب پیشینیان بعده ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب
سادات که بکبد الامام می پیوندد بعده سه فصل در نسب شیوخ یعنی حضرات
اصحاب ثلاثه و قسلی هم و یک خاتمه ذکر تتمه واضح باد این کتاب است بر بیان
یک مقدمه و دو باب چند کیفیت سه فصل اصل اصول **مقدمة الکتاب**
بذکر نسب **رسالت مآب** ذکر نسب حضرت نبینا **محمد** صلی الله علیه وسلم
رسالت مآب حضرت اسد الله الغالب عالیجناب سیدنا علی ابن ابی طالب کرم
ذریت خواجه **عبد المطلب** یعنی جد امجد سرور عالم غالب در دو **باب**
ذکر حضرت حسنین یعنی دریکی ذکر **حضرت امام حسن مجتبی** مع اولاد
و در دو یمی ذکر **حضرت امام حسین شهید کربلا** مع اولاد علیهما السلام
حسب تفصیل ذیل و ذکر جمیل و بجای تحقیق مصاهرت بدین ترتیب در یافت

مقدمة الکتاب کنز الانساب

واضح باد بر هرکس فرد بشر مسلم و مسلمه واجب است دانستن چهار کرسی انحضرت

اما بعد گناس عقبهٔ فیض رتبهٔ حضرت رسول الثقلین سید عطا حسین المشتهر
عبد الرزاق کمترین مشائخین آفاق ولد حضرت سید المشائخین سید السالکین
میر سید **سلطان احمد** قادری المنعمی الحسنی ابن عمدة المشائخین سید الواصلین
حضرت سید شاه **غلام حسین** چشتی المنعمی باقری نسب حنفی المذهب قدس الله
سرهما متعنی فی الجنان لوصل ذات الرحمان بر ضمیر عطوفت تنویر ناظرین کتاب
هذا هویدا باد چونکه این خاکسار از مبتدا ایام خیس آرزو داشت اگر انساب بزرگان
دین متین و پیران طریقه راه یقین باید منسلک سلسله مبین سازد نصیب همین منعه چنین تا باید
اخر کار آن دولت را سلسله جنانی کرده بهم رسانید هم سر انجام کتاب هذا منسلک گردانید
مطابق آنکه من جدّ وجدّ یعنی جوینده یافت ستاره این سعادت در
عین سفر حج بر پیشانی ام تافت باید شنید و شهر **بمبئی** حین قیام کتابی دید
بحر الانساب و نیز در معاینه در آمد مقام **گلشن آباد** کتاب
احتساب الانساب در نسخه اول ذکر اولاد دوازده امام علیه السلام در سلسله
ثانی نسب اولیا متقدمین عالیمقام که امام فلان می پیوندد و نیز بخانه این فقیر
بود کتابی نسب نامه تالیف حضرت عم الاعظم روشن ضمیر **مولوی سید شاه**
وحید الدین احمد مغفور ساختند حسب الارشاد و کلمات ارشاد تبرکه برآمد
از زبان فیض ترجمان والد ماجد شان **سید شاه غلام حسین**
قدس سره و نیز در این کتاب نسب نامه اکثر مشائخین متقدمین علت غائے

کلاب چنانچہ نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر رسالت مآب
پیوندد بدرجہ ہفتم از مرہ بن **کعب** الجناب بنی تمیم اند و نسب حضرت عدالت مآب
از آنحضرت صلے اللہ علیہ وسلم بدرجہ ہشتم می پیوندد از **کعب** الجناب بنی
عدوی اند مشہور و تفریق نسب خلیفہ سیوم صاحب حیا بدرجہ چہارم از آنحضرت
کہ تحریر سابق نمود و نسب عالی حسب یعقوب المومنین لقب حضرت ابو الحسن
علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک واسطہ از آنحضرت می پیوندد بمصداق
حدیث نبی یا در خبر ست انا و علیاً من نور واحد یعنی فرمود آنحضرت
نور من و نور علی واحد ست باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی اللہ علیہ
وآلہ وسلم بدینطور ست جای غور ست کہ **بی بی آمنہ خاتون** بنت وہب
بن زہرہ بن کلاب بدانید کلاب را دو پسر یکے **قصی** دویمی **زہرہ** ہر دو
نام پسران خود نہادند عبد المناف پس ہر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری
آنحضرت شدند و حضرت **سعد** ابن ابی وقاص و **عبد الرحمن** بن عوف
ہر دو صحابہ از عشرہ مبشرہ از اولاد **زہرہ** بن کلاب اند و دختر کلانی وہب
ابن عبد المناف **بی بی ہالہ** یکی از زوجہ خواجہ عبد المطلب والدہ بی بی **صفیہ**
و حضرت سید الشہدا امیر **حمزہ** رضی اللہ عنہما باید شنید اگرچہ عم نبی حضرت
عباس آوردند ایمان بر نیم تہ بغی بنی بودند و از امیر حمزہ صد خصوصیت
برادر خالائی برادر رضاعی ہمزبعت اعلم ام المومنین حضرت **خدیجۃ الکبری**

نبینا محمد علیه السلام بهر قوت ایمان و نیز بهر کس چهار کرسی خود دانستن بهر استحکام
تقویت مصاهرت مستحب است جهت حجت نسب شرافت حالا چون کتاب
نسبنامه درست نمود ذکر نسب اعلی آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بی تسکین فنائی
نسبنامه آنحضرت نبوت ختامه صلی الله علیه و آله وسلم که
یعنی سیدنا و مولینا محمد مصطفی قریشی الهاشمی المطلبی ابن سیدنا عالیجاه
عبدالله ابن عالی نسب خواجه عبدالمطلب ابن سردار هاشم ابن
عبدالمناف در باب چهار کرسی آنحضرت است همین قدر که تحریر یافت
بالانسب این که عبدالمناف ابن قصی ابن کلاب که مذکور شد تا عدنان نسب
عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل و ابراهیم تا آدم است صورت اختلاف منه آنحضرت
با عدنان کرده اند بیان بدانید عبدالمناف را چهار پسر یکی نوفل جد چهارم
حضرت جبیر اصحاب نبی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی رحمة الله علیه
ثالث هاشم و عبدشمس شدند هر دو توام بنشا تنها پیوسته از شمشیر جدا
در اولاد هر دو شمشیر مانده تنها آخر ختم شد بر جناب سید الشهدا عبدشمس جد
اجداد امیرالمومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدر مروان و جد
معاویه ابن ابوسفیان ازین قبیل جد او کل بنی امیه و هاشم پدر جد آنحضرت
و پدر جد حیدر کرار یعنی جد جد او عبدالمطلب و نسب حضرات شیخین و اصحاب
من البقیه از عشره مبشره ازین درجه بالا است که می پیوندد یعنی از قصی بن

و امیمه و سبره خواهران ایشان بدانید و لد زبیر بودند ابو فرد دادا حضرت
ابو فرد انصاری که جد حضرت مخدوم یحیی منیری اند مزار فائض انوار حضرت
امام تاج فقیه در مکه مشرفه موجود ست متصل باب عمره از ذریت آنجناب
تاج فقیه اکثر اند اولیاء کبار خصوصا درین دیار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
شرف الدین قدس الله سره ابن مخدوم یحیی منیری ابن مخدوم اسرائیل
ابن حضرت امام محمد تاج فقیه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
ابو القاسم ابن امام ابو الصائم ابن امام ابو الدهر ابن امام ابو اللیث ابن امام
ابو عمر ابن امام ابو الذین ابن امام ابو مسعود ابن امام ابو ذر ابن زبیر ابن حضرت
عبد المطلب بن هاشم بن عبد المناف که از اجداد آنحضرت اند علیه السلام
والتحیه باد از یک زوجه سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس جد شیوخ
عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور ست اند فضیل ابن عباس بن
عبد الله ابن عباس قثم از بطن سابقین مومنه بی بی ام الفضل هستند مادر
خلفاء عباسیه و از ذریت آنجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
آموُن اند مزار واقع در موضع شیخوپوره خرد و الوان علاقه بهار فیض آثار
مزار دریجا نسب نامه منیر لسیه حضرت مخدوم شاه آموُن ابن مولانا شیخ ابراهیم
ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد العزیز ابن شیخ اسمٰعیل
ابن شیخ عبد الله جوقسوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

بنت خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب اند مذکور الصدر و نیز ابو جهل
ابن ہشام و حنتمه دختر ہاشم والده حضرت **عمر فاروق** ہر دو برادر ہشام
و ہاشم بن مغیره ابن حارث ابن عبد العزی ابن قصی بن کلاب اند و ابو جهل
از اعمام آنحضرت نیست غلط مشهور باعث مذکور ازین قرابت برادر بنی اعمام
حضرت ام المومنین خدیجه است پس بدین خیال خبر زاده شد عم نشد تصریحاً بدین وجه
کرده ست اکثر از ابن عبد المطلب بجای برادر ابی لهب شمارند غیر باید **دانست**
خواجه عبد المطلب را ده فرزند آمد مختلف الابطان **ہاشم** بن عبد المناف را
پسر از انجمله دو ولد نامی یکی **خواجه عبد المطلب** جد آنحضرت سر رسالت
و جد حضرت علی خیر البریت بودند دوم **اسد** ابن ہاشم جد مادری حضرت
حیدر کرار جناب حضرت حضرت مرتضی علی از جانبین نسب ہاشمی دارند ازینجا
تفصیل ذریت خواجه عبد المطلب نگاشته می آید بدانکه پسر اولین خواجه عبد المطلب
حارث از یک بطن و کنیت شان **ابو الحارث** بدین وجه دوم **ضرار**
از یک بطن **عبد العزی** پسر سیوم از یک بطن چهارم ابو لهب پنجم
مقوم ہر یکی از بطن مختلف بوده اند ششم **خواجه عبد الله** والد ماجد
حضرت محمد رسول الله هفتم زبیر از اجداد حضرت امام تاج فقیه جد مخدوم
شرف الدین ہشتم **خواجه ابو طالب** والد حضرت مرتضی علی اسد الله الغالب
و نیز خواہر ایشان برادران ثلاثه از یک بطن مادر اند **ومی عاتکه و بیضا**

بنت حضرت عمر رضی الله عنه رابع ام المومنین حضرت **زینب** بنت جحش دختر
عمه نبی بودند خامسه ام المومنین **سوده** بنت زمعه بن قیس سادس ام المومنین
زینب بنت خزیمه ملقب ام المساکین بن حارث سابع ام المومنین **ام سلمه**
بنت ابی امیه که بنت **عاتکه** عمه نبی بودند ثامنه ام المومنین **ام حبیبه** دختر
ابوسفیان خواهر امیر معاویه تاسع ام المومنین حضرت **میمونه** بنت الحارث عاشر
ام المومنین **صفیه** بنت حی ابن خطب که ذریت حضرت **هارون** نبی علیه السلام
بودند یازدهم بی بی **جویریه** بنت الحارث ابن سعد دوازده بی بی **ماریه قبطیه**
بی بی **شیرین** سیزده شد و در چهارده یکی مطلقه شدند **ذکر فرزندان**
آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه والسلام که از بطن ام المومنین
خدیجة الکبری بوجود آمدند و در عالم شهود بدنیه دو پسر چهار دختر از
بطن خدیجه پاک نهاده بولادت شدند ولد اول سیدنا **قاسم** بود پیغمبر را بعمر
بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سه ساله رحلت کردند انا لله وانا الیه
راجعون ثانی ولد سیدنا **عبدالله** که بعد بعثت نبی بعمر چهل سالگی آنحضرت در
آمدند بوجود ملقب **طیب طاهر** بودند از جناب باریتعالی در ایام رضاعت بخلد
برین شتافتند بعد رحلت ایشان سوره کوثر شدند و در جهت ارتفاع ملال
و گویند ه ابتر شد محمد و اول بنت کلانی حضرت رسول سانی بی بی **زینب** بعمر
سی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خواهر زاده ام المومنین **خدیجة الکبری**

ابن شیخ ابو مسعود صفانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابوالولید ابن امام ابو سعید
ابن امام ابواللیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبد اللہ ابن
حضرت عباس ابن خواجہ عبد المطلب جد نبی صلے اللہ علیہ وسلم و حضرت امیر
حمزہ ابو عمارہ را یک پسر عمارہ و نام دختر **فاطمہ** بنت حمزہ و دیگر ہیچ نام یاد نماند
الا کسی مورخین فہم کرد ذریت ایشان تحریر نمود الاخواہر اعیانی حضرت امیر حمزہ بی بی
صفیہ بنت عبد المطلب مومنہ سابقہ مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویلد حضرت
زبیر داماد حضرت **صدیق اکبر** از بطن بی بی اسما استہ پسر عبد اللہ ابن زبیر و **عروہ**
ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروہ محدث شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
بی بی سکینہ دختر حضرت امام **حسین** علیہ السلام اند بشنو از عمات نبی ایمان
آوردند بی بی **صفیہ** بی بی **عاتکہ** و دو عمہ ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت
امیر حمزہ انحضرت چہار عم را دیدہ اند از جملہ اعمام ایمان آوردند و ابو لہب کافر شد
ابیطالب ہمین نہ دیدہ بین اند **ذکر ازواج نبی انحضرت نبینا محمد ابن المصطفے**
صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم اولین حضرت ام المومنین بی بی **خدیجۃ الکبری**
بنت خویلد کہ از بطن پاک ایشان کل اولاد نبی علیہ السلام غیر سیدنا ابراہیم کہ
از بطن ماریہ قبطیہ شد بعالم رضاعت تشریف بردند بسوی جنت **عقاب تمانند**
ثانی ام المومنین **مخدومہ** بی بی عائشہ صدیقہ رضی اللہ عنہا بنت حضرت
صدیق اکبر رضی اللہ عنہ اولاد نشد از ایشان ثالثہ ام المومنین بی بی **حفصہ**

بنت

بشیر و نذیر آیه محمود و نسل مرتضی در پشت مرتضی و نسب محمد در پشت علی واضح باد
چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیدة النساء بتول
فاطمة الزهرا رضی الله عنها با حضرت اسد الله الغالب **علی ابن ابیطالب**
در شان پاکدامنی فرمود آنحضرت آیه محمود اَلفَاطِمَةُ بِضْعَةٌ مِنِّی یعنی فاطمه
پاره جگر من است الحصول چون قران السعدین شد از حضرت علی و بی بی بتول سر ربانی
یافت ظهور

ابیات

هر مرتبه علی علا شد پیدا
از چرخ نهم چنین ندا شد پیدا
مسرور علی ازین صدا شد

با بنت نبی چو یافت تزویج علی
چون گشت بجز قران سعدین
دو لعل ازین صدف بر آمد

سر آیه کریمه بظهور رسید **آیت**

مَرَجَ الْبَحْرَیْنِ یَلْتَقِیَانِ از بطن پاک بنت سر لولاک دو فرزند بوجود آمد
یکی بعد دیگری بمنصه شهود و ذریت نبی شد صورت مسعود ناری شد نمود
از رشک گل مقصود مطابق کلام ربانی یَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ
باید دانست مراد از لولو یعنی مروارید نسبت آنحضرت امام حسن **مجتبی** که مروارید
سفید رنگ است و نیز الماس مبین جبهه شهادت آنحضرت است و مقصود از مرجان
سرخ رنگ شهادت جناب آنحضرت **امام حسین** علیه السلام است الحق
بدانید که بعد تولد این نیرین حضرت **محمد مصطفی** پسر سوم نیز جناب آنحضرت
علی مرتضی تولد یافتند با یام رضاعت مسمی بنام **محسن** بسوی جنت شتافتند

ابی العاص کتخدا شدند از بطن آن بی بی دو اولاد شد یکی پسر و یکی دختر نام پسر
شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامہ بنت زینب
که حسب وصیت بعد رحلت جناب سیده **فاطمہ زہرا** بزوجیت جناب حضرت **علی**
مرتضی کرم الله وجهه در آمدند از بطن این عفیفه یک پسر شدند **محمد اوسط** بن علی
همراه برادران در میدان کربلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرزینت
بی بی زینب بیجا احتیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی **رقیہ** که بعد از سه سالگی
عمر بعثت آنحضرت متولد شده بود و نکاح حضرت **عثمان غنی** رضی الله عنه
در آمدند **عبد الله اکبر** از بطن پاک ایشان بوجود آمد سه ساله کرده از جهان
انتقال بعد انتقال حضرت **رقیہ** دختر ثالث آنحضرت بی بی **کلثوم** که بعمری
در شش سالگی آنحضرت متولد شدند در عقد و نکاح حضرت **عثمان ذی النورین**
در آمدند از بطن این بی بی **عبد الله صغر** بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
شدند عقاب نماند قبل از نکاح حضرت باحیا در صغر سنی هر دو در نکاح هر دو
برادر عتبه و عتیبه ابنان ابولهب بودند که بعد نکاح آنحضرت بعثت مشرف شدند
بولهب پسران کافر شدند در میان کفر و اسلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز
هر دو خواهران ببلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگرے
در عقد و نکاح حضرت باحیا **عثمان ذی النورین** مدخل شدند عقاب
نماند نسل حضرت رسول مقبول از حضرت **بتول** دختر است که فرمود آنحضرت

سیده شش فرزند سه پسر و سه دختر آمدند بوجود باقی از ابطان دیگر زوجه ها
معروف است که نسبت چهار اولاد شد ده پسر باقی دختران جای ذکر به تفصیل
خواهد نگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در روایت است
که حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دهلوی را نسبت فرزندی بحضرت عباس
ابن علی که علمدار بودند مشهور است الا در کتب نیافتم که می نگاشت و از فرزند علی
محمد حنیف ابن حیدر کرار اولاد است مشهور چنانچه سید مسعود غازی
ابن سید محمود ابن سید عبد الله ابن سید عطاء الله ابن سید عبد الکریم ابن امیر حمید
ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کرم الله وجهه و نسب مادری سید
سالار غازی ابنا ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
و نسب جدی حضرت خواجه محمد یسوی رحمة الله علیه که خلیفه حضرت امام
ابو یوسف همدانی اند نیز می پیوندد بدین طور است خواجه احمد یسوی
ابن سلطان خواجه ابراهیم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه
عبد الفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان
ابن سلطان خواجه امیر حسین ابن سلطان خواجه مومن ابن سلطان خواجه
اسمعیل ابن سلطان خواجه موسی ابن سلطان خواجه هارون ابن سلطان
خواجه اسحاق ابن خواجه عبد الرحمن ابن خواجه عبد الرحیم ابن خواجه عبد القهار
ابن امیر عبد الفتاح ابن حضرت محمد حنیف ابن حضرت علی حیدر کرار ذخیر

ہر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زندہ ماندہ لعاقبی
اولاد شدند زینب دختر کلانی حضرت علی مقبول ربانی کہ از حضرت عبد اللہ
ابن جعفر طیار برادر عمزاد منسوب شدہ و گوہر از بطن آن بی بی نیز متولد شدند
محمد عون محمد جعفر نوجوان جام شہادت نوشیدہ در کربلا گرفتند
راہ خدا و بلا را عقاب ایشان نماند دختر ثانی حضرت شیر خدا بی بی کلثوم
در عقد نکاح حضرت امیر المؤمنین عمر فاروق درآمدند از بطن این بی بی فرزندی
زید نام تولد شدند در ایام طفولیت جان بحق کردند تسلیم دختر سیوم جناب بتول
بی بی رقیہ بہ عمر و سالگی رحلت ساختند از ینہا عقاب نماند غرض حضرات
حسنین فرزند رسول مقبول واضح باد نقل مشہور زبان عام خاص مذکور
مراد از ذریت سیادت از بی بی فاطمہ است و اولاد مرتضی علی چرا کہ
لقب سیادت بر نہج است پنجا ای نکتہ سنج کہ آنحضرت حسنین فرمود حدیث
انا سید البشر و سید الانبیاء و سید المرسلین و یا علی انت سید العرب
و سید الاولیاء و الفاطمۃ سیدۃ النساء العالمین و الحسن
والحسین سید شباب فضل الجنۃ ازین حکایت و روایت
رسید بہ ثبوت پنج سیادت بدانید اولاد حسین معمور بہ نہج سیادت ہستند
الا سید علوی را یک سیادت است ابوی در بیان اولاد علی
از بطن غیر بتول از اینجا ذکر سیادت علویت واضح باد از بطن پاک

الا ذریت حضرت عقیل بکلانی فرزند مسلم بن عقیل کہ در کوفہ برتبہ شہادت
خواجہ جمیع شان شد بطور سبیل بہر و فرزند ایشان محمد و ابراہیم بیوجہ
شدند براہ حق قتیل و کل ذریت شان در کربلا ہمراہ سید الشہدا برتبہ
شہادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار راسہ پسر از بطن بی بی

اسماء بنت عمیس یکی عبد اللہ بن جعفر کہ از حضرت زینب

دختر علی المرتضی کرم اللہ وجہہ کتخدا شدند و دو فرزند از بطن پاک آمدند بوجود
محمد عون و محمد جعفر ہر دو بصف کربلا شدند شہید قاتل شان مطیع
یزید اولاد باقی نماند الا ہر دو اولاد برادر باقیست محمد و عون ابنان
جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا کہ ذریت حضرت
زینب را اعقاب نماند و واضح باد یکے از اولاد ہر دو بزرگوار امیر عطاء اللہ
نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند و در دربار شاہی بصوخصیت ہمسا نیز
معزز و ممتاز گشتہ فرامین و ہمیات حصول کردہ یا فتہ ارجمندی بسر بلندی
سکونت قصبہ پھلواری ضلع پٹنہ کردند اختیار چنانچہ اکثر مشایخین
این دیار نسبت نسب خود بامیر عطاء اللہ ممدوح مے پیوندند و آنچہ کہ
باستماع آمدہ این خاکسار از زبان فیض ترجمان جد بزرگوار خود وسیلۃ الواصلین
عمدۃ المشایخین جناب حضرت سید شاہ غلام حسین قدس سرہ دانا پوری
درین صفحہ مے نگارد و آنچہ کہ در زنبیل خود دارد می آرد یعنی صاحبان ساکن

منقول ہست نسب حضرت میرزا مظہر جان جانان سرہند مجددیہ نسبت لشیت
واسطہ فرزندی بحضرت امیر محمد حنیف میرسد و نسب میرزای جانب مادری
بامیر تیمور میرسد نسب نامہ حافظ محمد یعقوب از حضرت عمر ابن علی
حیدر کرار میرسد بدینطور کہ حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبداللطیف
ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبدالجلیل ابن مولانا سید عبدالفتاح
ابن امیر اویس ابن امیر یونس بن امیر عبدالجبار ابن امیر ابوبکر ابن امیر
عمر ابن قاضی سید ابوالفتح لاہوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
فقیہ ابن مولانا محمد یحییٰ زاہد ابن میر سید زاہد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
حافظ سید محمد ابن امیر سلیمان ابن امیر عبداللہ ابن سید امان اللہ ابن شہید
علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سیدنا عمر ابن حضرت علی
کرم اللہ وجہہ واضح باد اکثر سیادت علوی نسب در انتشار بہر امصار و دیار چون
نسب نامہ نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر ذریت حضرت
عقیل ابن ابی طالب ذکر ذریت حضرت جعفر طیار میکنم الاول
بی بی ام ہانی بنت ابی طالب کہ از انحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
علاوہ نسب عمزادگی منقول بود چنان کہ در خانہ برکت نشانہ ایشان
واقع معراج نبی بسوی آسمان ذی اولاد شدند کیفیت ذریت و سیادت لشد

نسبت اول در ذریت حضرت امام حسن علیه السلام

نسبت دوم در ذریت حضرت سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مورخین سابقین ازواج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام قریب
پنجاه شش زوجه آمده اند در شمار چرا که آنحضرت بودند کثیر النکاح بعد شرعی یکی
بعد دیگری چهار زن موفق داشتند میکردند طلاق کثرت نکاح بود تمنا می
ارشاد آنحضرت صلی الله علیه وسلم و آنحضرت **شهربانو** بودند رضی الله عنها
ودر کتب تواریخ کل اسماء زوجه آنجناب نیافت که می نگاشت الا اسماء چند جامی یافت
می نگارد بدانید زوجه اولین **خوله** بنت منظور ابن حید را از اولاد هاشم بن
عبد المناف هاشمی نسب از بطن این زوجه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت
امام حسن مثنی رضی الله عنه واز بطن **بی بی صفوره** بنت سعد ابن زید بن
خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر **بی بی عائشه**
نام که کنیت ام عبدالله نیز **فاطمه ثانی** نام بسته اند مورخین ابن بی بی زوجه حضرت
علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام که جدائی امام
حسن مثنی از دخت عم بزرگوار حضرت **امام حسین** علیه السلام کردند نام
نامی این بی بی **فاطمه صغری** از بطن عفیفه تولد شدند **سیدنا عبدالله**
المحض نبیره حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از
اجداد و امجاد حضرت غوث الثقلین سید **عبدالقادر** جیلانی رضی الله عنهم

مچھلی شہر ضلع جونپور یکی از رؤسا و مشاہیر مولوی علی کبیر و برادران
و خواہرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچہ ازین خاکسار ہنگام عہدہ
روزگار سرکاری ناپیدا ضلع غازیپور ملاقات شد از مولوی محمد ظہور
صدر الصدور ضلع غازیپور و نیز حین سفر حج ملاقات شد از برادر کلانی شان
اندر حرمین شریفین مولوی عبدالشکور عند التذکرہ کردند بیان ذریت
خود بامیر عطاء اللہ جعفری نسب چنانکہ جناب حضرت جد ماجد فرمودہ بودند
و نیز ملازمت خود بشہر الہ آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی
ممدوح وقت مراجعت سفر حج ہمراہ آمدند این فقیر حقیر کتابے آوردہ
بودند در ذکر آل ابیطالب دیدہ بودم ثمرہ در ذکر مشائخان پھلواری
کہ خود را ذریت امیر عطاء اللہ نامند یعنی شاہ ظہور اللہ رحمۃ اللہ علیہ
والد ماجد شاہ مجیب اللہ کہ والد ماجد و پیر و مرشد حضرت شاہ نعمت اللہ
قادری پھلواروی رحمۃ اللہ علیہ بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
قادری کہ خسر و پیر و مرشد جناب حضرت شاہ مجیب اللہ قادری بودند و
نیز از ذریت امیر ممدوح مولوی شاہ وحید الحق داماد شاہ مجیب اللہ
علیہ الرحمۃ کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند در تتمہ کتاب خواہد نوشت

تفصیل و احوال فرزندان ایشان بسیار اند

باب اول در ذکر اولاد حضرت امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام بر دو نسبت

سید جعفر و ابن سیدنا محمد دو اند یکی سید ابراهیم و دومی سید ادریس مع فرزندش
عبدالله سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاصد دریافت شد
باید شنید اولاد سید ابراهیم اول سید نوح و سید سلیمان سید داود اند و
فرزندان سید جعفر ابن عمر زید شهید و اولاد سیدنا محمد سید موسی
و سید یحیی و سید جعفر و سید ابوبکر بودند و اولاد سید عبدالله سید یونس
و سید اسمعیل و سید اسحاق ذریات ایشان وقت دوره امارت بنی امیه
و خلفاء عباسیه خروج کردند بعض از صولت آنها فرار شدند بعض شدند شهید

ثمره نسبت دوم باب اول ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنی جد اعلی

حضرت غوث الثقلین باید دانست بحضرت امام حسن مثنی پنج فرزند
شدند از انجمله اولین سیدنا عبدالله محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا
عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا اصغر این همه از بطن بی بی فاطمه
صغری بنت حضرت امام حسین علیه السلام متم از بطن جلبیه و میمه سیدنا داود
و سید جعفر و سید اصغر عمر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی ماند
ثمره سیوم سیدنا عبدالله المحض را پنج پسر شدند از بطن بی بی رقیه دختر
حضرت امام زین العابدین علیه السلام سه فرزند سیدنا موسی الجون و سید
محمد و سید ابراهیم و از بطن جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه
از ذریت حضرت موسی الجون که تفصیلا نوشته خواهد شد اولاد سید محمد

دو فرزند بی بی ام عبد الله عالیشان حضرت امام محمد باقر بن حضرت
امام زین العابدین نواسه سید الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنه ذریات
اینحضرت ملقب بسیادات حسنی الحسینی و حسینی الحسنی اند کیفیت ذکر نسب بتشجیر
نگاشته خواهد شد درینجا تفصیل ازواج حضرت امام حسن علیه السلام می آید بشنو
باید شنید بی بی ام البشر دختر مسعود انصاری از بطن این بی بی متولد شدند
سیدنا قاسم هستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا
عبد الله ابن امام حسن مجتبی و از بطن زوجه خامسه بی بی زاهده سیدنا
ابوبکر بن حسن تولد یافتند و از بطن زوجه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر
بن حسن پیدا شدند و از بطن زوجه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا
محمد ابن حسن مجتبی و از بطن بی بی انیسه ثامنه و از بطن بی بی طاهره
چند دختران بوجود آمدند و نیز بودند چند زوجه بی بی فاضله و بی بی محموده
و بی بی نفیسه و بی بی خدیجه و بی بی عابده و دختران متولد شده باشند
کل چارده ازدواج آمد بشمار الا واحده جعده بنت اشعث که اسما رجم نام بود
کالنه زهر نوشیده شهادت یافتند انا لله و انا الیه راجعون ذکر فرزندان
حضرت امام حسن مثنی در کتاب امامیه ناهیچ نگاشته اند و دختران
بست تحریر میکند الا اهل سنت مورخین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر
در آمد بلیده نسبه سیدنا ابوبکر سید ابراهیم فرزند سیدنا عمر

از شمشیر معتز را شد شهید قاتل حضرت مطیع یزید اولاد ایشان از بهر آیه ان تید
آخر اعقاب نماند جز حضرت شد داؤد ثمرہ ششم نسبت دوم باب اول
خلف الرشید سید موسیٰ ثانی سید ناداؤد محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین
بودند نام اخوان شان یافت نشد کدخدای حضرت شد داود از دختر خجستہ اختر
حضرت امام علی موسیٰ رضا شدنام آن بی بی بنیہ بود جز یک فرزند کیفیت
دیگر دریافت نشد ثمرہ ہفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سید نا
محمد کنیت ابوالقاسم معروف رومی کدخدای ایشان شد از دختر یکے از بنی اعمام
سید حمزہ نام تسمیہ دختر شان بی بی مبارکہ از بطن این بی بی سیدنا
یحییٰ زاہد تولد شدند زوجہ سید یحییٰ بی بی عصمت بودند ثمرہ ہشتم
سیدنا یحییٰ را از بطن بی بی رضیہ دو فرزند یکی سید عبداللہ کہ اعقابش نماند
دومی عبداللہ شدند ثمرہ نہم کدخدای سید عبداللہ ثالث از دختر
اخوان شد از بی بی رحمت گردید سہ فرزند شدند از انجملہ اولاد یک باقی ماند
ثمرہ دہم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابوصالح کنیت موسیٰ نام
جنگی دوست خدا لقب کردند ابوالاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاہد شیخ
کاملین سید العارفین زوجہ آنحضرت بی بی ام الخیر فاطمہ ثانی دختر حضرت
سید ابوعبداللہ صومعی کہ این حضرت در قریہ جیلان زاویہ بنا کردہ بعبادت
الٰہی مشغول بودند کیفیت کرامات صد بادری حضرت غوث الثقلین بسیار است

شیعه سنی فرزند کلان ایشان سید قاسم دوم ثانی سید ابراهیم سیوم سید عبد الله
بلکه بعض اهل مذهب باطله و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد الله المحض
را مهدی موعود دانند چرا که نام پدر عبد الله و نام مادر آمنه بود منصور دوانقی از
خلفاء عباسیه بود اول سید محمد را محبوس نمود بعده شهید کرد و حال ذریت
سید ادریس و سید ابراهیم و سید یحیی کمی کتاب یافته نشد که می نوشت ثمره چهارم
نسبت دوم باب اول سید موسی که بسبب رنگ سیاه والده ایشان
جون گفتند یعنی جون سیاه رنگ که خدای ایشان یعنی سید موسی الجون از دختر
خجسته اختر امام محمد باقر علیه السلام شدند نام آن بی بی رقیه ثانیه دو فرزند
از بطن این بی بی شدند متولد یکی سید ابراهیم که اعقاب ایشان نماند ثانی
سید عبد الله ثانی که ملقب بودند شیخ صالح که خدای ایشان از بی بی
ماله دختر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شد از بطن این بی بی پنج
فرزند تولد گشتند پسر اکبر سید موسی ثانی که بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید محمد ابو صالح
ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیار اند ثمره پنجم
نسبت دوم باب دوم بذکر موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر که از دختر امام موسی
کاظم علیه السلام که خدا شدند نام بی بی حلیمه از بطن این بی بی بوجود آمدند
هفت پسر و یازده پسر از جاریه رومیه حضرت موسی ثانی در دو صد و هجری از شیشه

مجمل نسب نامہ آں بزرگوار خواہد نوشت الارزافیہ کثیر اند ونسبنا مر جانب مادری حضرت غوث الثقلین جعفری نسب اند ونیز نسب مادری جنابحضرت خواجہ بزرگ نیز جعفری اند ونسب مادری حضرت شیخ الشیوخ نیز جعفری

شجرہ نسب حضرت قطب الدین بینا دل جونپوری برادرزادہ شان سید فضل اللہ

واضح باد سید قطب الدین بینا دل جونپوری وسید نصیر الدین والد سید فضل اللہ عرف سید گوسائین ہر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید صدر الدین ابن میر سید رکن الدین ولد میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد اللہ قادری ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ شجرہ آن باید شنید حضرت سید فضل اللہ عرف سید گوسائین قدس سرہ برادرزادہ وداماد ومرید مشترشد وتلمیذ وخلیفہ حضرت سید قطب الدین بینا دل جونپوری اند مزار فائض الانوار سید فضل اللہ در بہار است ونیز اولاد شان وفرزندان مذہب سنن کثر الاذہب ملیہ بیشتر اند وفرزندان شان شیعہ واولاد حضرت سید قطب الدین بینا دل جونپوری موضع کڑہ مانکپور علاقہ شہر الہ آباد اند وقطبی سید مشہور اند سنت جماعت مذہب دارند از انجملہ جناب سید شاہ

به بسط و طول بحاصل از بطن این عفیفه دو فرزند یکی سید ابو احمد ثانی معز ربانی
ثانی حضرت غوث الثقلین قطب ربانی محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رحمة الله سلسله
معنوی موجد طریقه قادریه که از نام پاک آنحضرت منسوب است عقیدت انجناب به هر کس
مطلوب است نام خواهران حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه هما از وجه
پاک بی بی بصیره بی بی جمیله و فرزندان انجناب بودند یازده تن بلند ذریت هر یکی
پسران نیست الا اولاد سه فرزندان در شجره رسیده اند از شاخ شجره دریافت شد
اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الرزاق
شهره آفاق ثالث سیدنا عبد العزیز سجاده نشین بغداد از فرزندان شان این
هستند همین بزرگوار را اولاد رسیده اند در بخارا و مصار باید شنید رابع سیدنا
عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین
سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسب الارشاد والد ماجد خود در شعب جبال نواحی
مغرب مخفی اند منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام نشسته اند ثامن سیدنا
موسی تاسع سیدنا ابو اسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
عبد الجلیل ابو نصر در نسب مشائخین انجوار نیافت اسما این نسب بزرگوار
الا حین اقامت مدینه طیبه مکه مشرفه از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
که حضور اند دیگر برادران ذوی اولاد اند والله اعلم بالحاصل نسبنامه مشائخین انجوار
ازین سه فرزند منتهی میشود از دیگران نه یعنی رزاقیه اند و بابیه اند و عزیزیه اند

مجمل

سید شاه امیر الله عرف محمدی و برادران عمزاد ایشان سید شاه عبدالرزاق
عرف کهوتی سید عبدالکریم الدسید عبدالجلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد

ثمره دوم شجره نسب قادریه حضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران سلسله
فرهادیه باید دانست این میر سید علی قادری پیر اجازت طریقه قادریه جناب حضرت
مرزا شاه فرهاد قدس سره ابوالعلائی اند پس بدانید میر سید علی قادری ابن
میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری
ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری
ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری
ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر
سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
حضرت سیدنا عبدالرزاق خلف ارشد ثانی حضرت محبوب سبحانی سید
عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه اولاد امجاد این بزرگوار بنور در شهر
دهلی موجود هستند

ثمره سیوم شجره نسب قادریه حضرت میر سید عبدالرسول
قادری ساکن داناپور واضح باد میر سید عبدالرسول ابن میر سید علی قادری
از دیار ملتان وارد هندوستان گشته بدین جوار رسیده اقامت پذیر گشتند
چون شرافت و نجابت از جبین شان بود هویدا در داناپور بسادات رضوی
مصاهرت واقع شد یعنی از دختر خجسته اختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

مظهر علی ساکن کروه بودند والد ماجد سید مظهر کریم الہ آبادی ثمرۂ شجرۂ نسب
قادری حضرت سید محمد قادری امجهری معروف است آستانہ امجهر شریف
باید دانست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاہ شمس الدین محمد درویش از دیار
مغرب شهر دہلی بمعہ مریدان و خادمان در آستانہ امجهر پرگنہ اروَل حسب
بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند اختیار مزار فیض آثار است درین دیار
حالا طور نسب منیف سید انجا کسا را باید شنید سید محمد قادری ابن سید شمس الدین
محمد درویش قادری ابن سید شاہ عالم قادری ملقب بشاہ کلان کلان ابن سید
شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری ابن سید شاہ عبد اللہ
قادری ابن سید شاہ عبد الرحمان قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری
ابن سید شاہ عبد الحی قادری ابن سید شاہ عبد الجلیل قادری ابن سید شاہ
ابو القاسم ملقب شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الرزاق قادری
خلف ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ
ذکر ذریت این حضرات جای مصاهرت ایشان بتفصیل نخواهد نوشت بعض بعد نسبه
دو فرزند رتبہ بلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
معین الدین قادری حالا جانشین انجا از اولاد سید معین الدین هستند
چنانچه سید شاہ اطیب اللہ قادری رحمۃ اللہ علیہ و خلف الرشید شان
سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ جمی علیہ الرحمۃ بودند دو برادر دیگر

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابونصر قادری ابن حضرت سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید محبوب سبحانی حضرت سیدنا عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ

ثمرہ پنجم شجرہ نسب قادریہ حضرت سید قمیص قلوشی

بایدشنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابوالحیات ابن میر سید علی قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ابوالمنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابونصر بابو آ ابن میر سید سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبدالقادر جیلانی بواسطہ نسب فرزندی درجہ یازدہم میرسد بیعت و تربیت از بنی اعمام برادر دست خاکسار شرف از زیارت مزار شدہ است بمقام معروف پیران شاہ دورہ حضرت سید شاہ قادر قمیص سیاحت کردہ اند بسیار از عرب تا مشرق سیاحت کردہ آخر بمقام خضراباد توطن کردہ اند ختیار و متاہل شدہ اینجا ہی معروف بطور چلہ کشی ہست از انجا مسافر دیار مشرق شدند مریدان و یاران بسیار چنانچہ انتقال بحیط بنگالہ کردند حسب وصیت مریدان از انجا جنازہ بر دوش گرفتہ روانہ دیار غربی شدند و بروز جنازہ حسب وصیت بمقام خضراباد شاپورہ دفن کردند نقل کنند وقت بردن جنازہ سید پاک چند روز در قصبہ بہار

عبدالفتاح عرف قاضی سید نزرے کہ خدا شد نذری اولاد گشتند باید شنید

میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبدالجلیل ابن میر سید

محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید

مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

٠	ابو الفتح قادری ابن میر سید حسن قادری	

ابن میر سید عیسلی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبدالرحیم قادری

ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد ہاشم قادری ابن میر سید سیدنا

عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی سید عبدالقادر جیلانی

ثمرہ چہارم شجرہ نسب رزاقیہ بذکر نسب میر سید محمد مہدی

مشہود باد این میر سید محمد مہدی یکی از سیادات عظام عالیمقام از ارکین

سلطنت شہر دہلی شاہجہان آباد در عہد محمد شاہ بادشاہ بودند

امیر الامرا مخاطب بخطاب عمدۃ الدولہ اوقات خود بسبب امامت ظاہرے

بکرو فر میگذشتند این بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ مادری این فقیر حقیر بودند

حالا سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مہدی ابن میر سید عسکری ابن میر

سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر

ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید

قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری ابن میر سید احمد قادرے

۱۲.

نسبت جدی ایشان نسبت قادریہ منیو لسید حالا ہر دو برادر قضا کردند سید
اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
عبد الجلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
ابن میر سید ہاشم قادری ابن میر سید شہاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسن قادری ابن میر سید
علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
قادری ابن سید ظہیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد اصیل ابن سید ابو النصر
قاضی القضات ابن سیدنا عبد الرزاق قدس سرہ خلف الرشید ثانی
حضرت پیر دستگیر قطب ربانی سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ تعالی عنہ

ثمرہ ہفتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ سید حسین حموی

واضح باد سید حسین حموی پیر مرشد حضرت شاہ قاسم سلیمانی اندکہ مزار ایشان
واقع بقلعہ چنار گڈہ از کتاب معتبر یافتہ نسب نامہ آنحضرت تحریر نمود
بدین طور است سید حسین حموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا
عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ

ماندند چنانچه جامی معروف است در بهار بمقام قلعه آستانه شان خدام
مریدان بجامی تکیه پاک مجاور شدند و بیات نذر آستانه است عرس اعراس
پیران بجامی آرند این خاکسار در ابتدا زمانه دیده بود و ولیش آستانه شاه سلام الله
بعده شاه ثناء الله شدند حالا شاه شوال اند بتوکل خدا نشسته خدمات وارد
وصادر بجامی آرند بنام پیشینیان خود سبقت برده اند بحاصل قلیل صورت کثیر
می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه وصی قادری از انجا حسب طلب صوبه آمده بودند
کفاف بر ایشان معین شده بود موضع سنار میوره پرگنه ترهت این خاکسار را
ملاقات بود از جمله الفرزندان شاه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند
و برادران شان را نیز دیده بود غلام شاه و حسین شاه چون نسب نزاقیه بود
این کیفیت دانسته تحریر نمود و این بزرگ نیز پیران پهلواری را استند پیران شجره متبرکه

ثمره ششم شجره نسب نزاقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین و محب نبی شاه هر دو برادر فرزند میر سید حسن قادری صحیح النسب
در نیچوارا از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل ازین اقامت والد ایشان بود
در شهر اله آباد که صورت مصاحبت گزیده و نسب مادری والده ایشان
بنسبت ابو العلائیه هست یعنی سید شاه غلام علی جد مادری والد ایشان بود
و پنج واسطه نسبت فرزندی از میر سید محمد فضل کرد اما حضرت میر سید
نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العلا قدس سره بود

سید شاہ مظفر حسین قادری دہلوی ابن سید شاہ غیاث الدین احمد کبیر ملتانی
ابن سید شاہ محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری
ملتانی ابن سید شاہ حامد ملتانی ابن سید شاہ عبد الرزاق ثانی ملتانی ابن سید
شاہ عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاہ محمد قادری ملتانی ابن سید شمس الدین
قادری ملتانی ابن سید شاہ میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید مسعود
قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید سیف الدین
سیدنا عبد الوہاب خلف الرشید کلانی محبوب سبحانی حضرت سید عبد القادر جیلانی

ثمرہ دوم شجرہ نسب اول و ثانیہ قادریہ
در نسب نامہ سید وجیہ اللہ قادری میراں بھکھ

واضح باد مولوی سید وجیہ اللہ ساکن میراں بھکہ لکھا ور ابن میر سید احمد علی ابن شاہ سید
امیر اللہ کہ چار برادر بودند عیانی یکی نامی بمرتبت گرامی شاہ سید باب اللہ عارف
باللہ دومی سید شاہ عباد اللہ سیومی سید شاہ نور اللہ چارمی شاہ سید امیر اللہ
مذکور بالا پنجم سید شاہ نعیم اللہ الاکبر کاملین سالکین معروف بودند شاہ باب اللہ
و نیز سید احمد علی بن شاہ امیر اللہ را فرزند دو یکی سید انور علی والد سید علی حسن و
ثانی خود مولوی وجیہ اللہ ابن سید احمد علی پسر مولوی سید وجیہ اللہ را یکی سید
ابو الحسن فرزند داماد شاہ حسام حیدر کہ برادر دومی مولوی محمد اشرف یک پسر ایشان سیومی
مولوی سید حیدر شرف باید شنید سید شاہ باب اللہ ابن شاہ سید نعمت اللہ قادری

ثمرۂ ہشتم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ

سید امیر علی شاہ و سید مظفر علی شاہ اکبرابادی ابن سید منور علی شاہ
برادر ثانی سید حیدر علی شاہ ابنان سید امجد علی شاہ متخلص صغر ابن سید شاہ
احمد علی معروف بہ مولوی احمدی ابن شاہ رکن الاسلام ابن سید موسی ابن سید
معین شاہ ابن سید تمیم شاہ ابن سید مجدی شاہ بچند واسطہ در نسب از حضرت
سیدنا عبدالرزاق میرسند و نیز بسبب زوج عمہ شان حکیم سید نور الدین ابن
حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبدالرزاق میرسد
چونکہ اسامی نسب ہمین قدر یافت کہ نگاشتہ شد نیز در اکبرآباد بزرگی بودند نسب رزاقیہ

ثمرۂ نہم شجرہ نسب رزاقیہ قادریہ نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر چھیلا ابن سید فیض اللہ ابن سید شاہ محمد قسیم ابن سید شاہ
یتیم ابن سید اسد اللہ ابن سید شاہ برکت اللہ ابن سید شاہ رحمت اللہ ابن
سید شاہ نعمت اللہ ابن سید شاہ محمد فصیح ابن سید یحیی ابن سید محمود
ابن سید مسعود ابن سید امان اللہ ابن سید برہان الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید ابو نصر ابن سیدنا عبدالرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سبحانی

سید عبدالقادر جیلانی رضی اللہ عنہ
شجرہ اول نسبت نسب قادریہ وہابیہ
نسب نامہ سید شاہ مظفر حسین قادری دہلوی

باید دانست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چہار خلفا نامدار معروف بودند سید محمد مکی سید محمد گیسو دراز بندہ نواز مزار در گلبرگہ شریف است ابن سید صدر الدین زیدی نسب دویمی سید محمد گیسو دراز ابن سید جلال الدین کالپی باقری نسب از اجداد این خاکسار سیومی سید محمد ابن سید عبید اللہ جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی قادری و ہابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید علی بیابانی ابن سید احمد ابن سید صفی الدین صوفی ابن سید نا سیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلان حضرت سید عبد القادر جیلانی

شجرہ نسب قادریہ عزیزیہ نسب نامہ سید شاہ عبد المنان قادری دہلوی سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد سرفراز ملقب سید محمد ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد العزیز ملتانی ابن سید شاہ عبید اللہ بیابانی ابن سید شاہ علی ہمدانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری ابن سید شاہ سلیمان قادری ابن سید ذکریا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد العزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید عبد القادر جیلانی واضح باد سید شاہ مظفر حسین قادری راجپوت شریف از ینجا بگذشت سید اولاد انقطاع کردہ در خانقاہ دہلی سجادہ نشین بودند یک شب

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
ابن شیخ شمس الدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین
قادری ابن میر سید ذکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سیدنا سیف الدین عبد الوهاب
خلف الرشید کلانی حضرت محبوب سبحانی قطب ربانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنه

ثمره سیوم شجره نسب دوم وهابیه قادریه بنسبت شاه عبد الکریم
باید شنید سید شاه عبد الکریم و سید عبد الرحیم هانپوری قادری نسب هر دو
برادر فرزند سید شاه امیر الله ابن سید شاه رحمت الله ابن سید شاه معز الدین
قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شمرماه ابن سید
مختار ابن سید شاه عبد الشکور ابن سید شاه عطاء الله بغدادی که از
بغداد تشریف آورده مسکن در قتال پوره قبول کردند مزار در اینجا است فیض آثار
و همین قدر واسطه در بالا نسبت اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصا
سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزندان شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سید شاه محمد تقی
ثمره چهارم شجره نسب سوم وهابیه قادریه

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشرهٔ مبشره متولد شدند بی بی فاطمه صغری
دختر حضرت امام حسین علیه السلام زوجه حضرت امام حسن مثنی ابن جناب حضرت
امام حسن علیه السلام نسب سادات حسنی الحسینی از بطن این بی بی بوجود اند زوجه
ثالثه بی بی ام لیلی و نیز ام لیلا میگویند از بطن ایشان تولد یافتند حضرت
علی اکبر شبیه پیغمبر خدا عقاب ایشان نماند در واقع کربلا همراه عم بزرگوار و والد ماجد
شهید شدند زوجه رابعه بی بی رباب بنت قیس بن عدی از قبیله بنی کلیب بودند
محبوب ترین زوجه بودند از بطن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین
دختر جناب سید الشهدا و بیت عربی است در شان محبت ایشان ترجمه آن اینست
اوس جگہ کو دوست رکھتا ہی حسینؑ ۲ جس جگہ بیٹھیں سکینہ اور رباب ۲
حین شهادت سید الشهدا عمر شش ساله بودند و روایت انتقال ایشان در انوقت
غلط است از مصعب ابن زبیر نکاح شدند چون لشکریان عبد الملک لشکر
کوفه آوردند تا مصعب ابن زبیر را کردند شهید بظلم شدید در انوقت سکینه
برآوردند فریاد ای کوفیان ناشاد یکوقت درین میدان کردید مرا یتیم بی پدر
اینوقت کردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر را بودند سه فرزند
عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر هر سه برادر بجای استجابت
دعا بر چاه زمزم نشست مطلب دعا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله
بعد واقع شهادت سید الشهدا تسلط با مارت مکه معظمه شدند عروه دعا کردند

بعالم رویا جد آنحضرت پیر دستگیر سید عبد القادر جیلانی فرمودند مظفر در نصیب تو فرزند
نیست الا در نصیب پارسا خواہر تو یک فرزندست و خواہر را بجای دختر میخوانی عقد
نکاح او از سید محمد سرفراز کہ اولاد من ست انجام کن الحاصل شاہ مظفر حسین قادری
عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سرفراز کردند بعد مدت نہ ماہ فرزند تولد شدند
شاہ عبد المنان شاہ مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجائی خود

کردند جانشین خواہر زادہ را فرزند خواندند

باب دوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیہ السلام معہ ذکر ذریت حضرت امام
زمانہ کہ نسبت فرزندی سیادت بکدام امام میرسد برشت نسبت کہ
باید دانست جناب حضرت سید الشہدا امام حسین علیہ السلام امام سیوم اند آنحضرت فرزند
جناب حضرت علی مرتضی نواسہ پیغمبر خدا محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم
اولاد این حضرت عین گنجینہ سیادت است از بی بی فاطمہ بتول کل سیادات
حسنی الحسینی اند اصل اصول نسب بدانید در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیہ السلام
ازواج خمسہ درآمدند و از بطن ہر یک زوجہ یک فرزند متولد شدند زوجہ اولین
جناب معلی القاب بی بی شہربانو دختر خجستہ اختر یزدجرد بن شہریار کہ بود
بادشاہ سلطنت عجم از اولاد نوشیروان بادشاہ عادل باید دانست از جملہ ازواج
بمرتبہ فضل و بصورت اجمل بودند از بطن ایشان متولد شدند امام زمانہ سید الساجدین
علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام و از بطن بی بی ام اسحاق زوجہ ثانی

و سید عبدالرحمان و سید سلیمان و سید علی اشرف چہار فرزند اگر روایت است صحیح پس اعقاب ایشان نماند ذکر اولاد امام ماند و نسبت دوم خواہد نگاشت کہ آنہا منسوب بسیادات باقری آمد و اینہا منسوب بالقاب اجداد خود درست انوار ذکر ہر ستہ بزرگوار مع اولاد سکنہ باہری زیدی و حسینی انوار اول نسبت اول باب دوم در ذکر امام عبداللہ باہر و اولاد ایشان

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاہ ابوالعلا قدس اللہ سرہم باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابوالعلا ابن امیر سید ابوالوفا قدس سرہ ابن امیر سید عبدالسلام ابن امیر سید عبدالملک ابن امیر سید عبدالباسط ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شہاب الدین محمود ابن امیر سید عماد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید شرف الدین ابن امیر سید اعز الدین ابن امیر سید شرف الدین ابن سید مجتبی ابن امیر سید جیلانی ابن امیر سید یحیی ابن امیر سید بادشاہ ابن امیر سید حسن ابن امیر سید محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبداللہ ابن امیر سید حسین ابن امیر سید اسمعیل ابن امیر سید محمد ابن امیر عبداللہ باہر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام ابن جناب حضرت سید الشہدا امام حسین علیہ السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید و نسبت امیر سید عبدالسلام

که مصیبت شوند الحاصل آن گردید و مصعب شوهرستند زوجیت حضرت سکینه ابنهم مطلب
زوجه خامس بی بی ام الاصغر یعنی والده حضرت علی اصغر شهید شیرخوار شهید
شد از ستم مطیع یزید انا للہ و انا الیہ راجعون قاتلان صورت زبون ہے

نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی ثانی سید الساجدین

امام زین العابدین علیہ السلام بر سبیل اوائل ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چہارم زین العابدین علیہ السلام
از صبیہ عم الاعظم بی بی ام عبد اللہ کنیت بی بی عائشہ ثانی بی بی فاطمہ
ثانی ہم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیہ السلام گردید وی اولاد
شدند باید شنید چہار فرزند حضرت سید الساجدین از بطن آن بی بی متولد
شدند و از بطن زوجہ دیگر نیز غیر ایشان اولین فرزند امام زمانہ حضرت امام
محمد باقر علیہ السلام کہ درحق او امام فرمود آنحضرت محمد نبینا علیہ الصلوٰۃ والسلام
اشمہ محمد ابن علی ابن حسین ابن علی ہو ابنی یبقر فی علم الدین ای جابر
نوبہ بینی فرزندی را کہ نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی کہ فرزند من است
تبحر و بقر بود او راد علم دین من ثانی امام عبد اللہ باہر رضی اللہ عنہ ثالث
امام ابو الحسن زید شہید رابع حسین صغر در کتاب بحر الانساب چنین
مذکور بروایت اہل سنت فرقہ مذہب امامیہ چنین می نگارند فرزند حضرت
امام زین العابدین از دیگر منکوحہ پیدا شدند چنین نام سید عمر اشرف

ثمرۂ شجرہ نسب مادری از جانب خواجہ عبید اللہ احرار

دریجا ذکر نسب حضرت خواجہ ناصر الدین عبید اللہ احرار قدس سرہ میکند
حضرت خواجہ احرار ولد خواجہ محمود ابن خواجہ شہاب الدین شاشی
ابن خواجہ محمد مدعو خواجہ ناصی از اولاد عبد اللہ انصار باید شنید حضرت خواجہ
عبید اللہ احرار ہم عصر امیر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شہر سمرقند
بودند باخود با سبب نجابت شرافت جانبین صورت مصاہرت واقع شد
یعنے کدخدای امیر سید عبد اللہ و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط ہر
فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران ہر سہ خواجہ عبید اللہ احرار
گردید و نسبت ناہمالی سیدنا ابو العُلا از نسب خواجہ ترتیبا واقع شد بدین طور
امیر سید عبد الملک نبیرہ امیر سید تقی الدین نواسہ حضرت خواجہ احرار و امیر
عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسہ خواجہ عبد اللہ عرف خواجگا ابن خواجہ
احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسہ خواجہ ابو الفیض نبیرہ
حضرت خواجہ احرار و حضرت سیدنا ابو العلا ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسہ
حضرت خواجہ محمد فیض عرف خواجہ محمد فیضے ابن خواجہ ابو الفیض ابن خواجگا
ابن حضرت خواجہ احرار لشبنو نام والدہ حضرت سیدنا بی بی عارفہ دختر خواجہ
محمد فیضے واضح باد خواجہ ابو الفیض از یک مادر سہ برادر بودند یکی خواجہ ابو الفیض
دویمی خواجہ عبد الشہید سیومی خواجہ عبد العلیم ابنان خواجگا و از زوجہ اولی

جد امجد امیر سید ابو العلا را چار فرزند از انجمله یکے امیر سید ابو نصر والد امیر سید
علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو النصر را دومی امیر سید ابو الصفا
فرزند ایشان امیر سید عبد الباقی والد امیر سید شاہ عبد الماجد سیومی
حضرت امیر سید عبد اللہ یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبد المنعم دومی
امیر سید عبد الباسط و خواہر ایشان بی بی مدیحہ زوجہ سیدنا ابو العلا
چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلا و یکخواہر حضرت زوجہ امیر
سید عبد الباقی و والدہ امیر سید شاہ عبد الماجد لشبو حضرت سیدنا ابو العلا
را دو فرزند یکی امیر سید نور العلا والد ماجد امیر سید تاج العلا دومی
امیر سید فیض اللہ و فضل العلا نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نور اللہ
کہ خدای ہر دو فرزند سیدنا از بنات اعمام یا احوال شد و صبیہ و آنحضرت سیدنا
یکی بی بی زینب زوجہ خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ سلیمان کہ از اولاد
حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند قدس سرہ بودند کیفیت ذریت ایشان
دریافت نشد ثانی صبیہ حضرت سیدنا بی بی رقیہ زوجہ خواجہ محمد عرف
خواجہ فولاد ابن خواجہ محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا انجناب نیز از اولاد
حضرت خواجہ نقشبند قدس سرہ بودند مزار حضرت خواجہ محمد فولاد در احاطہ
مزار سیدنا موجود در شہر اکبر آباد کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر مڑیا عظیم آبادی
کہ انجا معروفست نسب فرزندان شان تنیر آنجناب چنین طور ست انچہ کہ بیاض
نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید مشاد پیر مڑیا ابن میر سید حمزہ
پیر مڑیا ابن میر سید رکن الدین پیر مڑیا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
محمد پیر مڑیا واسطی ابن میر سید احمد دہلوی واسطی ابن میر سید حسن دہلوی
واسطی ابن میر سید قاسم واسطی ابن میر سید حامد واسطی ابن میر سید محمد
جعفر زیدی النسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاہر ابن میر
سید ابوبکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن نجار ابن میر سید اسمعیل ابن میر
علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیہ نبی محدث زمانہ ابن میر سید حسین
زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شہید ابن حضرت سید الساجدین
امام زین العابدین علیہ السلام ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجرہ دوم انوار دوم نسب اول باب دوم در ذکر نسب سید محمد سہروردی

واضح باد کہ از آنحضرت سید محمد سہروردی بموضع رہوی علاقہ حضرت بہار
است سید محمد سہروردی ابن میر سید احمد دہلوی ابن میر سید مجتبی دہلوی
ابن میر سید مصطفے پشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبد اللہ طوسی

دختر امیر تقی الدین نیز پسر یکے خواجه عبدالحق دویمی خواجه نظام الدین عبدالهادی
سیومی خواجه خاوند محمود بودند و خواجه ابوالفیض سه برادر از دختر خواجه نظام محمد
که از اولاد صاحب ہدایه بودند هر یکے شدند ذی اولاد و حضرت خواجگان را
از هر دو زوجه دو دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
دریافت نشد الا بی بی مخدومه صبیه حضرت میر نورالله که از میر محمد افضل
ابن سید محمد اجمل بن امیر سید علی رضا کتخدا شدند کیفیت ذریت ایشان
ترتیباً نیافت الا اینقدر که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به سه
واسطه فرزند میر سید محمد افضل بودند و منشی علی حسین مصطفی لوپری نیز نسبت
فرزندیت خود از حضرت میر سید محمد افضل بیان می کردند و این نسبت البنت
سید شاه غلام علی سید اولاد حسین بن سید نبی شاه ابن سید حسن قادری
بودند یعنی نواسه سید ابن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت
کرده است این فقیر حقیر الا در شهر اکبرآباد از اولاد امیر سید تاج العلا ابن
امیر سید نورالعلا از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بودند سید اکرم الدین که
شهر یاران اینجا کیفیت مقبول شان بحضرت سیدنا بیان میکنند از زوجه شان
کسے اولاد نشد الا لعلی خادمه یک دختر بودند ملقب سیدانی صاحب ٭ ۵
انوار دوم نسبت اوّل باب وهم در ذکر اولاد حضرت ابوالحسین
زند شهید بیان هر چهار شجره است شجره اول در ذکر سید محمد پیر مربا

جاجنیری ابن میر سید بدرالدین مدنی میر حاج ابن میر سید علی مسعود مدنی ابن میر سید ابوالفتح ابراہیم ابن میر سید ابوالفرح ابن سید ابوالفوارس محمد فراس ابن سید ابوالفرح واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجنیری ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ والی کوفہ ابن سید حسن ابن سید حسین ملقب بہ جنید ابن میر سید ابوالحسن فارس ابن میر سید محمد اکبر منصور واعی غدان ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علے غدان ابن میر سید اشرف الدین یحیی محدث شہید رسول مقبول علیہ السلام بن سید حسن نجیدی ابن حضرت امام ابوالحسن زید شہید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امام زین العابدین علیہ السلام۔

انوار سیوم نسبت اول باب دوم در ذکر اولاد حضرت علی علی صغر ابن امام زین العابدین علیہ السلام و ذکر نسب حضرت آدم صوفی وحضرت مولانا مظفر بلخی ہر دو شجرہ

واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد یک جد اند بچند واسطہ جد و اجداند از اولاد حضرت امام علی صغر فرزند حضرت امام سید الساجدین زین العابدین علیہ السلام نسبت سادات اند و حضرت سلطان ابراہیم ادہم بنسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب اند از غلطے کاتبان تحریر نسب سیادات ہست الانسب مادری اجداد مولانا مظفر بلخی از سلطان ابراہیم ادہم مے پیوندد بسبب تخت سلطنت نیز از نسب

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن
میر سید حسین زاہد ابن میر سید اسمٰعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
یحییٰ ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحییٰ شمشیر رسول مقبول ابن
میر سید حسین نرید ابن حضرت امام ابو الحسن زید شہید ابن حضرت امام زین العابدین ابن امام حسین علیہ السلام

شجرۂ سیوم انوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسب نامۂ عمی حضرت سید شاہ یحییٰ علی

حضرت سید شاہ یحییٰ علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید احسن ابن میر
سید وجیہ الدین عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ
قطب الدین مصطفےٰ پوری تاریکہ ابن میر سید قاسم ابن میر سید عالم ابن میر سید مسعود ابن میر
سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر ہانسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید
معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر
سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرح واسطی ابن میر سید محمد داؤد
ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن ملقب بجنید ابن میر سید محمد اکبر زید
ابن سید محمد منصور داعی غذان ابن سید عمر علی ابن سید یحییٰ شمشیر رسول مقبول
ابن سید حسین نرید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب بزید شہید ابن حضرت
سید الساجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین علیہ السلام

شجرۂ چہارم انوار دوم نسبت اول باب دوم در ذکر نسب حضرت سید محمد گیسو دراز

حضرت میر سید محمد گیسو دراز بندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید احمد

ابن سید اجمل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید رحمت اللہ
ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید عبداللہ ابن سید لطف اللہ
ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن
سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
امام علی اصغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام
شمرہ نسب نامہ یکی از مریدان فقیر بدین نسبت میر سید محمد سید یوسف
ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیری ابن سید مخدوم حسین
ابن سید ادریس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
مجاہد ابن سید یونس ابن سید اسمعیل ابن سید یحیی ابن سید زکریا ابن
سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید یسین ابن سید
یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی اصغر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ عنہ
نسب دوم باب دوم در بیان اولاد حضرت امام

	محمد باقر علیہ السلام سبد و شجرہ	

اجداد مادری رسیده شجرهٔ اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین
ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
امام علی اصغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام **شجرهٔ ثانی**
نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن سید محمود
ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
حضرت امام علی اصغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
علیه السلام شجرهٔ پیوند نسب مادری از جانب حضرت ابراهیم ادهم بدخطوست
باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نواسهٔ سلطان محمود ابن سلطان
ابراهیم **نسب جدی** حضرت سلطان ابراهیم بدخطو یعنی حضرت سلطان
ابراهیم ابن سلطان ابوالفتح ادهم ابن سلطان ابوناصر هاشم ابن عبدالله
اسلم ابن عبید الله ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
رضی الله عنه شجرهٔ نسب نامهٔ یکی از خلفای این فقیر سید امین الدین
ابن سید یسین ابن سید محمود ابن سید داود ابن سید جعفر ابن سید اکبر

ابن

حالا اینکتاب است مفقود انچکه باستماع جلسهٔ انحضرت یاد است مینولسید بزرگی
بودند عمدة المشائخین خواجه حسن که انجناب را بست و دو واسطه نسب بود از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و هرات
وارد شهر هندوستان گردیدند مجرد وار بطور سیاحت قبل در مقام
دهلی بدار السلطنت رسیده ملاقات از هر یکی مشائخین کرده متوجه دیار شرقی
شدند موضعیست قریب شهر متهرا مشهور موضع دیوتانه که جای معبد
بود هنود درانجا چند روز تشریف داشتند انجا می بهر سکونت بخاطر شریف
پسند افتاد مردمان ساکنان انجا قوم هنود معتقد شدند و نیز از زمرهٔ اهل اسلام
شیوخی انصاری که مسکن اینها انجا بود کردند بسیار الحاح وزاری بهر استقامت
انجا هرگاه اینها باعث اقامت حضرت شدند رای اینها بنظر شریف مستحسن
افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ انجا معتقدین اکثر مرید شدند بعد چند
سال اصرار کردند بهر متاہل شدن انحضرت به بسیار کد و جد قبول شد از انجمله
یکی از مریدان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح انحضرت بزوجیت داد بعد
چندی الله تعالی از ان بی بی عفیفه اولاد بخشید بسبب اقامت و عدم کفویت
خاص در شیخ زادگان نوبت مصاہرت افتاد از زبان مبارک پیر دستگیر
خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود استماع است
که چنان حضرت خواجه ابو البرکات قدس سره بیان میکردند احوال بزرگان خود

انور باد کہ خدای حضرت امام محمد باقر علیہ السلام از بی بی فروہ دخت
نجستہ اختر حضرت قاسم ابن محمد ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ
گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب اند از حضرت رسول صلی اللہ علیہ وسلم بدین
خطاب اسمہ محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو ابنی یبقرہ فی علم الدین
اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اضح باد از بطن پاک بی بی فروہ فرزند
شدند چار یکی امام زمانہ حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام امام زمانہ
کرفرمودہ اند شدہ مخاطب بہ رافض قول لا تسبوا علی ابی بکر انا
ولد ابنی ہی تین مراد از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چراکہ از حضرت
قاسم جد مادری فیض یافتہ بدانید کہ خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
اسماء بنت عبدالرحمن ابن حضرت صدیق اکبر است رضی اللہ عنہم
ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیہ السلام امام عبداللہ ملقب
کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراہیم باید شنید
نسبنامہ کسی اولاد سید ابراہیم نیافتہ نشست آنجناب و ذکر حضرت امام
جعفر صادق و ذریت شان در نسب سیوم جداگانہ تحریر خواہد شد
اول ذکر اولاد حضرت سید اسمعیل میکند کہ جد اعلی جناب حضرت سید شاہ خواجہ
ابو البرکات قدس سرہ اند بدین نمط تحریر یست باید دانست در کتاب مصر
آنحضرت مکتوب نسبنامہ دیدہ است بخوبی این فقیر نسبت نسبی و اسطہ میر

این شهر گردید هرگاه راجه دولت رام راجه گوالیار بذریعه میر سید علی شاه
سبب تشریف بری انجا خواست انخضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه مقام
گوالیار چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابو الحسین قاصد شدند بسوی
گوالیار بوجه چند اسرار و تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در
مفارقت برخوردار شدند بیقرار خود نیز معه تبعه و لحقه تشریف بردند جانب
گوالیار در زمانه راجه مذکور بامارت گذشت چند سال بعده برگشتگی زمانه
چون بیجا بائی رانی ان راجه از انجا جای تیرت معبد خود پسندیده اقامت
شهر الهٔ آباد کردند اختیار انخضرت نیز معه تبعه و لحقه فرزندان در انجا
تشریف آوردند از گوالیار و اقامت پذیر گشتند در انجا تا مدت حیات
شریف خود چنانچه در انشهر بسال یکهزار و دو صد و پنجاه و شش هجری بست
هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش پاک سه ماه دران سر زمین
بطور سپرد کردند تدفین بعده از انجا آورده در شهر عظیم آباد پائین پیر مرشد
یافتند تدفین عمر شریف به نود و هفت رسیده بود ذکر اولاد انخضرت
راست دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
بودند و دختر ثانی از میرزا علی ساکن شهر بنارس که جدا شده ذی اولاد
شدند و دختر سیوم انخضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
و فرزند کلانی خواجه ابو الخیر رحمة الله علیه سه دختر و دو فرزند ایشان یکی دختر

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابوالحسن بن خواجه علی ابن خواجه احمد
که بواسطہ بست وسہ پشت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیہ السلام
مے پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه رزق اللہ که بهفت وهشت
واسطہ نسب فرزندی بحضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوتانہ است
مزار خواجہ بسیار فیض آثار زیارت نموده ہست این خاکسار چند بار چیزے
کیفیت انحضرت مینویسد ضروری الارقام چراکہ مرشدان مرشد واز پیران
احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
بعد تحصیل علم ضروری چندی نوکری سرکار نواب وراجہ آن دیار بودند بعہدهٔ
قلعداری ہرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شہر عظیم آباد رسیده
بعد حصول بیعت از تربیت وصحبت جناب حضرت شاه رکن الدین
تخلص عشق قدس سره ابوالعلائی مشرف بخلافت شده رخصت شدند
ہرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چھوٹے
حضرت عریضہ نوشتہ محرک تشریف آوری انحضرت شدند بہ نیت حصول
بیعت انحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف بہ بیعت وتربیت
معنوی شدند ونیز خواجہ زادگان اکثر مجبور شدند براقامت آن شہر
انحضرت مذیرا کردند واہل وعیال را از انجا طلب داشتہ بصورت اقامت

این

پسر ایشان سید شہاب الدین لال ولد سید احمد آہی ولدہ سید محمد معروف ابن
میر سید جنید ولدہ سید عثمان ثانی ابن سید عبدالوہاب ولدہ سید عثمان
شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف برقع پوش ابن سید عبدالقاسم
الحصول این بزرگوار از مدینہ طیبہ حرکت کردہ نسل بعد نسل سفر کردند دیار
وامصار ہرات وبخارا ولاہور آخر در دہلی رسیدہ چندی انجا اقامت
گزین شدند چراکہ جای تخت سلطنت بود واجماع درویشان ومشائخین
حصول ملاقات از امرا ارکین نمودہ بطور رسوخیت دربار شاہی منصب
قضا کردند اختیار از انجا رحلت گزین شدہ بسبب استقامت صیغہ قضا
انجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند پشت فرزندان انجا
اقامت گزین شدند بعدہ خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
عبدالرحیم ولدہ سید عبدالرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولدہ
سید محمد فرید فرزند شان سید ابراہیم از انجا مراجعت کردند بسوی
دیار شرقی قریب بہار موضع سرانوان پرگنہ اروَل طرح اقامت
انداختند معہ اہل وعیال خود در انجا موضع مسکن ساختند از انجا کہ در
دربار شاہی بود رسوخت کمال بذریعہ امرا ارکین چند موضع دیہات
بحصول فرمان شاہی بہر مدمعاش یافتند وجای سکونت را بنام جد
بزرگوار موسوم فرید پور کردند بالا شد از صد سال کہ سکونت این بزرگوار

از میر محمد علی کدخدا باقی جامی دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه
ابو احمد فرزند دارند و جناب حضرت خواجه ابو الحسین فرزند ثانی آنحضرت
ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خواجه
علی حسین عرف میر نواب کدخدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان جان
گردید یک پسر و یک دختر گذاشته خود بسال کردند انتقال بسال یکهزار و صد و نود
و پنج هجری ثانی صاحبزاده خورد آنحضرت را اسم عالی خواجه علی حسن عرف
خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان ابن خواجه
میر نجان کدخدا شد و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسمیه خواجه
نواب حسن است هنوز کدخدای هر دو برادران نشده و بجایی تقرر و تعین نیافته
شجره و نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبد اللهؑ اولاد ایشان
ابن امام محمد باقر علیه السلام — بیان نسب اولاد آنحضرت و شجره
بباید دانست سیدنا امام عبد الله را دو فرزند که از هر دو نسب ذریت پیدا است
یکی میر سید هاشم دویم سید حبیب الله ذریت هر دو برادر بسادات باقری
منسوب اند ذکر اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
بنده مسکین فی الحال ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
از جانب بالا می نماید بطور تحریر سید حبیب الله خلف الرشید سید برکت الله پسر
شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

وخوبصورت وخوش مزاج وتحصیل علمی عربی فارسی حصول دویمی قاضی
وزیر حیدر انہم ذی لیاقت وذی علم از ایشان ملاقات است کلانتری را
ندیدم اوصاف اشنیدم ہر دو برادر از یک دو خواہر میر محمد قاسم ساکن گھرا
ابن میر حسام حیدر کہ خدا شدند او لا دنشد باید دانست سید مبارک علی
ابن سید محمد اسحاق پانچ فرزند رتبہ بلند ہریکے عالیقدر دولتمند پسر کلانی
سید برکت علی یک دختر ایشان وسہ پسر دختر زوجہ میر امانت علی
کہ پسر خلف بودند یکی دختر از ان دختر شد لاولد رفت از جہان ولپسر کلانی را
نام سید امجد علی کہ از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائمین کہ خدا شدند
سید امجد علی چند دختران فرزند یک دختر محمد ظہیر یک دختر از مولوی خیرات علی
منسوب لاولد ویک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید امداد علی کہ خدا شدہ
اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست ولپسر ثانی مولوی سید امان علی
ولپسر سیوم مولوی سید افضل علی ہر دو برادر بعہدہ جلیل سرکاری بعہدہ
ڈپٹی بودند ممتاز وسرفراز سید امان علی را دو پسر و دو دختر یکے حافظ سید
احمد رضا دویمی سید محمد یحییٰ کہ از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
عبد العلی کہ خدا شد ذی اولاد ہست دو دو خواہران یکے زوجہ مولوی عبد الحق
ابن مولوی واعظ الحق ویک دختر زوجہ مولوی فخر الدین وشادی اولین
حافظ احمد رضا از دختر عم کردید یک دختر شد از ان عفیفہ اورا دو فرزند

است دران دیار بهر یکی که از انجا کرده سفر اختیار بسبب حصول عهده‌ها
ذی اقتدار لاریب اند ذریت آنها ذی اقبال افضل الآوی کمال القصه سید ابراهیم ابن سید محمد فرید پسر
شان سید محمد او و لد شان سید محمد یحیی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد علی و لد سید عبد الکریم ابن سید
عبد القدوس ابن سید محمد محسن ابن سید محمد یوسف و لده مولانا سید محمد
اسحاق که در اخلاق بسیط شهره آفاق از ایشان شد ذریت و اولاد بسیار
حالا منتو لید باید شنید سید محمد اسحاق راد و فرزند یکی سید کرم علی
دویمی سید مبارک علی پسر سید کرم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی
سید اصغر علی دو پسر ایشان سید اسمعیل علی و محمد بهرام سید اسمعیل علی
راد و پسر بود و دختر یکی زوجه خواجه محمد محسن فی ی اولاد هستند دویمی زوجه
میر محمد قاسم ساکن کمرا ایشان نیز ذی اولاد سه پسر بود و دختر و نام پسران
یکی سید جلال احمد دویمی سید منور علی ذی اولاد هستند همه حالا باید شنید که
سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی و لد ایشان قاضی سید مبارک حسین
که از دختر قاضی نادر علی کدخدا شده‌اند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور الحسین
جامع کمالات در بنولا منصب سر عملای اند یک پسر ایشان مولوی انوار احمد
ذی اولاد است ترقی مدارج باد باید دانست قاضی نادر علی کدخدا از خواهر
میر حسام حیدر ساکن کهرا و نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب
قاضی صاحب مرحوم را دو پسر یکی قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

ازانجاکہ این صاحبان بہ نسب سیادت واصد باقری بودند بعجد کیفیت
ایشان تبصریح نگاشت وترتیب نسب سلسلہ بدنیطور بخیر تحریر مے آرد
ہر یکے ازین خود را بنسب بدنیطور شمارد مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک حسین
ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید
عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد یحیی ابن سید
محمد داؤد ابن سید محمد ابراہیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
برقعہ پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبدالوہاب ابن سید عثمان
ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آلہی ابن سید
شہاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
شہاب الدین نورالانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن
امام عبداللہ کتب الکریم ملقب بن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام
ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام انوار سیوم نسبت دوم
باب دوم در ذکر اولاد سید محمد ہاشم ابن امام عبداللہ
ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت
امام عبداللہ را دو پسر ذکر اولاد پسر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالا ذکر

و مولوی سید فضل علی را نیز دو پسر و دو دختر یکی زوجه حافظ سید احمد رضا
مذکوره بالا دوم زوجه محمد ظهیر الحق نواسه سید امجد علی مرحوم و پسر کلانی
مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی کدخدا ثانی سید
محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول کدخدا شدند و ولد
اند و شادی حافظ سید احمد رضا بموضع مغفتی گنج از خواهرزادی میر
نثار حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کناد اسها دایمی باشند خرم و شاد
باید شنید پسران سید مبارک علی سید عظمت علی پنج پسر الشان یکی مولوی
مظهر علی دویمی مولوی نیاز علی سیومی میر صاحب علی چارمی میر محمد علی
پنجمی سید احمد علی پسر سیوم سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
رتبه بلند الشان مولوی اظهر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
میر مراد علی الشان را شش فرزند ذی اقبال رتبه بلند یکی ازان
مولوی وارث علی لیاقت ظاهر و باطنی مہر و دویمی مولوی شبیر علی
دختران ایشان از بر یک جای قرابت کدخدا و از منکوحه و الیه شده بد پسر
سیومی میر مراد علی مولوی جعفر علی چارمی سید سبحان علی پنجمی مولوی نظر علی
ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی فدا حسین فرزندان
شیخ نادر علی کدخدا شدند یک دختر و یک پسر مولوی محمد نصیر باقی پنجمی پسر سید
مبارک علی میر اسد علی لا اولاد رفتند از پنجمان بی بنیان بیانم چنان

ازانجا

کہ درا کثر انساب اسامیان زوجہ ہای بزرگان وذکر مصاہرت نیز است مکتوب بود فہو المراد می‌نماید بیان باید دانست نام والدہ ماجدہ آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم سیدنا محمد بی بی آمنہ دختر وہب ابن عبد المناف کہ معروف است اسم والد ماجد عبد اللہ بن عبد المطلب وجہ اولین آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ ذی ولد شدند ام المؤمنین خدیجہ الکبری دختر خویلد فاطمہ بنت اسد نام والدہ حضرت حیدر کرار علی مرتضی ابن ابیطالب زوجہ پاک سیدنا علی اسد اللہ الغالب بی بی بتول فاطمہ الزہرا بنت حضرت محمد رسول مقبول ہکذا نام والدہ ماجدہ حضرت سید الشہدا امام حسین علیہ السلام حضرت بی بی بتول بنت رسول نام والدہ حضرت علی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شہربانو کنیت ام عبد اللہ و اسم والدہ حضرت امام محمد باقر علیہ السلام بی بی ام عبد اللہ و عائشہ ثانی و فاطمہ ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبی علیہ السلام و نام والدہ حضرت امام عبد اللہ ابن امام محمد باقر علیہ السلام بی بی فردہ بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر و نام والدہ میر سید ہاشم بی بی زلیخا بنت فقیہ سید عقیل علوی نسب بود زوجہ میر سید ہاشم بی بی زینب بنت سید احمد والدہ میر سید محسن بودند زوجہ میر سید محسن بی بی رضیہ بنت سید حسن ابن سید علی کہ والدہ سید جعفر بودند زوجہ سید

فرزندان حضرت میر سید ہاشم پسر کلانی امام عبداللہ مینویسد بالاجمال
وبالتفصیل در شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی وکیفیت اخوان عمزاد سید
عطاحسین عبدالرزاق ابن حضرت میر سید سلطان احمد ابن حضرت
سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
شاہ محمد یسین ابن میر سید محمد ناصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا
ابن میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین ابن میر سید تقی الدین
عرف سید بوڑھی کہ از کالپی تشریف آوردند بجاجی پور مسکن ساختند
ابن میر سید جلال الدین ابن میر سید محمد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی
ابن میر سید علاء الدین کالپوی ابن میر سید تاج الدین دہلوی ابن میر سید اسمعیل دہلوی
ابن میر سید محمد اسحاق لاہوری ابن میر سید داؤد لاہوری ابن میر سید
محمد یعقوب لاہوری ابن میر سید یوسف طوسی ابن میر سید عبداللہ
طوسی ابن میر سید حسن طوسی ابن میر سید ابوالقاسم طوسی ابن میر سید
ابراہیم مدنی قریشی ابن میر سید اسمعیل مدنی ابن میر سید حسین مدنی ابن میر سید
علی رضا مدنی ابن میر سید جعفر مدنی ابن میر سید محمد محسن مدنی ابن میر
سید ہاشم ابن امام عبداللہ کتب الکریم ابن حضرت امام محمد باقر
علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل الکتاب احتساب الانساب حضرت
میر سید ارشد کالپی ابن میر سید جمال الدین کالپی

زوجہ ایشان بی بی کلثوم از مقام لاہور آمدہ بشہر دہلی اقامت کردند
اختیار فرزند رتبہ بلند شان میر سید تاج الدین کتخدائی ایشان
از بی بی عائشہ دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید عبد الرحیم
ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دار الخیر اجمیر حاضر شدہ
در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس اللہ تعالیٰ سرہ
شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ
شرف خلافت یافتند و حسب اجازت پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش
ساختند و صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
قدس سرہ در انجا ماندند باید شنید میر سید تاج الدین را یک فرزند
میر سید علاء الدین و یک دختر مسماۃ بی بی رحمہا از مولانا عبید اللہ
ابن سید عبد اللہ کتخدا شدند از بطن بی بی مذکورہ دو پسر یکے سید علی
دوم سید عبد العلیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
شرف بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
شیخ الاسلام والمسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بودہ بمقام
ہانسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالپی بمنصب
ولایت انجا اقامت پرداختند بمحلہ محمود پورہ در عہد سلطنت آن دیار
محمود شاہ بادشاہ کدخدائی ایشان از مسماۃ عصمت النساء دختر

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی خطا
بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی ابن سید محمد که والده میر
سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی نعیمه دختر سید عبدالرزاق ابن سید
عبدالکریم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید
جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی
صفیه والده میر سید ابوالقاسم و بی بی رضیه دختر فقیه عبدالله قریشی
والده میر سید حسن و زوجه میر حسن بی بی رقیه دختر سید طاهر ابن میر
سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیبه آمده بقصبه سکونت کردند اختیار در انجا
از بطن این بی بی اولاد شدند یکی میر سید عبدالله کتخدائی ایشان در شهر
گردیز از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
رحمت بنت سید کمال الدین از بطن ابن عفیفه میر سید یعقوب بوجود
آمدند از شهر طوس بشهر لاهور آمده اقامت کردند اختیار کتخدائی
ایشان از بی بی شفقه دختر سید احمد رضوی در انجا شد فرزند رتبه بلند
ایشان میر سید داؤد زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق
فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر
سید علی ابن عبدالواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل نادرے

زوجه

بسوی دکھن بمقام گلبرگہ شریف سیومی میر سید محمد مؤلف کتاب
بحر المعانی از فرزندان سید عبد القادر جیلانی چارمی میر سید محمد
ہمدانی بہر رفع اشتباہ اینقدر تصریح تحریر نمود تا بازنمانم از رہ مقصود
باید نست ونیز میر سید محمد کالپی مرید وخلیفہ سید جمال اولیاء نیز
مسترشد وخلیفہ حضرت سیدنا سید شاہ ابو العلا قدس سرہ
کہ در عہد عالمگیر بادشاہ بودند ساکن شہر کالپی محلہ رامچورہ حالا
فرزندان شان لعبوررایی جمن میانندان را نام علی پور چورہ
ساختہ اند یعنے فرزندان سید شاہ ابو سعید عرف خیرات علی سید شاہ
نور احمد و سید شاہ ظہور احمد و سید شاہ سلطان احمد از مشایخین کاملین
وقت مراجعت سفر حج ملاقات ہست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
سید محمد کالپی از اجداد این فقیر ہستند مسکن حضرات اجداد بزرگوار
بمحلہ محمود پورہ ہست مسجد وخانقاہ حالا غیر آباد عمارت است در انجا کسے
از فرزندان نماند در زمانیکہ خدام انجا بودند از امتداد مدت بالا از سی سال
اینہم نیست معلوم کہ وجود انہا باقیست نامعدوم انوربادکد خدای میر سید
محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مسماۃ بی بی عزت
وکدخدای میر سید احمد از بے بے حرمت وکدخدای میر سید ارشد
کالپی از بے بے عصمت ہر سہ خواہران اعیانی دختران میر سید کمال الدین

میر سید احمد ابن میر سید محمد دہلوی شده بود دو فرزند رتبه بلند
از بطن ابن بی بی متولد شدند یکے سید جمال الدین دویمی سید
کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفته مرید حضرت سلطان
المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیه یافته
مشرف بخلافت شده مراجعت بسوی شهر کالپی کردند واضح باد
شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمه گردید و کتخدائی
سید کمال الدین که مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا آنکه دختر از دختر سید عالم علی شدند
هر یکے برادران عمزاد که خداشناس اند باید دانست میر سید جمال الدین
راسه فرزند رتبه بلند یکی میر سید محمد کالپی دویمی میر سید احمد
سیومی میر سید ارشد کالپی این هر دو برادر مرید و خلیفه برادر
کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیه و خلافت میر سید محمد کالپی را از حضرت
مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سره حصول و ایشان را بعد
اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب به سید محمد گیسو دراز
ساختند باید شنید بحضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چهار خلیفه
بودند بنام سید محمد یکے جد اعلی این خاکسار که مذکور شد دویمی میر سید
محمد گیسو دراز مخاطب بنده نواز زیدی نسبتاً فائض الانوار شان

بودند باقی از کتاب نسب نامہ تفصیل خواہد نوشت وسبب تشریف آوری
حضرت میر سید تقی الدین معہ اہل وعیال این بود کہ داؤد شاہ بادشاہ دیار
شرقی بمقام حاجی پور ابن محمود شاہ بادشاہ کالپی بمقام کالپی از مقام
حاجی پور بحضور صاحبزادگان انجا بہ عینی عریضہ پرداخت از حاضری
بسبب حب جاہ معذور معاف نمایند تصور اگر کسے از صاحبزادہ گان
درینجا معہ اہل وعیال رند تشریف خاکسار نوازی کہ مشرف از بیعت شوم
واز معاش وجہ کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوروند حضرت میر سید

تقی الدین عرف سید بوڈہی معہ فرزندان

نسبت سیوم باب دوم در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
علیہ السلام وذکر اولاد انجناب کہ باولیاء اللہ ہست نسبت نسب جعفری
بر شجرہ وثمرہ نسب واضح باد مورخین سابقین خصوصاً عمدۃ الطالب ماسید در
ذکر اولاد انحضرت نوشتہ آمد بسیار الاتحقیق کتاب بحر الانساب یافت
کہ این کتاب بالفعل ہست نایاب نوشت واز احتساب الانساب نقل این کتاب
منقول است کہ انحضرت صادق علیہ السلام را بودند ہشت فرزند شش پسر ودو
دختر پسر اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام امام زمانہ رضی اللہ عنہ
وثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چہارم حضرت محمد
پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی واسمای صاحبزادیان بی بی

ابن میر سید علاء الدین بدانید هر سه برادر شدند ذی اولاد حسب المراد
دو پسر میر سید احمد را یکی میر سید حسن دویمی میر سید حسین هر دو ذی ولد
شدند و میر سید ارشد را یک پسر میر سید محمود و یک دختر بے بی حمیده
نام اولاد ایشان در انجوار اند و سید محمد کالپی را نیز دو پسر شدند
یکی سید جلال الدین دویمی سید نهال الدین که خدای ایشان از
دختران عم گردید یا حال دریافت نشد مفصل حال لا بہ سید نهال الدین دو
پسر شدند یکی سید معین الدین دویمی سید رشید الدین و یک دختر نام
بی بی خدیجه مدعو پھول بے بے و سید جلال الدین را نیز دو پسر و یک دختر
از بطن بے بی اسما دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلانی میر سید
تقے الدین عرف سید بوڈھی جد اعلی این خاکسار و ثانی میر سید
عبد الحی یک پسر ایشان میر سید عبد المجید و یک خواهر ایشان بے بے
نعمت النسا دختر سید عبد الحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر
سید تقے الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈهی را سه فرزند از بطن
بی بی خدیجه عرف بی بی پھول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
دویمی سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینها بمحل خود
نوشته خواهد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاه محمد یسین که جد امجد این فقیر حقیر

نمودند

ہر دو خواہر اعیانی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
میر سید عبدالرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
ابن میر سید نورالدین عمر ابن میر سید مجد الدین اطہر ابن حضرت سید
عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیوم نسب نامہ مادری حضرت شہاب الدین سہروردی

بایدو انست جد مادری حضرت شیخ الشیوخ شہاب الدین سہروردی قدس سرہٗ
سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل اللہ
ابن سید عبد اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید اسد اللہ ابن سید
محمد طاہر ابن سید احمد مطہر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
عرف سید رفیع الدین ابن سید مطہر ابن سید مظفر ابن میر سید
اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی اللہ عنہ علیہ السلام

شجرہ چہارم دربیان نسب نامہ حضرت علی احمد صابر قدس سرہ

مخدوم سید علاء الدین علی احمد صابر ابن سید علی کلان ابن سید احمد
حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
ابن سید عمر مرتضیٰ ثانی ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
سید عمر ابن سید اغر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
نسب مادری آنجناب شیخ فائق یعنی خواہر زادہ حضرت بابا فرید الدین گنج شکر اند مادر حضرت سید علی احمد صابری

ام فروه و بی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یکی فرزند جاریست
اولاد بسیار درین فرقه اہل سنت بسیار و نیز فرقه امامیه نیز جعفری نسب دارند
ذکر امام زمانه در نسب چهارم خواهد نوشت تفصیل الاول نسب نسبا دری اولیا بسیار که
از فرزندان آنحضرت شده مخصوص سید خصوصا نسب مادری حضرت غوث الثقلین محبوب سبحانی رضی الله عنه

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبدالله صومعی
جیلانی ابن سید ابو الجمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر
ابن سید عبدالله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین

خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت
سید عماد الملک ابن سید عبدالله ابن میر سید علی ابن سید ابوالقاسم
ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید محمد ذکریا
ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه
باید شنید والده حضرت غوث الثقلین و والده حضرت خواجه بزرگ
هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جده مادری حضرت غوث الثقلین
بی بی عائشه نام جده مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت بے بے

راحت النساء دختر سید لطف اللہ	

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری

حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسمعیل بن خواجہ محمد بارق ابن سید نجم الدین
واصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید لطف اللہ ابن سید ابوبکر غلجی ابن سید
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ بن سید اسمعیل بن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گوالیاری ابن سید خطیر الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتشے نیشاپوری ابن خواجہ بایزید
بار باری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فرید الدین گنج شکر

والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجیہ الدین خجندی
ابن سید عماد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید محمد
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل بن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم

حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید فخر الدین خجندی

حلیمہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بروایت ثانی نام والدہ

انجناب بی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرۂ پنجم دربیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری
ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ
ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ
ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید رکن الدین
ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام
جعفر صادق رضی اللہ عنہ نام زوجہ پیر جگجوت بی بی نور دختر سید وجیہ الدین
چہار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف بڑی بوا سے جبیہ عرف بی بی
جیبہ بی بی جمال سے بی بی ہدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر زمین والدہ بی بی کمال اول
اکثر نام آن بی بی نیزوی بی بی کمال گویند جای حیرت کہ نام مادر دختر واما
انجہ کہ سند یافتم تحریر نمودم سے بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن
مخدوم سید آدم صوفی این بی بی والدہ مخدوم شاہ تمیم اللہ سفید باز بودند
بی بی جیبہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ ہمدانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک این
بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اند و بی بی رضیہ زوجہ حضرت
مخدوم شاہ احمد یحییٰ منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل نبیرہ حضرت امام

ابن سید یحییٰ ابن سید یوسف ابن سید ارشد باخدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ نہم دربیان نسب امیر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نورالدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیرالدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضات ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید یحییٰ ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید برہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج
ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

ثمرہ سیوم نسب نامہ سید ولایت علی میر سید از حضرت سید علی ہمدانی

سید شاہ ولایت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
حسن علی ابن سید محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید اعظم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجح محمد ابن سید عبداللہ ابن
سید اشرف ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدرالدین ابن سید بدرالدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد
ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطہر ابن
سید محمد مظفر ابن سید شہاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی الدین
ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطہر
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہشتم دربیان نسب نامہ سلطان سید اشرف جہانگیر قدس سرہ

حضرت سید سلطان اشرف جہانگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
عماد الدین نوربخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید علی
ابن سید محمد مہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارز الدین ابن سید جمال الدین
ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر
ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابو الحسن محمد ابن سید اسمعیل اعرج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجاپوری یکی از خلفا سید محمد گیسو دراز

سید امین الدین بیجاپوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
بیجاپوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد الفتاح
ابن سید رفیع الدین محدث ابن سید ذکریا بیابانی ابن سید احمد کاشانی
ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن

عطاء اللہ ابن حضرت سید شاہ وجیہ اللہ ابن سید شاہ نظام الدین ابن
سید شاہ ہدایت اللہ ابن سید شاہ محمد یسین ابن سید شاہ رحیم داد ابن سید
شاہ کریم داد ابن حضرت سید محمد فرید ابن سید محمد اسمعیل ابن نبیرہ حضرت
سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی اللہ عنہ کہ دو نام مخفی
نماند واضح باد دارد غہ سید لطف حسین را پنج پسر یکے سید اکبر حسین و پسر
ایشان سید محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکیم سید عابد حسین ایشان را
دو پسر یکے سید جعفر حسین ثانی ابو الحسن سیوم سید اوسط حسین
پدر سید سلطان چہارم عسکری حسین پدر محمد تقی پنجم سید ذکی حسین فی الحال
اند و میر مبتلا حسین بنی عم ایشان پسر ایشان سید عطا حسین سید مظہر حسین
وغیرہ اینقدر دانست نگاشت نسبت چہارم باب دوم در ذکر اولاد
حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام و نسبت نسب لی اللہ رافع
خصوصا حضرت خواجہ معین الدین چشتی قدس سرہ شجرہ و ثمرہ
واضح باد مورخین مذہب امامیہ فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی اللہ تعالی عنہ
شصت فرزند کردہ اند تحریر یعنی سی و هفت پسر و بست و سہ دختر از سیزدہ
فرزند اولاد جاری در باقی اعقاب نماند بدتر قیم این نقل ز عقیدتا ناگزیر
الا انچکہ در کتاب است بحر الانساب و حتساب الانساب مینویسد این فقیر
حقیر عقیدت پذیرا اسامی فرزندان آنحضرت اینست حضرت علی موسی رضا

شجرهٔ چهارم نسب مادری قاضی محمد اجمل دام لطفه

قاضی سید محمد اجمل خال الاعظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدال بخش
ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید
محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه اعظم ابن
سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت
سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سبزپوش
ابن سید علاء الدین همدانی ابن سید محمد همدانی ابن امیر کبیر سید علی
همدانی جامع کتاب اوراد فتحیه **جعفری نسب مذکوره بالا** جعفری نسب
اکثر مشایخین انجوار اند چونکه نسب نامه علی الترتیب سلسله نیافت ننگاشت
خصوصا اهل شیعه خود را اکثر بدین نسب نامند یکی ازان در قرابت و مصاهرت
این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی در این نسب اند
و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیه السلام نیز ذکی حسین ابن داروغه
سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابوالحسن ابن میر بهادر علی ابن برادر
مجتهد مستند حکیم سید عابد حسین ابن داروغه سید لطیف حسین ابن میر نصر الله
ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف الله ابن سید احمد عرف چولهای
ابن سید شاه غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین ثانی
ابن سید شاه غلام شرف ابن حضرت سید شاه دعاء الله ابن حضرت سید شاه

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه ولایت ایشان بمقام
سانبهر داده بودند حصور ماند تاحیات خطاب یافتند حسام الدین سوخته
باخر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه فخر الدین
ذی اولاد شدند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه رکن الدین کلانے
خلف ایشان خواجه زین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود
بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین
خورد کلانی که بعد آبا و اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند
ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب برہان خلف
ایشان خواجه نجم الدین پسر ایشان خواجه احمد کمال والد ایشان خواجه
شهاب الدین فرزند ایشان خواجه بایزید ثانی مقبول سبحانی حضرت ایشان
عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف
آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خدام نشناختند و انکار از فرزندی
خواجه بایزید کردند آخر بشهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد
سلطان التارکین بودند بادشاه وقت اعتماد نمود خدمت دیوانی تفویض
نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت
ایشان را کردند و دختر خود در عقد نکاح ایشان دادند اولاد جاری شد

امام زمانہ کلانی و حضرت ادریس ثانی و سیدنا ابراہیم و سیدنا موسی ثنے
و سیدنا عبد اللہ و سیدنا عبید اللہ و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
اسمعیل و سیدنا یحیی خیر انجکہ در نسب نامہ اولیاء المدیافتہ من ست نسبے نگاز انور

شجرہ اول نسب چہارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ

حضرت خواجہ معین الدین چشتی سنجری اجمیری ابن حضرت خواجہ غیاث الدین
سنجری ابن خواجہ نجم الدین طاہر ابن خواجہ عبد العزیز مطہر ابن خواجہ سید موسی
مصفا ابن سید ادریس لد حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

ثمرہ اول بر ذکر اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آوردہ اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنی متاہل شدند اولاد متعدد
حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلے اللہ علیہ وسلم نود سالگی عقد و
نکاح کردند از دختر خجستہ اختر سید وجیہ الدین مشہدی رضوی خوفی زوجہ ثانی
بی بی امتہ اللہ دختر راجہ آندیار نام دختر سید وجیہ الدین بی بی عصمت النسیا
سہ پسر و یکی دختر دران عمر شریف حضرت خواجہ در عالم الوجود آمدند میگویند
بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از بطن بی بی امتہ اللہ متولد شدند و با شیخ
رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوری سوالی کہ
اجل خلفا حضرت خواجہ بودند کتخدا شدند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ
اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجہ ابو سعید حلت کردند

خواجہ علاءالدین ابن خواجہ علیم الدین مذکور الصدر قصد سفر کردند از اجمیر شریف
فرزند یا نبیرۂ ایشان شمس العارفین خواجہ محمد داؤد چشتی از دیار مغرب قاصد
دیدامصار شرقی شدند از شہر دہلی سیر کردہ بدین نواح رسیدند جای اقامت
در محال کلیہ پسندیدند و حسب مجوزی والحاح راجہ انجا بدانجا تکیہ ساختند
بموضع کندوسی پرگنہ اکیل ضلع بہار در انجا خبر گیر فقرا وار دو صادر
کردند حالمکوقت بہر کفاف معین کرد نماقاہ شد پیدا عرس و اعراس پیران
کہ ہست شیوۂ ایشان خصوصا حاصل وریشان شامل شدند و اولاد شد
پیدا الاخود را شیخ گویانیدند واللہ اعلم در اخفای سیادت چہ بود مقصود
حالا اولاد اند فرزند ایشان خواجہ داؤد خواجہ محمد یوسف بودند لطریقہ
آبائی قایم ماندند پسر ایشان خواجہ عبدالرقیب پسر ایشان خواجہ محمد جمیل
خود را شیخ گویانیدند ولد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جا بجا در دیہات
اقامت نمودند بسبب جہد معاش صورت کفاف دانی چنانچہ قاضی جعفر علی
ساکن موضع کندوسی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند شیخ محمد لطیف ابن شیخ
محمد جمیل در موضع جان پور قریب جہان آباد جاگیر یافتہ مقیم شدند فرزند
شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در اجاگیری صورت معاش پیدا کردند شیخ
اقبال حسین غیرہ الحاصل پسر شاہ محمد سبحان بودند شیخ محمد اشرف پسر ایشان
شیخ محب اللہ پسر ایشان شاہ محمد امان اللہ عرف شیخ امان پسر ایشان شیخ

باید شنید ثمرهٔ دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
بودند فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو الخیر مطر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از انجمله
چهار فرزند شدند ذی اولاد باقی چهار را اعقاب نماندمی نگارند اولاد چهار
برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یکی زیب سجاده حضرت
خواجه گشتند بعض از اولاد مسافرت کردند اختیار سیر امصار و دیار هر گاه
بزیارت مزار رسید باجمیر شریف این خاکسار در سال یکهزار و دو صد
و شصت هجری چنین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری منصب
دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب حالا بجای شان
برادر زاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت انجناب نمود
انچه که بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین و سید علی بخش
بودند اکنون دریافت شد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
دیوانگی ماند ماسور مبارک باد ثمرهٔ سیوم روایت می نمایند هر گاه

چهار اند با مصار و دیار بسلسله نسب بربن نیافت کسی که می نگاشت الاخوند
عرف خواجه میرجان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد و از یکی فرزندان خواجه
امیر کلال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه احمد حسین دومی خواجه محمد حسین
عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبد السلام سیومی خواجه مجاهد حسین
عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یکی اند محبت بنیاد

شجره سیوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید احمد ملقب چرمپوش معه ذکر اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش

ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید خضر ابن
سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبد الکریم ابن سید
عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید
ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور
ابن میر سید یوسف ابن میر سید رکن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید
یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید تقی ابن سید عمر ابن میر سید
عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

ثمره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش قدس سره

محمد زمان و الد ایشان شیخ محمد باسط پسر ایشان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد واهب حسین که از دختر محبت اختر مولانا
غلام قادر رحمة الله علیه کدخدا شده ند مولانا مفتی عدالت بوده ند علاقه ضلع بهار
ابن شیخ غلام حیدر شاه واهب حسین از دختر مولانا تشه فرزند مولوی
منیر الدین احمد پسر کلان با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند
انتقال مولوی امیر الدین احمد پسر ثانی بعهده سرکاری هنوز اند موجود دوم
سیوم نصیر الدین احمد رفت ازین عالم بعالم جوانی الا مولوی امیر الدین احمد
کتخدا شده اند الله تعالی ذوی اولاد کند

شجره دوم نسب چهارم

باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کلال

باید دانست خواجه نور الدین امیر کلال پیر مرشد حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند
قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کلال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم
ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله
شهید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید علی ابن امیر سید حسن ابن امیر سید محمد حسین
ابن امیر سید احمد ملقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن سید شریف موسی ابن
سید ابراهیم مرتضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باید دانست
فرزند حضرت امیر نور الدین کلال چهار بودند یکی سید حمزه دویمی امیر
برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد هر فرزند تا ملا

محمد حفیظ کہ خدا شدند دختر ایشان مسماۃ لطیفہ عرف بے بے اطورو والدہ
شاہ امیر علی ابن شاہ کریم بخش ابن شاہ محمد وصل ابن شاہ غلام حیدر ابن شاہ
وجیہ الدین فردوسی سید محمد ثانی را ستہ پسر یکے سید شاہ نجف علی ایشان را
دو دختر یکے مسماۃ دُھرپن والدہ امیر علیخان ابن ہمت علیخان دوم مسماۃ
شوپن زوجہ حاجی شاہ الطاف علی یک پسر ایشان شاہ نور الحسن سیروری
کہ از دختر قاضی صابر علی کہ خدا شدہ فی ولا داند خواہر ایشان از قاضی
وصی احمد ابن قاضی صابر علی کتخدا ذی اولاد اند پسر دوم سید محمد ثانی
سید شاہ احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاہ احمد حسین دوم سید شاہ
محمد حسین ایشان را دو پسر باوشان چند دختر سیوم خلف الرشید سید محمد ثانی
سید شاہ پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاہ مخدوم بخش عرف
شاہ کلن کہ بعد عرصہ رونق خاندان زیب مشایخی دادند پسر ایشان دو
سید ولایت حسین دوم سید نور الحسین ہر دو موجود اند اللہ تعالی ترقی بخشد
وشاہ نور الحسن ثانی ابن شاہ برکت حسین نیز از فرزندان اند کہ جد بزرگوار
ایشان در آن حضرت مخدوم سید شاہ احمد چرمپوش بودہ اند بدین سبب
سکونت نیز ہست و نیز مصطفی حکیم محبت حسین از فرزند انند و دیگران نیز میگویند
چون سلسلہ نیافت نوشت نسبت پنجم باب دوم در ذکر حضرت
امام علی موسی رضا و ذکر فرزندان آنحضرت بر چہار شجرہ نسبت و ثمرہ ان

باید دانست حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش نواسه حضرت مخدوم سلطان
سید شهاب الدین پیر جگجوت اند نام والده ماجد آنجناب بی بی حبیبه مدعو جیبه
بودند و نام زوجه آنجناب غبیره اند اولاد دو فرزند رتبه بلند بودند آنجناب را یکی
مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دویمی مخدوم سید شاه سراج الدین
ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
شاه عبد الرحمان که از دختر عم کلان بی بی واسعه بنت مخدوم شاه تاج الدین
کدخدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و بهر دو برادر یک پسر و یک دختر پس سید شاه
عبد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زیب سجاده ماندند بعده خلف شان سید
شاه علی عرف مخدوم بڈه جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
سید رکن الدین مدعو منجهن ولد ایشان سید شاه محمود اعلا زیب سجاده
شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین ماندند
پسر ایشان سید شاه حبیب الله ولد ایشان سید شاه محبوب الله پسر ایشان
سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمد ولد ایشان سید شاه
سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الله ابن ایشان سید شاه
مجیب الله ابن ایشان سید شاه علی اصغر ابن ایشان سید شاه
محمد ثانی واضح باد سید شاه علی اصغر را یک پسر سید محمد ثانی و
یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم مزیدی نسب کدخدا اند ابن سید شاه

محمد حفیظ ۵

نام والدہ حضرت خواجہ قطب الدین بی بی رضیہ بنت سید محمد ابن سید علی
ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم بن سید عالم ابن سید صدر عالم ابن سید
عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن ولد حضرت
امام علی موسیٰ رضا علیہ السلام نسبت دوم ضروری نسب نامہ سید
شاہ ابوالعلےٰ مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن رضا قدس سرہ
سید شاہ ابوالعلےٰ ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد برکات ابن شاہ سید
مبارک ابن میر سید جعفر ابن میر سید مظفر ابن سید حید ابن سید شاہ ابوالمجید قدس
ابن سید شاہ ابوالبرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ ثانی
ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد خلیل ابن سید جمیل ابن سید علی بزرگ ابن سید مصطفیٰ ابن سید
عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرتع پوش ابن حضرت امام علی موسیٰ رضا
رضی اللہ عنہ علیہ السلام فخر ذریت حضرت سید شاہ ابوالعلےٰ طویل است نسبت
قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر و نیز تحریر کرامات بعد ازین خواہد نوشت کہ
نسبت سیوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بُرّی دادا الیٰ
جد امجد میر سید محامد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن میر سید ابوالفتح
ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی اصغر ابن میر
سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلیٰ ابن میر سید نوح

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام را پنج فرزند رتبه بلند و یک
دختر مجده اختر بی بی فاطمه ثانیه از همه فرزندان سلسله نسب باقیست
خود را رضوی سید میگویانند الا سید امامیه ده فرزند اند والله اعلم فرزند اولین حضرت
امام محمد تقی علیه السلام امام زمانه فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند اینهمه
اجداد سادات رضوی اند واضح باد نسب حضرت پیر دستگیر خواجه قطب الدین
اوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند خواجه قطب الدین بختیار کاکے
ارشد الخلفا حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
اوشی ابن سید محمد اوشی ابن سید احمد اوشی ابن سید حسام الدین ابن
سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
قطب الدین اهلیه سابقه را باشاره آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم طلاق داده
بار ثانی متاهل شدند از بطن زوجه ثانیه که در اقران بودند دو فرزند شدند
یکی سید احمد دوم خواجه محمد سید خواجه احمد بعمر سیزده سالگی بجوار رحمت حق پیوستند
پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بود نذر خواجه کمیر زان بعد اعقاب حضرت نماند

نام

از ولایت تشریف آوردند بصیغهٔ طالب العلمی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
بدر عالم قدس سره وارد شدند مشغول تدریس بودند روزی کرامات ایشان
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجیت
یکی از انها دهند کلانی عذر آوردند تجرد کردند اختیار چنانچه مزار ایشان
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
کرجای حلیم بی بی ممدوحه مشهور است چنانچه انموضع و دیگر دیهات معافی بقبض و دخل
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بودند از انجمله
فرزند یک فرزند سید شاه اهل الله مذکوره بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی
بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتخدائی ایشان از دختر میر مظفر حسین مرحوم
ساکن شیخوپوره شد سید فرزند علی را دو فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سره
بودند گردید لاولد ازین عالم رفتند و پسر ثانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی اند
دو ستر شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
دومی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه اظهر حسین ثانیه زوجه
سید امیرالدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحب ابن قاضی محمد بخش مرحوم

ابن میر سید ابراہیم ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید حسین عرف سید
عبد المطلب ابن حضرت امام علی موسی رضا علیہ السلام رضی اللہ عنہ انوباد
سیادات رضوی نسب متعدد بسیار بہر شہر و امصار و دیار بلکہ اکثر اند و ہیچ
از اولیاء کبار چون نسب نامہ اولاد شان مسلسل نیافت بدینوجہ ننگاشت
متعذر ماند و نیز اکثر مذہب امامیہ اند سیادات رضوی عویدار چنانچہ در بیجوارہ و سادات
ساکنان موضع انجگلہ کہ نسبت مصاہرت دارند واضح باد در زمان ماضی سلاطین
بزرگے بودند مشاہیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبد الاحد عرف قاضی بڑی
رضوی نسب بودند فرزند شان قاضی احمد علی و اولاد ایشان شد بسیار
مصاہرت واقع شد از اولاد ایشان شرفاء موضع بلتھیو و حضرت بہار
تذکرہ ذریت ایشان در تتمہ کتاب خواہد نگاشت و نیز در موضع ساتھین
ضلع پٹنہ بزمانہ قریب بزرگے بودند بمنصب قضا قاضی سید اولاد علی والد ماجد
قاضی سید تفضل حسین جد اعلی مرحوم پسر ایشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
و از بنی اعمام ایشان میر احمد حسین و میر مخدوم بخش ابن سید شجاعت علی
در آن موضع از سیادت رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید
شاہ اہل اللہ رضوی را در ینموضع مصاہرت واقع شد سید شاہ اہل اللہ
جد مادری سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ جمی ابن سید شاہ اطیب اللہ
قادری چنانچہ منقول است دو سیدزادہ بزرگ از سیادات رضوی نسب

از

سیر کرده امصار و دیار به بخارا شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدان
هر دو بزرگوار در انجا متاهل شدند بسبب شرفا انجوار سید علی بخاری را دو فرزند
شدند یکی سید احمد بداونی ثانی سید محمد بداونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید
دانیال را یکی موسومه بی بی زلیخا زوجه سید احمد بداؤنی نام ثانیه معلوم نشد
از بخارا نوبت سکونت به شهر بداؤن رسیده لهذا حضرت سید احمد سید
نظام الدین اولیا و همشیره ایشان بی بی زینب نام حضرت محبوب
الٰهی حصور بودند لا فرزند بی بی زینب دو یکے سید تقی الدین نوح
دومی سید رفیع الدین هارون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بداؤنی
را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب الٰهی برادر عمزاد
بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را تربیت ظاهری
و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف
سید طویله بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم پنڈوی بودند
سید فرید طویله بخش در بهار حسب ولایت چشتیان اقامت پذیر شدند بمحله چاند پوره
اولاد این بزرگ بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آنحضرت سید معین الدین
بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از سجاده دو فریق
شدند بسبب نسبت دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جد امجد صاحبان
چاند پوره و سید بهاء الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان تکیه خورد

دنواسه سید وحید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
معروف بودند الحاصل از انجمله از سه برادر فرزند یکی سید رمضان علی
بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سملوی دو پسر ایشان شدند
از دو زوجه یکی میر محمد حسین مع مادر سید محامد حسین نوآبادی پسر ایشان سید الفت حسین
واز زوجه ثانی خلف الرشید ایشان سید علی حسین مع سه خواهر ایشان ذی اولاد اند شادی
سید علی حسین مع بهار از دختر میر مدد حسین ساکن بارودی شده بودند دو دختران ایشان از

نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معروف

باید دانست از تحریر مورخین سابقین و نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت
سه پسر و سه دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام امام زمانه ثانی حضرت
موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد این هر دو بزرگوار بسی اولیای کبار اند جابجا
ولی الله صاحب ولایت آسوده اند بجز ارشان فایض الانوار به شجره اولی

نسبت ششم باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشایخین سید نظام الدین احمد بدایونی

حضرت سلطان الاولیاء
سید نظام الدین محبوب ربانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخاری
ابن سید عبد الله ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبد الله ابن
سید علی اصغر ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید دانیال عرف خواجه عرب از جوار عرب

قطب بخش کتخدا شدند پسر دومی شاه قطب بخش شاه درگاهی والد امجد سید شاه
حیدر بخش و شاه محمد سبحان را دو پسر سید شاه محمد مهدی کذی اولاد شدند از دختر
پسر ثانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی سید شاه محمد باقر
و سید شاه اسمعیل ایشان یک پسر سید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن
سید شاه یحیی علی کتخدا شدند یک پسر شد ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه
تبارک حسین ابن شاه تیم الله منسوب شد و شاه محمد باقر را چهار فرزند اند سید مسعود
و سید معصوم و سید مودود و دو فرزند کلانی سید محمود رحلت کردند هر یکی را بتر ین
جای نسب مصاهرت واقع است و پسر شاه محمد اسمعیل سید علی حسن نام از دختر مولوی
سید اشرف علی کتخدا شدند در حین حیات ملک بقا گشتند پسری گذاشتند سید حسن نام از دختر
شاه تبارک حسین مرحوم کتخدا است ذوی ولد نیست و از شادی دیگر حضرت
شاه محمد سلطان رحمة الله علیه را فرزندی نام نامی شاه امجد حسین که از دختر
شاه قطب الدین منیری کتخدا شدند یک دختر و پسر دارند و شاه محمد جان را چهار پسر
سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید آصف حسین و سید کبیر حسین یکی از ین رحلت نمود
باقی ذوی حیات ذوی اولاد اند

لمعهٔ دوم در بیان واقع ثانی بذریت سید شاه بهاء الدین

ابن حضرت مخدوم نصیر الدین واضح باد فرزند ثانی و حضرت بندگی
سید نصیر الدین جیوان سید شاه بهاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

اولاد ہر یکے موجود اند

لمعہ اول در ذکر اولاد صاحبان چاندپورہ

باید دانست فرزند سید محمد سلطان سید شاہ مظفر ولد الشان سید شاہ منصور
ابن الشان سید شاہ محبوب پر الشان پوان سید مسعود ولد الشان دیوان سید
شاہ عنایت اللہ ابن الشان سید شاہ امیر اللہ الشانرا چہار فرزند رتبہ بلند
کہ پیدا شد شاخ ہر یکی سید شاہ صفی اللہ ولد کلانی وجناب حضرت سید شاہ
احسان اللہ فرزند ثانی سجادہ نشین بجای پدر سیومی سید اہل اللہ چارمی
سید شاہ فخر اللہ عرف شاہ فخری ابن ہر دو ذی اولاد اند وسید شاہ اہل اللہ
را دختران بودند وسید شاہ صفی اللہ را بود ند یکدختر بی بی صبیحہ نام دختر
این بی بی را نام بی بی مسیحا زوجہ شاہ محمود اصل کہ جد شاہ امیر علے
فردوسی بودند جناب حضرت سید شاہ احسان اللہ را یک دختر موسومہ
بی بی سلطانی کہ از میر مظفر علی ابن میر سید احسن زیدی نسب کتخدا شدند
از بطن این عفیفہ دو دختر بی بی رحمانی بی بی امانی ویک پسر جناب حضرت
سید شاہ یحیی علی قدس سرہ زوج بی بی رحمانی شاہ محمد سلطان
نبیرہ سید شاہ احسان اللہ دو خلف آنحضرت شاہ محمد بخش دویمے
شاہ قطب بخش شاہ محمد بخش را دو فرزند یکی شاہ محمد سلطان مذکور الصدر
دویمی شاہ محمد جان ویک دختر بی بی واجن کہ از شاہ محمد سبحان ابن شاہ

پسر ایشان سید شاہ محمد اسحاق عرف شاہ وڑی کہ از دختر سید نجف حسین
ساکن محلہ بارہ دری کہ خدا شد غذا ایشان از چند دختر و یک پسر سید شاہ عطا حسین
ذی اولاد ہستند سجادہ آبا اجداد زینت بخش اند ذکر نسب جلیلہ مادری حضرت
شاہ آفاق و آبا اجداد شان کہ از حضرت سید محمد سعید وڑی
نشست است انو یاد جد مادری پیر مجا شاہ محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین کہ منسوب بسادات کاظمی بودند شادی
سید محمد روشن علی از دختر سید شاہ غلام محمد بن سید نور الدین بن سید مخدوم عالم
ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سعید وڑی زیدی نسب گردید و زوجہ سیدہ شاہ
غلام مخدوم دختر قاضی سید فتح اللہ خطیب کہ شادی والی بود ساکن مقام
شیخپورہ از ایشان سہ پسر شدند یکی سید نور الدین دومی سید محمد صالح سیوم
سید فقیر محمد عرف فقیرا سید محمد صالح لاولد الا سید نور الدین را سہ پسر یکی سید
غلام مجتبیٰ دومی سید غلام مرتضیٰ سیومی سید غلام محمد پس ماند سید غلام
مجتبیٰ را یک پسر سید غلام منبری کہ از دختر عم خود سید غلام محمد کتخدا شدند و سید
غلام مرتضیٰ را نیز یک پسر سید سبحان خوردا رو دو دختر یکی زوجہ شاہ محمد مبارک
ساکن محلہ چاند پورہ دومی زوجہ سید علی اکبر ساکن موضع شفیع پور و سید
غلام محمد را نیز سہ پسر یکی سید غلام حامد عرف پانچو دومی میر سید میر عرف
جھکوڑی سیومی سید تاج محمد لاولد و جد مادری سید شاہ علیم الدین پدر

شعیب الحق والد ایشان سید شاه عبید الله ابن ایشان دیوان سید شاه
عبد الوهاب چهار فرزند ایشان کلانی دیوان سید شاه عبد الواحد
بودند دو دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
حسام الدین چهارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از صبیه حضرت دیوان شاه
عبد الواحد مذکور الصدر که یکے از اجداد حضرت شاه محمد آفاق عرف شاه
محمد او نیز اجداد دیگران الا نسبت سلسله اوشان دریافت نشد شاه ذکی الدین
ثانی که پسر ایشان شاه فصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاه مراد علی پسر ایشان
شاه فرزند علی دومی شاه چمن پسر ایشان شاه نعمت الله داماد سید مرتضی علی وارث محل
دویم شاه ذکی الدین شاه محمد یحیی بودند و نیز شاه صغر حسین ابن الواجد سید شاه
عبد الکریم و یکدختر است سید شاه رحیم بخش نبیره ایشان سید عبد الکریم نام
است باقی کیفیت دیگران دریافت نشد الا نسب جدی و مادری حضرت شاه
محمد آفاق نسبت قرابت قریبه از خسر پوره این خاکسار دریافت شد تبصریح میتوسید
باید دانست سید شاه جمال الدین را دو پسر یکی سید محمد راه ثانی سید شاه کمال الدین
ایشان را نیز دو پسر یکی سید شاه غلام شرف الدین ثانی سید شاه غلام محمد
ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاه حمایت الله ثانی سید شاه منور الله پسر
ایشان سید شاه علیم الدین والد ایشان سید شاه محمد آفاق عرف شاه محمد

پسر

ویک خواہر ایشان بی بی لطیفا زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش والد شاہ
امیر علی واضح باد سید محفوظ را نیز دو پسر یکے سید رضا علی ابن سید ناصر علی پسر
شان شاہ غلام مخدوم ثانی ولد ایشان سید علی احمد داماد خورد شاہ انور علی
بلخی پسر ایشان سید علیجان ذی اولاد شدہ لاولد از جہان گذشتند پسر دومی
سید محفوظ بودند سید معصوم پسر ایشان سید غلام مخدوم پسر شان سید اشرف علی
و سید مشرف علی پسر ایشان داود علی عرف واعو و پسر سید اشرف علی سید
امام علی پدر سید مردان علی داماد شاہ تراب الحق داناپوری دو خواہر ایشان
یکے زوجہ سید داود علی دومی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین
و چہار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجہ شاہ فخر الدین مذکور دومے
مادر شاہ منگن سیومی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ
حضرت شاہ طیب اللہ موڑوی خسر شاہ محمد سجاد داناپورے ۔۔

شجرہ نسبت نسبنامہ حضرت میر سید خلیل الدین ابن حضرت سید
ابو سعید جعفر حضرت باڑہ واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابو سعید
دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال و دانشمند ابن میر سید حامد عرف سید
چاندا ابن سید محمود عرف سید پیارے ابن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین
ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبد الرزاق

شاہ محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف اللہ ثانی ابن سید فقیر محمد فقیرا ابن سید
مخدوم عالم ابن سید محمد سہروردی مذکورہ بالا جد مادری شاہ منور اللہ جد
شاہ محمد آفاق میر سیف اللہ مذکورہ الصدر و سید فقیر محمد را دو پسر و یک دختر
کلانی پسر سید سیف اللہ ثانی سید روح اللہ پسر سید سیف اللہ سید محمد حفیظ
و یک دختر زوجہ شاہ منور اللہ دومی دختر زوجہ سید زین العابدین ساکن
محلہ مفتیانہ و دختر سید سیف اللہ والدہ شاہ منور اللہ مرحوم و پسر سید
محمد حفیظ شاہ سیدہ غلام مخدوم جد مادری شاہ امیر علی فردوسی ابن شاہ
کریم بخش ابن شاہ محمد واصل شاہ امیر علی خسر ابن خاکسار و سید روح اللہ
ابن سید فقیر محمد را پسر دیگر سید محفوظ نام و دو خواہران ایشان یکی بی بی
باجو زوجہ شاہ غلام حیدر ابن شاہ وجیہ الدین کہ لاولد و بعد ازین عالم دویمے
بی بی بخچیا عرف ناجو زوجہ شاہ غلام بدر برادر شاہ غلام حیدر فرزند
رتبہ بلند شاہ غلام بدر شاہ محمد واصل جد شاہ امیر علی شادی شاہ
محمد واصل محلہ چاند پورہ از بی بی مسیحا بنت بی بی حبیبہ دختر شاہ سیدہ صفی اللہ
و خواہر شاہ محمد واصل ابن شاہ غلام محمد بی بی بیگانی زوجہ سید افضل علی
ساکن محلہ بارہ دری کہ از اولاد سید فضل اللہ عرف سید گوسائین بودند
نواسہ میر افضل علی سید خیر الدین حسین ابن سید شاہ فتح علی ابن شاہ
غلام عبد اللہ فرزند حضرت خواجہ مودود چشتی ساکن شیخپورہ خورد پرگنہ میرٹھ

و دیگر

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود نواب تفضل حسین خان
کتخدا شدند بی اولاد ازین جهان رفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لاولد رفتند
بدانید خلف کلانی جناب جعفر شاه وارث علی صاحب نام نامی منزلت گرامی سید
اولاد علی صاحب که زیب سجاده آبائی بودند دو دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی
مذکور الصدر لاولد ثانی زوجه سید قادر احمد فوقی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد اجمل ابن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید شاه
امیر الدین زیب سجاده جد مادری شده نام سخاوت برده لاولد ازین عالم
رفتند دویمی سید منیر الدین ازینجهان رفتند بی اولاد سیومی سید شاه
مهدی حسین که بخوبی تمامی موصوف اند از محل اوّل یک پسر دارند سید احمد حسین
نام چهارمی پسر لیاقت و هنر سید شاه لطافت حسین بمروت و سخاوت
معروف اند کدخدای ایشان از دختر سید شجاعت حسین مرحوم گردیده اند
دختر شاه ابراهیم حسین نواسی بودند الحاصل یک پسر است ایشان لطافت حسین از
سید شاهد حسین که پر لیاقت هست خاکسار شاهد کتخدای آن از دختر مولوی
شاهد حسین گردیده و دختران اند یک پسر و پسر هم الله تعالی مسرور دارد و میر شجاعت حسین
جد مادری عزیزی سید شاه حسین ابن میر فرحت حسین ساکن موضع بهوا اقامت خود آبا
بسر کردند باعث انتظام معاش علاقه درگاه پیر دمڑیا که شجره نسب از
نسبت نشیم باب دوم در ذکر نسب نامه وحید الدین جلیکش قدس سره

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالعزیز ابن میران سید حسین خنگ سوار اجمیری
ابن سید شاہ برہان الدین ابن سید شاہ ابوالموئید ابن حضرت سید ابراہیم
ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذکر ذریت این حضرات بتصریح انیکہ
سید جلیل الدین ابن سید محمد جعفر را سہ فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان
سید محمد جاہ دومی سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد باسیومی کہ از ہمہ بود
کلانی سید صاحب عالم یک صبیہ ایشان بی بی زہرہ کہ از سید ابراہیم خواہرزادہ
سید حبیب عالم منسوب شد یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی مخدومہ زوجہ
میر مظفر حسین شیخپوری بود و پسر میر مظفر حسین سید امید علی کہ از دختر شاہ احمد علی
کتخدا شدند سید سعادت علی پسر ایشان ہستند دو دختر از میر فرزند علی ابن میر عنایت علی
رضوی کتخدا شدند و پسر عالیقدر ایشان کلانی میر فرحت علی کہ از دختر میر سید
اولاد علی ابن سید شاہ وارث علی کتخدا شدند لاولد ازین عالم رفتند پسر ثانی
میر اسمعیل علی بار چند شادی ایشان سہ دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی دومی سید احمد حسین فی الحال اند
و از دختران کلانی زوجہ شاہ ناظر حسین بہاری ثانی زوجہ سید امیر الدین نوابادی
ثالث زوجہ پیاری صاحب پسر بی بی زہرہ زوجہ سید ابراہیم حضرت شاہ
سید وارث علی بود سہ پسر ایشان یکی لاولد ازین عالم رفتند دومی
میر فائض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخپورہ ساکن حال میر فائض علی

یکدختر و یک پسر مخدوم عبداللہ عرف سید سجاد اکبر کتخدائی ایشان از بی بی مخدومہ دختر سید مبارک ابن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری ولپسر سید شہاب الدین جونیری سید زین العابدین کتخدائی ایشان در اوان شد یک دختر ایشان بی بی حفیظہ کتخدا شدند از سید ابو محمد پیاری خلف سید سجاد اکبر پس سید ابو محمد پیاری را چار پسر شدند یکی سید مسیح الدین دومی سید فصیح الدین ہر دو لاولد الا سیومی سید امام الدین ساکن موضع سنیر پلاسی ذی اولاد شدند اولاد ایشان در انجوار قصبہ سہار ضلع آرہ و موضع پلاسی بزرگان مولوی آل احمد رہائی مخدوم پور گور و ایسے گذرا ول یکی از ان شاہ امیر حیدر و شاہ خمیر حیدر وغیرہ و در بہار میر مرتضی بخش و محمد بخش وغیرہ الاخلف چارمی علیم الدین عرف شاہ بھیکہ از انجا در قصبہ بہار آمدہ اقامت پذیر شدند رونق بخش سجادہ حضرت مخدوم الملک شدند اولاد شان کثیر ہمہ مخدوم زادہ سابہ حضرت اولاد ایشان ہستند مفصل در ضمن احوال حضرت مخدوم الملک خواہد نوشت کہ طول است شجرہ نسبنامہ حضرت خواجہ ابو یوسف ہمدانی مقتدای سلسلہ نقشبندیہ تقوی نسب بدانید حضرت خواجہ ابو یوسف ہمدانی ابن خواجہ عبد اللہ ثانی ابن خواجہ قطب الدین یوسف ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظہر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید یحیی ابن سید موسی ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن

کہ خواہرزادہ حضرت خواجہ نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
بودند قدس سرہ سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاہ حسن
مصدق ابن سید شاہ عباس ابن امیر سید علی ابن سید شاہ حیدر ابن سید قاسم
ابن حضرت موسی مبرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام رضی اللہ عنہ
باید دانست سید وحید الدین چلہ کش کتخدا شدند از بی بی بارکہ دختر حضرت
مخدوم شاہ ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاہ شرف الدین قدس سرہ
بدانکہ پدر سید وحید الدین سید شاہ علاء الدین سہ برادر بودند سید سکندر علی
و سید شمس الدین ابنان سید حسن مصدق سید شمس الدین عم شان کتخدا شدند
از بی بی رقیہ بنت مخدوم شاہ جلیل الدین کہ برادر کلان حضرت مخدوم الملک
قدس سرہ بودند از بطن این بی بی دو دختر یکے بی بی ماہ خاتون دویم
بی بی جمال کہ از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند ذی اولاد شدند
و کلان دختر کہ از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لا ولد رفتند
از نیجہان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم بڈی بودند معروف ابن سید مبارک
فرزندان شان بموضع کھرانٹ موضع اوترالاری موجود اند میر بشارت علی
کھرانٹ و میر ابو القاسم اوترا باقی کیفیت سید وحید الدین چلہ کش این است
معروف است کہ از بطن بی بی بارکہ یک دختر موسومہ بی بی زہرہ منسوب
شدند از سید شہاب الدین جویری علوی نسب از بطن بی بی بارکہ بی بی زہرہ

واضح باد جد ما جد مخدوم شاہ درویش مخدوم ابوسعید کشبہ نواز نواسہ اند سید
ابوجعفر لاڈ کنٹہ نواز نسب نامہ سید ابوجعفر بدینطور سید ابوجعفر لاڈ کنٹہ نواز
ابن سید شاہ حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبد الرزاق کہ از اولاد حضرت
غوث الثقلین محی الدین سید عبد القادر جیلانی اند چونکہ نسب بالا با نحضرت
با دراک رسید از تحریر متعذر گردند الا حاجی نور العین خواہرزادہ و پسر خواندہ جانشین
حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ
تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکہ حضرات کچھوچھہ موضع بتیورا سلسلہ نعمت
و بیعت از آنجناب ہست خود را اندر بیت آنحضرت دانند مقصود از اولاد حسین الا
و آنجناب بذات خاص حضور بودند مجرد و متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
قتال در مقام کچھوچھہ الا اولاد سید ابوسعید بموضع بتیو ضلع گیا است باید دانست
مخدوم شاہ درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی بی لاڈو کہ از مخدوم خوند شیخ
منسوب شدند از انجملہ پسران یکی پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر کہ در جوار
پدر آسودہ اند لا ولد دویمی سید حامد عرف سید چاند بموضع شیخپورہ متصل بیچورہ
سکونت کردند اختیار نمودہ جوار مخدوم شاہ مبارک جد بزرگوار ذی اولاد در
شیخپورہ مشہور است سیومی مخدوم شاہ محمود کہ در پائین مزار پدر نامدار آسودہ اند جانب
مغرب جنوب اولادشان نیز یک فریق جاری مخدوم شاہ محمد پسر کلانے
جانشین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پہلوی مزار ہست جانب شرقی

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مرقع پوش ابن حضرت امام محمد تقی
علیہ السلام از اولاد حضرت خواجہ ابو یوسف ہمدانی در دیار فارس مستند الاولیٰ
خواجہ فرید الدین و حاجی علاء الدین و سید نجم الدین مدعو شاہ فدا حسین بیچ سوئی شانے
مشرب اند و از فرزندان خواجہ فرید الدین دبیر الدولہ خواجہ وحید الدین
و خواجہ زین العابدین بودند

لمعہ نسب نامہ حضرت خواجہ محمود الخیر فغنوی سرآمد سلسلہ نقشبندیہ

خواجہ محمود الخیر فغنوی ابن سلطان امیر یحییٰ ابن امیر سلطان ابن سید رکن الدین
ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
مطہر ابن سید عبد اللہ ابن سید حسن ابن سید یحییٰ ابن سید موسیٰ ثانی ابن سید
احمد ثانی ابن سید موسیٰ اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسیٰ مرقع پوش
ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذریت ایشان نیز در بخارا ست

لمعہ ذکر نسب نامہ سید مخدوم شاہ درویش بیتہوی تقوی نسب معہ بیان ذریت ایشان کہ موجود اند

مخدوم سید شاہ درویش بیتہوی
ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن مخدوم شاہ ابو سعید ملقب کنڈہ نواز ابن
مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاہ صفی الدین
ابن سید اعز الدین ابن سید حامد ابن سید حسین ابن سید موسیٰ ابن سید احمد
ابن سید محمد اعرج ابن سید احمد ابن سید موسیٰ مرقع ابن حضرت امام محمد تقی

علیہ السلام

سید مبارک اشرف سه برادر دویمی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف
دویمی خواهر مولوی صاحب مولوی سید کاظم علی منسوب بودند لاولد شدند
اولاد سیومی سید امداد اشرف عرف اچهن میان دویمی برادر شان سید
امانت اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر
چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمعهٔ دوم در ذکر اولاد سید شاه محمود
سید مظهر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید شاه غلام حسین ابن سید امیر الله ابن
سید منیر الله ابن سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
شاه محمود ابن مخدوم شاه درویش نهیوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
امیر الله را سه پسر کلانی سید شاه غلام حسن الشان زاده و پسر دو دختران فرزند کلانی
حکیم سید مظهر احمدی یک پسر الشان سید منظور احمدی ذی ولد دویمی سید
احمدی هشت ساله بمرد و دو دختران یکی خواهر زاده خود سید محمد حسن کتخدا کردند
دختر دویمی از سید حسن رضا ابن سید راحت حسین شادی شد ذی اولاد اند برادر سید
منظر احمدی سید راحت حسین داماد سید شاه عبد الکریم مانپوری اولاد ایشان
چهار یکی سید حسن رضا مذکور دویمی سید علی رضا سیومی سید محمد رضا چارمی احمد رضا
نوجوان بمرد پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
مولوی سید رضی الدین حسن ولد پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
سید شاه غلام حسین مرحوم دو فرزند ایشان سید امیر الدین و سید نسیم الدین ثانی

لمعهٔ اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نوازش رسول
چهار برادر کلان ایشان ثانی سید وحید اشرف سیوم سید هادی اشرف
ایشان از دو پسر دو دختر چارمی سید هاشم مغفور یک دختر ایشان از بنی عم منسوب است
یعنی از پسر سید وحید اشرف مذکور و مولوی سید نوازش رسول را از محل اولی یک دختر
ذی اولاد و از محل ثانی سه دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه
غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد ازین
خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک پسر ایشان سید نادر علی
ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید هادی اشرف کتخدا و دومی سید نسیم الدین
ابن سید نظام الدین احمد کتخدا اند همه ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک
سید شاه مجتبی را دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری معروف و سید شاه
غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر پسر را دیگر یک برادر
بودند اولاد شان هستند الامام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل بن سید شاه علی ابن
مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
سید اسمعیل حکیم منظر حسن تمهوی و از اولاد سید حافظ سید خرم حسین ابن سید مکرم حسین
و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاده سید غلام رسول

سید

شجرہ دوم نسبت ہفتم باب دوم در ذکر نسب نامہ و اولاد خواجہ قطب الدین مودود چشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چشتی ابن خواجہ ابو یوسف چشتی ناصر الدین کہ خلیفہ خال خود خواجہ ابو محمد چشتی بودند خواجہ ابو یوسف چشتی ابن خواجہ سمعان ابن خواجہ سید ابراہیم ابن سید حسین ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین اصغر ابن حضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ مشہور باد حضرت خواجہ عبد اللہ چشتی ابن خواجہ سید اسد اللہ چشتی از اولاد حضرت خواجہ مودود چشتی از مقام تھٹہ بھکر وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان شنیدہ بزرگوار ایشان نیز معہ اہل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشان را منزوی یافتند بقریہ شیخپورہ خورد پرگنہ ترہت ضلع بہار آخر کار دران جا صورت اقامت بست مرید و معتقد شدند آنجا در خانقاہ و مسجد کردند طیار و از امین بطور آئمہ حاصل کردند دہ یازدہ چکوگ جہت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین وقت تصور دیدہ بہر کفایت اہل و عیال کردند قبول نسب نامہ ایشان

تا حضرت خواجہ مودود چشتی و ذکر ذریات شاہ عبد اللہ ابن شاہ اسد اللہ ابن سید برہان الدین ابن سید عبد الرحمان ابن خواجہ محمد جان ابن خواجہ محمد سمعان ابن خواجہ منظور ابن خواجہ قطب الدین مودود چشتی الحاصل فرزند خواجہ سید عبد اللہ ابن سید اسد اللہ خواجہ قطب الدین ثالث بودند و لد ایشان سید تاج الدین محمود ابن ایشان شاہ عنایت اللہ

اکثر مشایخان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است ثم
نسبت ہفتم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام منبعه سلسله ذریت شان
باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر باتفاق فریقین
از هر فرزند اولاد اند النور باد پسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
امام زمانه ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد
ایشان یافت نگاشت که از هر یکے اولیا نامدار اند شجره اولی نسبت ہفتم

باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین

مخدوم جهانیان جهان گشت سیادت بخاری منسوب ایشان اند مخدوم
سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید
جلال الدین بخاری بزرگ صاحب توشه ابن سید ابو المؤید بخاری ابن سید محمد
جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد الله ابن
سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری مرید
حضرت مخدوم بهاء الدین ذکریا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ
بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح
رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ
بخاری بمقام اوچه آسوده اند مخدوم جهانیان در چاتگام اند

زوجہ سید شاہ علی احمد ابن سید غلام مخدوم ساکن رھوی کدخدا شدند
چند دختران ایشان و خلف ایشان سید شاہ علیجان رحلت کردند نوجوان
اعقاب نماند الا سید شاہ فتح علی را از شادی نمائی کہ از دختر سید افضل علی
ساکن محلہ بارہ دری شد یک پسر و یکی دختر بوجود آمدند نام دختر بی بی
لطیف النسا زوجہ شاہ علی بخش ابن شاہ محمد واصل فردوسی از بطن این بی بی
دو پسر و یکی دختر یکی پسر طفل و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی
مراد ن النسا زوجہ میر متقرب حسین ابن مولوی اطلاسیم علی کابری را سہ فرزند شد
دو طفل یکی نوجوان سید بشارت حسین نام بی کدخدائی فوت شدند عقاب نماند
و نام پسر شاہ فتح علی سید شاہ خیر الدین حسین کہ بسیار مغرب بعاید روزگار عمر
بسر کردند نام آوری پیدا کردہ بکمال عزت و جاہ در شہر متھرا رحلت کردند
کسی اولاد نشد پسر دوم شاہ محمد فصیح بودند سید شاہ محمد ملیح ایشان را نیز دو فرزند
رتبہ بلند یکی سید ابراہیم حسین و پسر ایشان یکی سید حشمت علی بدر سید وصی علی
دومی سید امجد علی بدر سید عباس علی این ہر دو داماد شاہ فخر الدین حسین
لا ولد رفتند از عالم پسر دوم سید شاہ محمد علیم سید شاہ رحمان حسین با ایشان نیز
دو فرزند رتبہ بلند یکی سید شاہ فخر الدین حسین و دومی سید شاہ لطف حسین با ایشان
یک پسر سید وزیر علی و یک دختر کہ از سید موسی رضا ابن شاہ علی رضا کدخدا
شدند آخر لا ولد رفت از این عالم و شادی سید شاہ فخر الدین حسین از خواہر

انور باد که انجل ثانی شاه سید تاج الدین محمود را اولاد کثیر از متاز سهر کے ملاقات
است حاصل الاخلف الرشید شاه سید عنایت الله را خلف شاه سید محمد فصیح
الله پسر ایشان یکی سید محمد وجیه الله دوم پسر ایشان سید کریم الدین جدّ مادری
سید شاه مرد الغنی ابن سید امام علی ساکن نهوسی دوم سید رمضان علی
پسر ایشان میر بشارت علی پدر سید محمد مهدی ولد دوم شاه سید محمد فصیح شاه سید
غلام عبدالله ولد ایشان شاه فتح علی عرف بهوری شادی اول ایشان
بی بی مسیحا از خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی گردید از بطن
این زوجه یک پسر و یک دختر شد نام دختر بی بی وصیحه زوجه میر امجد علی
مادر میر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوجه سید حمایت حسین آنگلوی
یک دختر ایشان را از خواهرزاده ایشان سید الله بخش کتخدا شده ذی اولاد اند
پسر شاه فتح علی شاه انور علی کلان مسماة ذاکره بنت شاه محمد واصل فردوسی
که عم شاه امیر علی فردوسی بودند کتخدا شدند سه پسر ایشان عابد حسین و احمد حسین
زاهد حسین بطفولیت مردند الا سه دختران ایشان یکی مسماة حیاتن زوجه
میر رضا علی ابن میر یوسف علی عظیم آبادی پسر ایشان سید فدا علی یک دختری
دارد باقی سه خواهر اند سید فدا علی دو دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف
بخشنا زوجه شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسر این خاکسار سوم دختر ایشان
و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر و یک دختر موجود سومی دختر مسماة براتن

بالصواب ازانجا کہ این خاکسار دو نسب نامہ یافت منسوب بآنحضرت و آن نسب
است یکے از اولیاء کبار عالی تبار آنرا مینو لسید یکی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہاء الدین
نقشبند دومی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا علی علی کاتبان باشد نسب حضرت
امام علی نقی علیہ السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچہ نزد این فقیر حقیر بود
موجود تحریر نمود شجرہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد
بہاء الدین نقشبند قدس اللہ سرہ خواجہ محمد بہاء الدین نقشبند ابن خواجہ
محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید برہان الدین
بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین ملقب محبوب ابن سید حسین اکبر
ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رومی ابن سید حسین مقبول ابن
سید حسین محمد نقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست ہنوز اولاد حضرت خواجہ
در بخارا تشریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آوردہ بودند خواجہ معین الدین
نام بود عرصہ چہل و پنجسال بود و ہمینقدر عمر نیز داشتند خود را از اولاد آنحضرت
میگفتند بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر درد متخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند
آنحضرت دہلوی از کتاب رشحات و شجرۃ الیقین حسین دریافت شد کہ حضرت
خواجہ را دو پسر و چہار دختران شدند نابالغ و نابالغ از بیعالم رخت ملک بقا بستند
جز صاحبزادی خورد کہ نام بود فاطمہ ثانی منسوب از خواجہ علی شدند کہ ملقب بودند

سید امام علی ابن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد دو دختر و سه پسر
کیفیت دختران مذکور شد پسر اوسط سید سخاوت حسین نوجوان بمرد و پسر سیوم
سید شجاعت حسین داماد شاه امیر علی همزلف راقم التحریر دو پسر و دو دختر ایشان
هستند نام پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین و پسر کلان شاه فخر الدین حسین سید
الفت حسین که از دختر ماموں خود میر امام علی کد خدا شده اند از بطن آن عفیفه
چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چهار خواهر یکی زوجه شاه فخر الدین حسین
دومی والده شاه منگن پسر سیومی دریافت نشد الا چهارمی زوجه سید محمد عاصم
کر نواسه ایشان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند داناپوری ازین بزرگان
واسطه قرابت و مصاهرت بود کیفیت همه نسبت بتصریح تحریر نمود و بقیه اولاد
محل ثانی سید تاج الدین محمود که دو دختر دویم اند کیفیت دریافت نشد ٭

نسبت هشتم باب دوم در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه

بیان ذریت شان واضح باد در بیان فریقین مذهب اهل سنن و
نیز اهل شیعه اولاد این امام الهمام بجز حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
دیگر نیست زعم اهل تشیعه که آن امام زمانه صاحب الامر اند در غیوبت اند بمقام
سر من رای بوقت موعود ظهور خواهند نمود ازان غار و بیان اهل مذهب
سنیان اینکه آن امام را فرزندی بوجود آمد مسمی محمد نوجوان رحلت نمودند
از عالم و آنکه در ظهور آیند این محمد مهدی موعود اند ابن سید عبد الله والله اعلم

لمعه در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهار قدس سره که مزار واقع باره دری

باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلند یکی سید احمد معروف
سید بڑی که از بهار برخاسته خاطر گشته سکونت کردند اختیار بمقام کوڑه اولاد
شان آنجا هستند دویمی سید منیر الدین محمود در قصبه بهار رونق سجاده کردند
اولاد اند در انجا منسوب بدو فریق سنیه و امامیه اکثر الحصول خلف سید نصیر الدین
بودند سید محمود را دو زوجه سید نصیر الدین را از هر دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
اولی شش پسر یک دختر بی بی مریم نام دختر بی بی مریم شاه اهل بیت قادری
مبارک حسینی و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یکی سید تقی الدین
که بودند سجاده نشین دویمی سید صفی الدین سیومی سید زین الدین پس بدانید اولاد
سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخپوره تصحیح نسب دریافت نشد الا اینکه
میر مظفر حسین پسر ایشان میر امید علی پسر ایشان میر سعادت علی نواسه شاه سید
احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یکی سید رکن الدین دویمی سید
صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یکی سید تاج الدین لاولد دویمی سید
منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سه خواهر
ایشان اولاد یکی ازین دختران شاه سید مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فردوسی
و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد وصل فردوسی بدانید میر افضل علی
ابن میر اکمل علی که از ذریت سید فضل الله بودند و سید صابر علی ابن سید رکن الدین

از خواجه عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد خلعاء ثانی دو فرزند ایشان
شدند یکی خواجه حسن عطار ثانی خواجه حسین عطار و لد خواجه حسن عطار خواجه
یوسف عطار بودند زان العبد معلوم نیست کیفیت بالتصریح **شجره دوم**
در نسب نامه سید شاه صادق حسینی رحمة الله علیه
که مشرب طریقه قادریه داشتند مزار فیض آثار بدیار جنوب بقصبه گلشن آباد است سید شاه
محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
محمد راجع ابن سید اسد الله ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی
ابن سید محمد حسینی ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و
شصت سال بود باشغال بهادریه فرزندان این بزرگ در قصبه گلشن آباد عرف ناسک
اند کثیر الاخلیفه این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرسه
معموره بمبئی هستند از اولاد این بزرگ اند از بیان شان نسب نامه مینگارد مولوی
سید عبد الفتاح اشرف علی ابن سید عبد الله کاهی ابن سید شمس الدین علی
ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید عبد الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
سید اسد الله عرف سید شیر محمد قادری ابن سید شاه محمد صادق حسینی
سید اشرف علی نیز مقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان
شد ازینجا در ذکر اولاد بزرگان بلمعات می نویسد

ویکے ازان سید موسیٰ رضا قادری و سید شاہ غلام بھیک پسر ایشان سید امین الدین
اند واضح باد جناب سید شاہ اطیب بودند برادر چہار نواسہ برادر کلانی سید شاہ
کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاہ کھوسی دویمی سید شاہ
عبدالکریم پدر سید عبدالجلیل و خاص شاہ اطیب را دو پسر و دو دختر پسر کلانی سید شاہ
عبدالرشید عرف شاہ جمی از دختر عم خود در خود کتخدا شدند بود دختر ایشان شدند
یکے از سید فضل حسین ابن میر سید احمد حسین نوابادی کتخدا شدند کہ خواہرزادہ نیز اند
دویمی از سید محمود ابن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا اولاد یکے نماند برادر دوم
سید شاہ جمی سید امیر اللہ عرف بودی بودند از محل اولی ایشان اولاد نشد الا از
محل ثانیہ اولاد یک خواہر سید شاہ فضل حسین مذکور الصدر و دو خواہر ایشان ہر یکی ذی اولاد
لمعہ در ذکر نسب و ذریت مخدوم سید شاہ تیم اللہ سفید باز ابن مخدوم شاہ حمید الدین
واضح باد سید شاہ عبدالرشید عرف شاہ ڈومن ابن سید عبدالوحید عرف شاہ چمن ابن
سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید عبدالاحد ابن سید محبوب عالم
ابن سید عزیز اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن سید محمد فرید ابن سید شاہ رحیم اللہ ابن سید شاہ
فہیم اللہ ابن سید شاہ اسمٰعیل ابن سید محمد جمیل ابن سید کریم اللہ عرف حاجی محمد بھیک
ابن سید شاہ نعیم اللہ ابن مخدوم شاہ تیم اللہ سفید باز نسب بالا و نسب نامہ حضرت
آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشائخین را
نسب مادری از جانب مخدوم شاہ تیم اللہ سفید باز ہست الا اولاد آنحضرت حضرت

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الاد و دختران بودند بسید صابر علی
از یکی دختر پسر شد سید محمد اسلم نام پسرشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع
کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند ختیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
سید صابر علی و سید محمد مکمل بودباش بقصبه باڑه کردند ختیار اولاد ایشان
درانجوار باقی او لاد از وجه ثانیه سید نصیر الدین که پسران شدند چهار یکے سید عاشق علی
دویمی سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید علی نقی سید محمد تقی اولاد ایشان
در قصبه بار بعد قرین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الاملاقیان ابن خاکسار
بسیار یکی از عمائدزمان سید امام الدین حسین و سید امداد حسین و سید غلام نجف و میر شاه علی
و میر فرزند علی و میر اکبر شیر مذهب امامیه الاسید شاه وارث علی مذهب سنیه داشتند از انجاکه
ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت غوث الثقلین سید عبد القادر جیلانی اند
لمرقومه و در ذکر نسب نامه میر سید محمد قادری امجهری تفصیل ذریت آنحضرت
مابعدشان باید دانست سید شاه عبد الرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه
الطیب الله قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
ابن سید شاه عبد الرشید قادری ابن سید شاه ابو المعالی قادری ابن سید شاه
عبد الرزاق قادری ابن سید شاه ابو المظفر قادری ابن سید شاه معین الدین
قادری ابن سید شاه محمد قادری امجهری نسب بالاشان نوشته شد حاجت تحریر
نیست چنانچه اولاد یکے از اولاد سید محمد عیسے ابن سید حسین علی امجهری اند

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و دو برادر متفرق شدند دیگر جا سکونت

کردند اختیار اولاد ایشان هم کثیر شد دران دیار تا آنکه سکونت کردند اختیار اولاد یکی و شاه

فیض علی و الله شاه ولی احمد بلخی دویمی سید شاه عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سید شاه

انور علی حالا در آنجا انهم نماند انحلال از ذریت بلخیان خیرآباد است و در انجا سکونت مردم باقی

است الا یک فرزند حضرت مخدوم ملا احمد لنگر دریا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور

کردند اقامت اختیار ذریت شان در انجوار ترتیب اسامی بزرگوار انها معلوم نشد الا از انجمله

شاه غلام شهنشاه با ایشان پسر یکی سید شاه احمد حسین که پسر شان سید شاه واهب حسین اند

دویمی سید شاه احمد حسین سیومی سید شاه عبد العلی پسر ایشان سید محمود اند دفعه ثانی

سید شاه فخر الاسلام که بجنید واسطه نسب بحضرت مخدوم احمد لنگر دریا میرسد خلف الرشید

ایشان سید شاه فهم الله چهار پسر ایشان کلانی سید شاه توشته التوحید و دو دختر ایشان

یکی زوجه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر

معلوم نشد خلف ثانی شاه فهم الله قاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر

ایشان دختر منسوب از شاه محمد واعظ مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید داماد

عم کلانی خود شاه توشته التوحید منکوح الصمد یک پسر ایشان محسن التوحید داماد

مولوی محمد واجد ابن قاضی طهارت التوحید و دو دختر قاضی احسن التوحید

کدخدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر سیوم قاضی طهارت التوحید

پسر سیومی شاه فهم الله قاضی طهارت التوحید

شاه دُومن بودند شادی ایشان از خواهر شاه نور الحق ابن شاه عبد الحق ولد
حضرت شاه محب الله قادری شد یک پسر ایشان شاه محمد اشرف عرف اچھو میان که از
خواهر مولوی شاه عبد الغنی کتخدا شدند سه پسر شدند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
محمد رضی دویمی مولوی محمد ابراهیم لاولد سیومی مولوی محمد وحید الله با جد شاه وحید الحق
و دختر شاه دُومن علیه الرحمة مسماة وصیة النسا از سید شاه اولیا علی عم المحترم
این خاکسار کتخدا شدند یک دختر ایشان که از منشی سید عبد العلی خوشنویس کتخدا شدند
لاولد ازینعالم رفتند لمعه در بیان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت
مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه
شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه معز بلخی ابن سید شاه شمس الدین را
فرزند ارجمند مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب توشة التوحید سه فرزند
رتبه بلند یکی ازان مخدوم شاه سلیمان که لاولد رفتند ازینجهان نوجوان
دومی مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کهیری بانید لو
اند و نیز در انجوار از اولادشان نامی منزلت گرامی شاه رستم علی بودند
سیومی فرزند که از همه بودند در حسب بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پدر عالی تبار
شدند فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگر دریا ابن
مخدوم شاه حسن بلخی سمند توحید بودند فرزند ایشان چهار از هر یکی شاخ
نمونه دار چنانچه دو فرزند نمودند چهار اما اجداد اولسبنی که نیز ده در انجا ماندند در محله بلخی

گرد

شاہ ولایت علی بلخی نسب اند یعنے شاہ ہدایت علی بلخی چنانچہ بجای فرزند
جد مادری خود اند شاہ صاحب ممدوح ذکر نسب سید شاہ عسکری عرف شاہ
لشکری ساکن محلہ بلخی از اجداد بزرگان خسرو پورہ باید دانست سید
شاہ حسن عسکری عرف شاہ لشکری ابن سید شاہ محمد مہدی علی ابن سید شاہ
حسن علی ابن سید شاہ رحمۃ اللہ ابن سید شاہ صدر الدین عرف شاہ بدلن ابن سید
حسام الدین ابن سید شاہ سیف الدین ابن سید شاہ سلطان محمد درویش
ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاہ حسن عسکری از دختر عم خود بی بی مصاحبہ
دختر شاہ محمد اشرف کہ خدا شد بلا اولاد ایشان نشد الا دو خواہران ایشان بودند
یکے مسماۃ نصیرا زوجہ شاہ درگاہی علی و دیگر مسماۃ مسیحا زوجہ شاہ فتح علی مرحوم
از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر مسماۃ وصیحا زوجہ میر مجید علی برادر میر عباس علی
و مسماۃ شرفا زوجہ میر حمایت حسین و نام پسر شاہ انور علی زوج مسماۃ فاکرہ بنت
شاہ محمد واصل فردوسی سہ دختر ایشان یکے از ان خوشدامن اینجا کمترین
مذکور الصدر را نیز ساکنان محلہ بلخی بودند لمعہ ذکر نسب سید شاہ
ولی احمد بلخی یکے از ساکنان محلہ بلخی متصلات بہار سید شاہ ولی احمد ابن سید
شاہ فیض علی ابن سید محمد طاہر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاہ عبد المجید
ابن سید شاہ صدر الدین ابن سید شاہ حسام الدین ابن سید شاہ سیف الدین
ابن سید شاہ سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا واضح باد

ایشان داماد شاہ محمد واعظ ابن سید شاہ فیض اللہ الحاصل یک دختر و چہار
پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد واجد سہ پسر ایشان و چہار دختر دو دختر یکے بعد
دگیری از مولوی محمد باقر ساکن بیر بگہہ منسوب ی اولاد اند ازان دو یکے دختر
زوجہ میر ارشد ابن میر خادم حسین و یکی زوجہ سید محمد محسن التوحید مذکور الصدر
ذی ولد اند دختر قاضی طہارت التوحید مرحوم زوجہ قاضی سید تفضل حسین ابن قاضی
سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رضا و سید محمد کاظم پسر دیگر قاضی طہارت التوحید
مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاہ محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد واعظ الحق و پسر سیوم شاہ فہیم اللہ
سید طیب التوحید داماد سید فرزند علی ساکن گورگئین سہ پسر ایشان یکی سید
حبیب التوحید دومی سید قمر التوحید پسر ایشان دو یکے نعمت التوحید دومی رحمت التوحید
و یک دختر ایشان زوجہ سید عمر دراز خواہر زادہ اینخاکسار و پسر سیوم از نام نسب التوحید
ہست نام پسران شاہ محمد واجد سید عبد العزیز و سید شرف الدین و محمد غوثی

ذکر نسب سید شاہ ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد

والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاہ میر علی و شاہ ابدال بخش بن شاہ پیر علی
نواسہ سید شاہ کمال الدین بلخی ابن شاہ محمد عاقل بلخی ابن شاہ سید شاہ عبد اللطیف
بلخی ابن سید شاہ ولی بلخی ابن سید شاہ درویش بلخی ابن سید شاہ ابراہیم بلخی ابن سید
شاہ سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا و نیز جد مادری خاص سید

مجاز بودند و سید شاه امام بخش ابن شاه بنده علی ابن سید شاه محب الله ابن
سید شاه فصیح الدین از اولاد پسر چهارم مخدوم سید احمد لنگر دریا و سکونت ایشان نیز
بموضع بهار پوره متصل مزار فیض آثار حضرت مخدوم سید شاه حسین نوشه توحید
قدس الله سره بلکه اکثر مزار ایشان در انجا است لمعه در بیان نسب حضرت
سید شاه محمد تقی رحمة الله معه ذکر آبا و اجداد و اولاد ایشان سید شاه
غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بلخی ابن سید شاه غلام معز
ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بلخی
ابن سید شاه دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون بلخی ابن سید شاه
محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراهیم ابن حضرت مخدوم سید شاه
احمد لنگر دریا قدس سره و واضح باد حضرت شاه برهان الدین را دو خلف
بودند یکی سید شاه غلام معز والد ماجد حضرت شاه محمد تقی و دومی سید شاه غلام مظفر
والد ماجد سید شاه مخدوم بخش بالیشان یک پسر مولوی کفایت علی پدر سید
ابراهیم حسین و خواهر شاه مخدوم بخش زوجه قاضی بهکیاری
کشمیری دو پسر ایشان یکی قاضی منظر حسین داماد جناب حضرت
مولوی سید حسن رضا پسر قاضی منظر حسین الله رکهو نام دومی
قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه مخدوم بخش کردند از محل
یک پسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

سید فیض علی دو برادر بودند دویمی شاه رحم علی عرف سید شاه درگاهی از
محل ثانی پسر ایشان شاه تصور علی و سید فیض علی را نیز دو پسر یکے سید شاه
ولی احمد دویمی سید شاه وصی احمد والد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد که داماد
شیخ محمد سعید ابن شیخ محمد واسع بودند از بطن این زوجه مسماة رحیّا دو پسر
و دو دختر پسر کلان سید شاه علی احمد بلخی داماد منشی سید محمد خلیل خوشنویس
نوابادی زوجه شاه علی احمد مسماة وجیها النسا چند دختران ایشان ثانی
سید شاه حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر یکے زوجه سید شاه مبارک حسین
دویمی زوجه سید شاه محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل
ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نواسه شاه فرزند علی کدخدا دو پسر و
یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین کدخدا و دختر کلانی
مسماة ریاض النسا بنت شاه ولی احمد زوجه جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین
والده جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیات النسا
زوجه عم المحترم این خاکسار یعنی سید شاه مراد علی دانا پوری والده ماجده برادر
عالیقدر حکیم سید شاه محمد کاظم حسین اند ذی اولاد اند و یکے بلخیان که نسب نامه
بصراحت معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اند یکے سید شاه جمال علی
که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد لنگر دریا است پسر شاه صاحب
سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان یکی شاه شجاعت علی بلخی بسیار صاحب

مادر مولوی امین الله چارمی زوجه مولوی حمید الدین عرف مولوی منگن مجی
پسر ایشان نور الدین محمد پسر کلانی شاه صاحب سید شاه علیم الدین اما جناب حضرت
سید شاه غلام حسن قدس سره دویمی سید شاه غلام شرف پدر شاه محی
سید محی امین الدین خورد سال وفات یافت یک دختر سید شاه علیم الدین از منجی
محمد اسمعیل که خدا اشد ازان فرزند موجود است محمد شهید و سید شاه غلام مظفر را
چهار پسر اند ترقی عمر باد وصل دربیان اولاد حضرت سید شاه
حاجی حافظ ابو تراب مشهدی رحمة الله علیه باید دانست جد امجد
حضرت حافظ ابو تراب سید شاه ابو العلی مشهدی از سمت مغرب سیاحت
کرده بجوار حضرت بهار رسیدند بموضع کوئین که مقام است آب هوا انجا پسند
خاطر افتاد مقیم گشتند معه اهل و عیال فرزند ارجمند در انجا تولد شدند سید شاه
عبد السلیم شادی ایشان بخانه شرفا بموضع موڑا گردید چندی مقیم در انجا
ماندند هر گاه به تحصیل علوم اوقات پرداخته و اصلاحیت طبیعت ساخته بجوالی
رسیدند فرزند ایشان گردیدمی سید شاه عبد الحکیم که خداسی ایشان اند دختر
حاجی شاه غلام محمد گردید واضح باد ابن حاجی غلام محمد از اولاد بابا
فرید الدین شکر گنج بوده اند و همسفر دیار و امصار سید شاه ابو العلی بودند
طریقه چشتیه داشتند از سید شاه ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد
بموضع دریاپور متصل فتوحه که هنوز سکونت آنجا هست الحصول سید عبد الحکیم را

محمد تقی گردند از انہم یک پسر حمید الدین نام و دختر قاضی بھلکیاری از حکیم فیض علی
کنتورا ساکن محلہ شیعہ لے پسر شان حکیم محمد امیر و یک دختر زوجہ سید ابراہیم حسین ابن
مولوی کفایت علی ہمدوی اولاد اند و دختران شاہ مخدوم بخش یکے مادر شاہ
تجمل حسین ابن سید میان و دومی زوجہ شاہ امجد حسین بلخی مادر سید واہب حسین
سیومی زوجہ قاضی ولایت حسین مذکور حال دیگر دریافت نشد **ذکر اولاد حضرت
شاہ غلام معز** حضرت شاہ محمد تقی خلف شاہ غلام معز چہار خواہران حضرت
شاہ محمد تقی یکے زوجہ شاہ غلام شہنشاہ بلخی مذکور الصدر دومی زوجہ شاہ
مخدوم بخش مذکورہ بالا سیومی مسماۃ آمنہ بی بی زوجہ حضرت شاہ غلام حسن
قدس سرہ خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سرہ چہارمے را
حال معلوم نیست والدہ حضرت شاہ محمد تقی خواہر مولانا سید حسن رضا ابن سید
شاہ عبد اللہ شادی اول حضرت شاہ محمد تقی از دختر خال خود سید شاہ حمید علی
گردید اولاد نشد بعدہ دوم شادی از دختر دوم شد یک فرزند رتبہ یابند مولانا محمد منیر
کہ شادی ایشان از خواہر سید شاہ جمال علی بلخی پسر و دختر شد کہ زوجہ سید شاہ
تجمل حسین مرحوم نام پسر شان شاہ محمد نصیر شاہ ولی الحسن و شاہ احسان فرزند
ایشان اند نواسہ حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاہ محمد تقی رحمۃ اللہ علیہ
چہار دختر و سہ پسر شدند یکی دختر زوجہ شاہ نور الحسن ابن سید شاہ محمد واعظ
دومی زوجہ قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجہ قاضی مولوی امیر الحسن

فرمود آن بزرگ عمامه بر سر داری و خرقه و میگوئی هیچ ندارم در غلبهٔ تشنگی عمامه
از سر برآوردند طلب آب و آن بزرگ کاسهٔ آب از مشکیزه برآوردند و گفت کمال
بیصبری بیک کاسهٔ آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند و گفتند مرا طلب
نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابرین حضرت زین العابدین مشتهر
که بعد واقعهٔ کربلا گاهی آب نخوردند بیاد تشنه کامی عزیزان و والد ماجد خود
می آرند قریب چهل سال بعد این واقعه بودند تا هل شدند گاهی آب نخوردند
بوقت کمال تشنگی بدعوت شیر می نوشیدند سبحان الله عجب بزرگ صاحب کمال
بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیافتند چون بموضع
دریاپور رسیدند بعض از قرابتان یافتند از احوال زوجه شاه مصطفی بودند
موجود معه دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند بتجردی رغبت داشتند و متاهلی
ناپسند میداشتند باصرار اقران صورت عقد مناکحت شرعیه واقع شد از سکونت
موضع کوتن برخاسته خاطر شده در همین موضع دریاپور رحل اقامت انداختند
بسبب موانست بزرگان امجاد در عمر شصت سالگی از بطن آن عفیفه متولد شدند
دو فرزند یکی سید شاه عبد الصمد دومی سید شاه فیض الصمد از هر یکی اولاد
شدند ذوی علوم و مشایخ عظام پسر سید شاه عبد الصمد پسر کلانی مولوی سید حسن رضا
ثانی سید شاه حید علی سیوم سید شاه علی سید متخلص بتسلیم با کمال بودند لاولد فقیدند از دنیا بعالم العقبیٰ
چهل سال سید شاه فیض الصمد را پسر یکی سید ولی الله دومی سید شاه محمد واعظ سیوم

فرزند حافظ ابوتراب شدند چون سامی الدین از سر ایشان درگذشت
سکونت انجا ناگوار افتاد اکثر آمد و رفت بهر ملاقات اعوان خود بموضع دریابور مذکور
بسبب رابطه می نمودند آخر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند اختیار مردانه و از مجرد
عمر ایشان بیست سال بود و در غیبت ایشان شاه مصطفی خال ایشان را یک دختر تولد
شد پنجساله عمر دوست که رحیل ملک بقا شدند بزوجه خود وصیت کردند که روزی از
روزها سید ابوتراب درینجا از سفر خواهد رسید این دختر را باو منسوب کردم در زوجیت
او خواهد داد و سید ابوتراب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت
سفر ایشان بدینطور دران سفر در دهلی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون
قریب فراغ شدند بادشاه وقت خواست که بر سر ایشان دستار فضیلت
بربندد و وجه کفاف مقرر سازد و بتدریس در مدرسه شاهی بمانند پذیرا
خاطر نیفتاد و از انجا سفر کردند اختیار روانه شدند بسوی حجاز قریب هشت سال
در حرمین شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و چند سال
مجاوری روضهٔ اقدس حضرت سرور کائنات کردند روزی از روزها در اثنای
حرمین شریفین راه می پیمودند تن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپدید بود
مضطر شدند بکمال حد آن وقت بزرگی بخضر وقت نمودند پیدا کمال بزرگی از بشره
پاک هویدا مشکیزه در بغل پر آب و جام در دست پرسیدند ای سید چه
میخواهی گفتند آب تشنه دهن بستم فرمودند چیزی بده گفتند هیچ ندارم

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن رضا قدس سرہ و برادرشان سید شاہ حیدر علی

باید دانست سید شاہ حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس باکمال اولاد نشد و دو خواہر ایشان بحضرت شاہ محمد تقی کدخدا یکے بعد دیگری و خواہر سیوم کتخدا از سید شاہ یار علی ابن سید شاہ ضیاء الحق عرف رتن چند دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جابجا کدخدا شدند یکے از مولوے واعظ الحق پدر مولوی عبد الحق و دویمی از محمد اکبر سیومی از پسر مولوی محمد چارمی مادر شاہ فیاض نجمی زوجہ میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلواروی دختر ایشان از سید علیم الدین خلف سید ہدایت حسین دانا پوری کدخدا شد رحیم الدین حسن نام پسر ہست و چند خواہران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سرہ را دو دختر یکے زوجہ حکیم محمد یحییٰ دویمی زوجہ قاضی مظفر حسین و خلف الرشید جناب حضرت سید شاہ غلام حسن از خواہر حضرت شاہ محمد تقی یعنی از بی بی آمنہ کدخدا شدند از بطن ایشان بی بی یک پسر و یک دختر و دختر خجستہ اختر زوجہ سید شاہ علیم الدین بلخی ابن جناب شاہ محمد تقی رحمۃ اللہ علیہ کہ مذکور اولاً بالا تحریر شد الاخلف الرشید جناب حضرت سید شاہ غلام حسن قدس سرہ سید شاہ محمد احسن عرف سید میاں ذی عز و شان بودند در لیاقت عربی و فارسی از خواہر مولوی کفایت حسین ابن شاہ مخدوم بخش کدخدا شدند یعنی از مساۃ بی بی سعیدا باوجودیکہ جناب اخ المحترم بودند ما حصل الاجمع کمالات

سید قدرت اللہ لاولد پسر سید ولی اللہ میر فقیر اللہ با ایشان سہ پسر و دو دختر کلانی
از میر علی سجاد پھلواروی کدخدا ذی ولد شدند ثانی زوجہ دوم حضرت سید شاہ
غلام حسن پسر دختر ایشان مبارک حسین پسر کلانی میر فقیر اللہ سید امیر اللہ کہ مرد
دانا بود از خواہر کلانی راقم التحریر کدخدا سہ دختر و سہ پسر بوجود آمدند پسران نوجوان
رحلت یافتند و یکے بطفلگی الا دختران ذی اولاد اند حالی بتصریح نگاشتہ خواہد شد
الا پسر ثانی میر فقیر اللہ سید محمد وزیر لاولد الا پسر سیومی سید محمد اسمعیل را دو دختر
و یک پسر یک دختر منسوب از سید فضل حسین نوابادی یک دختر است نواسی سید
محمد اسمعیل و شاہ محمد واعظ پسر دوم شاہ فیض اللہ را دو پسر و دو دختر کلانے
مولوی سید صفدر حسن نائب قاضی شہر عظیم آباد با وصاف باکمال از دختر
حکیم پھیکن بی بی بصیر النسا خواہر زادی حضرت شاہ غلام حسن کدخدا شدند
اولاد نشد و ثانی سید نور الحسن داماد حضرت شاہ محمد تقی ذی اولاد دو پسر
و سہ دختران دختر کلانی شاہ محمد واعظ از قاضی طہارت التوحید کدخدا و ثانی
والدہ قاضی مولوی امیر الحسن سید بہادر حسین و سید محامد حسین ایشان لاولد و یک
دختر سید بہادر حسین کدخدا از مولوی امین اللہ ابن مولوی امیر الحسن ذکر اولاد قاضی
طہارت التوحید مذکور بالا شد الا برادر خورد ایشان سید طیب التوحید از دختر
میر فرزند علی ساکن گورگٹیہ پرگنہ پھلواری کدخدا شدند سہ فرزند ایشان سید
حبیب التوحید و سید قمر التوحید و سید نصر التوحید ذی اولاد اند ایشان

محمد منیر و سید شاہ علیم الدین و سید امانت حسین را از تربیت صحبت کامیاب
شدہ اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتاب شاہ سید علی
متخلص تسلیم دریافت شدہ و نیز سلسلہ نسب بالاستماع از حضرت جد الامجد سید دستگیر
شاہ غلام حسین قدس سرہ دانا پوری و انجناب را از مولانا حسین رضا تحقیق
شد ازین صاحبان جز مصاہرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت مخدوم
سید علی احمد صابر جای یافت تحریر نمود و یکی از بزرگان
موضع بتیہو اند واضح باد اگرچہ فرزند بودن حضرت مخدوم سید علی
صابر کسے جا مذکور نیست الا از دختر پیر مرشد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ
فرید الدین گنج شکر است در کتاب مذکور چون یافت جائی درین اوراق نگاشت
اگرچہ این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسبی انحضرت است باید دانست
نام فرزند انحضرت حضرت مخدوم سید شاہ شعیب الدین ولد ایشان مخدوم
سید شاہ بدر الدین پسر ایشان سید شاہ رکن الدین خلف ایشان حافظ
عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الکریم ولد ایشان
حافظ عبد الوہاب پسر شان حافظ سید عبد الشکور ولد شان حافظ عبد العلیم
پسر شان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل اللہ
دو برادر یکے میر فضل اللہ دومی سید محمد باسط عرف میر فہیم اللہ پس باید دانست
کہ حافظ سید عبد الشکور را دو پسر یکے سید عبد العلیم

ظاہر و باطن بود حصول مقید مراقبہ و مشغول چنانکہ بود برانجناب اتم بیعت
بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت
خال الاعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بود الا روبروی الد
خود کردند انتقال بعمر سی و پنجسال دو فرزند و یک دختر یادگار خود گذاشتند دختر
ایشان زوجہ شاہ محمد نصیر ابن مولانا محمد منیر یعنی از مسماۃ زینب و فرزند ایشان
یکی شاہ ولی الحسین دویمی سید حسان علی تزاید عمر کنادو خلف کلانی اخ الاعظم
سید شاہ تجمل حسین و ثانی سید امانت حسین کہ تحصیل علم ظاہر و باطن کردہ
نوجوان رفتند بسوی ملک بقا و کد خدائی سید شاہ تجمل حسین اول از دختر سید شاہ
احمد حسین بازثانی جای شد از ہر دو اولاد نہ الا شادی ثالث از خواہر سید شاہ
محمد نصیر شد یک ولد شد مسمی سید و میان آنہم در زمان طفولیت رحیل ملک بقا
شد بعد رحلت پدر بزرگوار کہ آنہم نوجوان کردند انتقال سجادگی سجادہ اعلی
غاطان شد عقاب نماند جز اولاد بنات ۵ آیا برادران عزیزان کجا شدند
رفتند در بقاولی از ماجدا شدند بچہ واضح باد سید شاہ تجمل حسین را بیعت
از جد ماجد خود الا تربیت باطنے از جناب حضرت پیر و مرشد سید شاہ
قمر الدین حسین قدس سرہ و چند سال صحبت بابرکت جناب حضرت سید شاہ
مبارک حسین رحمۃ اللہ علیہ بودہ مجاز اجازت و خلافت طریقہ ابو العلائی
شدند و نیز ہمہ برادران را تربیت باطنے از جناب حضرت پیر و مرشد سمت مولانا

واضح باد مخدوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد منسوب ذی اولاد
و فرزند مخدوم رتبه بلند مخدوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود
عرف سید جگن زاهدی ولد ایشان سید احمد تبری اند و ترتیب کیفیت ذریت
ایشان دریافت نشد الا اینسا مشائخین شیخپوره نسب بقرابت آنجناب نامند یکی
بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان آنجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة
بی بی جگن جده جناب شاه تراب الحق و شاه بهار الحق سوکروی بودند و شاه
محمد فیاض ساکن هسوه مضافات بهار از فرزندان نامی آنجناب اند ایشان از بعض
فرزندان مخدوم بدر عالم دریافت شد که این مخدوم ممدوح مخدوم شاه سلطان
جانشین او لاولد شد الا از دو برادران حقیقی اولاد یکی را بفرزندی خود قرار داده
زیب سجاده کردند مزار آنها واقع موضع شوه هست جد مادری جناب شاه
امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند دو دختر و یک پسر شاه فیاض داماد
ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخپوری و دختر کلان ایشان از شاه بهادر علی
ساکن شیخپوره کدخدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی والد ماجد
شاه امیر الدین سجاده نشین شاه بهادر علی را و دختر کلانی زوجه شاه محمد علی
شعیبی شیخپوری برادرزاده شان فرزند ارجمند ایشان چندیکی شاه عبد العلی
داماد شاه امیر الدین رحمة الله علیه ثانی دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الدین
کدخدا از بطن امینه بی بی دو پسر یکی شاه امین الدین احمد دوم شاه محمد تقی

دومی سید عبدالمنعم پسر ایشان سید عبدالعظیم ولدشان محمد مقیم پسر ایشان سید
ہمت زمان ایشان را سہ پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یاد نیست
دو پسر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پدر سید عبدالغنی صاحب مان متوسط خواہر
ایشان زوجہ مولوی سید نوازش رسول و نیز خواہر سید حاتم زمان والدہ ماجدہ
مولوی سید نوازش رسول و برادر میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اند ذکر
اولاد سید عبدالعلیم دو پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان
سید کفایت اللہ ولدشان سید عبدالرحیم پسر شان سید عبدالکریم پسر ایشان
سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عیوض ولد ایشان سید فضل اللہ
سہ پسر ایشان سید فرخ حسین و سید احمد حسین و سید صفدر حسین پسر ایشان
محمد حسین کہ از خواہر خواجہ محمد محسن منسوب شدند اولاد سید احمد حسین را دو فرزند
سید محمد یحییٰ دومی سید بدرالحسن عرف جمن پسر دو اولاد سید فرخ حسین را دو
فرزند یکی شرف حسین عرف داروغہ عالم علی لا اولد برادر ایشان سید آل حسن
بالیشان دو پسر و دو دختر کلانی سید امجاد حسین دو پسر ایشان یکے مفقود
دومی افضل حسین موجود و ثانی سید اغا خان حسین والد سید اکبر حسین و پسر
خواہر کلانی سید محمد ولی و ثانی زوجہ شاہ حسین علی والدہ مولوی عبدالغنی
و برادر ایشان ہما اند تا باز اولاد

ذکر ذریت حضرت مخدوم سید بدرالدین بدر عالم

حضرت صدیق اکبر بی بی ام الخیر بنت صخره بن عامر انداز دخت عم گشته بودند
واین ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط درینجا مقصود بیان
از ذریت آنحضرت است باید دانست آنحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و سه دختر
بودند از همه بهتر حضرت عائشه صدیقه زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین دثانی بی بی
اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوام که جلیلہ گشته از فرزندان ایشان یکی عبد الله بن
زبیر دویمی عروه بن زبیر سیومی مصعب ابن زبیر که از بی بی سکینه دختر جناب
سید الشهدا امام حسن علیه السلام گشته اند و کیفیت دختر ثالث دریافت نشد
الا از فرزندان یکی عبد الله که از محل اهلی بودند و خواهر اعیانی ایشان بی بی اسماء
مذکور و از بطن بی بی ام رومان حضرت عائشه صدیقه و حضرت عبد الرحمن
و از بی بی اسما بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل هر دو جا رسیده

قبل غازی و لعد غازی مشهور است لهٰذا نوشته می آید

وصل فصل اول در ذکر ابرالاو سیدنا عبد الرحمن قبل غازی

خواجه نبو نجیب ضیاء الدین سهروردی و شیخ عماد الدین والد حضرت شیخ
شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زاده ایشان ضمیمه
در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین بن شیخ نجم الدین
ابن شیخ مجد الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدر الدین ابن شیخ محمد متین
ابن شیخ محمد مبین ابن شیخ امین ابن شیخ جلید الله ابن شیخ عبد الله ابن شیخ

وسخواہران ایشان یکی منسوب از شاہ بندہ علی ابن شاہ حسین علی دو یمی زوجہ
شاہ عبدالعلی سیوم زوجہ شاہ محمد جعفر نبیرہ شاہ سلامت علی فردوسی زی والند
ویکی شاہ تہو مرحوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بودند معروف خواجہ ایشان زوجہ
میر مہدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی اپسر شان سید واجد حسین عرف بھو جی
موجو اند و دختر شاہ تہو مرحوم از شیخ اکبر علی ساکن ٹراری کہ خدا پسر شان شیخ
اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی
خود میکردند بیان سلسلہ نسب دریافت نشد کہ می نگاشت و نیز منشی عنایت حسین
در نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلاع شرقی اکثر مردمان عالی تبار خود را گویند
چون از ذکر انساب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد حضرات خلفاء
ثلاثہ مینماید تفصیل این بر فصل و ضمیمہ تحریر نمود بعدہ ذکر اولاد انصار نویسید

فصل اول در بیان نسب نامہ حضرت عتیق ابا بکر صدیق رضی اللہ تعالی عنہ و اولاد برزہ و وصل و ضمیمہ ہا ملحقہ

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبد اللہ نام ابن حضرت عثمان ابو قحافہ
کنیت شان ابن عامر ابن کعب ابن سعد ابن تمیم ابن مرہ از اولاد نضر بن کنانہ ملقب
قریش کہ از فرزندان حضرت اسمعیل ذبیح اللہ علیہ السلام بودند و تفرقہ
نسب از انحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و انحضرت از پشت ہفتم ست و والدہ ماجدہ

ضمیمهٔ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی قدس سره که اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن
شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ
محمد ماه ابن شیخ محمد جاه ابن شیخ ظہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم
ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جلال ابن شیخ احمد کمال
ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن
حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا
تحریر شد از ینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین میشود سید صاحبان موضع جلال کوہنہ
از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حیدر
ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد ہاشم و میر محمد
ناظم ابنان میر فدا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت
سادات ایشان از جد مادری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جلال اللہ
ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبد الغنی ابن نواب اویس خان خطابی ابن
قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ
چاند عرف قاضی چلدہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ
رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالیسی دو برادر بودند دیگر شیخ صدر الدین

عبدالجلیل ابن شیخ ابوبکر ثانی معروف شیخ عبدالفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن
شیخ محمد سلیم ابن شیخ محمد نوح ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ
ابرہیم ابن شیخ عبداللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبدالرحمن ابن
حضرت صدیق اکبر ابن ابوقحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کسیکہ از ذریت
شیخ شیوخ باشید این نسب نامہ بہر او کافیست و دیگر ہر کہ خود را صدیقی نامند
در بخار شیخ صدیقی در نسب ہستند الا شیخ صدقی کہ بر دست خلیفہ اول ایمان
آوردند از صدق دل تحنین ہست تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر الخیان نمود

تحریر ہر کہ اند صدیقے ازین نسب فصل غازے اند

وصل دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق
بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ
از بطن بی بی اسماء بنت عمیس تولد شدند و برو آنحضرت صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم
الی حصل شادی محمد ابن ابی بکر صدیق در طبقہ انصاریان گردید پسر ایشان
خیر التابعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبدالرحمن کہ خداشتند
از بی بی اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسر دختر بی بی فروہ
والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبداللہ و اسمعیل فرزندان
حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پسر
سیدنا عاصم اولاد ایشان شیخ بعد غازے معروف اند کہ

ابنان قاضی نادر علی حاری ساکن شہر گھاٹی میر قاسم علی را ستہ پسر بود و
دختر پسر کلانی محمد احسن دویمی محمد قمرالدین سیومی میر نجم الدین ہمہ باکدخدا اند
جا بجا و میر محمد قاسم را از عقد نکاح ثانیہ اولاد یک پسر ہست و باقی از اولاد
بزرگان بالا جای تتمہ خواہد یافت بر حاشیہ این کتاب خواہد نگاشت شیخ
محمد جمیل ابن شیخ رحمت اللہ ابن شیخ ہدایت اللہ نیز بیان نسب خویش بعد غاری میکرد

فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامہ حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ

وتحت این ذکر ذریت بدو وصل وچند ضمیمہ یکے حضرت بابا

فرزند دویمی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی اللہ

امیر المومنین حضرت عمر ابن خطاب بن نفیل ابن عبد العزی ابن سیاح ابن
عبد اللہ ابن قرط ابن فراح ابن عدی ابن کعب بن لوی بن غالب الرسب
انحضرت صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم واز حضرت عمر تفریق از کعب ہست جد ہشتم
انحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم وجد نہم ایشان و والدہ حضرت عمر خیتمہ بنت ہاشم
ابن مغیرہ بن عبد اللہ بن عمر بن مخدوم بن قصی بن کلاب ابو جہل بن ہشام
ابن مغیرہ برادر عمر او مادر ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجہ الکبری
بنت خویلد بن اسد ابن عبد العزی ابن قصے بن کلاب کسانیکہ ابو جہل را
از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر را اولاد کثیر از ایں

اولاد ایشان جابجا اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران
چهار بودند یکے ایشان دویمی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چارمے
قاضی احمد ذریات ایشان نیز جابجا باشند شیخ عبد الغنی نیز ابن نواب انیس خان
سه برادر یکے ایشان دویمی شیخ حمید سیومی شیخ عبد الرسول و پسران شیخ
عبد الغنی نیز چهار شیخ عبد الرحیم و شیخ ابو القاسم و شیخ عبد الرسول ثانی و شیخ
عبد الغفور شیخ عبد الرحیم را نیز چهار فرزند یکی مولانا محمد جمال دویمی شاه محمد عبد العلیم
سیومی شاه عبد الجلیل چارمی شیخ هدایت الله از اجداد میر سلامت علی مولانا
محمد جمال الله را نیز چهار پسر شیخ محمد عارف الله و شیخ محمد فضل و شیخ اهل الله
و شیخ مولانا واعظ الله مولوی عارف الله را دو پسر یکے مولوی غلام نجف
پسر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ صمصام حیدر و شیخ ذوالفقار حیدر و دو دختر
یکے جده مادرے شاه حسین علی دویمی زوجه قاضی نادر علی ساکن شهر گهاٹی
پسر دویمی مولوی عارف الله شیخ هدایت علی پسر ایشان میر فدا علی چند خواهران
ایشان یکے ازان والده میر کرم حسین و پسران میر فدا علی شیخ هاشم از محل اول
محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجه ثانیه زوجه شیخ هادی حسین ابن منشی
رجب علی و محمد کاظم پسرش براو رزی اولاد اند و نیز شیخ هادی حسین نیز حسام حیدر
را یک فرزند میر محمد قاسم و سه خواهران یکی زوجه مولوی ابو الحسن بن مولوی
سعید وجیه الله دویمی زوجه قاضی امیر حیدر و سیومی زوجه مولوی وزیر حیدر

نبیذ وی بودند واضح باد مخدوم حسام الدین ابن شیخ احتشام الدین معروف
خواجه دانشمند ابن شاه جلال الدین این بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان
الاولیا نظام الدین محبوب سبحانی قدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ
معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین
سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره اولاد حضرت حسام الدین
اند بسیار بهر دیار الا بهفت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف
شاه کریم این بزرگ از مقام مانکپور درین دیار بقصبه چهیره معه اهل و عیال
وارد شدند درینجا تکیه ساخته بمحله صاحب گنج معه اهل و عیال باز بسوی وطن مراجعت
کردند الا یک پسر خویش را مسمی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رفتند مزار
در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سرزمین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد
خود کریم چک ترتیبا نام معلوم نیست الا حضرت شاه عزت الله و حکیم
مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریقه چشتیه گذشته مرید حضرت
شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما
بودند تربیت و خلافت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم و یک خواهر
ایشان در مقام کهگهٹه از تکیه شیخ باشو کدخدا شدند و شیخ قاسم از دختر عم خود
شاه عزت الله کدخدا شدند اولاد یکی شیخ عسکری والد حکیم شاه مهدی حسین
دویمی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر سیومی منشی عنایت حسین پدر شیخ

دختر صغیر و کبیر یعنے عبداللہ ابن عمر و خواہر اعیانی الیشان ام المومنین حفظ
از یک بطن اند و زید بن عمر از بطن دختر حضرت علی اولاد نماند و عبدالرحمن اکبر و
عبیداللہ و عاصم بن عمر و عبداللہ اوسط و عبداللہ صغر و عبدالرحمن صغر و عیاض
دابوشحراز الطان مخلف خواجہ جنید بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن الفرج شاہ
والی کابل ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبدالجلیل ابن
شیخ عبدالجبار ابن شیخ عبداللہ صحرای ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذکریا
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبداللہ ابن حضرت عمر خطاب
رضی اللہ عنہ با پدر انست حضرت بابا فرید را دو از دہ فرزندان کثیر ہریکے
کامل فقیر الاولاد جاری ماند از چہار یکے شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ
بدرالدین سلیمان سیوم شیخ کبیر الدین چارمی شیخ یعقوب شیخ
بدرالدین سلیمان زیب دہ سجادہ حضرت شدند ۞ ضمیمہ اول در
ذکر حسام الدین مانکپوری کہ مرید و خلیفہ حضرت نور قطب عالم

مولانا شیخ عبدالحق محدث دهلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین
ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر مخدوم شیخ حسام الدین مانکپوری
ابن شیخ احتشام الدین خواجه دانشمند ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین
ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدرالدین ابن حضرت بدرالدین سلیمان ابن حضرت
بابا فریدالدین گنج شکر قدس سره **ضمیمه سیوم فصل دوم وصل اول شیخ
نصیرالدین عرف شیخ پیاری** واضح باد شیخ نصیرالدین پیاری ابن شیخ
فیض الله ابن شیخ امان الله ابن شیخ کبیرالدین ابن مخدوم نصیرالدین خلف
کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فریدالدین گنج شکر قدس سره باید دانست شیخ
امان الله رحمة الله علیه جد شیخ نصیرالدین از حضرت پاکپتن شریف بطریق سیاحت
در پنجوار حسب الحکم ولایت درین دیار عرضی جد بزرگوار تشریف آوردند در
دهلی چندی اقامت کرده آخر بمقام کالپی رسیدند در انجا از حضرت سید
جمال الدین ابن سید علاء الدین که جد اعلی اینجا کسار بودند و طریقه چشتیه داشتند
بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خواستند اقامت نمایند
بدینجا ارفرمودند در جواب حضرت شیخ امان الله ای برادر دو قطب در یک شهر
نمی گنجند آخر کار از انجا معه اهل و عیال بنواح حضرت بهار رسیدند در انجا جای
پسند ساخته بنا رواه و خانقاه نمودند مرید و مسترشدان در انجا بدیدیگر آمدند
نام آن محله چشتیانه شد مشهور از شرفا در انجا نوبت صورت مصاهرت اتفاق

احمد حسین و شیخ شرف الدین چارمی شاہ فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاہ
شجاعت علی لا ولد بدانند حضرت شاہ عزت اللہ را دو دختر و چہار پسر یکے
مذکور الصدر ثانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی داماد حضرت حکیم مظہر حسین
قدس سرہ خلف کلانی حضرت شاہ حکیم فرحت اللہ قدس سرہ طویل الذکر ثانی
شیخ امیر اللہ سیومی پدر شیخ محمد عوض چہارم نسب پدر شیخ ولی اللہ حضرت حکیم شاہ
فرحت اللہ مخاطب بابا حسن و دست یکے از مریدان و خلیفۂ اجل
مخدوم شاہ حسن علی قدس سرہٗ و فردوسی الابوالعلائی چہار فرزند حضرت ایشان
کلانی شیخ قمر الدین حسین و پسر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند دختر طینبہ
ثانی مقبول زمانی حضرت حکیم شاہ مظہر حسین با کمال خوش خصال قدس سرہ
چند دختران با نحضرت کلانی از منشے قاسم علی کدخدا و خلف ایشان حکیم محمد حاجی
و مقبول حسین و دختر ثانی از شیخ مظفر حسین برادر زادہ انحضرت کدخدا خلف ایشان
حکیم محمد نصیر ثالث از حکیم محمد مہدی حسین کدخدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی
در اقران کدخدا الاخلف الرشید آنحضرت حکیم خورشید حسین معمور بفضل و کمال پسر
ایشان شاہ فرحت حسن و چند خواہران ایشان و خلف سیومی انحضرت حافظ
شمس الدین لا ولد چارمی حکیم سعادت علی صاحب سلمہ پسر ایشان شیخ مظفر حسین و دیگر شیخ
مرتضی حسین و شیخ اظہار حسن ہر سہ برادر بجمیع صفت موصوف بودند
ضرور در ذکر نسب معلا تا شیخ عبد الحق دہلوی محدث کہ فرزند برادر اند

ایشان ہر یکے از دختر ان عم کہ جدا شدند کلانی پسر شیخ معزالدین ثانی ایشان را
نیز سہ پسر یکے شیخ معزالاسلام دوئمی شیخ رکن الاسلام سیومی شیخ فتح الاسلام جد
شیخ معزالاسلام جد اعلے شاہ اطہر حسین ابن میر حسین بخش سادات ما دریست
با ایشان میر حسین بخش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابو تراب ابن شیخ الاسلام
ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ معزالاسلام ابن شیخ معزالدین ابن شیخ منہاج الدین
ابن شیخ نصیر الدین چیازی ابن شیخ فیض اللہ ثانی نسب بالا ازین معلوم باید
شنید پسر دوم شیخ معزالدین شیخ رکن الاسلام بودند جد اعلی مولوی عزیز اللہ
مرحوم کو رجوی ابن شاہ قطب الدین عرف شاہ بساون ابن شیخ محمد مراد
ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن
شیخ معزالدین مذکور الصدر واضح باد شیخ محمد مراد دو پسر یکے مذکورہ بالا شاہ
قطب الدین عرف شاہ بساون کہ یکے از مریدان و خلفای نامدار حضرت
قطب العالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین ابن
شیخ الفت حسین پسر شان شیخ عبدالحسین این عالم الاولد فقند و شادی حضرت
شاہ قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی العلن
بنت بی بی علیمہ دختر میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر سید
صدر جہان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بد نیطور ابن میر سید عبدالشکور
ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبدالواحد ابن میر سید صدر جہان مذکور الصدر

الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان بخاطر خاطر گشته معه اہل و عیال
قریب داناپور بموضع سید پور دیگه که مریدان ایشان در انجا بودند اقامت
ساختند پرگنه پهلواری ضلع پٹنه در انجا مریدان ایشان فرقه زمینداران از
قوم خلجی منصب چودهرایی داشتند شرط خدمت بجامی آوردند بعد مصای
چند سال در اولاد پیر و اولاد مرید بصورت نفور بے ادبیان صورت نفاذ پیدا شد
بسبب بے اعتنائی که پیشش نهادند ناگوار طبع آنحضرات گشت قصد مراجعت بسوی
بہار اقامت شیخین ساختند چون عزیمت ایشان بطور شد پیدا بر مریدان شیوخی ساکن
کوزجی این مضمون شد هویدا شیوخ انجا حاضر شده بالحاح در انجا بردند ایشان
فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین امور وقوع آید سر بر قدم پیران نهاده عرض
ساختند مادر انجا بطور رعایا خواهیم ماند حضور مالک مختار و من تا العبدار
چون بطور غربت در انجا بردند صورت قیام افتاد نام انموضع بنام یکے از فرزندان
خود شیخ عنایت الله چشتی پور عنایت الله ساختند مشهور از دانا پور
قریب یک و نیم کروه فاصله دارد و باید دانست شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
را علاوه دختران یک پسر بودند شیخ رحمة الله و دو دختران ست شیخ عنایت الله را
از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین بیاری که خدا شدند و نام پسران شیخ رحمة الله
شیخ اعز الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از
خواهران شیخ رحمة الله کدخدا شدند یکے از آن شیخ منهاج الدین ست پسران

ایشان

یکے مفتی بصیر الله که در علم فارسی بی نظیر بود ند از نکاح ثانی یک پسر احمد نام و یک دختر
محمودی هست موجود و پسر ثانی مولوی صاحب ممدوح مولوی محمد اکبر که در عربی و فارسی
دستگاه مهارت تمام که خدا از دختر خالا تی مسماة مخدوم مرشد ند دو پسر ایشان
بوجود آمد ند امید علی و نظیر حسین هر دو لاولد و پسر سیوم شاه محمد اصغر شادی
ایشان در مقام منیر گردید از دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر با ایشان بوجود
آمد محمد خلیل که خدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نوابادی شد یک دختر
و یک پسر شد شاه احتشام حیدر طال الله عمره و قدره و پسر چارمی حضرت مولانا
شاه محمد خیرانی که وارید جوهر صفائی از زوجه سلیس ایشان اولاد اند و شادی مولوی
عزیز الله رحمة الله علیه از مسماة حسین جو دختر بی بی ناطمه زوجه شاه تاج الدین نوابادی
شد و از عقد ثانیه دو دختران و پسران بوجود آمد ند و نوجوان فوت شد و دو اند موجود
امداد حسین و مهدی حسین و یک خواهر شان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام
ابن شیخ معز الدین یکی شیخ وارث علی دومی شیخ فخر الاسلام سیومی شیخ بدر الاسلام
چارمی شیخ الاسلام پنجمی واقف سر خفی حضرت شاه محمد ولی لاریب ولی و شیخ
وقت بود ند بارشاد مرشد طریقه نقشبندیه و اشتند ذکر اولاد ایشان بجای تحریر
خواهیم کرد و درینجا ذکر پسران شیخ رحمة الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
مینمایم بدانید شیخ اعز الدین اولین و دو دختر ایشان بود ند از بنی اعمام که خدا شد ند
و دومی شیخ عزیز الدین که الدیشان شیخ ابو الفتح ایشان را چار فرزند بعمر ترتیب

کدخدای میر سید عبدالواحد از دختر خال خود قاضی عمادالدین ابن قاضی سید
عبدالفتاح عرف قاضی بڑی گردید و شادی پسر ایشان نیز از دختر عم گردید
و شادی میر سید عبدالشکور از دختر میر عنایت الله بی بی پور شد الحصول حضرت
شاه قطب الدین بساون را دو پسر یک دختر پسر کلانی منشی محمد غوث که از بی بی
نعیمه بنت بی بی واصله که زوجه شاه وحید الاسلام بودند کدخدا منشی محمد غوث
عرف دومن را یک پسر و یک دختر مسماة منیرا عرف ستوپن گذاشته منشی امیر الله
پسر کلانی مولوی عزیز الله ابن شاه قطب الدین کدخدا شدند لاولد ماندند لا
پسر منشی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سر خفی و جلی از دختر شاه
ابراهیم حسین نو آبادی کدخدا نام آن بے بے مساة بیگن یک دختر ایشان بی بی
مریم زوجه اول سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت
شاه یحیی علی از بطن این بی بی دو پسر یک دختر زوجه میر واجد حسین ابن میر
اسمعیل علی و نام پسران سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبدالحسین نعم اسمه پیر جی
کدخدا شدند یک پسر مسمی محمد یسین پسر دوم شاه محمد واجد اند ایشان نعم ذریت
منشی محمد غوث اند و پسر دوم شاه قطب الدین عرف شاه بساون مولوی عزیز الله
رحمة الله علیه که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال بیعت
هر دو برادر را از جناب والد ماجد خود هست الا مولوی صاحب بعمر اخیر تربیت علم
باطن از برادر زاده خود حضرت شیخ شاه قمر الدین حسین یافتند فرزند مولانا چهار

بیگم

دربنی اعمام واخوال کدخدا شدند و پسر دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاہ وجیہ الاسلام
دو دختر ایشان یکے از بنی اعمام کدخدا و دومی زوجہ میر حسین بخش ازان بطن
یک دختر مسماۃ بخشا النسا زوجہ مولوی اشرف علی نوابادی مادر میر حسین علی
پسر پنجم شیخ فتح اللہ شیخ الاسلام مذکورہ بالا از دختر میر سید رکن عالم داناپورے
کدخدا شدند از بطن آن عفیفہ شیخ ابو تراب پدر شیخ قلندر علی دو دختر منسلک
از شیخ احمد شاہ و پسر شان محمد شاہ دختر سیوم منسوب از پسر شاہ محمد ولی از شیخ
کرم علی دریجا ذکر فرزندان باشد تمام وصل دوم فصل اول دربیان

احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادھی

واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی کا اہل مزار موضع بلوری علاقہ
بہار ذریت ایشان اند بسیار اکثر صاحب اقبال بعض اولاد ایشان نسب
ایشان سیادات شمارند بسبب ادہمیت حضرت مولانا مظفر قدس سرہ باید دانست
نسب ادہمیت حضرت مولانا باجداد ایشان ہست جانب مادر لیسے جدی سیادت
ہستند از اولاد حضرت حسین اصغر ابن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ
وحضرت سلطان ابراہیم بحدی نسب فاروقی دارند و نواسہ اند ابنا و ملوک

نسب نامہ حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاہ ابو محمد ابن شاہ محمود عالم ابن مخدوم
شاہ قاضی احمد ابن مخدوم شاہ عبید اللہ ابن شاہ عبد الاحد ابن شاہ

یکی شیخ ابوالغیث دویمی شیخ ابواللیث سیومی شیخ ابوالویس چارمی شیخ محمد درویش
باید دانست این همه برادران را بجز فرزند دختر نبیره ها نماند چنانچه از اولاد دختر
شاه محمد درویش شیخ محمد مراد جد مولوی عزیز الله بودند و از اولاد دختری شاه
ابوالویس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابوالغیث شیخ هارون ساکن
شیخپوره کلان و کیفیت فرزندان شیخ ابواللیث دریافت نشد الا شیخ تاج الدین ابن
شیخ نصیر الدین را دو پسر شدند یکی شیخ منهاج الدین دویمی شیخ سراج الدین پسر
شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین و پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان
شیخ فیروز جد امجد شیخ امام بخش که از پشت زبان درشت گو رجوعی از ینجا ذکر ذریت
شیخ فتح الاسلام معنو سید یکی ازان شیخ برادر شیخ وارث علی با حال تا کتخدا در حیات
یکی شاه محمد ولی مذکور الصدر ست فرزند ایشان پسر اول شیخ غلام علی لاولد
دویمی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شدند کسی از اعقاب ایشان نماند سیومی
شیخ نور علی که در دریا شدند غریق رحمت از دو دختر شان اولاد ماند و یک پسر
شیخ فهیم الله لاولد نام دختران بی بی فاطمه و بی بی واحله مذکوره بالا سیومی
شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ بدر الاسلام والد ماجد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی
والد میر حسین بخش و پسر سیوم شیخ بدر الاسلام شیخ عظمت الله پدر شیخ نعمت الله
پسر ایشان شیخ عزت الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام دو پسر
ایشان شیخ حسن علی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

ضمیمہ دوم در ذکر پسر ثانی شیخ عبدالاحد عرف میران ذریت ایشان بہت آن گشت

پسر ثانی شاہ عبدالاحد عرف میران قاضی عبدالعزیز والد ایشان قاضی محمود حنیفہ
فرزند ایشان از انجملہ کیفیت و پسر منیو لیسد یکے قاضی شیخ ہدایت اللہ پدر قاضی
محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح اللہ پسر دومی قاضی محمود ابن شیخ
لطف اللہ ایشان نیز دو پسر یکے شیخ عاشق محی الدین ابنہ شیخ غلام محی الدین
پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسر ثانی شیخ
لطف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کدخدائی ایشان
در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ و خواہر زادگان
حضرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ آنحضرت در نسب علوی بودند
از شیخ غلام حیدر سہ پسر و یک دختر نام دختر بی بی حیات زوجہ مولوی بدیع الزمان
دختر ثانی بی بی وجو زوجہ میر عابد علی داناپوری الحاصل پسر کلانی مولوی
غلام قادر مفتی یکے دختر ایشان از شیخ واہب حسین اولاد حضرت خواجہ بزرگ
کدخدا شدند سہ پسر یکے مولوی منیر الدین احمد بفضل و کمال موصوف از دنیا
محیصو رفتند و دومی مولوی امیر الدین احمد و ثالث نصیر الدین نوجوان رفت
از ین عالم و پسر ثانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را دو پسر و دو دختر یکے
زوجہ میر قادر علی والدہ نصیر الدین و دومی والدہ مولوی آل احمد و محمد وحید
فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی فدا حسین

علی اکبر ابن مخدوم شاه علی اصغر ابن مخدوم شاه عبدالفتاح جیول ابن مخدوم
شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمود ابن حضرت
سلطان ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ملقب بسلطان ادهم ابن سلطان ابو ناصر
محمد ہاشم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ عبدالله ابن حضرت عاصم ابن حضرت
امیر المومنین عمر ابن الخطاب نسب نامہ حضرت امیر المومنین عمر فاروق در ذیل
ذکر فریدیان تحریر شد این نسب فاروقی حقانیہ ادهمیہ است در دو ضمیمہ نگاشتہ می آید

شجره ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره

باید دانست فرزند حضرت مخدوم شمس الدین
حقانی شاه کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی الحصول پسر شاه کمال الدین
شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ایشان شاه
محمد امجد ابن شاه پھول مقبول رسول ولد ایشان شیخ عبدالاحد عرف میران صاحب
پسر ایشان دو یکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبدالکریم ابن شیخ امان الله ایشان را دو
پسر و یک دختر مسماة بی بی صابره با کمال و کلانی پسر شیخ رحمة الله در حیات
ایشان شد چنانچه نبیره یا نواسہ ایشان شاه محمد سعد بودند پسر ایشان شاه محب الحسنین
والد ماجد قاضی مولوی امیر الحسن اولاد دختری شاه محمد سعد قاضی مردان علی
بودند اسلام پوری دو ولد ثانی مقبول ربانی حضرت شاه محمد منعم قدس سره

	میران ابن خاکسار فقیر حقیر	

فصل سیوم دربیان حالات ونسب امیرالمومنین عثمان غنی رضی اللہ عنہ
بیک وصل وضمیمہ باید دانست حضرت امیرالمومنین عثمان غنی ابن عفان
ابن ابی عاص ابن امیۃ بن عبدالشمس بن عبدالمناف تفرقہ در نسب از انحضرت
صلے اللہ علیہ والہ وسلم وحضرت عثمان رضی اللہ عنہ از چہار پشت نسب است
ابن بنی امیہ و انحضرت از بنی ہاشم والدہ حضرت عثمان بی بی اروی دختر
کریز بن ربیعہ بن حبیب بن عبدالشمس کور الصدر و مادر بی بی اروی بی بی
بیضا عمہ انحضرت صلے اللہ علیہ وآلہ وسلم واضح باد ازواج حضرت عثمان
کثیر الاد و دختران انحضرت صلے اللہ علیہ والہ وسلم یکے بعد دیگری زوجہ انجناب
شدند یکی بی بی رقیہ دومی بی بی ام کلثوم از ہر دو اولاد نشد اعقاب نماند
جز بنات حضرت بنی شش زوجہ بودند از ہر یکے اولاد از نسل آنہا معروف
بہ شیخ عثمانی نام فرزندان حضرت سیر عمرو عبداللہ اکبر و عبداللہ اصغر و ابان
وخالد وسعید وعتبہ و ولید وشیبہ و مغیرہ و عبدالملک یازدہ پسر نوشتہ اند مورخین
وشش دختر نسب نامہ از ذریات ہر فرزند نیافت ونہ از ترتیب سلسلۃ الانساب نامہ
ولی کاملین حضرت مخدوم جلال الدین کبیر اولیا پانی پتی واز فرزندان آن
بزرگ درینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا ابن خواجہ
شاہ محمود ابن خواجہ شاہ یعقوب ابن شاہ خواجہ علی ابن خواجہ اسمعیل
ابن خواجہ محمد ابن خواجہ عبداللہ معروف بخواجہ ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

از خواهر قاضی محمد بخش کدخدا یک فرزند محمد امین و پسر سیوم شیخ غلام حیدر
شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح باد که
از رؤسا این دیار شیخ نوازش حسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزندان
مخدوم حقانی معروف اند شادی اول شیخ نوازش حسین از خواهر مولوی
واعظ الحق شده بود از ان یک دختر بی بی وزیرن زوجه شیخ محمد حیات
لاولد و پسر شیخ ولایت حسین داماد شاه شرافت علی فردوسی از محل اول یک
پسر محمد احسن لاولد رفت ازین عالم و از شادی ثانیه شیخ عبدالصمد که موجود اند
و شادی ثانیه شیخ نوازش حسین از صبیه کلانی شاه واجد علی فردوسی ساکن
موضع سانیه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از بطن آن
زوجه دو فرزند و یک دختر زوجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین
و پسر کلانی شیخ تجمل حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد اجمل مرحوم که از دختر
عم خود شده اند کدخدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند متجه باینه کلانی
مولوی احمد حسین ثانی شاه ظهور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند
و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین داماد قاضی اسد علی
لاولد و از شادی ثانی که در سهسرام گردید از صبیه شاه شمس الدین یک دختر
زوجه شیخ محمد اجمل مذکور و پسر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بهار هستند

از جمال ایشان صورت بجابت یافتند دختر خود بزوجیت ایشان دادند آخر بقام
دیوره تکیه ساخته مقیم شدند بعد مضامی چند از انجا شاه ماہرو بطور سیاحت
در نیواج آمدند راجا اینجا معتقد شده از زمین جاگن قریب صد بیگہ معافی نذر انمود
حالا آن علاقه موضع جاگن مشہور بسہ بیگہ ہست و مزار شاه ماہرو بموضع
سعدی پور ہست حالا تفصیل کیفیت ذریت اینست بحضرت شاه ماہرو
دو فرزند بودند یکے را نام شاه رحمة الله دوم شاه عزیز الله ایشان را
دو پسر شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه ہدایت الله بخشید او تعالی ایشان را
پسر چہار ہر یکے عالی تبار یکے شاه حبیب الله دوم شاه محب الله سیوم
شاه اہل الله چارم شاه کریم الله بفضله ہر یکے ذی اولاد بودند شاه
حبیب الله را سه پسر یکے شاه کمال الحق دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر
ایشان محمد اشرف دوم شاه انور علی ذی ولد اند سیوم شاه مقبول علی
انیہم ذی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه
کریم الله کدخدا یک پسر و یک دختر او لاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی بجا
مرحوم لاولد رفتند و شاه اہل الله را دو دختر یکے از برادرزاده شاه بنده علی
کتخدا دوم جای دیگر در اقران و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمد حسین
لاولد رفتند از ینعالم دختر زوجه مولوی علی رضا و شاه محب الله را چند
دختران و دو پسر یکے شاه بنده علی ایشان را دو پسر و دو دختر نام پسران

ابن خواجہ عبد العزیز ابن خواجہ عبد الرحمان ابن خواجہ دریا الحق ابن خواجہ
عبد العزیز ابن خواجہ خالد ابن خواجہ عبد العزیز ابن حضرت عبد الرحمان
ابن حضرت امیر عمر ابن امیر المومنین حضرت عثمان الکنون ذکر نسب تحت میانہ

نسب نامہ شاہ حسین علی و مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و تفصیلا نسب مولوی عبد الغنی ابن شاہ حسین علی ابن مولوی
وارث علی ابن شاہ محب اللہ ابن شاہ ہدایت اللہ ابن شاہ رحمۃ اللہ ابن شاہ
ماہرو ابن شاہ محمد ابن شاہ معروف ابن شاہ منصور ابن مخدوم شاہ
برہان الدین عرف بندگی شاہ خوند میان دیلوروی ابن شاہ برخوردار
ابن شاہ محمد اسحاق ابن شاہ سلیمان ابن شاہ داود ابن شاہ عبد القدوس
ابن شاہ شبلے ثانی ابن مخدوم شاہ جلال الدین کبیر الاولیا پانیپتی الصابری
یعنے خلیفہ بودند حضرت خواجہ شمس الدین ترک پانی پتی کہ مرید خلیفہ حضرت مخدوم
سید علی احمد صابر بودند نسب نامہ بالا تحریر شد ماسبق حاجت تحریر
مکرر نیست باید دانست جد الجد شاہ ماہرو شاہ سلیمان از پانی پت وارد اینجا
گشتند مجرد وار بطور سیاحت تا در حضرت بہار رسید شرف بیعت حصول ہم
طریقہ فردوسیہ نمودند حصول و متاہل شدند از فرزندان ایشان بندگی
شاہ خوند میان از اینجا برخاستہ خاطر گشتہ قصد سفر دیار مغرب کردند
چون بمقام بتہو رسیدند چندی مقیم شدند چون مخدوم شاہ درویش

ابو الحسن ضمیمہ فصل سیوم بعد وصل در ذکر اولاد حضرت عثمان جا بجا غیبت اند

باید دانست مولوی غلام امام متخلص بہ شہید نسب نامہ خود عثمانیہ میگویند بیان

و نیز در فتحپور سیکری شیوخ عثمانی اند و در دیار عرب بسیار تر کستان و در نیجار

بمقام سہسرام یکی از فرزندان شاہ محمد کبیر الدین بودند شاہ قیام الدین

شاہ شمس الدین پسر نبود الا اولاد دختری یکی از برادر زادگان خود را مسمی

شاہ کبیر الدین متبنی کرده جانشین و برو خود نمودند چند شادی ایشان شد

از کسی اولاد نشد الا اولاد دو برادر ایشان برادر متوسط شاہ فخر الدین از

خواہر زادی شاہ تراب الحق کہ خدا و پسر ایشان یکی شاہ محی الدین عرف

لال میان کہ حالا سجادہ نشین اند و دیگر شاہ عزیز الدین و یک خواہر ایشان از شاہ

فرید الدین کہ خدا دی اولاد و برادر خورد شاہ نجم الدین را دو پسر یکی شاہ فرید الدین

دومی شاہ حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رجبت پرگنہ بنجرو گہی اند

باید دانست ہرگاہ ذکر نسب حضرت خواجہ ابو بکر شبلی قدس سرہ گردید بہ نسبت

عثمانیہ لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجہ ابو القاسم جنید بغدادی

کہ نسب فاروقی دارند بدین نمط حضرت خواجہ جنید بغدادی ابن خواجہ زید

ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجہ عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن

امیر المومنین حضرت عمر خطاب رضی اللہ عنہ اکثر مشائخین خود را منسوب

نسب جنیدیہ میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سعید

شاہ برکت حسین بن شاہ امیر الدین حسین پسر ایشان مولوی عسکری پسر شاہ
برکت حسین بن شاہ ظہور پسر ابن کبیر و یک دختر شاہ بندہ علی زوجہ شاہ داؤد علی
پدر شاہ تراب علی ساکن بیر بیگہ یکے دختر ثانی زوجہ قاضی قاسم علی ساکن
پالی پسر شدند قاضی تھولا ولد رفتند ازین عالم و خلف دوم شاہ محب اللہ
مولوی وارث علی دو پسر ایشان دو دختر یکے منسوب بہ شاہ منور علی ابن شاہ
فضل کریم پسر ایشان شاہ اکرم علی دیگری کدخدا از شاہ رمضان علی
ذی اولاد اند و پسر کلانی مولوی وارث علی شاہ حسین علی پنج پسر ایشان
و یک دختر زوجہ شاہ شجاعت حسین ابن شاہ امجد حسین ابن شاہ امام علی
انصاری کدخدا یک دختر و پسر واند و از پسران کلانی مولوی عبد الغنی
یک پسر ایشان مولوی عبد الرشید داماد داروغہ فدا حسین ساکن شاہو بیگہ
چاری نیز مولوی محمد تقی داماد ایشان ذی ولد اند و مولوی محمد تقی پسر سیوم
داماد میر علی حسن ساکن میران بیگہ ذی ولد اند و پسر آخر مولوی محمد ذکی
داماد عم خورد اند باید دانست مولوی باقر علی برادر خورد شاہ حسین علی
از دختر مولوی محمد ماجد بلخی کتخدا از بطن این زوجہ یک دختر و مولوی
عزیز اللہ بن شاہ اہرورا دو پسر یکے شاہ محمود واعظ پسر ایشان شاہ
مبارک علی پسر ایشان شاہ فضل کریم کہ از دختر شاہ محب اللہ کدخدا پنج
پسران شاہ منور علی و شاہ امیر علی و شاہ عباس علی و یک حاجی اند و الد

اولاد

بود و بعض از خوارزم میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسمعیل
از قیقال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند خواجه محمد نامی
درخدمت آنحضرت حاضر شده در صحبت تربیت یافته مسترشد نعمت شدند چون
مولانا جانب شاش آمده اقامت پذیر شدند چند سال ایشان نیز بنیت
ورک صحبت در مقام شاش رسیده مقیم شدند و در کتاب تحفة الابرار که
تصنیف یکی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت خواجه محمد نامی
بچند واسطه اولاد حضرت خواجه عبدالله انصاری اند و آنحضرت خواجه از اولاد
سعد بن معاذ انصاری اند که از جمله اصحاب در انصار حضرت سعد سید ابرار
بوده اند والله اعلم و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است
که خواجه داود جد مادری حضرت خواجه احرار فاروقی نسب دارند و خال ایشان
خواجه ابراهیم ابن خواجه داود ابن خواجه خاوند طهور ابن شیخ عمر
باغستانی که بهفتده یا شانزده واسطه در نسبت نسب آنحضرت فاروق
اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت
عبدالله ابن عمر رضی الله عنه این ذکر در رشحات نیز هست و والده
خواجه داود و جد آنحضرت خواجه احرار نسب سیادات دارند و هم مذکور در کتاب
رشحات است که میفرمودند آنحضرت جائیکه سیادات علوی میباشند
اقامت فقیر بس در شوار نجیال آداب ضمیمه شجره واضح باد فرزند رتبه بلند

اولاد علی جونپوری متخلص کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میکردند الاً
حضرت خواجه جنید را سید میگفتند این غلط فهمی شان هست که میگفتند نسب نامه
حضرت جنید همین است و مولوی عبد اللطیف که بمنصب حکومت در کلکته
اند ڈپوٹی مجسٹریٹ هر چند از او شان ملاقات نداریم الاعضد الدوله لخواهر زاده
شان یکی از مریدان است اینخاکسار او بیان نمود که از جانب مادری نسب
جنیدیه هستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب جنیدیه
بدیار شرقی هستند والله اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید الله احرار بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست یکی از صاحبان مصنف کتاب شجره طیبه که از فرزندان حضرت
خواجه نسبت دارند خود را احراری به نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر
بمنصب قضا بوده اند ذکر نسب بالا به نسبت سادات و به نسب فاروقی کرده اند
فقط نسبت خود به نسب آنجناب و ذکر اولاد دیگر یک طبقه اولاد آنجناب است
در عظیم آباد بلکه معروف اند بخواجه زاده بعض از ینها نسب سیادات مینمایند
غرض این فقیر حقیر از حجت و بحث نیست آنچه که معلوم است بیان مینماید به دلیل
از کتاب رشحات و تحفة الابرار و نیز بسمع بزرگوار از کتاب رشحات
بیان مینمایم جد اعلی حضرت خواجه احرار خواجه محمد نامی را وطن قدیم در بغداد

گردید و در آنجا از عرصه اقامت حضرت عمدة السالکین سید السادات
امیر تقی الدین کرمانی بود با خودها در صحبت و مجالست ربط رونمود و بلکه
نوبت مصاهرت رسید یعنی سه دختران حضرت خواجه عبید الله احرار
بفرزندان امیر تقی الدین کرمانی کتخدا شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگان داماد
حضرت تقی الدین بودند از بطن آن عفیفه سه فرزند ایشان کلانی خواجه
نظام الدین هادی دوم خواجه خاوند محمود سیوم خواجه عبد الحق المشتهر
محی الدین که بحضرت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق الله مشتهر بودند که
سلسله نسب صوری و معنوی ازان عالیشان جاریست و شادی ثانی حضرت
خواجگان از دختر خواجه نظام الدین اولاد صاحب هدایه گردید سه پسر ازین زوجه
نیز شدند خواجه عبد العلیم خواجه عبد الشهید خواجه ابو الفیض پدر
بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادری جناب حضرت سیدنا
ابو العلا قدس سره بودند نسب نامه حضرت محبوب جل و علا در ذکر اولاد امام
عبد الله با مر ما سبق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین
کرمانی در سمرقند شد حضرت خواجه عبید الله احرار نعش امیر را مدفن بر دوش خود
بردند و نماز جنازه او اکردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد یحیی
خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد زکریا خواجه عبد الباقی
و خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد یحیی شهید که همراه بودند خواجه محمد زکریا

خواجہ محمد نامی خواجہ شہاب الدین شاشی بخواجہ شہاب الدین شاشی
دو فرزند کلانی خواجہ محمد شاشی ثانی خواجہ محمود شاشی والد ماجد حضرت
خواجہ عبید اللہ احرار قدس سرہ و سکونت جد مادری ایشان شیخ داؤد
در تاشکند علاقہ دیہہ باغستانی حضرت خواجہ احرار نشو و نما ظاہرے و
تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم ظاہر نمودہ بیعت
از حضرت مولانا یعقوب چرخی کہ یکے از اجل خلفاء حضرت خواجہ نقشبند بہاء الدین
قدس سرہ بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جناب ظاہر و باطن آنحضرت
را شغل کشتکاری بود حصول معاش از زراعت بود نہ تجارت در اسباب
ظاہری از مال و اموال عزت وجاہ اہل دنیا تونگر متمول میسر نشدند حالانکہ
مقولہ حضرت خواجہ احرار است این میخ زند گل است نکہ در دل

چو فقر اندر قبائی شاہی آمد کہ   بتدبیر عبید اللہی آمد کہ

مقولہ حضرت مولانا جامی رحمۃ اللہ است منقول است در اقامت موضع
تاشکند آنحضرت متاہل شدند فرزندان بوجود آمدند دو پسر و چند
دختر و شیخ داؤد از بطن زوجہ اولی خواجہ عبید اللہ عرف خواجکا رحمۃ اللہ علیہ
عالم و فاضل حضرت خواجکا رحمۃ اللہ علیہ از تربیت تعلیم و نسبت بطون از
والد ماجد خود جست بجہت صوری و معنوی و دستخواہران ایشان ہر گاہ
ہر گاہ اقامت حضرت احرار بجوزی سلاطین وقت تیموریہ بمقام سمرقند

گردید

احمد حسین حافظ چہارم خواجہ علی حسین دختر گذشتہ رحلت کردند کہ از سید حسن
منسوب شد پنجم خورد سال کردہ انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین
رئیس شہر کہ خدا شدند چند دختران ایشان الا یک پسر میر احمد حسین ثانی
کتخدا از شیخ بشارت حسین رئیس شہر یک دختر و یک پسر ایشان پیاری صاحب
کہ از دختر خالہ کلانی کتخدا ذی ولد نیست سیومی از حکیم خواجہ محمد حسین عرف
خواجہ امان ابن خواجہ میر بخان نواسہ حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند
گذشتہ زوجہ شان رحیل ملک بقا شدند نام ولد حکیم خواجہ عبد السلام کہ
موجود اند دختر چارمی زوجہ اخی ام حضرت سید شاہ مبارک حسین ذی اولاد
شش پسر شد از انجملہ سہ موجود شاہ عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین
و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجہ ذاکر مرحوم زوجہ خواجہ علی مرزا
ابن خواجہ اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سیومی خواجہ علی دوست
خواجہ عبد اللہ فرزند ایشان حکیم خواجہ عبد السعید بعد ایشان ترکی تمام شد

ازینجا ذکر نسب ذریات خواجہ محمدی خان مسکینم نمکہ

واضح باد خواجہ محمدی خان از بطن بی بی برنا بیگم چہار پسر و دو دختر
از انجملہ زوج یک دختر میر مولا بخش کہ پسر شان میر الہی بخش نواسہ خواجہ
محمدی خان بجز زوجہ ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانے از
خواجہ محمد وجیہ اللہ خان کہ خدا بفضلہ شدند اولاد کثیر یعنے ستہ پسر

وخواجه عبد الباقی هر دو معیت پدر بزرگوار شدند شهید رسیدند بدرجات
مجید الاخواجه محمد امین که محض طفل بودند از مهلکه جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاهر
و باطن از برادر عمزاد خواجه عبد الحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان الله
این واقعه مثل کربلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام
پدر جمله سادات ند الحاصل فرزند خواجه محمد امین خواجه نور العین پسر ایشان
خواجه انور ولد ایشان خواجه محمد ابن ایشان خواجه محمد احمد پسر ایشان خواجه
عبد الفتاح ابنهٔ خواجه علی دوست رحمهم الله علیهم سه پسر ایشان یکی
خواجه محمدی خان که او مسماة برهانی بیگم دختر خواجه برهان الدین نظام الملک
صوبهٔ ملک دکن بودند کدخدا شدند بدین نسبت بمراتب عز و جاه رسیده آخر
اولاد گذاشته بمعرکه نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل
ثمر جنت النعیم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله ولد ایشان
خواجه نصرت الله ابن خواجه امین الله ولد خواجه محمد امین عرف خواجه واکر
اولاد شده کثیر و یکی آمده حسب تعقب پیر از دختر خجسته اختر میر منون رئیس شهر
که بهر لطف شاه خیر الدین زبدة المشایخین بودند کدخدا شدند حسب
تمانیت وارثیت بر کل ملکیت شاه صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجه واکر
صاحب را پنج پسر و پنج دختر خواجه ابو الحسن پسر کلانی فوی ولد شده لاولد
شدند پسر ثانی خواجه محمد حسن بودند پسر ایشان سید حسن اند سیوم خواجه

لاولد خواجه علی اعظم خان را یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن بارہ دری پسران
میر نجف حسین و میر کاظم حسین نام نامی پسر خواجه ممدوح خواجه کاظم خان
دو دختر ایشان یکی والده خواجه علی رضا مذکوره بالا دویم والده خواجه
امام الدین عرف میر مرزا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان
دو پسر شدند ایشان یکی خواجه بدر الدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان
عرف محمد نواب هر دو لاولد و برادر خورد خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انهم لاولد
شدند و سه فرزند بخواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر
ایشان یکی خواجه نور جان عرف خواجه خوجم دویمی خواجه محمد جان ثانی پسر ایشان
خواجه اشرف علی وسیومی خواجه نجف علی خان لاولد ثانی خواجه
حسین علی خان که از دختر میر باقر علی ممدوح کتخدا شدند پنج فرزند و یک
دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان و دو پسر یکی مسعود جان
فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر
عم خود کدخدا شدند لاولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان
عرف خواجه سلطان جان داماد خواجه خان بهادر خان سه پسر شدند زنده نماندند
الا دختران چهار یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه
ابوالحسین ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغرض از بطن آن زوجه
یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لاولد دختر

ازانجمله یکی خواجه محمد شاه والد خواجه محمود شاه که از دختر میر باقر علی کتخدا شدند
خلف ایشان خواجه عزیز جان بودند که از دختر خواجه فخر الله ابن خواجه
ماهتاب کدخدا بودند دویمی خواجه آفتاب از محل اولی دو پسر یکی خواجه
محمد یوسف که شادی قبل ایشان از خواهر خواجه حسین علیخان شده بود چند
دختر و یک پسر خواجه علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجه حسین علیخان
دو پسر و دو دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر باقی دویمی خواجه محمد محسن
که از صبیه جناب حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره کدخدا شدند یک
دختر که لاولد و فرزند رتبه بلند جناب خواجه لطف علی رحمة الله علیه شادی
ایشان از دختر خاله خود شده بود یک پسر شده دوازده ساله عمر رحلت کردند
و از بطن ثانیه دو فرزند یکی خواجه علی مرزا لاولد کلانی خواجه لطیف علی
عرف شاه میانجان که از دختر شاه اقبال حسین کتخدا شده سه پسر ایشان
و یک دختر و دو پسر خواجه آفتاب از محل ثانیه بودند خواجه محمد امین و خواجه خسرو
و پسر سیوم خواجه محمد وجیه خواجه ماهتاب بودند و لد ایشان خواجه فتح الله چون
از ذکر اولاد دختری خواجه محمدی خان فراغت یافت ازینجا ذکر اولاد پسری
مینمایم شجره در ذکر پسران خواجه محمدی خان مرحوم منعم آباد
خواجه محمدی خان را چهار پسر کلانی خواجه علی اعظم خان ثانی خواجه
عاصم خان سیوم خواجه محترم خان چهارم خواجه مکرم خان سیوم چهارم

لاولد

ذکر اولاد خواجہ علی اعظم خان

باید دانست خواجہ علی اعظم خان فرزند کلانی خواجہ محمدی خان و ثانی
خواجہ محمد عاصم خان سیومی خواجہ محترم خان چارمی خواجہ مکرم خان
این ہر دو برادر سیومی و چارمے لاولد از فرزندان خواجہ محمدی خان
الا ماند اولاد کلانی و ثانے خواجہ علی اعظم خان یک دختر زوجہ سید
غلام نجف کہ از ذریات حضرت سید فضل اللہ قدس سرہ پسر سید
غلام نجف دو شدند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین و خلف ثانی
خواجہ علی اعظم خان خواجہ محمد کاظم خان بایشان دو دختر و سہ پسر
خواجہ فرزند علی خان کلانے و خواجہ حسین علی خان ثانی
سیوم خواجہ نجف علی خان کہ لاولد ماند خواجہ فرزند علی خان را دو پسر
یکے خواجہ نور جان عرف خواجہ خوجم دومی خواجہ محمدی ثانی ولد ایشان
خواجہ اشرف علی زیادہ کیفیت معلوم نشد خواجہ حسین علی خان
کہ خدا شدند از دختر میر باقر علی یکے از رؤسا شہر پنج پسر و یک دختر ایشان
یکے خواجہ عابد علی خان عرف خواجہ جان از دختر عمہ خود کہ خدا شدند
بی اولاد رفتند از جہان ثانی پسر خواجہ طالب علی خان عرف خواجہ
سلطان جان کہ از دختر راجہ خان بہادر خان کہ خدا شدند چہار دختر
ایشان یکی زوجہ جناب خواجہ علی حسین عرف میر نواب یکی دختر دیگر پسر

سیوم لا اولد رفت ازینعالم و دختر چهارم زوجه خواجه محمود جان ابن خواجه علی رضا
و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی
ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود اولاد نشد و لپسر چهارم خواجه
محمد حسن خان عرف خواجه میر بخان ایشان کدخدا از دختر خواجه عین الدین
ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا برہان الدین قدس سرہ یک پسر
ایشان خواجه وحید جان و دو از محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون رحلت
کردند خواجه محب قلبی لطف مودت خاندان ایشان شد ختم گویا ختم خواجگان شد
و برادر خورد ایشان خواجه وزیر جان بودند لا اولد و از عقد ثانیه خواجه
حسین علی خان حبا خواجه علی حسین اند ثمره ذکر اولاد خواجه
عاصم خان مرحوم سه پسر ایشان و یک دختر زوجه ثانی خواجه محمد یوسف
که یک دختر از ایشان مسماة بادشاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه
قمر الدین حسین باقری نسب قدس سرہ فرزندی بوجود آمد سید
سلامت حسین نام طفولیت رحلت نمودند و نبیره خواجه محمد آفتاب
را از محل دوم دو دختر و دو پسر یکی خواجه محمد امین دوم خواجه خسرو لا اولد رفتند
ازینعالم علی هذا کیفیت دختران نیز همین و خواجه محمد ماهتاب را یک پسر خواجه
فخر الله یک دختر ایشان زوجه خواجه عزیز جان ابن خواجه محمود شاه
ابن خواجه محمد شاه ابن خواجه محمد وجیه مورث اعلیٰ هرسه برادر که

فرزند ثانی خواجه مہدی خان خواجہ عاصم خان سہ پسر ایشان و یک دختر
خلف اولین خواجہ جعفر دویمی خواجہ اکبر سیومی خواجہ اصغر دختران
بودند ہر دو برادران الا پسر خواجہ اکبر خواجہ امیر علی عرف خواجہ کلو
دویمی خواجہ وزیر نوجوان رحلت کردند اعقاب نماند الا اولاد خواجہ
امیر علی صاحب شد باقی نماند و خواہر ایشان از جناب حضرت خواجہ ابوالخیر
رحمۃ اللہ علیہ منسوب شدند دو فرزند ایشان خواجہ ابو محمد و خواجہ ابو احمد دختر یکے
ازان ہر دو برادر خواجہ جعفر یا خواجہ اصغر زوجہ عالیہ جناب حضرت خواجہ
ابوالحسین قدس سرہ اللہ دو فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت بتصریح
در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سرہ شد نوشتنی نیست احتیاج
تسوید تکریر الحاصل بعد رحلت محبے و مشفقے خواجہ محمد حسن خان عرف خواجہ
میرنجان ادخل فی روضۃ الجنان گویا شد تمام و ختم خواجگان اخلاق
کہ داشتند مندرول باین فقیر حقیر نگنجد در بیان و نہ بحیطہ تحریر مرحوم مغفور

کیفیت احراریان بزرگان قصبہ شہر کہاٹی سکونت کہ اکثر

داشتند منصب قضا در کتاب شجرہ طیبہ بتصریح تحریر است احتیاج تکرار نشد
بسیار عماید بزرگان بودہ اند **شجرہ اصل بلا فصل بلکہ وصل**

در ذکر جناب حضرت شاہ فرہاد قدس سرہ و

حضرت شاہ رکن الدین عشق قدس سرہ

ایشان دویمی نواب وزیر علی خان کہ ندا اولاد نیست سیومی لاولد رفتند از نیخام
چارمی زوجہ خواجہ محمود خان ابن خواجہ علی رضا دو پسر ایشان
پسر سیومی خواجہ ابوالحسن عرف خواجہ حسن جان کہ از دختر خواجہ
محمود شاہ کہ خدا شدند لاولد ماندند چارمی خواجہ **محمد حسن خان**
عرف خواجہ میر جان کہ از دختر خواجہ معین الدین ابن شاہ ناصر الدین
کہ خدا شدند یک پسر از انجملہ باقیست مسمی خواجہ **وحید خان**
دو پسر از محل ثانیہ خواجہ محمد جان و قدرت خان موجود اند و بعد چارمی
پسر پنجمی خواجہ علی حسین عرف خواجہ وزیر خان لاولد رفتند در عین
جوانی و از محل دیگر خواجہ حسین علی خان یک پسر خواجہ علی حسین
موجود ذی اولاد اند باقی از یک خواہر خواجہ صاحب زوجہ خواجہ
محمد یوسف پسر ایشان خواجہ علی رضا کہ از دختر خواجہ صاحب کہ خدا
شدند دو پسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چہ نویسم پسر خواجہ
محمود خان نام دویمی خواہر خواجہ صاحب زوجہ مرزا **ولی محمد خان**
ابن مرزا بہادر بیگ خان دو فرزند ایشان شدند یکی خواجہ امام الدین جان
عرف میر مرزا دویمی مرزا امیر خان لاولد از جہان فانی بنیان رفتند کلانی را
کہ کدخدائی از دختر عمہ شدہ بود دو پسر شدند بدر الدین خان دویمی
شمس الدین خان ہر یکے نوجوان از ین عالم رفتند اعقاب یکے نماند

نوشته نمودند تا فزون جای اقامت ولایت شد تجویز شهر دهلی
درین عرصه والد ماجد ایشان کردند انتقال در شهر دهلی بجای سکونت پدری
بمحله مغلپوره که دران زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
شاه محمد فرهاد مشغول شدند بر شد و ارشاد خلایق به تعلیم اسرار و دقایق بهر یکی
ازان از دیگری شدند فایق آخر قبول کردند خلفای بهر چهار یکی شاه ضیاء الدین
دومی شاه محمد در گاهی این هر دو زیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دهلی
کردند ختم بیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفا ربانی آخر شدند جانشین
چهارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
نیز گردید در زمرهٔ امرا اراکین تیموریه از دختر خجسته اختر میرزا سعد الله
نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
قطب الارشاد شاه محمد فرهاد از لطن آن عفیفه پیدا شدند یک
دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النسا بیگم عرف بو بو صاحبه
بهنگام سن بلوغیت دادند بازدواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
که نسب نسبت میداشتند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله عنه
چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب مسلسل نیافت انچه دانست تحریر نمود
الحصول از لطن زان عفیفه پیدا شد کفال کمال فرزند رتبه بلند زیب ده
فیضان حضرت خواجه نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین متخلص بعشق بودند

چون والد ماجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور جهت بند وبست ملکی
و مالی میرفتند تعلق گزیده همراه نرفتند درین شهر ماندند و رغبت پدر بزرگوار
بصحبت چند نوبت الفت یافتند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق
شد و دامنگیر کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب اضمحلال و از اوستاد نیز
بدرس تدریس رسید اهمال از انجا که حضرت باری را بوده افضال درین آن
شریف پیدا شد کمال هرگاه نواب شیخ محمد سمیع امین الدوله مراجعت نمودند
از قصبه برهانپور کیفیت صاحبزاده دیده حیرت شد پیدا و از اوستادشان
جمله حالات غیبت شد هویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال اهل دنیا
را بدنیا داری بود خیال روزی صاحبزاده خویش را همراه بردند بهر ملازمت
بعد جلسه چند بلب خود آوردند کلمه شکایت یا حضرت منم یکی از مجرائی دربار
بادشاهی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت بابرکت گویا کشتی رسید
در تباهی لایق خدمات سلطنت دربار شاهی نماند انحضرت فرمودند در
جواب ای شیخ صاحب میخواهی که این طفل باشد یکی از مجرای شاهی فرد ملازم دست
بجوی آگاهی که امرا و سلاطین زمانه بنشیند این درویش بسیرت در آستانه بمجرای
ای صاحب این واقع که بر انها هست جای ملال بلکه صورت هست دولت
براهی جاه بجز رضا و تسلیم هیچ نماند چاره شکریه بجا آوردند تسلیم میکردند
بعد چندی از صحبت چنان شد به فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

اونخ

بسن بلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را تردد نسبت شدید
تلاش مصاهرت بشرفا اینجوار آخر بقرار نسبت صاحبزادی خورد از شاه
قبل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت
عشق قدس سره بودند یافت باصرار محبان و معتقدین صلاح این امر مشورو
از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام کدخدائی
صاحبزاده کلانی از آنحضرت شد انجام الحاصل از بطن زوجه حضرت یک دختر
شدند و ولیپر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید یک دختر
و یک پسر در آمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از ینجهان بی اولاد
رفتند و نام نامی پسر عالیقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزادی
ثانی که از شاه قبل احمد صاحب کدخدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند
از میر غلام رسول بایشان نیز شد یک دختر مسماة حسینی بیگم از جناب
خواجه لطف علی صاحب شدند کتخدا و یک پسر در آمد بوجود مسمی خواجه
التفات علی مدعو نور خان عین زمانه بلوغیت رحیل بملک بقا شدند الا دو
فرزند رتبه بلند از محل شدند یکی عظامی نام نامی خواجه لطیف علی
عرف شاه میانجان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
مخدوم شاه بدر الدین مزار شان بازپور اند ثانی از ینعالم لاولد رفتند

شاید در حین طفولیت از پیار و محبت دلیلہ را پیہ گفتہ باشند مرزا گمسیا معروف
شدند القصہ آنحضرت را تربیت باطنے و حصول بیعت بطریقہ عالیہ نقشبندیہ
از حضرت مولانا برہان الدین خدانما ست کہ از خلفاء جلیل جد مادری
ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شمر در شہر عظیم آباد تا دوازدہ
سال ماند حصول صحبت فی تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
جناب حضرت شاہ محمد منعم قدس سرہ کہ این حضرت نیز از یاران جد مادری
آنحضرت بودہ اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سرہ بکمال ترک و مرزا منشی
باین وجاہت و لیاقت گذرانیدند درویشے معتد بہ بود صرف خانقاہ درویشے
خود مکان درست ساختند چنانچہ فیض شد حضرت عشق قدس سرہ
خطاب آتا ہی و لیر مردم ای عشق کہ مبارک ہو یہ تجھکو میرزائی کہ
در شہر عظیم آباد درویشے را بکر و فر ارسید و از مشائخین آنجا از خوبی اطواری
سلسلہ پیراستند ہر گاہ رسید خبر کہ مولانا برہان الدین کہ رفتند در حلت پیوستند
بجوار رحمت در علاقہ لکھنؤ بمقام اقامت داشتند بمجرد استماع این خبر
چند مریدان معتمد را فرستادہ بہر آوردن اہل و عیال بسوی لکھنؤ خالصاً بعد
بالآخر مریدان عالیمقام معہ خدام آوردند بسواری رتھہ و پالکی باعزاز و
اکرام واضح باد حضرت مولانا برہان الدین خدانما بودند دو
دختران نوجوان و صاحبزادہ مسمے بہ شاہ ناصر الدین دوازدہ سالہ بود

بعلو غیرت

واضح باد یکی از مشائخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد انجوا شدند دو برادر اعیانی شاہ شمس الدین عرف شاہ سمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم نشد در حضرت بہار رسیدہ بیعت بطریقہ چشتیہ نصریہ حصول از خلفاء مخدوم شاہ نعیم اللہ سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند فیضان کمال در مقام اول تکیہ ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان با برادر ایشان شد جاری بچند واسطہ شاہ امام علی عرف شاہ بدلو صاحب سجادہ پنج پسر ایشان شدند و یک دختر مسماۃ قدرا شادی از میر جان علی شد از محل اولی برادر میر سلامت علی ساکن جونپور پرگنہ اول ازان دختر شد و نام پسران کلانی شاہ امجد حسین بعد پدر خود زیب سجادہ بودند شادی ایشان در اول شد یکی از دختران عمزاد شاہ حسین علی ابن مولوی وارث علی پسر شاہ امجد حسین شاہ شجاعت حسین داماد مولوی شاہ حسین علی مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاہ امجد حسین بودند شاہ مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاہ سخاوت حسین دختر زوجہ اولی شاہ راحت حسین نبیرہ میر احمد علی مرحوم شاہ امداد حسین پسر ثالث شادی ایشان در موضع قاضی چک پرگنہ مسوڈہ ضلع پٹنہ شد در کفوریت مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چہارم پسر شاہ امام علی اند شاہ نور حسین یک دختر و دو پسر ایشان ہستند پنجم پسر شاہ امام علی

الا سہ پسر و یک دختر اند بصاحب کلان نے خدا یا تکیہ آباد باشد ثمرۂ و در ذکر
نسب انصار کہ آمدند در نیجوار معروف بہ شیخ انصاری خصوصاً
در بہار باید دانست بندگی مخدوم دانشمند کہ اقامت خود ساختند
بموضع منورہ علاقہ بہار میگویند جریب خود در انجا لقب کردند و گفتند این
مورا چنانچہ بدان نام معروف شد الغرض انجناب در نسب انصاری شیخ
اند از اولاد حضرت ابو دردا انصاری کہ اصحاب کبار آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم
بودند فرزند ارجمند این بزرگ بندگی شاہ عبد اللطیف از دختر
مخدوم شاہ دوست منیری کہ خدا شدند ذی اولاد شدند نام بندگی
شاہ عبد اللطیف شیخ عبد الوہاب ابنہ شیخ صدر الدین ابنہ شیخ بڑے
طیب ابنہ شیخ عبد الغنی ابنہ شیخ عبد احمد ابنہ شیخ عبد الجلیل ابنہ شیخ
محمد خلیل ابنہ شاہ غلام محمد والد شاہ سیف اللہ مولوی نواسہ
ایشان شاہ طیب اللہ ابن مولوی شاہ امین اللہ شاہ طیب اللہ را دو پسر و
چہار دختر ہمہ در اقران کہ خدا ذی اولاد الا فرزند کلانی شاہ محمد بہاء الحق
معدن جود و سخا شدند کہ خدا الا اولاد شد پیر ادر ثانی شاہ
تراب الحق کہ زوج عمہ این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
فرزندان حضرت جد ماجد خود خواہد نمود ۞

ضمیمہ در نسب انصاری صاحبان اول

رود و ثمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیری والد مخدوم شاه
شعیب رحمۃ اللہ علیہ ثمرہ دوم در ذکر اولاد مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین
قدس سرہ باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیہ کہ ذکر نسب نامہ ایشان بالا تحریر شدہ
قریشی ہاشمی مطلبی اند از اولاد عم آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم سبب ورود
اینہ دیار حسن است در قصبہ منیر ہندستان کفار بود و رملت شدہ مدغلط راجہ مینیار
نام داشت در حق مسلمان از عالم غیب باحکم حضرت بنیاد دین پناہ مع اہل
و دو پسر خود وارد شدند بدین دیار راجہ مینار چون در جنگ شکست یافت
فتح اہل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیہ در انموضع طرح اقامت انداختند
ہرگاہ زوجہ شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال ولایت این دیار
ہر دو فرزندان تفویض نمودہ روانہ بسوی مکہ معظمہ گشتند فرزند کلانے
مخدوم شاہ اسرائیل ثانی مخدوم شاہ اسمعیل ہر دو برادر باخود ہا
بموافقت ولایت مقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیہ در مکہ معظمہ رفتہ
از خواہر زوجہ عقد نکاح بپرداختند یک پسر شدند مخدوم شاہ عبدالعزیز
نام حسب وصیت پدر بعد انتقال شان ہمراہ ملاقات برادران رسیدند بعد
ادراک تعرف و نشان خاندان بمراجعت پرداختند چنانچہ مخدوم شاہ عبدالعزیز
ہمراہ برادر ماندند و مخدوم شاہ اسمعیل حسب تقسیم ولایت عبور گنگ در ضلع
ترہت اقامت پرداختند اولاد از ہر یکے برادران جاری شد حالا تحریر می نماید

شاہ رحمت علی ذی اولاد ہستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
ازانجا کہ بزرگان نامی بودند انچہ را انچہ کہ دانست تحریر نمود باقی در حضرت
بہار مشہور محلہ انصاری است شیوخ انصاری بودہ اند ازانجملہ یک بزرگ
بودند شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواہر منشی سید محمد خلیل خوشنویس و دیگر
بزرگے از اولیا کبار متصل جہان آباد اند بل فزار اولاد ایشان ذی اقتدار
یکے ازان شیخ عبد القادر وکیل و از نواسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی واند عم ایشان
کلانی مولوی محمد اسمعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فدا حسین الا یک
برادر مولوی عبد القادر حافظ ابو احمد ہر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم بجامن دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواہر حضرت شاہ
غلام حسن ابن جناب حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام امی
مسماۃ بصیرؔ از زوج مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر ستہ فرع در ذکر فرزندان حضرت امام محمد تاج فقیہ

فرع اول بذکر ذریت مخدوم شاہ اسمعیل قدس سرہ
فرع دوم بذکر اولاد مخدوم شاہ اسرائیل قدس سرہ
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاہ عبد العزیز قدس سرہ

خلف ایشان بودند شاہ شہود علی داماد کلانی جناب شاہ امیرالدین ممدوح انیقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریت مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہٗ

واضح باد حضرت مخدوم شاہ اسرائیل را دو فرزند رتبہ بلند کلانی بودند مخدوم یحییٰ منیری ثانی مخدوم شاہ منظفر کہ درجوانی رحلت کردند اولاد نماندالا حضرت مخدوم یحییٰ را کتخدائی از بی بی رضیہ بنت مخدوم شاہ شہاب الدین پیر جگجوت گردند از بطن آن مخدومہ چہار فرزند مراتب بلند شدند از ہمہ برادران خورد مخدوم شاہ حبیب الدین کہ ہمراہ برادر زادہ خود مخدوم شاہ ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکروہ رحلت کردند اولاد بودند کلانی مخدوم شاہ خلیل الدین کہ مرید و خلیفہ والد ماجد خود بودند سکونت در مقام منیر داشتند نیز در انجا مزار موجود دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاہ اشرف خلف کلانی حضرت مخدوم یحییٰ منیری قدس سرہ مخدوم شاہ خلیل الدین دوم پسر ایشان مخدوم اشرف الدین و مخدوم منور الدین ہر دو برادر مرید فیض یافتہ عم المحترم حضرت مخدوم شاہ شرف الدین بہاری بودند اولاد مخدوم شاہ اشرف الدین جاری شد بدرجہ ہفتم انجناب در نسب حضرت مخدوم شاہ دولت منیری عالی تبار فیض آثار شدہ اند عقاب نماند برادرشان شاہ

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل راشدند فرزند
چهار پسر که صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
ثانی مخدوم شاه منهاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چارمی
مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این هر دو برادر مخدوم شاه منهاج الدین
و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد نشد الا هر دو برادر دیگر اولاد شدند پسر
مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه عیسی اولاد ایشان بمقام کجانوه موجود است
الا از نام آنها خبردار نیست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد العزیز کدخدا شدند ولد الرشید شان
مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخپوری صاحب ولایت الا مخدوم شاه
صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علا عرف شاه قاضی بودند و
پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله سرمست اولاد ایشان
مشائخین موضع سیبوره هستند بیش ازین نام دریافت نشد و پسر ثانی
مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشائخین موضع خنده از اولاد این
بزرگ هستند یکی ازان مشائخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

خلف

یکدختر ایشان بی بی رقیہ نام از مخدوم شاہ شمس الدین عم سید وحید الدین
چلہ کش کدخدا شدند و دختر شدند با یشان بی بی ماہ خاتون دوم بی بی
جمال ہر دو از برادران عمزاد کدخدا شدند از سید سکندر و سید اکبر اولاد
سید سکندر جاری شد بموضع اونز الاری موجود اند و نیز در موضع گہراٹ
سید بشارت علی وغیرہ زیادہ ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبہ بلند
متوسط حضرت یحیی منیری مخدوم الملک مخدوم شاہ شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقہ صوبہ بہار با نحضرت یک فرزند مرتبہ بلند مخدوم شاہ
ذکی الدین بحالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان بحق نمودند تسلیم بمقام شکر پور
کتخدا انجا نہ سیادت شدہ بودند یکدختر ایشان بی بی بارکہ از سید وحید الدین
چلہ کش ابن مولانا سید علاء الدین کدخدا شدند نسب نامہ ایشان
در سیادت تحریر شدہ است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یکدختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زہرہ از سید شہاب الدین جگجوت
کدخدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر جواہر خواہد نوشت
در ذیل گفت مخدوم الملک دارد چرا کہ ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک
از و ربایب ایشان مراد است

فرع سوم اصل اول در بیان اولاد مخدوم شاہ عبد العزیز یمنی بر دو قسم
قسم اول در ذکر اولاد مخدوم شاہ جلال منیری و اولاد مخدوم شاہ شعیب

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علے الترتیب سجادہ نشین
قایم است چنانچہ بزبان این فقیر شاہ قطب الدین احمد ابن شاہ مبارک حسین
عرف شاہ دھومن بودند حالا داماد شاہ قطب الدین بعد شاہ امجد حسین
ابن حضرت شاہ محمد سلطان بہاری محلہ چاندپورہ جانشین فی اولاد اند و
برادر شاہ مبارک حسین شاہ لطف علی را دو پسر شاہ منور و شاہ بھیکن و دو
خواہر ایشان یکی زوجہ شاہ محمد صغر کوچوبی پسر ایشان محمد خلیل پسر ایشان
احتشام حیدر و نیز یک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاہ لطف علی شاہ اولاد علی
و شاہ فرزند علی در یجا نسب بالا حضرت شاہ مبارک حسین مینو پسید و اضح باد
شاہ مبارک حسین عرف شاہ دھومن و شاہ لطف علی ابنان شاہ محمد محمود
ابن شاہ محمد مکی ابن شاہ عنایت اللہ ابن شاہ اشرف منیری ابن شاہ
محمود حافظ ابن شاہ محمد ابن شاہ جلال الدین کہ برادر اعیانی مخدوم شاہ
دولت منیری بودہ اند ابن شاہ عبد الملک ابن شاہ محمد اشرف منیری ابن
شاہ محمود ابن شاہ سلطان ابن مخدوم شاہ حسام الدین عرف شاہ
جہان ابن شاہ اشرف الدین ابن مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم
شاہ یحیی منیری ابن مخدوم شاہ اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیہ قدس سرہ
فرزند دوم مخدوم شاہ خلیل الدین ابن مخدوم شاہ یحیی منیری فرزند مرید و خلیفہ
برادر خود مخدوم الملک شاہ شرف الدین احمد چنانچہ در بالین مزار برادر آسودہ اند

وسلسلهٔ اشک جاری میخواهم عزلت اختیار کنم بگوشه شوم متواری دران روز
جدمادری ایشان بطفلان مانع شدند شعیب را همراه بگورستان مبرو گفتند
درینوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده تاکید بر معلم ایشان نیز
گفتند زجر و توبیخ هرگز بالین عزیز روا ندارید این ولی الله است یکے از واصلان
گرچه بعمر خورد است حکایت است روزی همراه استاد خود بهرکاری
میرفتند در اثنار راه دیدند که دیوار جست کرده بر دیوار شدند سوار چون
معلم از پس ایشان دوان بحکم ایشان دیوار شد روان نقل میکنند هنوز
موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجود است مردمان زیارت او میکنند
بر خاص و عام میشوند فاتر المرام هرگاه جدمادری ایشان یافتند وفات
عمرش نزده ساله در الوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چندے
در انجا قیام کرده از زیارت مزار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از انجا مراجعت
کرده در قصبه دانا پور جاے عافیت یافته گوشه نشین ماندند و بیاد الهی
مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از انجا روانه شدند بسوے
راجگیر خبر برادر معظم خود شنیده بودند که در انجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
چون اندر چله حضرت مخدوم را امدن ایشان منکشف گشت بیرون امده
ملاقات کردند و گفتند ای ما تنها درین جنگل بیابان میمانم و تو نوجوان هستی
جای خطر است از شیر و اژدها تنها اینجا مباش ما دان رو از سر باطن

ثمره دوم فرع سوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین
بیان ثمره اول در حالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
عبدالعزیز واقع باد کدخدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیه مخدوم شاه
ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
اسمعیل گرو ند نام آن بی بی سعیده از بطن این بی بی یکفرزند رتبه بلند
مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد الحصول مخدوم شاه شعیب
قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه بادی
جد مادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوان رحلت پدر شد بمقام

قصبه منیر

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب قدس الله سره شیخپوری
واقع باد وقت رحلت پدر بزرگوار بعمر هفت ساله بودند هرگاه بسن شعور رسیدند
روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش
پرسیدند در جواب گفتند در طعام خورد و نوش توشیح دریغ نیست الا ایشان لاغر جسم
شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و التفات نمودن در خورد و نوش
عرض ساخت هرگز مرا غم تنیمی نیست و نه شکایت زرق میکنم الا ماجرای یکروز
چنین است سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بعذاب اند
در حق ایشان دعاء مغفرت نمودم از آن روز مرا هیبت خدای تعالی طاری است

بی آب و دانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا ، ز رو و عزلت نشین شدند
بی آب و دانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رفت کردند
مسدود و نقل بنیاد این ماجرا را بالا شد از چهل سال را کین در انوقت نیز
راجه بهر و الا و ران زمان نبیره راجه مذکور بحکومت راجگی بود بعض کسان
ویرنه انوقت ما کیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبردار راجه در انوقت
این کیفیت شنیده معماران را حکم جای هر دو چله وا کردن دادند چون جای
جوگی کشادند جز استخوان پوسیده چیزی نیافتند الا چون جای عزلتخانه آنحضرت
وا کردند آثار حیات یافتند و کر انفاس بود جاری فورا راجه باحتیاط تمام آنحضرت
را جای محفوظ وا کرده داشت و از مالیش روغن و غذای خفیف مهتمم خدمت
شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود دعا کرده در حق
شان از انجا مراجعت سوی موضع شیخپوره نمودند درینحال انتقال مخدوم الملک
قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر ست از دیار زمانه منقولست که حضرت
مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند
که روزی از روزها برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید جز تربیت چند
نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقه فقیر باو رسانی و هر که گوید دریغ
ندانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تفویض به مخدوم شاه حسین
کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شیخپوره

تلقین کرده ایشانرا رخصت نمودندمی آمدند ازانجا جانب دیار شرقی عازم
سفر شدند درانثا رراه بمقام شیخپوره در دامن جبال بیرون آبادی مدتی
جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان انجا ملک زادگان را خبر شد بخوشی تمام
بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند شما نیز درین بیابان بجا
اگر جوار جمعیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از عرصه
مفارقت شده بود بهر دیدار نور الابصار تشریف آوردند ایشان را انکشاف
این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
تور پرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه می باشم پر خطر است
از فرزندگان تشریف بری آنمخدومه درانجا مناسب نیست درانجا تشریف
دارند امروز پنجشنبه درانجا بهر زیارت خواهم رسید میگویند تا حیات والده
ماجده همین معمول داشتند بهر زیارت میرفتند هرچند وفات والده آنجناب
دران موضع ست زیارت عام و خاص القصه چون ازین تعلق طمانینت
حاصل شد از شیخپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
که کوچ بهار نامند والی انجا راجه بود از قوم هنود و معتقد جوگی سیده
بود جای چله با میکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله میکشی یا چلی گفت
چله سیدانم الاچلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند
و چله چهل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجوار د ... ن او هردو قصد چله کردند

و امامیه مذهب سکونت ایشان قریب مزار و سکونت اهل سنن بیرون آبادی
قصبه جانب مغرب معروف است بیگنه شیخپوره و درانجا شانجان میباشند باید
دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شاه بهاء الدین
ثانی شاه محمد منصور سومی شاه مظفر این هر سه از یک مادر اند و لا ولد سومی
ذی ولد الا جانشینی ترتیبا وامر حیت در برادران یکے بعد دیگری ماند چارمی
شاه حیدر عرف شاه خدابخش الحاصل شاه مظفر را پسر شاه نظام الدین
که از دختر عم خود شاه خدابخش شدند که خدا و بعد شان زیب سجاده گشتند و
پسر شاه خدابخش شاه غلام حیدر هر دو ذی اولاد والا طبقه اهل تسنن از اولاد
شاه نظام الدین اند و طبقه اهل تشیعه از اولاد شاه غلام حیدر در اولاد ایشان
امرای ذی جاه و صاحب منصب اند نامر حسین خان و محمد حسن خان و محمد یحیی
خان خلف نواب ابو القاسم خان وغیره چنانچه نامر حسین خان و محمد یحیی خان
و یکی از نواسه محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان نواب ونعلی
ابراهیم خان خلف ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و عزت علی خان
و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند و اولاد
در اطراف موضع تیلاده شاه احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذهب
و آنانکه در مذهب سنیه اند سکونت پذیر بیگیه اند شاه تراب علی سجاده [illegible]

دریافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده بهر زیارت مزار در انوقت مخدوم
شاه حسین نیز معتکف بودند این حال دریافته فرزند خود مخدوم شاه حسن را
مع خرقه و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرند در اثنای
راه ملاقات شد از هردو بزرگوار زیر درختے معانقه و مصافحه با خود باز گشت
بعد ساعتے تبرکات آورده خویش مع خرقه پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
خرقه را پوشیدند و سر بجیب در مراقبه شدند گفتند البته ازین خرقه فیض کمال
شد حصول الا هنوز امر بیعت بجا نا ورده ام بدستور معمول دست خود بیار
بیعت نمایم مخدوم شاه حسن بکمال عجز و اعتذار متامل شدند فرمودند انچه که
والد بزرگوار گفته بودند ازان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
قدس سره است الحاصل بعد حصول امر بیعت هردو بزرگوار از یکدیگری رخصت
شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بجانب
بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حالا که جای مزار است مشهور کما حسن
واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفوئیت خود کردند از بطن آن زوجه
سه پسر و از بطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوجه اولاد شد جاری حرکات
کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتاب تصنیف یکی از خلفا ایشان
انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آنمخدوم و فریق اند سنیه مذهب

شاہ حسن علی ابن شاہ محمد امام ابن شاہ اکرام ابن شاہ ابوالفتح
ابن شاہ عبدالرزاق ابن شاہ محمد جلال ابن شاہ محمد فیروز ابن شاہ
نظام الدین ابن شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ
ابن مخدوم شاہ جلال منیری و شاہ عالم علی علیہ الرحمۃ را یکدختر و یک پسر
شاہ جلال الدین لاولد لا اولاد و دختر سہ پسر یکے شاہ مہدی علے
کہ بعد خال خود شاہ جلال الدین علیہ الرحمۃ سجادہ نشین شدند چون پسر
نداشتند بعد ایشان برادر خورد ایشان شاہ واعظ علی صاحب
سجادہ نشین کردند حالا موجود می اولاد اند و برادر متوسط ایشان را
نام یاد نیست الا بارہا ملاقات کردہ است از انجا کہ پیران طریقت بودند
و تحریر کیفیت نسب برخود واجب دانست نوشت و شاہ واعظ علی صاحب
جاری نسب از حضرت شمس الدین حقانی دارند

ثمرہ دوم فرع سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت
مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین کہ سکونت در موضع نوآباد
خورد و عظیم اباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاہ سلیمان لنگر زمین ابن مخدوم شاہ عبدالعزیز
ابن حضرت امام محمد تاج فقیہہ فرزند کلانے یا ثانی حضرت مخدوم شاہ عبدالعزیز
اند شادی ایشان از دختر مخدوم شاہ شہاب الدین عرف پیر جگجوت

وخواہرزادہ ایشان شاہ جمال علی پسر ایشان شاہ مظفر ویکی از فرزندان
مخدوم مظفر حسین جان ومیر اسد علی صاحب ومیر سعادت علی نسب جدی ایشان
بحضرت سید شاہ فضل اللہ عرف سید گوسائین ومیر شاہ محمد علی صاحب
وشاہ لطافت علی صاحب ومیر عبد الحسین واخوان نیز ایشان اند کہ نام ہر یکے
یاد نیست الا ترتیبا واسطہ نسب دو بزرگ کہ بہ یکی نسبت قرابت ودیمی سلسلہ
بیعت است مینویسد انچہ کہ یافت دریافت یا یدوانست یعنی از فرزندان
حضرت شاہ نظام الدین ابن شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب
قدس سرہ جناب شاہ ابراہیم حسین نوا بادی کہ در قرابت برادر جد ماجد
این فقیر حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاہ ابراہیم حسین
ابن شاہ فتح علی ابن شاہ محمد صفی ابن شاہ محمد رفیع ابن شاہ عبد العزیز
ابن شاہ عبد الرزاق ابن شاہ جلال ابن شاہ فیروز ابن شاہ نظام الدین
ابن مخدوم شاہ مظفر ابن مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ ابن مخدوم
شاہ جلال منیری ابن مخدوم شاہ عبد العزیز ابن مخدوم شاہ
امام محمد تاج فقیہ ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرات
نوابادی خواہند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاہ حسن علی
قدس سرہ مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاہ حسن علی وشاہ عالم علی
ہر دو برادر از فرزندان حضرت مخدوم شاہ شعیب قدس سرہ اند یعنی مخدوم

الاولیا محبوب الٰہی نظام الدین اولیا بودند طریقہ چشتیہ نظامیہ
سراجیہ بود القصہ حسب تفویض ولایت از امر پیر خود سکونت در نوا باد نمودند
قریب موضع بیکٹھ پور سہ فرزند حضرت مخدوم شاہ احمد چشتی بودند یکے مخدوم
شاہ حسن عرف مخدوم شاہ بڑی دو دختر من بایشان بودند ہر یکے
از برادرزادگان کتخدا دومی مخدوم شاہ حسین متوسط برادر فرزند ایشان
مخدوم شاہ عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاہ عبدالمجید ولد ایشان مخدوم
شاہ عبدالحی یک دختر ایشان بی بی تاجا زوجہ میر سید محمود ابن میر سید محمد
ابن میر سید صدر جہان باقری نسب داناپوری و نیز حضرت مخدوم شاہ
عبدالمجید ابن مخدوم شاہ عبدالرزاق رایک دختر بی بی شرفہ زوجہ
میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عماد الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح مدعو
قاضی بڑی رضوی نسب داناپوری سہ فرزند بحضرت میر سید اکبر بودند کہ
میر سید جہانگیر کہ بیعت و تربیت ایشان را از جد مادری مخدوم شاہ عبدالمجید
بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
سید رکن عالم حالا اولاد دختری این ہر سہ برادر اند از انجملہ این خاکسار
و برادران عم زاد را نواسگی میر سید حامد ابن میر سید جہانگیر قدس سرہ و
از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم میر حسین بخش با
کوچومی والد ماجد شاہ اظہر حسین دومی شیخ محمد یار جد شاہ داود مرحوم

گر دیده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش
فردوسی بی بی بدیه واز بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال
الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
کمال زوجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
دهوکڑپوش که در پورینه مزار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
بی بی دولت الحاصل مزار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
دختر ایشان در موضع کاکو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد

پسر عین اولاد بی بی کمال اند

ثمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطاء الله
قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطاء الله ابن مخدوم شاه سلیمان
لنگر زمین که نواسه حضرت پیر جگجوت اند یک خلف ارشد ایشان مخدوم شاه
تاج الدین ابنه مخدوم شاه عبد الملک ابنه شاه عبد الغنی ابنه شاه عبد الوهاب
ابنه مخدوم شاه احمد چشتی قدس سره مزار این همه بزرگوار در جوار جد خود
بزرگوار هست باطراف موضع کاکو الا مخدوم شاه احمد چشتی را بیعت و تربیت
از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاندپوری محله منحلات حضرت بهار
که نبیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه ابراهیم
۱۱۲۷ھ ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بداولی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

زوج بی بی باقن لاولد دومی شاہ منیر الحق و دودختر ایشان ہردو
لاولد ویک پسر شاہ محی الحق عرف بابو کسی پسر ودختر با ایشان نیست
الا پسر کلانے شاہ نور الحق شاہ ضیاء الحق بودند از مسماۃ بچن دختر
میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد کدخدا سہ دختر از بطن این بی بی یکے مسماۃ
مخدومہ زوجہ جناب حضرت سید شاہ یحییٰ علی ذوی اولاد دومی مسماۃ سیقمہ
لاولد سومی مسماۃ سکینہ زوجہ شاہ معین الحق عرف شاہ محمد یعقوب
ابن مولوی شاہ بدر الحق ابن مولوی شاہ امین اللہ مذکور الصدر از بطن
این بی بی یک دختر وسہ پسر شدند بجز دختر ہمہ ذوی ولد اند نام دختر مسماۃ
حسینا زوجہ اولی میر سید ہدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
لاولد ازین جہان وفات یافتند پسر کلانی شاہ ظہور الحق از دختر
میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر ویک دختر ایشان نام پسر شاہ
فرید الحق از دختر خال کلان خود کدخدا یعنی از دختر سید مجاہد حسین
ہنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید مجاہد حسین ابن
سید شاہ غلام حسین پھلوی الا شادی وو مست سید الفت حسین پسر ثانی
شاہ منظہر الحق از دختر خالای خود منسوب شدند نام زوجہ شان مسماۃ
فضیلت النسا مدعو فجو از بطن این بی بی چہار پسر وسہ دختر دو پسر
درایام صغر سنی رحلت یافتند الا دو پسر ذوی ولد اند کلانے شاہ نصیر الحق

گفت این بزرگوار تصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد لا اولاد و پسری فقط
مخدوم شاه خوند شیخ هنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از انجا برخاسته قریب یک کروه موضع آباد کرده تکیه ساخته معروف نوآباده
خورد و آن معروف نوآباده کلان است ضمیمه ثمره سوم خلف الرشید مخدوم
خوند شیخ دیوان شاه قیم الله ابنه شاه تاج الدین محمد ابنه شاه عنایت الله
که از نام ایشان چک آباد است و دو فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیفور الله خواهر زاده ایشان میر سید احمد و دو دختران ایشان یکے بی بی
ترتیبا زوجه شاه عبد الحق دومی ترکیبا زوجه میر سید حامد محمود ابن میر
سید محمد ثانی نوآباده کلانے اولاد دختری ایشان شد و مولوی شاه طیفور الله
لا ولد لا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الله ابن شاه عنایت الله را
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الله زوجه ایشان
عمه میر سید وجیه الدین عرف سید ابولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الله از انجمله
یکے شاه خلیل الله اولاد ایشان نشد دومی شاه مسیح الله یک دختر ایشان
مسماة جمیله زوجه شاه نور الحق پسر کلانے مولوی شاه امین الله و پسر
شدند شاه مسیح الله یکے شاه مطیع الله دومی شاه ثناء الله هر دو لا ولد
الا پسر کلانے شاه منور الله مولوی شاه امین الله بودند الا کلانے
پسر شاه امین الله شاه نور الحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد نجیب الحق

آنحضرت بقرابت عم المعظم این خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظهر الحق
و شاه غفور الحق مرید بطریقه عالیه چشتیه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
الا تربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسله ابو العلائیه از جناب حضرت سید
شاه یحیی علی قدس سره انه الله تعالی مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد
ثمره فرع دوم اصل اولی بقیه ذریت حضرت امام تاج فقیه پسر سوم
مولوی شاه امین الله ابن شاه طیب الله نواسه حضرت شاه سیف الله

موڑ وی منحلات بہار

واضح باد حضرت شاه طیب الله پسر ثالث مولوی شاه امین الله در موضع
موڑه در کنار و تربیت جد مادری خود شاه سیف الله رحمة الله علیه ماندند
کتخدائی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدر الدین بدر عالم زاهدی گردید از
مسماة جگن دو برادر ایشان یکے میر سیف الدین عرف میر سورج نام
دیگری یاد نیست اسحاصل جناب طیب الله از بطن امین بی بی چهار دختر
و دو پسر یکے مستغنی الذات شاه بهار الحق که صاحب جود و سخا بودند ذات
تکلف نه بلباس داشتند و نه در خورش نوش مجرد ماندند نه پذیرا کردند تعلق
اهل و عیال اولاد و برادر شان اولاد ایشان هستند برادر ایشان شاه
تراب الحق زوج عمه این خاکسار ذکر اولاد ایشان در ضمن اولاد جد ماحضر
خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذی ولد شدند

شادی اول از دختر عم خورد خود کردند اولاد هست یک پسر محمد کبیر و دختر
نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه صغیر الحق
از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی کدخدا شده
بفضله ذی اولاد اند و خواهران ایشان یکے زوجه اولی سید الفت حسین
مذکور کدخدا ازان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
غفور الحق کدخدا پسر و دختران موجود یکے زوجه شاه محمد واجد ابن
شاه حسین علی دویمی هنوز ناکدخدا پسر حافظ حسام الدین طال الله عمره
و علمه بهمه وجوه لئیق است پسر سوم شاه غفور الحق کدخدائی ایشان نیز
از دختر خورد خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عرف لبو دختر جناب حضرت
سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
عم اوسط کدخدا مذکور پسر و دختر ایشان ماقبل کرده الاد و خواهران ایشان
یکے زوجه اول شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولا بخش
نام در نیوتت یا دنمانند بفضله ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
سید محمد ناظم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه صغیر الحق
و شاه محمد نظام الدین نواسه جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

شاہ ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر دیہہ اقامت بود و در خانہ شرفا
از سیادت عقد نکاح نمودند یک دختر خجستہ اختر متولد شدند بی بی بارکہ نام
بود چون از غضب و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان از انجا
آن بی بی موصوفہ را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشدہ بود و عرض کردند
آنہا کہ یا مخدوم این دختر پسر آنحضرت ست فرمودند اگر چنین است خود بخود
نزد من آید می آرند آن صغیرہ تر زمین رانو کردہ بزانوے مبارک حضرت مخدوم
الملک آمد و نشیند مخدوم بر حال یتیمی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگویند بر
پشت مبارک حضرت مخدوم الملک یک مسہ سرخ رنگ بود آنرا آن قرۃ العین
از لب خود می مکید شیری بر آمد از کرامات اولیا عجب نیست الحاصل این
نازپرورش یافتند چو بالغہ شدند از سید وحید الدین چلہ کش ابن سید
علاء الدین کتخدا کردند و سید وحید الدین خواہر زادہ و نیز مرشد حضرت
مخدوم بودند یعنی ہمشیرزادہ خواجہ نجیب الدین فردوسی قدس سرہ منقول است
از بطن بی بی بارکہ سید وحید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
دختر اسم مبارک پسر سید عبد اللہ عوسجا و اکبر شادی ایشان در کفوت
جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیارے و نام دختر سید
وحید الدین بی بی زہرہ بود از سید شہاب الدین جوبری علوی نسب
کدخدا شدند یک پسر و یکدختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

وخواہر ایشان بی بی والدہ میر محمد جاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاہ محمد سجاد ابن جناب شاہ تراب الحق مذکور اولاد و دختر ثانی بودند و دو دختر یکے بی بی مبارک زوجہ شاہ فخر الدین برادر اوسط شاہ کبیر الدین سجادہ نشین مقام سہسرام والدہ شاہ محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد اند و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رجبت در اقران کدخدا آنہم ذی اولاد اند باقی حال کہ دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکے از میر عنایت علی کدخدا بودند ثانی اولاد شاہ طیب اللہ مرحوم از محل ثانیہ یکدختر و سہ پسر یکے شیخ صادق علی والد ناظر دلاور علی دویمی شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی سومی داروغہ ولایت علی بودٗ

فرع چہارم اصل اول شجرہ اولاد حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین فردوسی ہرچند ثمرو یک شجر کہ طویل الذکرست بتصریح بیان میکنند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک در کتاب مولود شرفی بخوبی بیان کردہ است این فقیر حقیر چونکہ این کتاب نسب نامہ بود دریجا حاجت تحریر نبود و نسب نامہ بالاحضرت امام محمد تاج فقیہ تا قبل تحریر شد احتیاج مکرر تحریر نیست باید شنید حضرت مخدوم الملک در مقام سنار گانون متاہل شدند از بطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شدند و شاہ عبد الحی را یک پسر شد یحییٰ نام اولاد نا تمام و میر سید عبد القادر
را اولاد نشد آلا دو برادر شدند وی اولاد و سید عبد السلام و سید شاہ مصطفےٰ جو
اند ما جرای مرام مفصلاً نوشتہ می آید باید شنید فرزند شاہ مصطفےٰ شاہ
قطب علی و دو پسر ایشان شدند یکی شاہ نظام الدین دوم شاہ
حسام الدین ذکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلانے خواہد نمود حالا
ذکر اولاد شاہ نظام الدین بن شاہ قطب علی مینمایم کہ بیان طویل است

ثمرہ در بیان اولاد شاہ نظام الدین ابن شاہ قطب علی

باید دانست شاہ نظام الدین را شدند چہار پسر از انجملہ یکے شاہ علی بخش
دوم شاہ مصطفےٰ ثانی سوم شاہ فیض علی چہارم شاہ عبد العزیز
کہ لاولد رفتند ازیں عالم از فرزندان شاہ علی بخش یکے قطب علی ثانی
دوم شاہ اسد علی لاولد الا شاہ قطب علی ثانی را یکی شاہ نظر علی لاولد
دوم شاہ رحمت اللہ عرف شاہ ڈھوران ایشان را یک دختر
زوجہ منشی کریم بخش و سہ پسر یکے شاہ نورالدین احمد عرف شاہ باون
کہ خدائی ایشان از دختر چودھری حبیب اللہ گردید یک پسر و یک دختر
ایشان دختر زوجہ شاہ امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاہ
محبوب حسین و پسر شاہ باون شاہ خورشید حسین کہ از دختر عم اوسط
کتخدا شدند دوم شاہ کریم الدین و دو دختر ایشان یکے زوجہ شاہ خورشید حسین

دختر بی بی حفظه از سید ابو محمد پاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر
متولد شدند یکی شاه مسیح الدین دویمی شاه فصیح الدین هر دو لاولد سومی شاه
امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل وعلاقه سهار موجود اند و نیز مزار
این بزرگوار در انجا در مقام بدرا باد قریب اردل مزار سید وحید الدین
چلکش هست د بمقام سمیرا قریب پلاسی مرقد این بزرگوار هست الا
فرزند چارمی سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاے بودند
خدام درگاه مخدوم الملک در انجا رفته در حضرت سهار آورده مسند نشین سجاده
متبرکه نمودند و نذورات درگاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
حصه دهم یا چهارم حصه خود با کردند و خدمات بطور خادمیت بجا آوردند چون
سلسلا اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند ورجوعات
خلائق در سرکار ایشان رو داد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
دو فرزند یکے شاه لعل دویمی شاه جلال کلانی را اولاد نشد الا
فرزند شد شاه جلال مسمی شاه خوند پسر ایشان شاه محمد پسر ایشان سید
شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسر یعنی
بر شمرده چند از انجمله یکے شاه محمد دویمی شاه مصطفے سومی شاه بهادر علے
چارمی شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحی
القصه شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم دویمی شاه عبد الحلیم هر دو برادر لاولد

مصطفیٰ ابن شاہ نظام الدین مذکورہ بالا ذی اولاد شدند یکے شاہ مرتضیٰ بخش دویمی شاہ جلال الدین سومی شاہ یحییٰ علی پسر شاہ مرتضیٰ بخش را نیز سہ پسر یکے شاہ غوث علی دویمی شاہ فتح علی سومی شاہ فیض علی کیفیت ذی ولدی شاہ غوث علی دریافت نشد آلا ہر دو برادر شاہ فتح علی و شاہ فیض علی اولاد شدند

ثمرہ سیوم

پسر شاہ فتح علی یکے شاہ حمید الدین دویمی شاہ فرحت علی سومی شاہ امان اللہ عرف منو پسر شاہ حمید الدین شاہ بخشش علی دویمی شاہ قاسم علی و شاہ محمد سعید ہمہ ذی اولاد شدہ ازین عالم بی اولاد شدند

ثمرہ چہارم در ذکر اولاد شاہ فقیر علی

شاہ فقیر علی را دو پسر یکی شاہ لطف علی اولاد ایشان نشد دویمی شاہ افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذی اقتدار یکیاز انجملہ شاہ واجد علی متوطن موضع سانیہ قیام در خسر پورہ کردند چند دختر ایشان و دو پسر یکے دختر زوجہ شیخ نوازش حسین کہ پسر و یک دختر از بطن این بی بی شیخ محمد اجمل و تجمل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است در فصل دوم در ذکر شیوخ فاروقی نسب آلا دختر ثانی زوجہ مصاحب علی خان و دختر ثالث زوجہ سید یار علی ساکن پورنہ پرگنہ اردل مادر امداد حسین ذی ولد اند

مذکورہ بالا دویمی زوجہ شاہ فرزند علی پسر خورد منشی کریم بخش مذکور الصدر
سومی شاہ منیر الدین احمد عرف شاہ محمدی در مقام راجگیر در قرآن
شد شادی ایشان دو پسر و دو دختر ایشان یکے زوجہ میاں جان علی ابن
منشی رمضان علی دویمی زوجہ شاہ وحید الدین ابن میر قائم علی ساکن
سوہ و خلف کلانی شاہ منیر الدین احمد عرف شاہ محمدی شاہ قمر الدین
و شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے
و خلف ثانی شاہ صاحب ممدوح مولوی وحید الدین شادی ایشان
نیز یکے بعد دیگرے از صبیہ میر شرافت کریم گردید کیفیت ذی ولدی ہر
دو صاحب معلوم نیست

ثمرہ دوم در ذکر فرزندان شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین

باید شنید فرزند شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین چہار بودند از انجملہ یکے
شاہ حسین علی دویمی شاہ غلام شرف الدین سومی شاہ کریم الدین
و الغرض این ہمہ برادران لا ولد رفتند ازین عالم الا ذی ولد فرزند چہارم
شاہ عظیم الدین دو پسر ایشان یکے مظفر علی دویمی شاہ کریم الدین
ثانی ایشان نیز دو پسر یکے شاہ امجد علی دویمی بدو عرف شاہ
بدھو واحد العین لا ولد پسر شاہ مظفر علی شاہ علی بخش بودند پسر ایشان
شاہ تراب علی پسر ایشان محمد یعقوب عرف دمڑی مغفور النجر الا شاہ

یک دختر ایشان زوجہ امیر علی خان ابن ہمت علی خان سہ پسر و یک دختر
زوجہ چودھری ظہور الحق ابن چودھری واحد علی دو دختر و یک پسر ایشان
محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماۃ قدیرًا انسا نبت مسماۃ حسینا نام
پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاہ لطیف احمد ابن شاہ
شرافت علی کد خدا شدند پسر ایشان داماد چودھری ظہور الحق دو دختر خال
بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگرے پسر سوم فدا علی خان داماد شاہ
بندہ علی داماد کلانی جناب حضرت شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ پسر سوم
اقبال علیخان داماد شاہ لطیف احمد خال خود یک دختر زوجہ چودھری
واعظ الدین مذکور و پسر محمد یحیٰی ہر یکی ذی عیال اند پسر شاہ شرافت علی علیہ الرحمۃ
شاہ لطیف احمد داماد راجہ اسد اللہ یک پسر ایشان بود محمد خلیل بعمر
چہار سالگی رحلت نمود الا پنج دختران ایشان مذکور سہ دختر کردند متوسط دختر
زوجہ شاہ محمد تقی ابن شاہ امیر الدین رحمۃ اللہ علیہ ذی ولد و یک دختر
در انجوار کد خدا شد در اقران ان جوار

ثمرہ پنجم در ذکر اولاد شاہ غوث علی ابن شاہ مرتضیٰ بخش ابن شاہ مصطفیٰ

مذکورہ بالا باید دانست شاہ غوث علی چند دختران آلا یک پسر شاہ احمد علی
بالایشان یک دختر و یک پسر شاہ واحد علی خواہر ایشان زوجہ شاہ

دو پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی امجد شیخپوروی ذی ولد شدند و پسر
ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود ذی ولد شدند پسر دومی شاه
افضل علی. شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وحید الدین
منشی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
و پنج دختران ایشان یکی دختر زوجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
زوجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگرے و یک دختر زوجه شاه براتی و یک دختر زوجه
شیخ محمد حسین الافرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
شاه محمد جعفر داماد خورد جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین و دو پسر
و یک دختر ایشان ارواح ایشان خانه احداوست آباد و دومی پسر شاه
ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخپوروی یک دختر ایشان زوجه
هادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم ذی ولد پسر سومی شاه
امیر حسن داماد سید شاه غلام حسین شملوی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان
دومی شاه تبو جان هر دو ذی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی
شاه شرافت علی شادی اول در قصبه سیوان شیخ از دختر راجه محمد علی ازان زوجه
یک دختر زوجه شیخ ولایت حسین یک پسر ایشان محمد احسن لاولد شادی ثانی
ایشان زوجه دختر شاه ولی اسد سجاده نشین گردید از مسماه مرادن یک پسر و

ابن قطب علی ابن شاہ مصطفےٰ ولی

ابن شاہ علی ابن شاہ احمد ابن شاہ محمد ابن شاہ خوند ابن شاہ جلال الدین
ابن شاہ علیم الدین بزرگ عرف شاہ بھیکہ واقع بادشاہ حسام الدینؒ را
دو فرزند نام یکی شاہ بدل و نام دومی شاہ بولا یک پسر ایشان شاہ
وحید الدین و سہ خواہر ایشان جابجا منسوب و شاہ بدل را چند دختران
ازانجملہ یک دختر زوجہ برادرزادہ شان شاہ وحید الدین ایشان رایک پسر
بنام شاہ مہر علی و چند دختر یکی ازان زوجہ شاہ علی بخش معروف شاہ بخشا
پدر شاہ تراب علی و پسر شاہ امیر علی شاہ وجیہ الدین عرف شاہ وجا
شادی ایشان در شیخوپورہ شد از خواہر شاہ علی امجد شیعی شاہ وجیہ الدین را
نیز یک پسر شاہ فرزند علی عرف شاہ فیضا و چند خواہران ایشان یکے
زوجہ شاہ تراب علی مذکور مادر محمد یعقوب یکی زوجہ شاہ جان علی پدر مہدی حسن
سومی زوجہ قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاہ فرزند علی را
یک پسر شاہ الطاف حسین با یشان نیز یک پسر و چند دختر و شاہ فرزند علی
صاحب نیز دختران یکے زوجہ شاہ احمد حسین چند پسران ایشان و دومی زوجہ
قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
زوجہ میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لا ولد شد انتقال

اولاد نبود شاہ بدل و شاہ بولا است

مخدوم بخش تخلص وافی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان
یک پسر با یشان میر بشارت حسن خان الا شاه واحد علی بسبب رقابت
صاحبان شیخپوره و حسین آباد تبدیل مذهب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت الله
شریف نمودند بعد از ادای حج و زیارت مدینه طیبه در حالت علالت از مذهب
شیعه بر دست این خاکسار توبه نمودند و در انجا مدفون شدند در جنت المعلی
بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه القصه یک پسر ایشان
شاه علی ارشد که از خواهر شاه جمال علی بلخی کدخدا یک پسر ایشان شاه
علی مظهر در شیخپوره سکونت دارند ذی اولاد هستند

ثمره ششم در بیان اولاد شاه محمد یحیی علی ابن شاه مصطفے از نام ایشان محله مشهور مصطفے پٹی

باید شنید پسر شاه یحیی علی ابن شاه مصطفے مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد
دومی شاه نور الصمد سومی شاه تاج الدین الا اولاد دختری شاه رکن الدین
ماند سکونت در بهار هست دو پسر شاه نور الصمد شاه رحیم بخش بودند اولاد دختری
ایشان نیز ماند الا شاه تاج الدین را بودند پسر چهار یکی شاه صادق علی دومی
شاه خیر الله سومی شاه لعل محمد چارمی شاه بخش الله کیفیت اولاد شان
بعد این دریافت نشد که می نوشت الصمد ور اکثر کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش مرحوم

ثمره هفتم در بیان اولاد شاه حسام الدین برادر شاه نظام الدین

واضح باد شاه وجیه الدین کثیر الاولاد شدند وقت سجادگی ایشان رونق بسیار
شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول لجبیزاینه والتمغه ونیاز و گاه محمد شاه
گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصه شاه وجیه الدین را دو زوجه
بودند در کفویت از هر دو چهار پسر شدند وعلاوه اینها چند زوجه بودند از بطن هر
زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند مینگار تفصیل وار
باید شنید شاه محمد بزرگ وشاه علی بزرگ از یک بطن بودند وشاه
علاء الدین نقدا ملقب وشاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک
بطن بودند الحاصل چهار برادر شفق المزاج شده سجادگی به برادر کلانی شاه
محمد بزرگ روا داشتند الا تقسیم صرف معاش معروف بچهار سرکار بحشم وخدم
اوقات داشتند الا شاه علاء الدین نقدا مدین وجه مشهور شدند تنخواه
ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاده نشین
شدند گویند دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نماند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
ایشان سجاده نشین شاه علاء الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شده سجاده نشین
خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود گشتند سجاده نشین کیفیت
بعد ازین خواهد نوشت

شجرہ دربیان اولاد شاہ عبد السلام ابن شاہ علی ابن شاہ احمد ابن شاہ محمد ابن شاہ خوند ابن شاہ جلال الدین ابن شاہ علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاہ علی اند کہ محلہ شاہ علی معروف از نام این بزرگ است الغرض شاہ عبد السلام را دو فرزند رتبہ بلند یکی ذکی الدین دویمی شاہ وصی الدین چہار پسر ایشان یکے شاہ احمد بخش دویمی شاہ الہ بخش سومی شاہ ناظم چہارمی شاہ غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان آلا شاہ محمد ولی پسر شاہ غلام فردوس بودند

ثمرہ اول شجرہ اولی

شاہ ذکی الدین را یک فرزند رتبہ بلند شاہ وجیہ الدین کہ بعد بزرگوار سجادہ نشین شدند از محل اولی بودند ذکر ایشان است بعد بیان دیگر پسران تحریر خواہند نمود الا از محل ثانیہ دو پسر یکے شاہ عنایت علی دویمی شاہ فیض علی الغرض شاہ حبیب اللہ ملقب مخدوم ثانی خلف شاہ عنایت علی بودند پسر ایشان منعم جہان بودند پسر ایشان شاہ اصغر علی زین بعد حلوم نیست الا پسر شاہ فیض علی شاہ قابض علی ایشان را دو پسر یکی شاہ موسی علی دو پسر ایشان دویمی شاہ عنایت علی و تحریر ایشان نیست

ثمرہ دوم شجرہ اولی در بیان اولاد شاہ وجیہ الدین

ثمره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاده نشین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین را دو زوجه بودند در اقران کفویت
یکی بی بی پنجتن که از بطن ایشان اولاد نشد دومی والده بی بی مریم النسا
که از شاه احمد علی خواهرزاده شاه مظفر حسین کدخدا شدند یک پسر
ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النسا دختر ملانے شاه ولی الله
کدخدا شدند اولاد نشد الا سه دختران شاه احمد علی مرحوم یکے مسماة غیاثن
عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجوی دو دختر ایشان شدند یکے زوجه میر عباس علی
دومی زوجه میر ممتاز علی پسر دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
اطهر حسین که زیب سجاده جد مادری شدند کدخدائی ایشان از دختر
میر اسمعیل علی ساکن محله صدر گلی پٹنہ گردید اولاد نشد شاندند دختر دومی شاه
احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین
نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین و دو دختران یکے
زوجه سید مهدی حسن ذی اولاد اند دومی زوجه سید شاه عبد الحسین ابن سید
لطافت علی شیخپوروی دو دختر اند و یک پسر سید معین بفضله همه ذی اولاد
هستند منسوب جا بجا

ثمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجیه الدین مع ذکر اولاد نان
از یک بطن که نام بوذ بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غا م حیدر اخت
شاه غلام بدر ذی اولاد شدند کیفیت اولاد شان بعد ازین یاد نگا
چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجیه الدین دو پسر یکے ش ه حامد
دویمی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یکے ساه سرور دویمی شاه مقدرو
از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یکے شاه غلام رسول دویمی شاه محمد ثم الا
ازینها دو دو برادر را اولاد یک برادر شد باقی لا ولد چنانچه اولاد شاه حا
شد و شاه محمود لا ولد ثمره از اولاد شاه حامد یکی شاه اکبر علی نان را
سه دختران یکے والده شاه سخاوت حسین دویمی زوجه یر موسی علی
خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی را نیز یک دختر ش . دویمی
فرزند شاه حامد شاه مخدوم بخش تخلص واقف ذکر ایشان ربحر سالک
ثمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه ہاشم لا ولد و ذکر شا رحمت علی
این شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
وجیه الدین مذکور الصدر شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
عباس علی عرف شاه جهبن دویمی شاه احمد علی سومی را نام بد چھوٹو
چهارمی شاه اسید علی اند و شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر را اولاد نشد
که بیان کنم

الا ذکر اولاد پسری حضرت مخدوم با مدو انست خلف الرسید و سجاده نشین مخدوم
پدر عالم قدس سرہ حضرت سید شاہ سلطان بودند اولاد مخدوم سید
سلطان نشد الا یکے از عزیزند برادر را بفرزندی گرفته کردند جانشین معروف
بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاہ محمد عرف جگن
بعد این بزرگوار بیعت این سلسلہ زاہدیہ در خلفا ماند الا بیعت در خاندان
فرزندان ماند یکی از اولاد ایشان حضرت شاہ محمد بخچد و سطر شاہ عبد الصمد عرف شاہ محمد عوض
بوند نبیرہ ایشان شاہ محمد فیاض زاہدی نسب و سلسلہ ساکن محلہ سوہ
متعلقات بہار یک پسر ایشان و دو دختر نام پسر یا زمیت الا و داماد ایشان
حاجی نصیر الدین شیخپوری شعمی نسب اند الا دختر کلانے حضرت شاہ محمد فیاض
زوجہ حضرت شاہ ولی السمد پدر بزرگوار حضرت شاہ امیر الدین فردوسی دختر ثانی زوجہ
شاہ بہادر علی شعمی شیخپوروی دو دختر ایشان یکے زوجہ شاہ محمد علی
کہ برادر زادہ نیز خسر خود اند شاہ محمد علی مرحوم چند دختران و دو پسر یکے
شاہ بھوجو کہ ربط محبت بسیار داشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان رفتند بعالم بقا
ثانی شاہ عبد العلی داماد اوسط جناب شاہ امیر الدین فردوسی سجادہ نشین
و یک دختر شاہ صاحب مرحوم زوجہ حکیم ارشد علی کہ خواہرزادہ نیز اند کہ
دومی زوجہ مولوی تصدق حسین ساکن نگرنوسہ و فرزندان ایشان
شاہ وعظ الدین و دومی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

ثمره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی الله سجاده نشین حضرت مخدوم الملک

الحمد لله حضرت سید شاه ولی الله مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از زوجه چهارم کثوت فقر شاه ولی الله نمایش بود تکلفات کر و فر گذشته اند کلاه و لباس شاهانه خرقه رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشان از یکے از اعمام خود شاه رحمت الله فردوسی بیعت ایشان از حضرت شاه حبیب الله قادری پهلواردی و کسب باطن و تربیت از حضرت مولوی سید حسن رضا سمی راے پوردی الحاصل که خدائی حضرت شاه ولی الله از دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند بمحلات حضرت بهار و دیگر اقران واخوان نیز آنجا سکونت دارند *

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم مزار در بهار است

واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک دختر بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر میر سید احمد که مزار شان بموضع ندره مشهور و مزار سید محمد قدس سره بموضع معافا گفت اولاد سید محمد و بی بی ابدال زین پیشتر نوشته شد حاجت مکرر تحریر نیست

نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجرهٔ نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین

واضح باد شاه غلام بدر الدین و غلام حیدر دو برادر بودند این شاه وجیه الدین
کتخدا هر دو برادر یکجا گردید از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
سهروردی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو
و زوجه شاه غلام بدر نام مسماة نجیبا عرف ناجو القصه شاه غلام حیدر را
اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند بالپسر و دختر مسماة باجو پرورش
نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد واصل بودند و نام دختر بو
بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره دری اولاد سید فضل الله
بودند کدخدا شدند یک دختر سید بی بی دهومن زوجه شاه فتح علی عرف
شاه بهوڑے یک دختر ایشان مسماة لطیفا زوجه شاه علی بخش ابن شاه
محمد واصل ذی اولاد شده بے اولاد شده بلکه مشغله رحلت کردند نام پسر
سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا العز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
کردند اولاد نماند الا کدخدائی شاه محمد واصل ابن شاه غلام بدر از بنت
البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاندپوری گردید
از مسماة مسیحا دختر بی بی صحیحه شاه محمد واصل را از بطن این زوجه شش

دختر شاه بهادر علی علیه الرحمة زوجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره
که از دختر خاله کدخدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را دو فرزند
رتبه بلند و سه دختر از انجمله یکی زوجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر
شاه حسین علی یک دختر ایشان زوجه فدا علی خان و دختر ثانی زوجه
شاه عبدالعلی که دختر ایشان زوجه سید عبداللطیف خلف مولوی کبیرالدین احمد
آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کتخدا
هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلانے جناب حضرت
شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند زوجه چهار اند هر یکے ذی ولد و
پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کتخدا
شد ذی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی مسماة وحید النسا
زوجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النسا زوجه
شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
شاه امیرالدین را دو پسر از محل دیگر اند یکے رحلت نمود محمد اسمعیل نام ثانی
محمد ولی ست و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر مسمی
شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
دیگر دریافت نشد الا شادی شاه بنده علی بموضع بڑاڑی از خواهر شیخ
فضل حسین دو پسر ایشان شدند یکے شاه عبدالعلی دویمی اولاد علی

زوجہ شیخ محمد علی ابن شیخ مظہر علی ذی اولاد اند و نام پسر شاہ لطف علی
مرحوم شاہ محمد مقبول ذی اولاد ہستند بمسماۃ ذاکرہ دختر شاہ محمد واصل
ابن شاہ غلام بدر سہ پسر شدند یکے سید عابد حسین چہاردہ سالہ بمردند
و دیگر واجد حسین و سیوم برادر کہ نام یاد نیست بعالم طفولیت رحلت
کردند الا دختر کلان نے مسماۃ حیات النسا زوجہ سید رضا علی ابن
میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی کہ از دختر عم خورد خود کتخدا
یک دختر گذاشتہ رحلت کردند دختر منسوب است از نواب نصیر علی
و یک خواہر سید فدا علی زوجہ سید امید علی یعنی مسماۃ سکینہ و دو دختر
گذاشتہ رحلت کردند و خواہر ثانی زوجہ شاہ وزیر علی ابن شاہ امیر علی
و خواہر سوم زوجہ سید وحید الدین ذی اولاد اند چار می اصغر سن
نمو و قضا و دختر ثانی مسماۃ فاطمہ بخش عرف بخشا زوجہ شاہ امیر علی
یک پسر و سہ دختر ایشان دختر سوم مسماۃ براتن النسا زوجہ شاہ علی احمد
ابن شاہ موسیٰ علی ابن سید غلام مخدوم یک پسر ایشان سید شاہ
علیجان رحلت کردند نوجوان و دو خواہر ایشان نیز بودند بانتساب
پسر شاہ امیر علی شاہ وزیر علی کہ از مسماۃ کلسوم خواہر خالہ زادہ
شدند منسوب چنانچہ اولاد شد الا یک پسر تحمل حسین نام موجود
و یک دختر منیر فاطمہ زوجہ سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر و یکید ختر از ہمہ برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد مسماۃ
ذاکرہ زوجہ شاہ انور علی ابن شاہ فتح علی و سہ پسر و سہ دختر ایشان
پسر کلانے حضرت شاہ محمد واصل شاہ کریم بخش عرف چھوٹا کدخدائے
ایشان از دختر شاہ غلام مخدوم کہ یکے از فرزندان حضرت سید محمد
سہروردی زیدی نسب بودند نسب نامہ بالا مذکور شد نام دختر شاہ
غلام مخدوم بود بی بی اطیہ عرف بی بی اقوار و یک پسر ایشان شاہ
امیر علی کہ از دختر عمہ خود مسماۃ ذاکرہ دختر شاہ محمد واصل زوجہ
شاہ انور علی کتخدا شدند ذی اولاد شدند و پسر دوم شاہ محمد واصل
شاہ علی بخش زوج مسماۃ لطیفا یک دختر و یک پسر شد نام بشیر الحسن
نوجوان فوت شدند و دختر را نام بود بی بی مراد النسا زوجہ میر مقرب علی
ابن مولوی ابراہیم علی کابری ذی اولاد شدہ بے اولاد بمردند و پسر
سوم شاہ اشرف علی کدخدائی ایشان بموضع بدھ پور شد از مسماۃ
بی بی مریم اولاد شد چارمی پسر شاہ قادر بخش شادی ایشان بیگم
خورد محلات بہار شد از مسماۃ عبدا لا ولد رحلت کردند پنجمی شاہ تراب علی
ذی اولاد شدہ لا ولد رفتند ششمی پسر شاہ محمد واصل شاہ لطف علی
کہ در ایام جوانی عہدہ ہائے جلیل کردند حصول کدخدا شدند بموضع بارہ
از دختر میر سید محمد از مسماۃ کبیر النسا یک دختر مسماۃ مقیما النسا

داؤد شاہ بادشاہ تخت نشین حاجی پور خبر شنیدہ تاب مقابلہ نیاوردہ
فرار ورزید بسوے بنگالہ حملہ کردہ سلطنت حسین شاہ بادشاہ بگرفت
حسین شاہ بادشاہ بنگالہ با خود بہا ناپسند دیدہ صورت جنگ جدال
وبندگان خداے را قتال قصد ترک سلطنت کردہ قصد سیاحت نمود
وسلطان اکبر بادشاہ بر پسر داود شاہ رحم آوردہ قلم بر عفو جرائم کشیدہ
تاج بخشی نمود معینہ خراج کہ سابق بود مسعود شاہ ابن داود شاہ
بحاجی پور تخت نشین ماند وحسین شاہ سیاحت کردہ در صحراے
ضلع ترہٹ جاے عزلت نشین شد مشغول بعبادت الٰہی مدتے
برین سپری شد ان صحراست علاقہ مظفر پور بنام ست جالا مشتہر
شدہ بود درگاہ آخر ہجوم خلائق پیدا شد وکیفیت وکرامات از شاہ
حسین بادشاہ ہویدا شد خلق اللہ معتقد شد نوشتہ اند سوختین گرویدگی
خلق چون ناپسند افتاد پسر خود سید علی ابدال را جانشین سجادہ خود
کردہ از چشم خلائق نہان شد بالحاصل سید علی ابدال درانجا بعد زہد
وریاضت بوطیرہ اسلاف پیدا کردند کسب وکمال تا مدت چہل سال
بعدہ متاہل شد کتخدائی از دختر مخدوم شاہ دانیال کہ یکے از اولاد
حضرت مخدوم محمد تاج فقیہ اند گردید یعنی در اولاد مخدوم شاہ حسین
دھوکڑپوش کہ واقع مزار این بزرگ است در پور نیہ ابن بی بی

پسر ہست عطا نظام الدین باقی سہ خواہران شاہ وزیر علی مرحوم
ازانجملہ کلانے زوجہ اولی میر سید حسین دانا پوری برادر عمزادہ
خلاقی این خاکسار نام بود بی بی مخدومہ بعد شادی چند سال
حیات ماندند آخر لا ولد از جہان رفتند و دختر ثانی شاہ امیر علی
مرحوم زوجہ این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمہ خواہد نوشت الا دختر ثالث
جناب شاہ صاحب ممدوح مسماۃ واقفن زوجہ سید شجاعت حسین
ابن سید شاہ فخر الدین حسین علیہ الرحمۃ با یشان دو دختر کہ ہنوز ناکتخدا الاد
پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاہ بادشاہ بنگالہ

ذی ولد بماند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاہ حسین
ابن سید احمد شاہ کہ بہ نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامہ تا بالا
معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکہ مصاہرت از خاندان این فقیر واقع شد
کیفیت کلیہ مینویسد می آرند در تحریر کہ چون نصیب شاہ بادشاہ بنگالہ
وفات یافت پسر صلبی نداشت امرایان و ندمایان حسب وصیت
بادشاہ نواسہ بادشاہ را یعنی حسین شاہ ابن احمد شاہ را
تخت نشین سلطنت ملک بنگالہ نمودند ہرگاہ جلال الدین اکبر
بادشاہ از تختگاہ دہلی نہضت نمودند بسوی دیار شرقی بہر حکمرانی

حسین شاہ

نام بود بی بی کریمہ اولاد نمانہ ہرگاہ بی بی لطیفہ بی اولاد ازین جہان نقل
بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی داماد خود سید وجیہ الدین عرف بولن را
مثل پسر خود دانستہ بہر آبادی خانہ خود شادی ثانی ایشان از بی بی میمہ
دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جہانگیر دانا پوری بود ند از بطن این زوجہ
میر سید محمد احسن متولد شد ند نواسہ میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد احسن
بی بی قطبیہ را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قابض بر متروکہ خود و نیز در
امیمہ دانا پور حصہ خود نمود ند چنانچہ اولاد میر سید محمد احسن بران قابض
و آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در رہوہ درگاہ است
و مزار سید احمد ابدال در شہر پٹنہ بمحلہ مغلپورہ بانکاف است با حریرہ بود
حالا مفقود نشان ہم شد کٹھرہ بران آباد شد بطفیل اولاد نامراد واضح باد
دختر سید احمد ابدال بود ند بی بی زہرہ نام از میر سید مسعود یکے از اولاد
مخدوم شاہ صفی کدخدا شد ند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید ہدایت اللہ
شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
رتبہ بلند سید احمد کبیر شد ند ایشان بر وطیرہ اسلاف تجردی کرد و اختیار
و عبادت پروردگار مشغول شد ند الا نواہر سید ہدایت اللہ ابن سید مسعود
بی بی عابدہ از میر سید حسن زیدی منسوب شد ند یعنی بی بی عابدہ
والدہ میر سید وجیہ الدین عرف سید بولن بود ند بدین وجہ اولاد ایشان

کمال کاکوی و مزار مخدوم شاه دانیال است در موضع تاجپور بزرگ
حالا آنجا ہے ہم زیارت گاہ است بدانند بی بی معصومہ بود نام دختر مخدوم
شاه دانیال از بطن آن بی بی فرزندے بوجود آمد نذر جاہ وذی جلال
مسمی مخدوم سید احمد ابدال باکمال از مشاہیر مشایخین صاحب کرامات
وحال کتخدائی ایشان از مسماة مریم دختر نبیره مخدوم محمد صیفی صفی پوری
کہ مخدوم شاه مصطفے عم آن بی بی بودند بحصول از بطن شریفہ این بی بی
سہ فرزند رتبہ بلند پیدا شدند نام یکے سید محمد نام ثانی سید یحیی نام سومی
سید قطب کیفیت ذریت دو برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صورت
مصاہرت وقع شد از پایان مزار فایض الانوار آنجہ واقع است بسہوه درگاه
کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دو دختران
میر سید عبدالرسول قادری داناپوری کہ داماد میر سید قاضی عمادالدین
ابن میر سید عبدالفتاح عرف قاضی میر سید ٹبری کدخدا شدند نام آن
ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال القصہ
از ہر دو دختران میر سید عبدالرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
بی بی قطبیہ عرف بی بی گھانسی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال الدین ابن میر سید قاضی عمادالدین بودند یک دختر شد ازان نام
بی بی لطیفہ از سید وجیہ الدین عرف سید بولن کدخدا شدند دختر ثانی را

ابن شاه احسان الله ممدوح که خدا شدند از بطن این بی بی دو پسر یکے
سید شاه محمد باقر که شادی اول از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شد ازان
بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین نوابادی
گردید چهار پسر یکے سید شاه محمود که نوجوان رفتند از جهان دوسے
سید محمد مسعود سومی سید مقصود چارمی سید مودود مع اہل و عیال حیات
اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی ایشان
از خواہر دیوان مولا بخش رئیس شهر کردند یک پسر ایشان سید علی حسن نام
از دختر مولوی سید نثار علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن در حیات
پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
تیمم الله کاکوری شد الاخاعت ارشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر
شاه نثار الحق نوابادی منسوب شدند نام ان بی بی مخدومه بوده آنحضرت را
دو پسر و سه دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد یکے از شیخ نثار حسین شد که خدا
لا ولد رفت دومی از شاه مظهر الحق سومی از شاه مغفور الحق منسوب شد مع
ذوی الاولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولادیست
الا پسر کلانے مولوی سید شاه اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی
که خدا شدند از دختر میر حسین بخش کورجیوی اولاد شد دختران و پسران پسر
کلانے سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی که خدا شدند یک دختر

مالک وقابض بر کل متروکہ علاقہ درگاہ وغیرہ شدند ابن میر سید وجیہ الدین
عرف سید بولن میر محمد احسن بودند شادی میر سید محمد احسن از بی بی اتقیا
عرف بی بی بمحلہ دختر خجستہ اختر حضرت سید شاہ محمد یسین قدس سرہ واپوی
شد کہ جد امجد این خاکسار راقم التحریر بودند چہار پسر میر سید محمد احسن شدند
یکے میر مظفر علی دومی میر غضنفر علی کہ داماد حضرت سید شاہ ولی اللہ ابن
سید شاہ محمد یسین بودند نام آن بی بی رشیدہ بود مدعو بود حسن لاولد
رفتند ازیں عالم ہر دو سومی میر حسین علی نوجوان رفتند از جہان چہارمی میر سید
قطب علی کہ از دختر میر سید مہنگو کدخدا شدند یک دختر شدند سومہ بی بی
واجن کہ از محمد حسن خان ابن برہان علیخان کدخدا شدند محمد حسن خان
نواسہ میر حیدر جان صاحب بودند پسر محمد حسن مہدی علی خان پسر ایشان علی خان
الا شادی اول میر مظفر علی از دختر سید شاہ احسان اللہ شد سکونت
ان بزرگ بمحلہ چاند پورہ یکے از محلات حضرت بہار کہ از فرزندان حضرت
سید فرید طویلہ بخش بودند از بطن این بی بی صفیہ دو دختر ویک پسر یک دختر را
نام بی بی امانی کہ از شاہ قاسم علی ابن شاہ رحم علی کدخدا شدند کہ یکے
از اولاد حضرت مخدوم شاہ بڈہی بودند ساکن چک درگاہ ضلع ترہت بودند
نام فرزند ایشان شاہ امام علی بودند آئندہ کیفیت ذریت ایشان دریافت نشد
الا دختر ثانی را نام بود بی بی رحمانی از شاہ محمد سلطان ابن شاہ محمد بخش

غازی شد آخر بہ کید کفار شد شہید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
سید زین العابدین از ینجا برخاستہ خاطر گشتہ جانب شمال رفتند کردند اقامت
جائے پسند کردہ بموضع سمبھوماڈر پرگنہ مکیر ضلع ترہٹ مشغول بہ کرحق
و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بودند خلف ایشان
میر سید ابو الفتح پسر ایشان میر سید عالم ابنہ قاضی سید عبد الفتاح
از دربار شاہی منصب قضا پرگنہ پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال
از نجا آمدہ بموضع داناپور پرگنہ پھلواری ضلع پٹنہ اقامت نمودند
شادی قاضی بڑے در وطن خود در آمران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان
میر سید عماد الدین در انجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد منصب قضا و اقامت
داناپور بحال ماندند الا یک دختر پر قاضی سید بڑے مسماۃ مجید النسا کہ خلاف
شان منظور بود در شرفا انجوار آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین
باقرین نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد در آخر
بتصریح خواہد نگاشت درین اوراق ذکر فرزندان پسری قاضی عبد الفتاح

عرف قاضی بڑے ہست
شجرہ اولاد رضویان ساکن داناپور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
ماجد خود سررشتہ قضا بست سال ماند و زعہد بادشاہ نور الدین جہانگیر داناپور

دو دو پسران بی بی مریم گذاشته وفات یافتند دختر از میر واجد حسین ابن
میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلانے شاه محمد قاسم از دختر شاه عبد الحسین که خدا
پسر شد موسوم بنام محمد یسین ثانی را نام شاه محمد واجد و شادی ایشان
یکے از دختر شاه امیر الدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین
ابن شاه غفور الحق گردید الله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند
میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بوجود آمدند همه کدخدا شدند اولاد نماند نام
پسر کلانے شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد
ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی مرد و سی شادی کردند و قبل
ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد الحاصل فایض و متصرف بر کل املاک
سید مظفر علی وغیره اولاد سید شاه یحیی علی قدس سره اند یعنی بشاه
محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بدرگاه رهوه دارند ان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبد الفتاح عرف قاضی شجبے

دانا پوری بیان بر چند نمر

باید دانست که میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی اکبر جاجنیری سادات
رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سادات رضوی از مقام
جاجنیر بحضرت بهار آمده در محله نگمره اقامت نمودند وقت غزا بر کفار

عماد الدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل ست آینده تحریر خواهد شد
الا چهار پسر بودند سید قاضی عماد الدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل ست الا پسر ثانی قاضی
سید ابو الفتح که بعد والد ماجد بمنصب قضا ماندند چند سال شادی ایشان
از بی بی عصمت النسا بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید نه ایف میر سید
اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصب قضا
و ترکه ایمه خود بیکی از برادرزاده میر سید عبد القادر دادند هنوز آن ترکه
در فرزندان اوشان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عماد الدین میر
سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از مسماة
فاضله دختر شاه عبد السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
آن بی بی عمه شاه وجیه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدر الدین
کدخدائی ایشان از مسماة لطیفة النسا بنت میر سید اکبر شد یعنی از دختر
عم خود چونکه لیاقت و وجاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را سوخیت
تمام در دربار سلطنت دهلی از امرا و اراکین بود صاحب خوش تحریر و خوش
تقریر بودند و علو همت بودند سند افتا در دربار شاهی کردند حصول بوجه معاش
و نیز وطیره بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله فقر

نام والدہ ایشان نور بی بی بود و نام زوجہ ایشان بی بی امینہ
چہار پسر ایشان و دو دختران چنانچہ یکدختر منسوب شد از خواہر زادہ
ایشان یعنی از میر سید عبد الواحد ابن میر سید صدر جہان مذکور کہ
ذکر اولاد ایشان نوشتہ خواہد شد در ضمن ذکر فرزندان میر صدر جہان
علیہ الرحمۃ و دومی دختر منسوب شدند از میر عبید عبد الرسول قادری نسب
کہ از بغداد شریف بطور سیاحت آمدہ بود و در وارد انا پور بعد اقامت
ایشان در صحبت حسد صورت نجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
بحضرت غوث الثقلین دختر از جہت ایشان وا دند میر سید عبد الرسول را
یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیہ دختر قاضی سید عماد الدین الا
سید اسحاق در عالم جوانی نا کتخدا رحلت کردند باقی چہار خواہر ایشان
دختران سید عبد الرسول از انجملہ دو دختران یکے بعد دیگرے بزوجیت
میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاہ
بنگالی بادشاہ دیار بنگالہ نام ہر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود ذکر ذریت
ہر دو در ذریت میر سید قطب ما قبل نگاشتہ شد و کیفیت سید جہاد الدین
عرف سید بولن باقی دو دختر کدخدا در کفویت شدند بی بی فاطمہ زوجہ
میر سید جہانگیر ابن میر سید اکبر پسر کلان قاضی عماد الدین و دومی بی بی
مینہ زوجہ میر سید حسین ابن میر سید اولیا کہ میر سید اولیا خواہر زادہ قاضی

عماد الدین

بودند گردید از بطن این بی بی یک دختر مسماۃ رقیہ عرف بی بی چھٹیا والدہ
حضرت شاہ محمد یسین ابن میر سید محمد باصر کہ جد امجد این فقیر بودند و اولاد
و اسباط ماند الا شادی ثانی حضرت میر سید محامد از بی بی فاطمہ عرف جھاون
خواہر سید شاہ اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود گردید ازان بی بی اولاد نشد
اولاد و دخترے ماند و پسر دوم میر سید جہانگیر میر سید حامد بودند بی بی
تعیمہ دختر شاہ ذکریا فریدی نسب کورجوی گردید یک دختر ازان بی بی
شد مسماۃ نصیرا زوجہ میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
میر سید صدر جہان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جہانگیر
میر سید ولی بودند شادی ایشان از مسماۃ آمنہ دختر عم خود میر سید
عبد المقتدر شد یک دختر ایشان مسماۃ امیمہ زوجہ میر سید وجیہ الدین
عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدر والد میر سید محمد حسن کیفیت ذریت
ایشان ماقبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم کہ شادی ایشان
در موضع بی بی پور شد از مسماۃ رضیہ عرف رجو دختر شاہ محمد یونس یک دختر
و یک پسر شد نام دختر بی بی مکار زوجہ سید شاہ اعظم عرف سید سا نوآبادی
والدہ حضرت شاہ محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم کدخدائی ایشان
از بی بی رشیدا دختر میر سید جہانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر مسماۃ
بنفی زوجہ میر سید شاکر ابن میر سید معظم نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عوث

خاندانی نبرد و یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید فضل الدین
عرف سید فضلو بود و دختر میر سید محمد ناصر ابن محمد میر سید حسین کدخدا شدند
نام زوجه بود مسماۃ سیدا یک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمد مسمی
سید صغیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعقاب نماند
پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
در قصبہ منیر در اولاد حضرت مخدوم کہ دولت منیری شد از مسماۃ سکینہ
بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند مسمی میر سید نجم الدین شادی ایشان
در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شہاب الدین از مسماۃ فصیحہ یک پسر ایشان
سید بدر الدین ناکدخدا رحلت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
جلال از بی بی قطبیہ عرف گھاسی سد بنت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از ان
بی بی یک دختر شد نام بی بی لطیفہ زوجہ میر سید وجیہ الدین عرف سید بولن لاولد
نماند نہ پسرے نہ دخترے میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از مسماۃ ربیعہ دختر مخدوم شاہ
عبد المجید نو آبادی گردید از بطن این بی بی سہ پسر و دو دختر شدند پسر
کلانی میر سید جہانگیر شادی ایشان از بی بی مدینہ دختر میر سید عبد الرسول شد
با ایشان یک دختر و سہ پسر کلانی پسر میر سید محامد کہ شادی اول ایشان
از بی بی رمضانی دختر شاہ موسی صفی پوری کہ از اولاد مخدوم شاہ صفی

اولاد ایشان نیز نماند و نام پسر کلانے شاہ محمد یار شاہ مراد علی کہ از دختر شاہ
عاشوری انصاری کدخدا شدند و پسر ایشان شاہ داود علی کہ شادی
ایشان نیز در بہار محلہ انصاری شد و پسر ایشان شاہ ممتاز حسین الحقیر
الاپسر دوم شاہ مراد علی شاہ محمد اکبر یک دختر ایشان زوجہ شاہ ظہیر الحق
ابن مولوی ظہور الحق الادختر دوم میر سید عالم بی بی وسلیمہ شادی ایشان
در موضع بی بی پور گردید از میر سید امجد علی کہ پسر خواہر میر سید قافی کہ عالم
بودند یک دختر این بی بی مسماۃ کاظمہ عرف بی بی گوندر زوجہ قلندر علی ابن
شیخ ابوتراب فریدی کورجوی یک دختر و پسر با ایام طفلی وفات یافتند الا یک
پسر نامی میر سید حسین بخش بودند سیادات باقری یک دختر ایشان
از محل اولی زوجہ مولوی سید اشرف علی نوآبادی ابن سید شاہ یحیی علی و از
زوجہ ثانی دختر شاہ احمد علی داماد شاہ علیم الدین سجادہ نشین دو دختر و یک پسر

شاہ اظہر حسین

خاتمہ کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات
باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین
ابن سید تقی الدین عرف میر سید بوڈھی کالپوی بیان بریک

اصل و سہ فرع و چند ثمرہ شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بوڈھی از وطن بہ قصبہ

که از بی بی نبّی خواهر حضرت شاه محمد مبارک کدخدا شدند چونکه آن بی بی لیه
کامله بودند در یادالهی ماندند اولاد نشد و پسر ثانی میر سید غیاث الدین شادی
ایشان نیز در بنی اهتمام شد اولاد نشد اولاد دختری ماند به میر سید مکارم
پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبد المقتدر شادی ایشان در بهار
در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از مسماة عفورا گردید دختر مولوی
محمد قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر مخدوم شاه عبد المجید بودند
یک پسر و یک دختر ایشان مسماة وصغر زوجه شاه بدر الاسلام برادر شاه
محمد علی کورجوی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عهدهٔ قضا
آمد قضا ازین خاندان شد جدا کدخدائی ایشان شد از حضرت بهار محلّه
مفتیانه از مسماة سکینه دختر میر سید محبوب عالم الحصول دو دختر ایشان
شدند مسماة اقلیمه و مسماة وسلیمه مسماة اقلیمه زوجه شیخ اله یار ماند و شیخ محمدیار
دو پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن
هرگایان و دختر شاه محمدیار زوجه شاه وحید الله پهلواری نواسه حضرت
شاه مجیب الله یک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت
نعمت الله یک پسر شد شاه عبد الکریم اولاد نماند و نام پسر شاه وحید الله شاه
محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمة الله

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان بیا در را گفتند
فرزندان نیاز توشه سیر و داماد نمی خورند حتی که نواسه نیز این دختر دختران
می بزایند با حقیقا حالا تمام زوجه فرزند نمی بزائیند بسبب و دوان نمی بینند خدا داند
چه اسرار است درین گفتار مزار هر دو برادر و خواهر واقع هست در محله
کهجور کتره کهجوری گلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
مراد رحاجی پور پائین مزار پدر بزرگوار دفن نمایند مطابق کلام حدیث شریف
الجنة تحت الاقدام امهاتکم چنانچه وصیت فرزندان تعمیل نمودند چنانچه
مزار حضرت میر سید تقی الدین سید بودهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع هست
و پائین مرقد میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت
کرده ام جاے برفرامی هست اہل حاجت را میشود حاجت برآر انجا حاصل نشد
چند نسبت سکونت در عظیم آباد ماند حالا دانا پور که آینده کیفیت سکونت نگاشته خواهد شد

شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

	بر فرع بکیفیت هر یک پسر	

واضح باد میر سید صدر جهان از بطن بی بی حبیبه زوجه ایشان سه پسر شدند
کلانے میر سید محمد نسبت شادی اولاد شان مقیم در نوا باده کلان پسر
ثانی میر سید اولیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهرت مقیم دانا پور
پسر سوم میر سید عبد الواحد ذریت ایشان بجائے قدیم آبائی شهر غنیه

رفتم بہر ملاقات او پدرا و میرا مجاد حسین بمن گفتند برادر پدر تو ہستم از بی
اعمام این گفت آمده بحضرت والد ماجد عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
سید حامد ہستند چراکہ مینا پوری اند در موضع مینا پور و جھجھوران میر سید حامد
ہستند بدینوجہ نسب برادری کردند بیان و نیز از میر امجد علی ساکن جروہ
ملاقات مذہب تشیعہ داشتند خود را از اولاد میر سید بوڑھی میگفتند از فرزندان
میر قاسم و میر راقم القصہ چون جنابحضرت میر سید قطب الدین وشہر پٹنہ
شدند مقیم شغل بود شیوہ پیری و مریدی طور خاندان قدیم جستجو بست میر سید
صدر جہان در خاندان شرفا بجا کردند اتفاق رفت قاضی سید عبد الفتاح
عرف قاضی بڈہی در دانا پور بمنصب قضا پرگنہ پھلواڑی بودند قاضی تاج الدین
از سیادات رضوی نسبت دختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندالادراک
از جانبین شد قبول کتخدائی میر سید صدر جہان از بی بی مجیدہ دختر قاضی
سید بڑہی شد الاقامت میر سید صدر جہان در خانہ آبائی ماندہ در دربار
شاہی دہلی عہدہ جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامراے پسر ثانی میر
سید قطب الدین بود حضرت شاہ پھول برگزیدہ خدا و رسول مقبول
اہل کمال حضور ماندہ و نیز خواہر شان ولیہ کاملہ بی بی انور معروف بی بی
چلڈھی انہم شادی نکردند قبول فاتحہ ہر دو برادر خواہر در خاندانم
در شب برات بطور توشہ می شود مالیدہ و شکر و روغن جلوا بغیر آب میسازیم

مع اہل وعیال عزم شہر پٹنہ عظیم آباد نمودند برادر بتوسط خود را مجوز شدند
ہمراہ آوردند میر سید حامد در آمدن بجمعیت حیلہ حوالہ کردند انکشاف شد بانجناب
تو بطمع وزارت از وسیخواہی مصاہرت خوب نیست من قطع نمودہ مصاہرت
تو رافضی گشتی مغل شدی بطلب مراد ہستی خیر خدا داند کہ تو ننگ خاندان
شدی القصہ ازانجا مع اہل وعیال عبور گنگ شدند جاے تجویز کردہ
بیرون شہر تکیہ مسجد بنا ساختہ اقامت کردند سفر نمودند جناب حضرت
جدالاماجد انجاسے آباد بود قریب گور غریبان حالا اندر شہر داخل است
قریب کچوری گلی محلہ کچور کترہ وحال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
ہمان شد کہ از دختر مسعود شاہ شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
ان منصب ودخترش نیز ہمراہ اولاد آن بزرگ مذہب رافضی دارند و
مصاہرت درمیان افغان ومغول جاری ست باستماع آمدہ بعد چند مدت
بین اولاد ہر دو برادر مصاہرت گردید نوشہ وعروس وقت مراجعت
بارات در دریا شدند غرق بعدہ ممتنع مصاہرت شد ما بین ہر دو فریق حتی کہ
شادی نسبا سازواری بعبور گنگ نیز نمی سود این ہیچ فقیر ست سفر نمود
روزی عند الملاقات میر ابراہیم علی جعفری شیعہ مذہب گفتند کہ من از اولاد
سید حامد ابن سید بوڈھے ہستم وہنگام قیام در قصبہ چھپرہ جناب حضرت
والد ماجد از شخص نوزین حقیر را بہ ملاقات شد سید امداد حسین بود نام روزے

انتقال در انجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالله کرمانی انصاری که
هنوز در انجا مزار فایض الانوار است بمقام خشک تکره شادی نمودند اولاد
شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والد ماجد جد امجد در ایام سیاحت
از اولادشان نمودند ملاقات و کردند و دراک کفویت نسبی بیان کردند
باهم سید باقری از فرزندان سید بوڈھی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
بوڈھی واضح باد پیر سید قطب الدین را دو پسر و یک دختر و نیز برادر متوسط
ماند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فام
اینجا امیر سید صدر جهان پسر کلانی مغفور گردید مسعود این خبر شنید
نزد آنجناب فرستاد پیام بهر مصاهرت از دختر خود که بود جمیله و عقیله آنجناب
تامل نمودند در جواب هیچ نفرمودند بار دوم بذریعه نامه شد خواستگار چون
نوشته فرستادند بدو کلمه بالاختصار ای بادشاه دین پناه تو بادشاهی منشر
سلاطین زبده اولاد افاغنه مشغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
سیادات است و نیز بفرقه شعار پیر مریدی پیچ طور باشد قبول استحاصل مصاهرت
تو بمن نمی زیبد مسعود شاه مضمون نامه دید چین بر جبین کشیده گردید ملول
جواب نوشت مختصر از بسط طول اگر از من مصاهرت نمی زیبد بر آنجناب
تیغه وزارت نیز نمی زیبد خط دید رگ هاشمی جوش کرد فوراً ترک وزارت
کردند و عطیه او که بود وجه معاش بر رود کردند لهذا انجا مرحا خاطر گشتم

بہر کفاف سید معافی می نگارند چون تشریف ہمراہ آوردن آنحضرت زوجہ بودند وسہ پسر یکے میر سید قطب الدین کہ شادی این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت دختر میر سید عبد الحی ابن میر سید جلال الدین گردیدہ بود و نام زوجہ حضرت سید تقی الدین سید بڈھی بی بی خدیجہ بو دعرف بی بی پھول چنانچہ موضع پھولپور بطور نذر بسید معافی بی بی صاحبہ نمودہ بود دومی پسر میر سید علی نوجوان القصہ بعد چندی داود شاہ بلیاقت جوہر و صفاتی دیدہ منصب وزارت بحضرت میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص بہر صرف آنجناب نذر نمود از بحال موضع چھچھر موسوم شد بنام قطب پور چھچھر گاہ جلال الدین اکبر شاہ نہضت از دہلی نمود بہر ملک گیری دیار شرقی و داود شاہ خبر آمدن بادشاہ اکبر شنیدہ در خود تاب مقابلہ ندیدہ سوے دیار شرقی کرد فرار و رانجا رفتہ بسلطنت حسین شاہ بادشاہ بنگالہ مسلط شد آن تاب مقابلہ نیاوردہ بمال ہراس ان جان و شمشیر زنی شود ہرباد خون ناحق بر سر من افتد بافتاد ترک سلطنت کرد صحرا نشین شد عزلت چون بمقام جاجنج جلال الدین اکبر شاہ رسید داود شاہ را ندید گفت فرار شنید پسر داود شاہ بحضور بادشاہ دست بستہ بعذر خواہی رسید بادشاہ ظلم عفو جرائم کشید خراج بر و مقرر نمود تاج بخشی کردہ روانہ سوی دہلی شد مسعود شاہ بفارغ بالی سلطنت نمود منقول است ہمراہ لشکر داود شاہ میر سید علی پسر سوم میر سید بڈھی نیز بدانصوب روانہ شدند چرا کہ والدا جدا کردہ بودند

استماع است از حضرت جدامجد بدین طور که مستمع شدند از آبا و اجداد خود هرگاه داود شاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام جاجی پور عبور گنگ شهر پٹنه تخت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریضه به پیرزادگان نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورست بسبب سلطنت اینجا میخواهد اگر از ینجا کسے صاحبزادگان تشریف آرند بدینجوار بردستان عالی تبار بیعت نمایم و اگر مع اهل تشریف آرند نذر نمایم بمد معافی و دیهات بهر اخراجات وغیره منقول است هرگاه بدینطور نامه شاهی بشهر کالپی بمحله محمود پوره رسید باخود با دراخوان اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد کالپی شوره گردید بدینمعنی که در ینجا هنوز پیری مریدی سلسلهٔ آبائی جاریست دایمه و نذر درگاه بهر معاش از عطیهٔ سلطانی موجود است بهر کدام حاجت رفتن بدینخصوص مناسب نیست که برویم و این را ترک نمایم اگر چنین استدعاست داود شاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودهی در اینجا روند چرا که هم از پای اند معذور و صرف بسیار عیال دار رفقن ایشان پر ضرورست کلاه اوقات پاے شکسته بسته چون صلاح اخوان چنین شد الحصول جناب حضرت میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند بمقام جاجی پور داود شاه تکریم نمود و بیعت کرد حصول و معاین نمود و دیهات

شدند اول کیفیت دختران بعده دیگران که طویل است یک دختر را نام بود
بی بی فاطمه عرف بی بی جهانون زوجه میر سید محمد ابن میر سید جهانگیر
دانا پوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوہر در نوا باده شده
مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان اللہ کد خدا شدند سه پسر ایشان یکے
شیخ عظمت اللہ دومی شیخ احمد اللہ سومی شیخ عزت اللہ از انجمله شیخ احمد اللہ
لاولد پسر شیخ عظمت اللہ شیخ شریعت اللہ اینها از فرزندان مخدوم شاہ صفی
صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم پور
بوده است یک دختر میر شیخ امان اللہ بودند مسماة حیاتن در اقران کد خدا
شدند احوال شادی شیخ عظمت اللہ و شیخ شریعت اللہ دریافت نشد الا
شادی اول شیخ عزت اللہ پسر سوم شیخ امان اللہ از دختر شیخ اسمٰعیل ولد
مولوی محمد قائم قائم پوری شده بود که از یکے بندگان مخدوم شاہ عبد المجید
نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر مسمی به شیخ اللہ یار که از دختر
میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی
از بطن آن بی بی مسماة اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند والد شاہ مراد علی و
شمس الحق کیفیت تصریح بالاے این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت اللہ
از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاہ محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

ماندند اولاد ایشان حالا در کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میر سید محمد پسر کلانی در نوا باده خورد گردید در اولاد
حضرت خوندشیخ گردید در بنی اعمام حضرت مخدوم شاه عبدالمجید
نوا بادی ساکن نوا باده کلان از بی بی هدیه از بطن این بی بی پنج پسر شدند
یکی میر سید محمود دومی میر سید عبدالرزاق سومی میر سید عبدالوهاب
چارمی میر سید تاج الدین پنجمی میر سید نظام الدین شادی این برادر
هر چهار گردید در اطراف جوار بخدمت شرفا رنما دارالا کیفیت ذریت ایشان
هر یکی دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الا اسماع هست از بزرگان
ذریت میر سید نظام الدین در موضع رسولپور بودند و اولاد بعضی در نظام پور
و اولاد بعضی برادر در بسرپور الا مبقر مود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تنهه از اولاد بونبستگان میر سید عبدالرزاق یا میر سید نظام اند میگفتند
نسب مصاهرت دیار دیار بعد چیدا شدالا کتخدائی میر سید محمود در نوا باده
کلان شد از بی بی تاجا بنت مخدوم شاه عبدالحی ابن حضرت مخدوم شاه
عبدالمجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند در خاندانهم هست
مشهور از انوقت اقامت اولاد میر سید محمود در نوا باده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میر سید محمود را از بطن این بی بی دو دختر و سه پسر

شد زوجہ شاہ قمرالدین احمد ابن شاہ منیرالدین احمد عرف محمدی چون آن
فوت شد ہرگاہ شادی ثانی میر ممدوح از دختر مولوی نصیرالحق شوند یک پسر
و دو دختر شد بعالم ضعیفی یک دختر باز منسوب کردند از شاہ قمرالدین مذکور
و یک دختر زوجہ میر الفت حسین پسر نواسہ میر حیتن مذکور و پسر را نام امام الحق
میرحسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جدہ سید الفت حسین
مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاہ اولیا جلے

مذکور الصدر درینجا تزکی تمام شد

ثمرہ دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماۃ بی بی عابدہ زوجہ شاہ فتح علی شیعی

واضح باد بی بی عابدہ دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاہ فتح علی
شیعی نسب شیخپوروی کدخدا شدند از بطن این بی بی سہ پسر و دو دختر
یکے بی بی حسینیا کہ از شاہ عنایت حسین شیخپوروی خواہرزادہ شاہ
فتح علی مرحوم کدخدا شدند و دختر شدند یکے زوجہ منشی سید محمد خلیل
کہ اولاد نماند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاہ ولایت علی نوجوان
رحیل ملک بقا شدند دومی شاہ امجد حسین مدعو پیرجی کہ در عہد
نواب احمد علی خان ذی اقتدار بودند اول شادی ایشان از دختر خال خود
میر سید نورالدین احمد شد از مسماۃ ضرادن النسا چون از آن بی بی

قدس سره و نیز تربیت معنوی عم شد تمام بکمال عزت و جاه و جلال شادی
اول ایشان گردید از دختر بی بی حبیبا زوجه شاه عنایت حسین که دوا
دخواہرزاده شاه فتح علی شیعی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حسینه
اولاد نشد ازان بی بی تا که رحلت کردند شادی ثانی از دختر قاضی احمد حسین
خواہر سید عابد حسین گردید انہم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام
بی بی گلاب بود یک صبیه متولد شد مسماة وجیہا النسا از سید شاه علی احمد
ابن سید شاه ولی احمد بلخی کدخدا شدند چند دختران از بطن این عفیفه شدند
ہر یکے جابجا در شرفا منسوب شدند فرزندان دختری اند که پسر نیز تولد شدند
در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برادر و چهار خواہران
بودند اولاد یک خواہر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه لبا اولان
و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه مهدی اند کیفیت اولاد
ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواہران
ہر سه دریافت نشد الا برادر ایشان میر زین الدین یا میر حسین الدین عرف
میر حسین بودند ہمزلف میر برکت علی فریدپوری یک دختر ایشان زوجه
برہان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان پسر ایشان
ہادی علی خان موجود اند و دو پسر کی میر امانت علی اول شادی ایشان
میر برکت علی فریدپوری یعنی از خواہر مولوی سید امان علی شده بود یک دختر

ایشان را تربیت بطریقہ عالیہ قادریہ از حضرت شاہ نعمت اللہ قادری
مجیبی وارثی سجادہ نشین پھلواری و شادی ایشان نیز در قصبہ پھلواری
گردید از خواہر شاہ محمد اشرف عرف اچھو میان ابن سید شاہ رحمۃ اللہ
عرف شاہ مخدوم ابن شاہ بزرگ عالم ابن سید شاہ احمد ابن سید شاہ محبوب عالم
ابن سید شاہ عزیز اللہ ابن سید شاہ حبیب اللہ ابن حضرت مخدوم شاہ
فرید ابن مخدوم شاہ اسمعیل ابن مخدوم شاہ محمد جمال ابن سید شاہ انور
عرف شاہ بیکسہ ابن مخدوم شاہ حاجی ابن سید فضل اللہ ابن حضرت
شاہ سمع اللہ سفید باز ہتئیم اللہ گردند و اولاد حضرت مخدوم ساہ سمع اللہ
بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر جگجوت نام زوجہ بود بی بی وصیت
کہ عمہ مولوی محمد وجیہ و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد ابراہیم
صدر اعلی بودند ایشان شاہ محمد اشرف الغرض از بطن این بی بی یک پسر شدند
نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اتقیا و نیز یک دختر مسماۃ مدیحہ عرف مدو
زوجہ منشی سید عبد العلی ابن سید زین الدین عرف چھٹن برادر سید احسان الدین
مذکور الصدر لا این بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین تربیت جلیل
منشی بعدیل خوشنویس منشی سید محمد جلیل تربیت ظاہر از خال شد سید شاہ
شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
بطریقہ عالیہ ابو العلائیہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکات

سید اکبر دو پسر و دو دختر بوجود آمد یک دختر زوجہ حضرت شاہ محمد مبارک
مسماۃ مدینہ ثانی مسماۃ زاکیہ زوجہ شیخ عتیق اللہ عرف شیخ کنہائی ابن
شیخ ولی اللہ پدر مسماۃ دھومن گردید نام پسران آنجناب بود سید شاکر دوئی
نام سید رؤف کتخدائی ہر دو برادر در داناپور از دختران اعمام شد

اولاد نماند جز اولاد دخترے

ثمرہ سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمود ابن میر سید محمد و اسطے
بدانند میر سید محمد مظفر را تربیت و تربیت تعلیم از برادر اعظم بود و شادی ایشان
از بی بی رحمت دختر میر سید حامد ابن میر سید جہانگیر گردید یک پسر شد از ان
بی بی مسمی سید حیدر نوجوان بمرد اعقاب نماند ذکر فرزندان میر سید محمد ثانی
باز اعادہ مینمایم بتصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین احمد
و نام دختران مسماۃ باصرہ زوجہ اول حضرت سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت
شاہ محمد یسین داناپوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
غلام نبی بعمر دو سالہ بمرد الا دختران دختر کلانی مسماۃ باصرہ بی بی مجیدہ
از میر سید احسان الدین رضوی نسب ساکن بانسی بیگمہ کدخدا شدند از بطن
این بی بی یک دختر شد دو پسر نام دختر بی بی نجیدہ کدخدا از شیخ
محمد منیر انصاری بہاری کہ پسر روح تمکان بی بی بودند و صغر سنی بود
شدند اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاہ اولیا علی بیعت

حاضری صحبت و حقائق باطنہ انکشاف شد چنانچہ والد ماجد نیز از طرف محمود
بسلاست خاندانی مجاز کردہ روبروے خود سجادہ نشین خود نمودند چونکہ
استعداد وافر داشتند لطلب فیض باطنہ بعد انتقال والد ماجد در عظیم آباد
رفتہ بصحبت حاجی تاتار ماندند آنجناب را طریقہ تربیت و تعلیم سرہندیہ
مجددیہ بود رشد ظاہر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
در زمان نواب علی وردیخان مہابت جنگ و عمر شریف نیز قریب نود سالگی
رسیدہ بود کہ رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی مریم
دختر میر سید محمد معظم دو دختر و یک پسر شدند بانخفرت نام دختر بی بی
ابدال زوجہ شیخ عزت اللہ مذکورہ بالا و دختر ثانی بی بی دولت جہان
کہ یکے از عارفہ کاملہ بودند زوجہ حضرت سید شاہ محمد یٰسین داناپوری ابن
میر سید محمد باصر و پسر را نام بود میر سید محمد الشان را نیز بیعت و تربیت
از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر ابن شیخ
امان اللہ گردید ذی اولاد شدند دو پسر و چار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمود خواہد نگاشت چراکہ ذکر طول است

ثمرۂ دوم در بیان کیفیت میر سید محمد معظم پسر دوم میر سید محمود

واضح باد میر سید محمد معظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی
ایشان در داناپور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبد المقتدر ابن میر

ابن جناب حضرت سید شاہ محمد لسین قدس سرہ الااولاد نشد

ثمرہ اول شجرہ اول بذکر فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سہ پسر میر سید اعظم عرف سید شاہا دویمی میر سید معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاہا پسر کلانی کہ صاحب کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنہ بیکی از اخوان داناپور از میر سید محامد داناپوری بطریقہ عالیہ چشتیہ بود حصول عارف باللہ بودند صاحب وجد و حال باکمال شادی آنحضرت در داناپور شد از بی بی مکا دختر میر سید مکارم رضوی داناپوری ازان بی بی یک دختر شد بی بی بتی زوجہ میر سید محمد غوث از نبیرہ میر سید مکارم اولاد نشد الاخلف الرشید حضرت بودند حضرت شاہ محمد مبارک قدس سرہ شمع بزم مشائخین زمانہ حالات آنحضرت چنین ست کہ در اوائل عمر از وطن بہ نیت تحصیل علم ظاہر و باطن ساحت کردند اختیار با معاصرو دیار بحیات والد ماجد و بیان ست بزرگان بعد تحصیل علم ظاہر از شہر دہلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک دکن از عمدۃ المشائخین العزۃ العارفین ملا دست شد حصول بیعت کردند بطریقہ عالیہ قادریہ و از تربیت العلم باطنہ یافتند رتبہ کمال در خدمت ماندند چند سال چون بست سال گذشت در مدت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب والد ماجد خود از انجا سوی وطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

ازین بی بی چهار دختر نیز اند علاوه پسر سید حامد حسین شادی سید شاه حسین
ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و اجد حسین
شد ذی اولاد اند ماشاء الله دران نور دیده لیاقت هر گونه دارند بعربی و فارسی
حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر باعطا فرماید ثمره سوم در ذکر دختر
سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم کدخدائی ایشان بقصبه منیر از شاه
کرامت الله ابن شاه نجابت الله گردید اولاد نشد ثمره چهارم در ذکر دختر
چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
نظام پوره کدخدا شدند از بطن این عفیفه یکدختر و یک پسر شد میر
غلام صمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی کدخدا شدند اولاد نشد دختر
بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد یار
کدخدا شدند و بادشاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بهاڑه انصاری

	انصاری نسب مے راقوان مے گو واغط الحق	

ثمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی

انوربا و پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده جد بزرگوار
بودند ذی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکعنیا دختر مولوی
شاه احمد نوآباده خورد و شد یک دختر ایشان مسماة تحسن که شادی ایشان
از شاه ضیاء الحق ابن شاه نور الحق ساکن نوآباد و خورد گردید دختر ایشان

زوجہ شاہ لطافت علی شیخپوروی والدہ میر عبدالحسین کہ ذکر اولاد
ایشان نمودہ شد پسر دوم بی بی عابدہ زوجہ شاہ فتح علی مذکور سید
شاہ ابراہیم حسین عرف شاہ بھوچو کہ ایشان را بیعت بطریقہ فردوسیہ
ازجناب حضرت مولوی سید شاہ حسن رضا قادری منعمی شد حصول
و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید دو دختر شدند
یکے مسماۃ بیگن زوجہ مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
مریم زوجہ شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکورہ بالا ذی اولاد
شدند دختر ثانی مسماۃ رحمن زوجہ سید معظم ابن میر مظفر حسین عرف
میر کلو یک پسر و یک دختر ایشان پسر سید امیر الدین و دختر را نام مسماۃ
حیاتن زوجہ میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین وکیل صدر ساکن
بھبھو یک دختر ایشان مسماۃ براتن زوجہ میر لطافت حسین والدہ سید شاہ محمد حسین
و شاہ ابراہیم حسین را از بطن بنکوحہ دو دختر بودند نیز ذی ولد اند و یکے پسر
شاہ نعمت حسین و دختر ثانی شاہ فتح علی و بی بی عابدہ مسماۃ اماً مالنسا
زوجہ شاہ خادم حسین عرف شاہ بھجو سجادہ نشین آستانہ حضرت
سید محمد پیر دمڑیا چون اولاد نشد سرکہ معاش از جانب زوج خود بسیکی
بنت البنت برادر مذکور الصدر دادند مالک ملکیت نمودند آن معاش
تقبیضہ میر لطافت حسین داماد میر شجاعت حسین مرحوم ہست میر لطافت حسین

ایشان در موضع ہاسہ از دختر میر ولی اللہ محمد میر سید عظیم الدین رضوی
شدہ بود نام زوجہ ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجہ میر سید معظم
داماد شاہ ابراہیم حسین ابن شاہ فتح علی زوج مسماۃ رحمن یک دختر مسماۃ
حیاتن زوجہ میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاہ امیر الدین کہ از دختر
میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن محلہ گلی عظیم آباد کہ خدا اشد مر یک دختر
و یک پسر ایشان دختر مسماۃ حلیمہ زوجہ سید محمد واجد ابن شاہ حسین علی
لاولد در مکہ معظمہ وفات یافت و نام پسر سید مظفر حسین کہ از دختر میر جعفر علی
بہاری داماد میر سلامت علی ساکن جونری کتخدا است اللہ تعالے ذی ولد نماید
و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر کہ از دو پسر مولانا مسافر رحمۃ اللہ علیہ
کدخدا شدند کیفیت ذریت دریافت نشد الا پسر عالیقدر میر مظفر حسین سید
ہدایت حسین دعوجاو اول شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاہ
محمد یعقوب علیہ الرحمہ شدہ بود اولا نشد از شادی ثانی کہ از خواہر شاہ
محمد علی شیخپوری شد دو پسر نام یکے سید سخاوت حسین نام دومی یاد نیست
از خواہر این ہر دو برادر زوجہ شاہ امین الدین احمد ابن شاہ امیر الدین
علیہ الرحمہ سجادہ نشین بہار و خواہر شاہ مظفر حسین مسماۃ مرادن زوجہ

	شاہ امجد حسین عرف میر جی مذکور الصدر اولاد نشد	

نسبت دوم ثمرہ دوم و شجرہ اولی فرع اول اصل اولی در بیان

یکی مسماة مخدومه زوجه جناب حضرت شاه یحیی علی که ذکر ذریت ایشان بالا نگاشته شد
دومی مسماة مستقیمه اولاد نشد با ایشان سومی مسماة سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
سعین الحق که ذکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر تکرار نیست

ثمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزند ثانی
میر سید نور الدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر

باید دانست میر سید نور الدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلانے محیط و
قابض بر معاش پدری وجدی شدند ماقبل در حیات برادر خویش مطیع بودند
هر برادر کلانے وثانی هر چهار خواهران را از ترکهٔ آبائی محروم ساختند و کار خود
پرداختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الله ابن حضرت شاه محمد یسین
که زوجه خود مسماة ناصره داده اند در انهم شریک شدند شادی میر سید نور الدین احمد
یکے بعد دیگرے از دو دختر شیخ شریعت الله ابن شیخ عظمت الله ولد شیخ
امان الله گردید از هر دو بی بی دو دو پسر شدند نام زوجه اولی بی بی فاضله عرف
بی بی فصلو از بطن این بی بی دو پسر و یک دختر زوجه ثانی نام بودلی بی بی

حلیما دو پسر از ایشان
نسب اول ثمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه و کلن نبیره سید محمد ثانی
بیعت ایشان از جد امجد یا از پدر بزرگوار بود صاحب سجاده شادی اول

ایشان

جد ماجد من حضرت سید شاه غلام حسین دانا پوری و تربیت باطنیه از حضرت
سید شاه یحیی علی رحمة الله علیه بفضله تعالی هرگونه لیاقت و حیثیت ظاهر
و باطنی دارند صاحب سلیقه شادی اولین ایشان از دختر خال شده بود
یعنی از مسماة وحیدن دختر سید شاه عبد الرشید عمی عرف شاه جمی ابن حضرت
سید شاه اطیب الصمد رحمة الله علیه پهپهری چون ازان یک دختر شده بود
انهم نماند و بعد عرصه کرده زوجه انتقال و حسب نام بموضع نیاوان پرگنه
اوکری که معاش جانب حصه مادری و خسر پوره هست تکلف بسیار با عزت آ
حال خود نیا بینند سر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر الله ساکن آکوپوره
شادی ثانی کرده اند بفضله تعالی یک دختر تولد یافته شد نام غوث باندی
نهاده اند بحرمت حضرت پیر دستگیر غوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواهر خورد سید شاه فضل حسین زوجه شاه محمد باقر مرحوم ذی اولاد شد

ثمره چهارم از شجر اولی فرع اول اصل دربیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوابادی

میر حسن باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بهیکو ساکن ماده گرده
و بیعت ایشان را نیز از حضرت جد ماجد این فقیر است که بقرابت جدی
بما در بوده اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اند تعالی
سه پسر و دو دختر با ایشان بخشید و آنها نیز ذی اولاد هستند پسر کلانی میر سید

ذکر سید شاه فرحت حسین عرف جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد

پوشیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد
لیاقت ظاهری کم و فقر بسیار داشتند کدخدائی ایشان از دختر منشی علی حیدر
که یکے از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بود نمگر دید عمر خود بیاد تعیش
بکر و فر گذرانیدند از منشه تقدیری کسی اولاد نشد برادرزاده کلانی میر سید
محمد معظم پسر میر مظفر حسین را پسر متبنه ساختند و حصه ترکه معاش خود بان
فرزند دادند مالک و قابض آن ترکه پسر شان سید شاه امیر الدین گشته حالا پسر شان

نسب سوم ثمره دوم شجره فرع و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که لیاقت
و حیثیت ظاهری و باطنی بسیار داشتند در مزاج امارت و تزک بود کمال شادی
ایشان از مسماة لطیفا بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
سجاده نشین میر سید محمد قادری امجهری گشتند از بطن این بی بی دو دختر
و یک پسر شدند دختر اول زوجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین دو دختر و
یک پسر ایشان یک دختر زوجه سید افضل حسین و دو پسر شان دوم دختر
شاه فرید الحق ابن شاه ظهور الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام
فرزند شیر سید شاه فضل حسین قادری ایشان را بیعت از جناب حضرت

اسلاف بایان ہمہ چشتیہ طریقہ بیداشتند و خواہر ثانی ایشان زوجہ

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شد ازان بی بی

فرع دوم اصل محل ولاد سوم میر سید صدر جہان ابن میر سید قطب الدین
باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جہان
واضح باد حضرت میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جہان کہ ہر سر رشتہ
پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بود
چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انہم
ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
عبد الفتاح قاضی سید بجرے دریابادی کہ خال ایشان بودند گردید از بی بی
واصلہ عرف وصلا دختر قاضی سید عماد الدین از بطن ایشان حنیفہ یک دختر
و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر النسا شادی در بنی اعمام شد نام پسر کلان
میر سید محمد فضل ثانی را نام محمد اجمل کہ در عین شباب جوان ناکتخدا
رحیل ملک بقا شدند اعقاب نماند الا شادی سید محمد افضل از بی بی
میتنہ دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از بطن
زوجہ دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناکتخدا وفات یافت
نام پسر میر سید عبد الشکور کہ جوہر ذاتی و صفاتی پیداشتند بسیار با سلیقہ مردم
دانشمند و ہوشیار در اقران مفخر و ممتاز در دربار شاہی بعہدہ جلیل القدر سرفراز

حامد حسین مذکور الصدر را داماد میر احمد حسین عم خود دختر کلان ایشان از سید
افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سماوی که خدا اشد دو پسر
یکی از آن سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
زوجه اولاد گذاشته رحلت کرد شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق ابن
شاه ظهور الحق گردید دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب آ
ذی اولاد نیست نام پسر سید امجد حسین شادی این عزیز بجای بهترین
و صاحب ذی ثروت بود قضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
لکھو جا لاهور شادی نکرده اند الله تعالی توفیق بخشد پسر ثانی میر سید حامد حسین
میر سید کرامت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند کدخدائی ایشان
از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
ولایت حسین مفقود الخبر دختران منسوب بجاهای بهتر مذکور الصدر
ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شد انا لله الخ ارشید
چهارم میر سید کفایت حسین که انیس همه را نیز فقیر اند صاحب سلیقه و
تدبیر شادی ایشان از دختر میر امجد علی ساکن کرائے پرسرائے گردید بعد
چو آن بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد اقتضا اولاد ندارد بجز پدر از در
بیعت این هر دو برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلاه اند را
بیعت از جناب سید شاه یحیی علی قدس سره بطریقه عالیه چشتیه گردید چراکه

۱۸۰

آباد و داشتند هرگاه ما یان بهر زیارت بزرگان میرفتیم دران احاطه چند مزار اجداد
پیشین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
سید محمد ناصر و میر سلیم اجداد این فقیر حقیر و اخوان اجداد الا اولاد دختری
ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون و دو پسر ایشان یکی
محمد غوث عرف منشی ڈومن شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر شاه وحید الاسلام
گردید یک دختر شد بعد ایشان را که برادر عم زاد منشی امیر سید ابن مولوی عزیز الله
کدخدا شد مسماة سوہن لا ولد رحلت نمودند پدر ایشان مولوی فرحت علی
ابن منشی محمد غوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند در علم عربیت صرف نحو
و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیگن دختر شاه ابراهیم حسین فرابادی شد
یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گذاشته رحلت نمودند
نام فرزندان محمد قاسم ست محمد واجد ذی ولد و یک منکوحه منشی محمد غوث
عرف ڈومن بود مسماة وزیرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساون
مولوی عزیز الله رحمة الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی زبن
و یار لا ثانی و خوش تقریر و پرهیزگاری جو هر بیعت ایشان را بطریقه عالیه از والد خود بود
الا طریقه معنوی از سیادور زیاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب موصوف لو نیها
ادستادی در فنون بودند وجاهت ظاهر و حسن پیری و فیضی نیز بود سیاً

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعه دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
ولد میر سید محمد افضل در بنی اعمام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
دختر ناکتخدا رحلت نمود والا پسر نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
بسیار داشتند بیعت آن بزرگوار در خاندان خود از آبا و اجداد بطریقه چشتیه نصیریه بود
شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمه دختر خورد میر سید محمد باصر ابن میر سید حسین
ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر مسماة نعیمه عرف بھیلن شادی ایشان
در اقران شده بود اولاد و نام دختر ثانی مسماة لیلا عرف مسماة لالن
زوجه شاه قطب الدین عرف شاه لبسان که از این بی بی اولاد ماند بعد ذکر
پسر عالیقدر بتصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلح که بر وطن
خاندانی با اجداد خود مدت العمر ماندند تکیه خانه آبائی کهجور کثره محله کچهوری گلی
الا سه شادی نمودند یکے بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
از مسماة ملیحه خواهر محمد حسن ابن سید وجیه الدین عرف سید بولن در عقد
نکاح وفات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از مسماة عاشور گر دختر
سید محمد مهدی یکے از سکنای علاقه بهار از انهم فرزند پسر نشد چون وفات
یافتند شادی ثالث نمودند بموضع مذپور بخانه یکے از شرفا اما تا حیات
آنجناب زنده بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثه بعد رحلت شان آنخانه را

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان نوابادهٔ کلان اولاد میر سید محمد اولی
وصاحبان کورجی ذریت میر سید عبد الواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
یافت مینویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه داناپور واضح گردد میر
سید اولیا بودند تارک دنیا بحرص هوا مشغول و یاد خدا گاهی روزگار دنیا
نکردند بادشاهی عهده افتا یا قضا بخانه نشستند شکسته پا والد ماجد ایشان را
بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منصب
بود در دربار شاهی امیر الامرای بخطاب یمین الملک وقت آخر ترک نمودند
ماندند بیاد خدا بیعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریقه عالیه چشتیه قصیده
الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی هست
نام ان چشتی پور عنایت الله از مسماة مریم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکریا
فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الله از فرزندان حضرت بابا شیخ
فرید الدین شکر گنج القصه از بطن این بی بی شدند دو فرزند رتبه بلند کلان
نام بود میر سید حسین عرف سید حسینی داماد میر سید عبد الرسول قادری نسب
که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم کدخدائی
ایشان از دختر خال خود شد نام زوجه شان بی بی نصیبه بود دختر شیخ
معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی از بطن زوجه شان یک دختر

شادی آنجناب شد از مسماۃ بی بی جیلمن دختر بی بی ناظمہ زوجہ شاہ باج الدین
نوآبادی بفضلہ ازین بی بی چہار پسر شدند ذی علم و پر جوہر از الجملہ یکے منشی امیر القد
ذکور الصدر دوم مولوی محمد اکبر شدند بایشان در پسر آخر نام نامد سوم شاہ
محمد اصغر وجیہ ذی علم پر ہنر شادی ایشان در قصبہ منیر گردید از دختر شاہ
لطف علی ابن شاہ محمود بفضلہ اولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل سعید
شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
منسوب ہست از شاہ مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حید راللہ تعالے
بخشد مزید حیات و نام پسر چہارمی شاہ خیرات علی مدعو خیراتی کہ ستشنی
اندار جوہر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحہ خود
اولاد دارند دختر و پسر و مصاہرت ر نمود از اولاد منکوحہ پدر کہ بودند ازین
منکوحہ نیز دو دختر و پسران چہار دو ناکتخدا رحلت کردند یکے میان رفقو
از تحصیل علم ظاہر شدہ بود از حیثیت پدر بزرگوار نوجوان قضا کرد دومی را
نام بود دیسلے ذی ہنر ہر دو وفات یافتند یکے بعد دیگرے الاو موجوداند
ذی اولاد یکے را نام امداو دومی میان جہدی کہ پیشہ تجارت مینمایند دلالی
میکنند دختران نیز منسوب جابجا اند ذی اولاد اند درینجا ضم شد زیست

	حضرت میر سید عبد الواحد رحمۃ اللہ علیہ	

فرع سوم اصل نخل اول در بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

نوبت تزویج نشده بود زمانه مختتم انگاشته قصد سفر کردند بعمر بست و پنج سال
واضح باد زمان ولادت آنحضرت درعهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه
و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
نمودند بعمر شصت و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماندند بمنشی
و مصاحب محمد معظم بهادر شاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر ڈھاکه جهانگیر نگر
چندے ماندند بعهده چکله داری و محافظ کوتوال شاهزاده رفاقت ایشان
پسند نمود بخوش تدبیری برین امضا شد چند سال هرگاه خطاب باقتاب بسید
بشاهزاده موصوف از شاه اورنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
تیلوانی در بر و چهره زعفرانی بر سن شریف رسید بچهل و شش تف برین ریش
و فش مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همنشینان قدیمی
شاهزاده شدند معزول آنحضرت رفاقت شاهزاده نکردند قبول هرچند شاهزاده
بهادر شاه سپهر رفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زنهار زنهار ترک عهده
جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هرگاه بوطن تشریف آوردند چهل
گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد حزن و ملال کمال
در شهر پٹنه سنجاتا بالی کسے را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبدالشکور
ملاقات کرده آمدند بسوی وانا پور و در اینجا یافتند از بزرگان و برادران آنجناب
میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سید عبدالمقتدر و میر سید مکارم

ولپسر شدند متولد نام دختر بی بی واسعه که از شیخ محمد درویش کدخدا شدند یکی از صاحبان کورچی نانای شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف شاه بهاون بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید محمد حلیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند احقاب نماند جز فرزندان میر سید حسین عم شان باید شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبد الرسول شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد ناصر نام دختر بی بی رقیعه که از برادر عمزاد میر سید عبد الحلیم کدخدا شده بودند هر دو نوجوان گذشتند

شجره در بیان کیفیت وحال میر سید محمد ناصر این میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واضح باد بسال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد ناصر گردید کیفیت ایشان برین نمط بیعت ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالیه نصریه حصول و نیز در تعلیم معنویه ضبط مراقبه و شغل و نیز حیثیت و لیاقت ظاهری تحصیل کتاب عربی و فارسی و فقه اصول با اینهمه بودند ذو فنون بهر لیاقت افزون و در فن تیراندازی کمال در عهد خود بیمثال چنانچه رساله تالیف کرده بودند یافته اند از حضرت بزرگوار نزد خود دارد این خاکسار بعمر لبست سالگی رسیده بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان کردند انتقال چون از غم مادر مخدومه گشتند فارغ البال و والد ماجد خود را مشغول ذکر حضرت ذو الجلال

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت در آمدند شادی بجا
رسید کریمی خالق که در آن سن و سال بزوجی الله تعالی شش اولاد بخشید
دو پسر و چهار دختر هر یکی چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تتمه
کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هرگاه آنجناب معلی القاب ترک جلیل عهده کرده
بهر اقامت آماده شدند بتوکل علی الله تکیه خانقاه آبائی شهر پٹنه شد بمقیم
همشغول یاد او تعالی بصبر بطاسستقیم پا را از رفتن شکسته سلسله ملاقات اهل دنیا
گسسته شوق فضل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چله کشی و گوشه گیری بسر ساخته
هر دم دمی بذکر یاد او تعالی می پرداختند طالبان حق را ضروراست از لذائذ دنیا
ترکش وجوب لازم آنحضرت در مشاهده حق تیر قامت را کمان ساخته جیبا
و برگ آب و نان توکل بقبضه آورده بهدف مراد خود نشانه کرده اخر بنام
حق بذکر حق که بودند باین مستحق روزے قربان جان خود ساختند زہے
ستهائی که سهم رضا الهی گشته آخر کار زخاک توده گرد و طائر روح جال
محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سوفار در گذرد چونکه آنحضرت در قرن مرا نیلی
داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در
دنیا گذاشته بعمر یک صد و سانزده سال کردند انتقال در سنه یکهزار و بست و
دو هجری سفر فرمودند جناب حضرت جد امجد چون بسال یکهزار و یکصد و هیجده
شاه اورنگ زیب عالمگیر بادشاه نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

عزیزان در اقران بودند ملاقات ساختند و بصحبت ایشان چندے اقامت
در قصبه داناپور بپرداختند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها
عند الملاقات از میر سید محامد رضوی کربلا رخالاتی حقیقے بودند و از عمر آنجناب
نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر مقابل آنجناب چنین تذکره افتاد در جواب
فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب بهفتاد قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
نیست حصول اولاد و کدام کس دختر خود باین ضعیف خواهد داد بیان متبسم شده
میر سید محامد فرمودند ای جناب معلی القاب از شادی اول دخترے هست موجود
تا که خدا الحمد لله خیال کفویت بود بر آید مقصود و بزوجیت شما سید هم اگر نصیب باشد
اولاد فهو المراد اولاد هر دو برادر واحد باشد بفضل حضرت باری سلسله اولاد
بود جاری باصرار تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید محامد
ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
رمضانی دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد مخدوم شاه صفی بودند
گردیده بود از بطن این بی بی دخترے تولد شده بود و بی بی رقیه نام مدعو
بی بی چهتیا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بجانه میر
پرورش یافتند بضرورت خانه تقریب شادی ثانی از دختر میر سید محمود
نوآبادی کرده بودند از آن بی بی کسے اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در آن زمان
نوزده ساله بود و سن جد اعلی میر سید محمد باصر بود بالا شصت سال یا هفتاد

درجۂ صلاح و زکی باشد لذت دنیا را شائق بہر و یکی نیست بہر فرستادن لائق
کشتی عمرمن رسید بگرداب تباہی اینہاحہ دانند داب شاہی سیفر میو وندبعد
انہمہ عذر از جانب بادشاہ رد دوبارہ رسیدبطلب فرمان شاہی بدین مضمون
اگرچہ درجواب تحریر ساختند بایجاب عہدہ وزارت جواب صاف نکردنیسیم آن ہمت
ستاوہ تا دشوم روبرحق تعالی وعدہ خلاف از کسے فرزندان خود رافرستند تقصیر
معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو پسر کردند استفسار از طلب شاہ نامدار پسرکلانے
میرسید عبدالقادر بخوش حالی سرست زیادہ ذکر شکر ربانی گفتند بادشاہ
مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار رتبہ وزارت ہیچ نیست نزد فقر خاکسار
چون پرسیدند از پسر ثانی از میرسید محمد یسین مقبول ربانی حمد ادری شان
میرسید محمد ایشان را نگر فتند درکتاب وگفتند میخواہی کہ فرزند رتبہ بلند مراتب یابے
بدربادشاہ مجرائی انشاء اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان ست چنانچہ بحضرت باری
جبہ سائی کہ بادشاہ وقت شود روبروی این پسر مجرائی سبحان اللہ آن بزرگان
چنان بودند بیاد حق مشغول کہ داشتند نی پروائی پہلو اغماض کردند از طلب دنیا
بے اعتنائی بارسوم کسے نامدار از جانب سپاہ و شاہ بادشاہ از اینجا کہ نشان
کوے قناعت را بطلب بر کند طبعی عاقبت اندیشی ست کمال کہ روزی خود را
سپردن است بخاک گور زیبا لی لباس ابریشمی حوشتر نامد و خدمت شاہی آخر
چون کمان خم شد شست از قوت و زور اسحق کیسکہ بکیدو قدم نامداتند قوس قزح

وعالیقدر معظم شاه ملقب بهادر شاه که تخت نشین بمقام دهلی شدند بهر
تخت نشینی سلطنت در پیش آمد منازعت واقع شد جنگ و جدال آنها هزیمت
یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاهزاده معظم ملقب بهادر شاه بانجام
بحال در آنوقت بهادر شاه از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
بنام آنحضرت بهر وزارت طلب نمود بادشاه ابوالناصر آنحضرت میر سید محمد ناصر
جناب اقدس و اعلی تکریم فرمان شاهی نمودند نهادند بر سر و بر پشت فرمان
تحریر نمودند عذر بعبارت بهتر اول این بیت نوشتند مقوله حضرت سعدی
علیه الرحمة عفو فرمایند تقصیر بدین تحریر ـ اگر طالبی کاین زمین طی کنی *
نخست اسپ باز آمدن پی کنی * غریب نواز عالی جاه دین پناه هرگاه لائق
خدمت شاهی نماند بسبب رسیدن سن کبیر چون هوش و حواس بیجا نماند که
کار و بیجا آداب شاهی بتوفیر مینولید کرمی دارم چون میشود گرسنه میخوراند گاهی
میشوم من برهنه میپوشاند باقی نماند باین ضعیفی خبرے حرص و هوس الحمد
باقیست و بس این عذر کرده خلعت شاهی منصب وزارت واپس دادند
هرچند امراء ترغیبا للنصیحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت بیجا نمی آری
بدله خود یکے از فرزندان خود را بفرستی ایمعنی نیز پسند خاطر نیافتاد فرمودند
فقیر دارد دو پسر یکے اهل جذب مست شوند و دیگرے از طریق خدمت شاهی
بیخبر دومی مصروف بیاد الهی بعمر جوانی مشغول مشاهده ذات ربانی کی بود

شجرہ سوم شجرہ اصل

بذکر دختر سوم بی بی علیمہ کہ از میر سید ارشد ابن میر سید عبد الشکور
شدند کتخدا و دو دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

ثمرہ چہارم شجرہ اصل

در ذکر دختر چہارم میر سید محمد باصر نام بود بی بی واحدہ کہ خدا شدند از شیخ وحید الدین ابن شیخ محمد سعید الدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند از بطن این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکے بود بی بی زاہدہ بنت بی بی واحدہ از شاہ نور علی ابن شاہ محمد ولی کورجوی شدند کہ خدا شدند کہ دو دختر با ایشان یکے بی بی واصلہ زوجہ شاہ وحید الاسلام دومی بی بی ناظمہ زوجہ شاہ تاج الدین نوآبادی مذکورہ بالا حال دختر ثانی کہ خدائی در یافت نشد نام پسران شیخ وحید الدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاہ جھکوری نام پسر دوم شیخ غلام حمید عرف میاں گھسیٹا کہ مستثنیٰ بود در اقران تیز جنگی در زور مثل کشتی زنے پہلوان نقل مینمایند کہ دو منی توپ شاہی را بیک بر تاب از دست باز و انداختند درین بارہ ہیچ تامل نساختند روزی یکے ار برادران براہ کورجی رسیدند بر اسپ سوار از زین فرود آمدند بملاقات شد چشم دوچار اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشہب نہادہ تا دیر نمودند کلام حجۃ تقریر

عرصه فلکی طی نماید ضرورست که اشهب اندیشه دنیا را آخر پی کردن پیش آمد سیفر خود
هرگاه زوجه آنحضرت در دانا پور روبروی آنحضرت کردند انتقال که دوام بحجاب ناگفتنی
ماندند بسر و رحال فرزندان خود را بر بر دامن جد مادری ایشان گذاشته بجای اتفاق
آبائی شهر پٹنه اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در انجاست
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بمحله کهجور کمره کهجوری گلی بعد چند سال اولاد دختر را
کدخدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بذات احدیت وصال

ثمره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد ناصر را بودند دختر کلانے بی بی صحبتی بتوکل خدا عمر
بسر کردند در حجله عزلت خانه نشینی از انجا که عارفه کامله بودند ذی شعور بودند از عمر خود
پاے معذور که خدائی پسندنا مرد ریاد الہی بسر شد عمر بمشغولی حق که بحجره وردی
بودند مستحق بالاتر از صد سال شد که نمودند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلان تر
مزار آنها متصل بمزار درگاه است

ثمره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیدا بود نام آنمخدومه که کدخدا شده بودند در بنی اعمام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلو ابن میر سید بدر الدین سبب
فرزند وجود آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد و ثمره حجاب شیر و اعقاب
ایشان نماند

در سنه یکهزار و نود و هفت گردیده بود بتاریخ پنجم شهر ربیع الاول عمر شریف ببالا از
سال هفتاد و پنج یا شش رسید عمر سیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد ازان
بشش سال گردید انتقال پدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشده
بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشغال بیعت و تربیت و تعلیم باطنی
شد از جد مادری حضرت میر سید مجاهد رضوی بر گاه رسید سن شریف بمحمول
سی سال بفرمان جد مادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دولتی
دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نورآباد
آن عصمت مآب عارفه کامله بودند باوجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
مشغول بذکر حق ذات خدا از بطن آن بی بی سید المجذوبین شاه محمد سعید
دو پسر و یک دختر آمدند بوجود اولاد و اهل کمال نیز اهل کمال ثمره شجره الثانی
سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریقه عالیه چشتیه
نصیریه بود حصول از والد ماجد خود و شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
از بی بی حلیمه دختر بی بی ابدال نبسه حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
کس نشد در موضع مقام کانپور رفته کردند انتقال بالا بعمر چهل سال در انجا

	بودند مریدان آنجناب	

ثمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته اختر بی بی اتقیا مدعو بی بی جهو جلو
که در خدا شدند از میر سید محمد حسن ابن میر سید وجیه الدین سید بولن رودی الفضل

قصد رفتن کردند بر اسپ شد خرام آن اسپ از کمزور شد رفتن نتوانست بگشت
بر پست او زوند فوراً شد رهوار بدین طور قصه شهزوری هست بسیار شادی در
اقران اخوان شده بود اولا نشد الا الشیخ غلام حیدر پسر دوم نیز بودند تنومند
صاحب قوت و قتوت اگر پدر و برادر یک جانب شدند جانب دیگر هزار کافی
بودند این تنومندی از عنایات الیست الا علم ظاهر نمید اشتند هر دو
برادر دیگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بود منشی تقی الصد بودند شاعر

ذی فنون بهر امور مدبری ماند

ثمرهٔ پنجم شجر اصل نخل اولے

در بیان حالات پسر کلان میر سید عبد القادر ابن حضرت میر سید محمد باقر
آنجناب سرمست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در عالم
فاقه چندروز هم نمی خوردند ایام ولادت احباب بسال یکهزار و هشتاد هجری تا عمر
چهل سال ماندی حیات در پایه ثبات از تزوجی هیچ نبود سر و کار به شوری
بود مستانه وار در دانا پور زیر درخت سپستان ست مزار پائین قبر آنجناب

اهلوزش و زش نمانید

ثمرهٔ ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد یسین خلف ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استماع است از حضرت جد امجد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد یسین قدس سره

حواس وہوش تا چہاردہ سال ماند درحیات کیفیت جذبہ بود طاری کشف وکرامات
آنجناب اکثر بشہوریست لطور پشین گوئی وبعد سہ سال جدادری آنحضرت نیز
کردند انتقال ویرانگی خانہ شد بصورت نوعدگر برادر دوم میر سید نصیر الدین را
نبود ہیچ دختر وپسر ازانجا کہ باخود با زن وشو بودند تند مزاج بصورت بدمزاجی
ناموافقت بوقوع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزا خان بیگ نواب
مرشدآباد را بودند یکے از ارکین وبودند آنحضرت را افضل المریدین ومسترشدین
روزے عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت ہیچ واقع میشود بسیار خوب
درانجا طلب فرمائید اہل وعیال حضرت عالی تبار چونکہ مزاج تند بود آمدہ برسر
جلال فرمودند ہمہ ہا کردند انتقال کہ اسما سم طلب درینحال شدہ بودند سکوت
واقعی امر بردل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند درینجوا فرمودند
ہمچنین ارادہ دارم جاے تجویز نمایند مرزا خان بیگ فرستادند پیام بجانہ
قاضی زادگان کہ از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گھگرہ چنانچہ
قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب ونسب مادری اینہا
از انصار قرابت یکی از مریدان واثق الاعتقاد بودند دختر خود را دادن بخوشوقت
کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد ونکاح نام آن زوجہ مسماۃ ماہ بی بی بود
دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت اللہ ابن قاضی
سلامت اللہ ابن قاضی محمد ملیح ابن شیخ محمد سمیع ابن شیخ محمد فصیح ابن شیخ

بوجود آمدند پسران چهار بر یکی عالی تبار یکی ازان کلانے میر سید مظفر علی والد ماجد حضرت سید شاه یحیی علی دومی سید غضنفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند سومی سید حسن علی چهارمی سید قطب علی از دو پسران اولاد شده و هنوز موجود فرزندان شان

ثمره سوم از اصل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلانی حضرت شاه محمد یسین

واضح باد پسر کلانے از سید السالکین سید المخدومین حضرت سید شاه محمد یسین بودند از سر حقیقت و معرفت آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان در سنه یکهزار سی و چهار در دامن فیض اساس پدری و مادری پرورش یافتند تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بیعت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر خال خود از بی بی باصره دختر میر سید محمد ثانی از بطن آن زوجه دو دختران تولد شدند ذریت ایشان هنوز باقیست کیفیت این بتصریح بالا مذکور شد از زوجه ثانی سه اولاد یک دختر و دو پسر آنجناب معلی القاب رابطه امرا اراکین سلاطین داشتند بسیار مریدان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقه مرشد آباد بودند مریدان بسیار هرگاه والده ماجده آنجناب مخدومه زمان بی بی دولت جهان بعمر چهل سالگی بعارضه لاحقه دفعتًا کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پیدا شد کمال حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمة الحق در گوش برفت ظاهری

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید المخدومین سہ چہار ماہ خبر این دادہ بودند آنحضرت
بطور پیشین گوئی الحمد للہ والمنہ ہر برادر بودند آفتاب و ماہتاب ذوی اقتدار رضا صاحب
اقبال یکے جد امجد دومی جد مادری این خاکسار از ہر دو فرزندان شدند دانشمند
و ہوشیار ذوی اسرار و دختر بی بی سعیدہ جوان شدہ بکہ خدائی شد از میر راحت علی
این سید حسن رضا و از سید محمد رضا این سید عاشق علی کاکوی الآن اولاد رفتند

از شیالم و ذکر فرزندان فرزند ثانی بعد ذکر اولاد حضرت خواہد شد

شجرہ اولی اصل النحل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الواصلین
سید شاہ غلام حسین قدس سرہ ابن جعفر سید شاہ ولی اللہ

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام گلشن نگر سجانہ جد مادری شد بسال یکہزار و یکصد
شصت و ہشت دہم شہر محرم الحرام این روز شد نام آنحضرت سید غلام حسین
و والد ماجد آنحضرت از ظہور آنحضرت شدند کمال مسرور گرچہ از محل اولی بودند دختران
ذوی شعور بیغز مودند چون سن فقیر از چہار سال چند ماہ گذشت بتقریب مکتب
جمع نمودند اقران و اخوان وقت مکتب ہر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت
مکتب ہمیرہ حضور رست در پیش تشریف در انجا بر ند آغاز بسم اللہ از و نمایند
الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم اللہ الرحمن الرحیم چون خواندم
فرمودند بگو رب یسر و تمم و بالخیر تعمیل آنھم نمودہ قدرے شیرینی از آن در دہن
این فقیر نہادند و نیز بدہن شریف دادند والد ماجد عرض نمودند پیش ازین گویانیم

کرسی یافتم آسانی تحریر شود این بزرگوار اہل معاش زمیندار بودند کاشتکار المحصول
در نجابت آن بزرگوار ہیچ شکے و شبہ نیست از صورت و سیرت اشکار گرفته سعید بن
چه اعتبار بعد چند سال از بطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بو جی بی بی سعیده
بعد دو سال شان بسال یکہزار و یکصد و شصت و ہشت شہر محرم الحرام تباریخ دہم
تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جدا مادری بدیا
شرقی در دانا پور آمده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت
جد الامجد سه سال عمر داشتند حسب طلب برادر آنجناب سواری کشتی آورده حضرت
مع اہل و عیال بسوی وطن در روز نگان کشتی در قصبه نوآباد و شد فرود آمدند
از کشتی بہر ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان آل محل اولی زنده بودند
باستماع شدند پریشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین وآن ناقص
العقلان را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و تکرار الا نزد عقلا نیست
ہیچ حجت چه شرقی نمی ماند بشرقی دیار احمد شد مصاہرت ما یان واقع شد
بخانه فقرا که نجابت و شرافت بہترین و متصدین را واقع شد مصاہرت در
اہل الشرافت کمترین بہر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
بخانه فرود آمدند کرده از دریا عبور حضرت سید المخدومین سید شاه محمد یسین دیده
فرزند پور کمال شدند مسرور از آن روز خانه ویرانه کردند آباد و دوستان شاد و دشمنان
بباد و بسال یکہزار و یکصد ہفتاد و دو آخر ذی حجه جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین

نہادہ کہ لغزش می شود و یک دندان بر آورد ند و فرمود این را بگیر پادشاہ
بہر خزائن تحفہ فقیر سیفر مودند شش ماہ شدہ بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
ذوالجلال کرت لنگیر ثانی کردند انتقال شہید شدند از دست افغان سوزی بجمال
بزمیر والیشان خاجہا پدر پادشاہی مقرر شد و پادشاہ عالم شاہ در آن زمان
بسفر بودند شرقی دیار انجوار نقل میکنند در قصبہ سہسرام بودند کہ بر سر ایشان
چتر شاہی جنبانیدند از انجا رسیدہ در حضرت بہار رسیدہ آستانہ مزار نمودند
ملاقات مشایخان انجوار روزے خبر رسید کہ پادشاہ با فوج وارکین می آیند
بہر ملاقات حضرت سید شاہ محمد یسین در قصبہ دانا پور حضرت سید شاہ ولی اللہ
قدس سرہ قریب مزار والد ماجد زیر درخت کنند فرو شطرنجی گسترانیدند و بہر جوت
ما حضر را سدند چون پادشاہ شاہ عالم رسید بشاہراہ قریب مزار رسیدند
دائرہ حضرت سید شاہ محمد یسین کدام جاست عرض ساختند دائرہ و نیست
شکستہ وفی ہست و کہنہ مسجد و این ہست مزار فرود آمدہ بوسہ مزار دادہ فاتحہ
خواندند پرسیدند کسی از فرزندان آنحضرت ہستند موجود بپایہ التماس سانیدند ہر دو
برادر بصفت ہر یکی کلانی آنحضرت ہستند ثانی ہست اینفقیر بغلگیر شدند و شد
مصافحہ از ہر دو نشستند میفرمودند عمر من در انوقت ہفت سالہ بود و برادرم
شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمود
بہر حرز و کیفیت کردند بیان کہ آنرا در سر پیچ دستار نہادہ بہر تعویذ داشتند حا

فرمودپیش درس ست ترقی ذہن ودوام پس معنی بسم الله وتمہ بالخیر
میفرمودند بدولت آن حافظہ وذہن شد حصول وزبان خود برآورده جنبانیدند
ہرچند کہ حضرت ظاہر تحصیل چندان نبود الا مقدور کرا کہ از آنحضرت بحث و
تقریر نمود در تراویح حفاظ را لقمہ میدادند حالانکہ ناظره خوان بودند میفرمودند ہم
دختران محل اولی راکہ ذکر خدا در شرفا اقران کہ مذکور بالا شد و فرمان بادشاہی
بطور التمغہ مدد معاش مال پور وغیره کرده حصول آن محل اولی حوالہ کردند کہ صرف رکفاف
خود سازند از این شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاہی برادران خصوصہ
رش اندران شریک نصفا نصف نمایند بحق محنت وقرابت محبت بدالطور شد
تعمیل بعده در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفتہ حصول ملاقات کرده کہ
زمان سلطنت پراگنده شده بود چند فرامین دہیات یکجا کرده فرمان آورده
وپیش نظر پدر بزرگوار دست بستہ گذرانیده ہرگاه معائنہ نمودند فرمودند ای ولی
درین فرمان ضاد ضاد نوشتہ است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چہ معنی دارد
ای پدر بزرگوار فرمودند حاکم وقت آخر فریق دیگر خواہد شد این معافی بار انضبط
خواہد کرد درین کلمہ گفتہ از دست خود کردند آن فرمان چاک چراکہ اہل جذب بودند
مستانہ بیباک فرمودند ای ولی مشو ملول روزی بر آستانہ تو برسید بادشاه
دین پناه بطلب این فقیر بخواہد بود مرا ہست وقت آخیر کریم نسا و دعوت
کنی و ہر چہ دہد بگیری را در نمی پذیری تا فرزندان تو اہل دنیا نشوند و دست مبارک بر دندان

بقبض و دخل در مد معافی موجود وقت در ضبطی هم واگذاشت شده و صرف
فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کتر صرف دیگر و دیگر میفرمودند
بعد رفتن بادشاه بسوی دهلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پراگندگی کار مطلب
از صوبه وقت اجرا نمایند در انوقت قاسم علیخان بود صوبه شهر پٹنه عظیم آباد
و دبدبه صولت او بسیار بود روزے بهر اجراء فرمان حاضر دربار صوبه شدند
در انوقت نواب قاسم علیخان صوبه شهر پٹنه عظیم آباد بودند بسبب نواب
جعفر علیخان مالک هر سه صوبه پٹنه و اودلیه و صوبه بنگ بودند از
طرف شان نواب قاسم علی خان نائب که داماد شان بودند ربط و رابطه
از هر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض بیگی داخل دربار شدند
مغلیان و افغانان تیغ برهنه رو برو درباری بودند گذر کسے میشد بدشواری تمام
چنین بود در انجا اهتمام میفرمودند دران زمان نواب قاسم علیخان از حضرت
و انگریز روگردان بودند بعده بدربار شاهی بحضور عالی گهر شاه عالم بادشاه
رفته معذرت کرده بحال بر صوبه پٹنه ماندند و خطاب عالی جاه یافتند بعد چندے
از بادشاه روگردان شدند بآمیزش کامگار خان تسلط بر ملک یافته صدائے
مطابق آیه الیوم لمن الملک لله الواحد القهار بر داشتند میفرمودند نواب
قاسم علیخان اول والد ماجد مرا نشناختند چون السلام علیک کرده
نشنید نواب را نشه عهده جلیل این جرات بتکلفے ناپسند پرسید نام حیثیت

با حضرے کردند انعم کردند قبول و مرا دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
این فقیرزاده است فوراً از دست خود مرا گرفته بر زانو خود نشاندند و پرسیدند
نام شما چیست گفتم غلام حسین ازین کلمه شدند مسرور لاریب جمله سیادت
اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه میخوانی گفتم پندنامه سعدی
کریما فرمودند بشنیکه یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال ؎ تواضع ز
گردن فرازان نکوست ٭ گدا گر تواضع کند خوی اوست ٭ باستماع این
مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مدد معاش فرمان بصیغه التمغه شد تحریر
و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نانجوین
و تره چولائی دال کهساری نخود آمیز و سرکه اچار پیل و اچار اول درست کرده
و تیل خوردند آفرینها کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ام
لذیذ طعام طلیس هرگز بدین طور نخورده ایم بیا بیا التماس رسانیدند طعام
چیست طرفه طعام از قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تکلفانه انتخاب هرگز نخواهد یافت
بعده طلب شدند قانون گویان و چودهریان منصب دار و مواثیق فرمان
شد اگرچه بادشاه وقت در مدمعاش بطور ایمه و ستار درگاه انتخاب کرد
در پرگنه پهلواری میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
خاکسار چنانچه زمین معاش ار بودے خالی پیمایش پانصد وسی و هشت بیگه هست

میفرمودند والد من حمد کرده شد بعد خانه نشین از گردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
آنقهار رسید چنان و چنین این بی باکی را سبب آن بود که میر و خسرو داماد
چند روز بصیغه طالب علمی بودند تلمیذ جد امجد من آخر کار بر هم شد نواب قاسم علیخان
از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط انگریزان نواب قاسم علیخان برگرد
خود پشیمان شده بذریعه اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت نمود
بالحاح وزارت و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
که خیمه گاه او بمقام بکسر ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پا که
بالا از سی کروه بود در انجا میرفتند بر روز دیگر تشریف می آوردند چنین بود
طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند بخواب حضرت والد ماجد خود سید
شاه محمد یسین را و چنین ارشاد نمودند ای ولی تو او را مغضوب گفتی
حالا مغضوب شد من الله پس چرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بعقب میزنی
آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین باز بگردیدند از ملاقات آخر کشتی عمر او
و حکومت شد غریق کدام راهبر گرد و مددی طریق میفرمودند بعد برهمی
تسلط نواب قاسم علیخان از مرشد آباد خود نواب جعفر علیخان آمدند
بکمال دبدبه و صولت در عظیم آباد چوبدار فرستاده جناب والد ماجد را
کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
جعفر علیخان شنید منغص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جاری

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سورهٔ یسین ازجا برخاست
و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عروج
من نه یادگرفته امروز چه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
بئس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرا بدین عروج گاهی
سرفراز ساختی ازنعم تو بگذشتی و نیز این فقیر وارد عیال بسبب آن از لطف
فقیر بگذشته بدربار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند دیده بگفت
نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی ازین بگو
گیدی
درعلاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد
من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند برجسته ای قاسم علی ترا چه شد
استکبار پیدا کردی استکبار صورت او باد است که بادشاه وقت که سایه چهل
اولیا برسر دارد او را گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان
شه شاهان آنست که ازو خطاب عالی جاه یافتی و ازو روتبه یافتی مرا چه
خواهی داد آنچه که دهی درزیران پرستاران خود دهی این کلمه بیباکانه
گفته ازانجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند چه نشینم مرا کافی است
سورهٔ یسین حکم بجوبداران نمود بگیر بگیر و درباریان متحیر شدند بر جرات
کلام فقیر بعد لمحه ازانجا از چشم خلائق شدند پنهان که گیرد و کرا گیرد و فورا
از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد و نواب چشم نم شده کشید آه سرد

سنت جماعت چنان وچنین چه سبب است برای بهبود بهترین فرمود نواب
معلی القاب درجواب که آنصاحب درزمان طالب العلمی بنجانه این عمدة الشاکین
وسیادت بهترین مرا بود جاگیر حالا مرا نیز میل هست شوقش که برای این صاحبزاده
تجویز نمایم عهده جلیل یا منصب وجاگیر میفرمودند از التفات نواب مرحوم چنین
عیشند معلوم که صوبه عظیم آباد تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخر چنین نوبت
نما فتا و بعد دو سال والد ماجد من در اینجا فوت نمود انتقال نمود مقصود بهر دنیا بهبود
حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و ملال میرزا خان بیگ
که یکی از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمایند مزار الا گفتم مرا صرامت او را
که نعش ببرم بوطن دفن نمایم درجوار جد بزرگوار آخر بصلاح بهر شش ماه
نعش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آمدم و از آنجا پور صندوق ساخته
بهر آوردن نعش پاک بسواری کشتی رفتم در اینجا رسیده از زمین تفویض نعش
بر آورده باحتیاط در صندوق کرده از آنجا آوردم درجوار جد امجد دفن نمودم
از آنوقت باز قصد مرشدآباد نمودم میفرمودند در مرشدآباد وقت انتقال
از حضرت والد ماجد عرض کردم که بادشاه بهر کفاف معاش میداد بسیار حضور
قناعت کردند بر اختصار فرمودند اینقدر بهر من و برادر کافی ست عرض کردم
من که دو برادر خواهم ماند چه نخواهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
افزایش جمعبندی آن نیز خواهد شد الحمد لله در زمان والد ماجد من محاصل پانصد

بعد تصحیح و بازو رخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علیخان
عازم مرشدآباد شده آمدند بهر ملاقات بفرحبخانه در دانا پور و در روز دعوت خورده
بسواری بجره از راه دریا عازم شدند سوی مرشدآباد و فرمودند جناب شما همصاحب
بسبب تنهائی پریشانم بهر دلبستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت صواب است
بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بر بازو روپیه بنام امام ضامن علیه السلام بسته
میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثنا راه نواب مرا بسیار نواختند
در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن مشایخانه از نواب بهادر آموخته ام یک
روز بدست خاص دستار بندی نمودند آخر بعد یکماه والد ماجد من تاب مفارقت
نیاورده خود رسیدند بمرشدآباد و مکانی خالی کرده شد قریب تر در آنجا همراه ولد
ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام میرسید و هر روز
وقت دربار همراه والد ماجد خود میرفتم والد ماجد من بجای بهتر من می نشستند و مرا نواب
از دست گرفته در کنار میگرفتند تا دیر بر زانو نشسته می ماندم و کلمه کلام میکردند
خبرهای پرسیدند بدین منوال حاضر هم میشد در دربار عمر من در آن زمان ده سال
میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رفتم در آنوقت حضرت والد ماجدم
نبودند موافق معمول بودم در کنار نواب عالی تبار بعده بر زانو نشسته در آنوقت
کسی از مقربین از نواب صاحب پرسیدند که مذهب معلی القاب معلوم شیعه مذاق
و از سنیان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند مشایخین

شاد و آباد اند که آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
عالیه چشتیه خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتم بطریقه عالیه ابو العلائیه
چند حاضر ماندم بدستور و معمول می‌نماید در کیفیت ذکر و اشغال مشغول دو سه سال
چون گذشت که حضرت نمودند بسال یکهزار و یکصد و هشتاد و پنج هجری سیزدهم شهر رجب
انتقال مرا پیدا شد حزن ملال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساختند
که مجاز فرمایند باین فرزند هست پسر یکی از مشائخین بجواب فرمودند اجازت
بعد از بیعت ایشان همان روز و دوام کافی ست ان اجازت مرا زبانی است
به از تحریر خلافت و مثال چند کسان نا فهم می‌نمایند درین قبیل و قال ازین فقیر
حقیر چرا که مرا تربیت بیعت از جد امجد پیر دستگیر است حصول بعد چند سال که سن
مبارک حضرت جد الامجد رسید به بیست و سه سال ثانی شادی شد در عظیم آباد
از دختر حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف ابن حافظ محمد یوسف که نسب
آنجناب بالا نوشته‌ام بانساب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن لودیجوا
آمده در عظیم آباد در خانه شیخ قریشی نسب شادی کردند و دو دختران پیدا شدند یکی
جده من ثانی خواهر خورد جده من که از شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله میر شهر
کتخدا شده بود از بطن آن بی بی اولاد شد الا شیخ صاحب ازو و شادی از یکی
دو پسران از یکی دختر که شد دو پسر نامی می‌فرمودند بعد شادی من عم
می‌پرسید نصیر الدین احمد بجانب مغرب که مریدان ایشان بودند بسیار در مقام

بیگم چیزے زائد پانصد روپیه سالانه می آمد بزمانه من هردو برادران را هزار
هرگاه و پدر و اعمام شما پیدا شدند درباره شان گشت یکهزار و پانصد شد مینوبیه
اینفقیر حقیر در زمانه مایان جمعبندی سالیانه شد دو هزار شکر خدا بحال بالا
حالا از نیم هست جمع بالا اگر فرزندانم را قناعت برین گزینند بخوبی گذرد
اوقات مشایخانه و اگر خواهند که هر دو که امارت نشینند مال قارون نیز نکند کفایت
درین زمانه میفرمودند عمرے سیزده ساله بود که وفات یافتند پدر بزرگوارم ب
چهل و شش سال یکهزار و یکصد و هشتاد هجری بعد دو سال در تحصیل علم ضروری
چون فرصت یافتم عم بزرگوارم زنده بود کسے فرزند بصلاح والده ماجده قصد
شادی نمودند و نیز همره من شادی همشیره گردید میر مراد علی ابن میر حسن رضا
ولد میر محمد رضا یک دختر شد خواهرم را نام شد حمیده دختر سعیده در زمان
طفلی آن دختر بمرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در موضع گور نوا
از دختر میر یوسف علی عرف میر سوهن ابن میر یوسف علی گردید نام زوجه بود
بی بی عصمت النسا از بطن آن بی بی یک فرزند نرینه شد موسوم غلام حسنین بعمر یک
ساله بود مع مادر خود در عارضه چیچک هردو وفات یافتند باز قصد تاهل نساختم عمر من
شانزده ساله بود حب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چنانچه
اتفاق بیعت از والد ماجد نشده بود شمر دنیا ضی حضرت قطب العالم شاه
محمد منعم قدس سره باستماع در آمد برادر اعظم المکرم حضرت شاه قطب الدین عرف

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرد ماند بعارضهٔ قصه شد آخر کار
تمام دو دختر مسماة سکرن از میر عباس علی ابن میر دوست علی کدخدا شد ذی اولاد
شد و هرگاه در اینجا سکونت کردند برادرم شیخ کرم علی در اینجا جد شما تفویض نمود
باو شان کار دیهات را انتظام بخوبی بکردند انجام و حرم شان نیز کار خانه داری
من سیده سپرد بود باو خانه داری اهتمام دیده باشی هرگاه ذکر آمد حضرت
صوفی محمد دایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز می‌نویسید یعنی حضرت صوفی محمد دایم
ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید و مسترشد بودند صوفی
امانت الله رحمة الله علیه طریقه شان قادریه و سهروردیه مجددیه بود و بعد ازان
باجازت شان آمدند بشهر پٹنه بهر استفاده باطنیه طریقه ابوالعلائیه بحضور حضرت
قطب العالم شاه محمد منعم قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند آنحضرت را
دو پسر و یک دختر زوجه صوفی شاه روشن علی که مرید و مسترشد و خلیفه و داماد
بودند و نام پسر کلان صوفی احمد الله سلمه پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد انتقال
صوفی شاه روشن علی زیب سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
با یام حج شریک بودند با اقربان کسی اولاد نشده بود و پسر اوسط نام صوفی
قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند در
ایام جوانی همعمر این خاکسار بودند بسیار موانست از بس بود و نسبت رابطه سلسله

کانپور کردند انتقال برادرم سید شاه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجاے
پسر والده من شادی آن برادر نیز روبرو سے کردید بعده کردند انتقال استماع
از زبانی جده ماجده که نام جد مادری من بود شیخ محمد ابن شیخ احمد ابن شیخ
عبد الصمد ابن شیخ امجد اقامت داشتند در شهر پٹنه بطور کاشتکار ونام جده
مادری من بود مسماة سلطان بی بی بنت شیخ امانعلی ابن شیخ سلطان علی
ابن شیخ رضا نعلی در این شهر بودند از تجار در هر دو مصاهرت واقع شده نام
مادرین بود آمنه بی بی ونام هر دو ماموں من بود شیخ عاشور علی و شیخ مهر علی
این نوجوان فوت شدند لا کلانے ماموں مرا دیده باشی شیخ عاشور علی کبر سن
شده بودند در اینجا کردند انتقال بعارضه اسهال ونام خالاے من بود فاطمه
بی بی از شیخ محمد منیر انصاری بودند کتخدا شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد هاشم
وصوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم هر دو برادر غمزاد بودند ساکن شهر ڈهاکه
پسر محمد منیر شیخ کرم علی برادر خالاتی من بهر ملاقات ما یان بسواری کشتی
از انجا مع اهل وعیال در ینجا می آمدند جاے کشتی رسید در تباهی زوجه و
پسر ایشان شدند در دریا غریق بجهت از انجا تن تنها در اینجا رسید برائے
معوبت وآفت بعد ملاقات در ینجا ماندند خواستم که در شهر تا شادی شان
نمایم قبول نکردند آخر کنیز مستولیه را نکاح کرده در خدمت شان وادم از ودو
پسر ویک دختر شدند یکے را نام بود عبد و در منیر از دختر شیخ عابد علی کدخدا شد

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت ہر دو بود از دیگر فرزندان وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سرفراز در وقت رحلت پدر بزرگوار خود دہ سالہ بودم منولید سہزنا واتگاسا ترتیب مزار جانب شمال احاطہ مقبرہ مزار ہست حضرت میر سید جہانگیر قدس سرہ و زوجہ شان بعدہم پہلوی جانب مغرب مزار ہست پسر شان حضرت میر سید حامد قدس سرہ و جانب جنوب پائین شان پختہ مزار حضرت سید شاہ میر سید محمد یسین قدس سرہ نواسہ شان و در پہلوے زوجہ شان بی بی دولت جہان اہل مزار اند این ہر سہ عوام نیاز و فاتحہ مینمایند خصوصًا وقت انجام شادی و در پہلوی حضرت میر سید محی مزار ہست والد جد من حضرت سید شاہ ولی اللہ در پہلوی جانب مغرب قبر والدہ جد الامجد من ہست و جانب مغرب پہلوی شان مزار ہست والد من حضرت سید شاہ سلطان احمد و در پہلوے آن قبر ہست والدہ این خاکسار بعدہ مزار ہست حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعدہ جدہ، جدہ من بعدہ خالای من زوجہ عم الاوسط بعدہ قبر عم الاوسط زان بعد قبر عم الخرم سید شاہ مراد علی در پہلوے شان زوجہ انجناب اند بعدہ ہمین بسیار دو خواہران من و دیگر عزیزان این سہزنا واقفان تحریر نمود دیگر غرض از نمایش تحریر نشود

ثمرہ اول شجر اولی اصل اول خاتمہ در احوال عم کلانے سید شاہ وحید الدین احمد

در رابطه قرابت بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیدیم بسوی وطن رفتند
خلعت دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه الله بودند بعد انتقال برادر
کلان نیز سجاده نشین شدند و همراه ادای حج نیز رفته بودند از حضرت جد امجد مکاتبات
اکثر بود پسر ایشان صوفی ولی الله واضح باد خواهر جده این خاکسار بی بی
است الرسول زوجه شیخ برکت الله ابن شیخ اهل الله تا زمان حیات شوهر خود
بر عظیم آباد مقیم ماندند و ام بعد از ان بوقت رخصت عزیزان در انا پور اقامت گزین
شدند چنانچه قبر ایشان و والده جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در دانا پور
الا والده ایشان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت الله قادری بودند
در قصبه پهلواری مدفون اند نواسگان شیخ برکت الله شاه محمد قاسم پدر
شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد و احیاء یک دختر ایشان از بطن دختر شاه
محمد عاصم که جدا شدند اینها سجاده نشین مولانا نگر بودند المعاش و دو پسر
شیخ برکت الله شیخ سلامت الله زوجه ایشان خالای مولوی اکرم الحق و
مولوی وعظ الحق بودند اولاد نماند و پسر دوم را نام شیخ امان الله بود
زوجه ایشان نیز بود نسبا زاده رفتند هر دو از ین جهان از انجا که سلسله قرابت
بود بدین تصریح نگاشت باید دانست حضرت جد امجد من فرزندان فرزند خود
دیده کرده بعمر هشتاد و شش سالگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بست یکم
شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و جد امجد من بعد سیزده سال سبحان

عطای بسیار صنعت داشتند سه پسر ایشان و یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک
پسر منشی سید ولایت حسین بطور ایشان سررشته دار کورٹ اپیل بودند
در جلسه مشهور جاکنس صاحب بهادر وزیر او شاد بودند مقرب و ممتاز زرفقا بر دند
بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عهده به پسر شان بحال داشت تا حیات
با وج جلیله ماندند پسر کلانی منشی محمد شاه سید ولاور علی و ثانی سید اعظم علی
هر دو داماد عم خود بی بی کریم النسا زوجه کلانی و بی بی ولی النسا زوجه برادر
ثانی هر دو ذی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمده بیگم دختر منشی محمد شاه شش
دختران میر ولایت حسین مرحوم کدخدا درین دیار از شرفا چهار و دو دختر در
اکبرآباد از هر دو برادر اعیانی کدخدا از قاضی باقر علی مسماة وصلا و از حکیم
وارث علی مسماة صدگرا و کلان مسماة فهیما در موضع کرالی پسرای و مسماة فضلا
از میر فرحت حسین و مسماة مجیبا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصبه
چهره و یک دختر را نام معلوم نیست در ضلع علیگڈه کول در خانه شرفا کدخدا :
یک پسر نام سید اصغر حسین شادی اول از دختر سید میر خجان در اکبرآباد
شد ثانی بعد وفات زوجه اول از دختر اخلیا عمزاد شاه محمد سجاد و شد
از هر دو اولاد داشتند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
و پسر حکیم وارث علی نظام علی خان صدر وکیل با منصب هنوز آنها موجود اند

واضح باد فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند ولادت
ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
بر فرزند تحصیل علم ظاهر و بیعت بطریقه عالیه قادریه از مولانا شاه ظهور الحق
قادری نمودند بعمر دوازده سالگی در علم قریب فراغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
بطریقه عالیه ابوالعلائیه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
بود و نوبت خلافت رسید صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی بحو
بعهده جلیله حاکم وقت بودند سررشته دار در شهر اله آباد تا مدت ده سال آخر ترک
روزگار نمودند و بعمر سیزده سالگی شادی شد از بی بی مسماة امین النسا دختر
منشی سید محمد حسین ابن منشی سید محمد علی الله تعالی بخشید اولاد چهار پسر
و چهار دختر سه پسر بطفولیت مردند و دختران از خواهرزاده و برادرزادگان کدخدا
شدند وذی اولاد در پسر چهارم سید عنایت الله انچه که از زوجه عم کلان نسب
دریافت شد اصل نسب بالا در ینجا نوشته چرا که تحریر بصحت نسب مصاهرت است
میر سید عالم علی زیدی نسب ساکن باره بودند پسر شان سید احمد علی پسر ایشان
سید احمد علی از وطن مفارقت کرده بهر حصول مد معاش روانه دیار شرقیه
شدند خلاصه شهر بنگاله بمقام سوالکهه در انجا سکونت کردند اختیار رها شد
جلیله صورت روزگار پسر ایشان منشی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
از استاد حاکمان وقت دو پسر ایشان کلانی منشی سید محمد شاه با وجود حسب ظاهر

شدند ذی اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الله از خواهر خورد این فقیر
کدخدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد و بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر
و دختر اند و کیفیت اولاد برادر خورد آینده بتصریح خواهد نگاشت

ثمره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النسا زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمهٔ آنحضرت مسماة حفیظ النسا که از برادر کلان خورد بودند
و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الله ابن مولوی امین الله
حضرت شاه طیب الله نواسه شاه سیف الله مؤردی بودند ذکر نسب بالا
تحریر شد بحصول این بی بی در زمانه خود رابعه بودند و عبادت الهی و سلیقه
و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دانا پور بجوار پدر بزرگوار ماندند خانه نوساخته
بسبب کثرت اهل و عیال الله تعالی پنج پسر و چهار دختر بخشید بعمر چهل سالگی
روبرو والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشتند فرزند کلانی سید
شاه محمد قاسم تربیت علم ظاهر از خال الاعظم یافتند ذی استعداد و منشی
بینظیر بودند و اکثر نوکری جلیله پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت
سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره بطریقه عالیه نقشبندیه و تربیت باطن
از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد
و بیعت از هر دو جا از ابتدا تا انتهای تربیت و تعلیم فیوض باطنی بیان ان

دو دختر میر فرحت حسین مسماة سراج النسا و دو پسر میر مظفر حسین و امیر حسین
و نظیر حسین و پسر غشی دلاور علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر صالح علی
کدخدا و میر اعظم علی را دو پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آینده معلوم نیست
حالا ذکر اولاد عم الاعظم مینمایم که کدخدائی شد واضح باد دختر کلانی مسماة
بخشا النسا زوجه اولی اخی الاعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از بطن این
زوجه شدند هر دو رحلت کردند بصغر سنی بعد ازان مادر شان فوت شدند
دختر ثانی عم کلانی مسماة عبید النسا زوجه سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
فرید الدین ایشان را از بطن این بی بی یک دختر شد جمیله نام بعمر بیست سالگی
شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن است بعد وفات مادر هم در اولاد نماند و دختر سوم
عم کلانی را نام بی بی ام البتول عرف بتول از برادر سید هدایت حسین شدند
کدخدا یک دختر شد نام نظیر النسا کدخدا شده از سید ارشاد حسین ابن
امیر حسین ابن امام ابن سید شاه وارث علی بهاری ذی اولاد شده بی اولاد رحلت
ازین عالم و نام پسران برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
دختر نیز شد هر دو فوت شدند از پسر دوم سید عالیم الدین از دختر میر محمد حسین
ابن میر علی سجاد پهلواروی کدخداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
ایشان و دختر چهارم عم کلانی نام تاج بی بی و اسم اصل عرف رسولا
از برادر کلانی اعیانی این خاکسار کدخدا یعنی از سید شاه علی حسین کدخدا

اہلکمالان بودند نسبت عالیہ مادہ جذب در آخر عمر در جذب الٰہی بودند صاحب
کلمۃ الحق افسوس زندگی وفا نکرد سی و چہار سالگی رحلت کردند بسیار مریدان
مسترشدان ایشان می شدند بسال یکہزار و دو صد و پنجاہ و سہ ہجری وفات
یافتند ثمرۂ سوم پسر ثانی عم این فقیر سید شاہ محمد واجد ابن شاہ تراب الحق
رحمۃ اللہ علیہ کہ مرحوم ذی فنون و پرہیزبودند و استعداد فارسی بود بسیار
و تربیت و تعلیم معنوی بطریقہ ابو العلائیہ ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بود و فکر رسا معنی خیز طبیعت بود صاحب
وارادہ درد و حال صاحب اثر و تاثیر کہ بر حاضرین اثر مینمود و در شعر و سخن نیک
خوش مذاق بودند و پیشہ تجارت کردند با آنہمہ غفلت از کار خود نبود وقت اخیر
بیعت از حضرت شاہ مظفر حسین ابن و خلیفہ حضرت حکیم شاہ فرحت اللہ
قدس اللہ اسرارہم کردند و اجازت پیر و مریدی از خال کلان نیز یافتند مرید
و مسترشد ایشان نیز بودند بعمر شصت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال یکہزار
و دو صد و ہشتاد و چہار ولادت ایشان بسال یکہزار و دو صد بست و چہار ہجری
بماہ ذی قعدہ از این حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان را
این حقیر شادی ایشان بعلاقہ بہار در اکبران شد بموضع نور پور از مسماۃ
تحفۃ النسا دختر شیخ بہادر علی دو دختر و یک پسر از بطن این زوجہ شدند
ذی اولاد اند نام پسر خورشتی سید محمد وزیر کہ در فارسی حسیت دارد بے نظیر

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند در وطن آمده زیب سجاده شدند بارشاد
مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار بعمر شصت
و پنج سالگی کردند انتقال بسال یک هزار و دو صد هشتاد و یک هجری بروز
پنجشنبه مزار واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی منیری
قدس سره شادی اول که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر و پسر
هر دو کردند انتقال اولاد نماند شادی ثانی از مسماة امیر النسا دختر میر جعفر و
ست در بهار محله باره دری از ایشان نیز شدند دو پسر و یک دختر بصغرسنی
وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی نماند بجز فرزندان
برادران و فرزندان معنوی اگرچه اوستاد این فقیر بودند الا درک صحبت خیر
مرا حصول شد باوجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
مرید این فقیر حقیر اند سبحان الله عجیب مراتبات با برکات بودند
شمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد
عزت اسوان از سید مرتضی علی ابن میران علی ابن میر اشرف علی ساکن
رهوی کدخدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصغرسنی مردند
بیعت ایشان از زوج همه خود از شاه فخر الدین حسین بطریقه عالیه
چشتیه مودودیه بود الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقه عالیه ابو العلائیه از
جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره یافتند بطریقه یکی از

قدس سره بفضله ذی اولاد و دختران و پسران دارند دختران در اقران کدخدا
اند بعضے ذی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد جلیل الله تعالے خوشنود
دارد و دختر دوم شاه محمد واجد علیه الرحمه از همزوجت زاده ایشان سید فضیلت حسین
ابن سید شاه تصدق حسین کدخدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت
کرد و فرزند یتیم است الله تعالی عمر طبیعی کشد و ذی علم نماند باقی از محل ثانیه دو
دختران اند یکے کدخدا از شاه واجد حسین همشیرای ذی اولاد نام پسر ایشان
محمد رضا ثانی دختر جاے کدخدا و نام شاه محمد واجد محمد امین بیعت از والد خود
نموده است ذی اولاد ست بنام محمد معین و مبین و متین خیر باد ثمره
چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم
از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده بکمال صلاحیت طبع بودند گویا عارف بالله
کار دنیا کسے نکردند خوشنویس بودند بعمر هفتده سالگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت
وانس پیدا شتند همدرد وشیر

ثمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد حاجی الحرمین

ام و آبا را نور العین و واضح باد شاه محمد سجاد ذی ارشاد ابن عمه خاکسار مونس
و همدرد و همعمر این فقیر حقیر اند از خورد سالی در تحصیل علم هم سبق چندی اوقات
بسر در نوکری حاکم وقت نموده همراه اخی کلانے بیعت ایشان را نیز از حضرت
قطب المشایخین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره تربیت و تعلیم

وشاعر ہست متخلص عطا تربیت باطنہ یافت از عم خود حضرت سید شاہ
مبارک حسین قدس سرہ ابن حضرت قطب العصر حضرت سید شاہ قمر الدین حسین
قدس سرہ و بیعت ایشان از حضرت عم کلان شاہ محمد قاسم قدس سرہ
اوقات بروزگار حاکم وقت چندی بسر کردند حالا در تجارت مشغول اند کدخدائی
ایشان از خواہرزادی ام یعنی از دختر سید شاہ امیر الصمد ابن میر فقیر اللہ
از مسماۃ است الصغری اولاد پسران شدند حالا سہ پسر اند موجود کلان پسر
مولوی محمد کبیر کہ در عربیت و فارسی و کسب نوکری حکام زمانہ در انگریزی
نیز فوقیت دارد و بہر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
جد کلانی ممدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاہ محمد سجاد حاجی الحرمین
الحمد للہ در کسب بطون نیز دارد و کمال در شاعری بے عدیل کدخدائی از دختر
خالاتی مسماۃ وجیہ النسا دختر سید مخدوم بخش ابن میر شجاعت علی مرحوم
وی اولاد ہست یک پسر و دو دختر موجود اند پسر ثانی شاہ محمد وزیر محمد ظہیر
حصول بیعت ایشان نیز از جد اصغر است کدخدائی نیز شد پسری نیز ہست
موسوم محمد یحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
دختر کلانی ممدوح اجاد مسماۃ بخت النسا کدخدا از سید ابو البرکات معروف
بشاہ برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاہ علیم الدین
بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاہ مبارک حسین

ثمرہ ششم

در ذکر دختر ثانی عمہ این فقیر مسماۃ بی بی کلثوم کہ از میر غوث علی شدند کہ خدا
بیعت دارند از خال الاعظم خود خواہر عزیزہ صاحب عفت و عصمت از بطن
این بی بی دو پسر شدند یکی عمر دراز کہ خدا شد عمر دراز نماند ثانی پسر مرید پسر شاہ
نظیر حسن سلمہ موجود است بپایہ ثبات و تعلیم و ذی شعور در علم عربیت
بے نظیر و عبارت فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار در طبیعت دار و صلاحیت بیعت
و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات اخی سید شاہ محمد سجاد سجادہ نشین
ارشاد کہ خدائی شد از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد است

ثمرہ شجرہ فرع ثالث اصل اولی در حالات حضرت سید شاہ فرید الدین احمد
رحمۃ اللہ علیہ مرید و خلیفہ و ابن حضرت سید الواصلین سید شاہ
غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان بتصحیح

باید دانست ولادت حضرت عم الاوسط عمدۃ المشائخین سید شاہ فرید الدین احمد
در سال یکہزار و دو صد و دو ہجری بماہ رمضان بدین وجہ رمضان علی نام شد
مدعو شاہ رمضو بودند بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقہ عالیہ قادریہ
و تربیت معنوی بطریقہ ابوالعلائیہ از جا بجا از بزرگان این سلسلہ نیز
حیثیت عربی و فارسی بود کمال الانجذاب خدمت تدریس وا ندوند و نبا بر
ارشاد نشستند خبرگیری معاش مقبوضہ دائمی نمودند شادی این حضرت

معنوی از حضرت قطب العصر شیخ قمر الدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
از حضرت اخی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز شریف
بروند حج نمودند و زیارت حرمین شریفین ذات با برکات اند و در فن شاعری
دارند کمال در اردو و فارسی ساجد تخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار
و مریدان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه نبیرگان مرشدزادهٔ ایشان بیعت کرده
و تربیت یافتند خوش اوقات اند بقید شرع صاحب وجد و حال پر پایه کمال اند
شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النساء عو براتن دختر میر محمد عاصم
برادر عمه زاد ایشان معروف به تفصله اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بملک بقا دختر
پسر الا موجود اند چهار دختر همه کتخدا اند یکی از سید صفت حسین که بیوه است
اولاد ندارد دیگر از سید عبد الحکیم ذی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سوی
کدخدا از حکیم امیر اکبر ذی اولاد چارمی از محمد غزال ذی اولاد ست بعضے را
بیعت و ارشاد است بعضے را فقط ارشاد الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاه اکبر
... ند حسین عمو ام اکبر اباد شد ذی لیاقت اند و حسبیت ظاهری بفارسی خوب دارند
شاعر نامے تخلیص بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
شادی ایشان از مسماة نعیما دختر سید ولایت حسین گردیده است ذی ولد
... دختر اند موجود بسیار طبع ذکاء فهم رسا اند و شغل کتاب بینی بسیار
و مجاز اند از هر اعمام به نسبت تربیت و ارادت و صحبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حاصل

یک دختر کدخدا شده رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
و دو دختر مع شوہران خود اند موجود و پسر کلانے نیز اند موجود مسمی رجب علی عمل
مقصود الله تعالی انہمہ را بخشد صورت بہبود توفیق عبادت بجود سید شاه
ہدایت حسین ولد ثانی حضرت سید شاه فرید الدین احمد علم ظاہری موافق ضرورت
داشتند و ہمیشہ بصیغہ مختاری حاضری دربار داشتند الا منکسر طبیعت و ذی جوہر
کہ بہنر خود ہیچ ندا شتند اتفاق بیعت ایشان نشد الا تربیت یافتہ بطریق معنوی
از خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بطریقہ عالیہ
ابوالعلائیہ بود کدخدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانے گردید از مسماۃ امت الجلیل
دو پسر و یک دختر متولد شد ند دختر از ہمہ کلانی ذی اولاد شده مع اولاد وفات
یافت الا پسران موجود کدخدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلواری کدخدا چند
دختران الا یک پسر مسمی ابو سعید رحیم الدین مسترشد و مرید جناب اخی المعظم
سید شاه علی حسین ہست و سید نصیر الدین را کدخدائی در قصبہ منیر شد یک دختر شد
ہمرد و زوجہ نیز شادی ثانی نیز نمود انہم فوت شد و ستگرفتہ ایشان فقیر است و ثانی
مرید عم کلانے خود ثمره برادرم برگزیده دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت
عم الاوسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاہری دارند محتاج تحریر از کسے
نیستند کہ روبرو آرند بیعت ایشان را از جناب حضرت سید شاه خواجہ ابوالبرکات

از دختر کلانِ عمِ خود کردند از مسماة فصیح النسا بنت حضرت سید شاه
شمس الدین حسین قدس سره ذی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
رحلت کردند بعمر پنجاه و شش سال سر سال یکهزار و دو صد و پنجاه و نه ماه شهر محرم الحرام
پانزدهم تاریخ بود از اولاد سه پسر ماندند و دو دختران قضا کردند یکے مخدومه
نام نام پسر کلانِ سید شاه فدا حسین بیعت ایشان را از جد بزرگوار خود
بطریقه عالیه چشتیه و تربیت باطنه از اخی الاعظم شاه محمد قاسم علیه الرحمة بعد
والد خود جانشین شدند قبولیت نهایت پر سلیقه بودند و خلیق و مسافر پرور
نام آوری کردند خاندان همه روسار شهر و دیگر از اخلاق بودند شهرهٔ آفاق
با وجودیکه از تحصیل علم ظاهر بودند معرا سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
ربیع الاول در سن یکهزار و دو صد و سی هجری بعمر شصت و سه سال
کردند انتقال بسال یکهزار و دو صد و هشتاد و پنج هجری مرقد ایشان در
قصبه منیر هم پهلوی اخی کلانِ وفات شهر رمضان شریف تاریخ
پانزدهم حصه ترکه خود بوارثان صلبی به سهم شرعی دادند و دو برادر زاده خود را نیز
تعلیم و تربیت نموده از وارثان گردانیده بهر که حصه دادند سوای آنکه برادر
خورد بودند موجود نداوند لیسے همه وارثان ترکه را خورد و نوش نمودند با وجودیکه
موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانِ شده بود یک پسر و دختر
متولد شد بایام صغر سنی فوت شدند مذکور العبد الا ارحم سه پسر و سه دختر

همیشه بود شغل جلیله روزگار حکام بودند بسیار راضی و خوشنود و گاهی خانه نشین
شده کردند شغل کتاب گانی کردند تجارت الغرض باشند گاهی کسے از آن دوستان
محتاج و عالی همت و ذی مروت صاحب جود و کرم و سخاوت همیشه ماندند و بجا
و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از مسماة قادره بیگم مدعو الفت النسا
بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره الغرض
اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر پسر اوسط سید علی حسن سه ساله وفات یافت
روبروی مادر و پسر و جد و جده الا دو دختر و دو پسر ماندند بعد رحلت والدین بسال
یکهزار و دو صد و چهل و دو هجری بعمر سی و شش سالگی مسموم شده کردند انتقال ششم
شهر ذیحجه روز دوشنبه روبروی والدین خود همه اعزیزان و بزرگان محزون
و غمگین شدند پسر اول دختر کلانے آنحضرت مسماة ولایت النسا کدخدا شدند از
سید امیر الله بن سید فقیر الله بودند صاحب عفت و حیا بیعت ایشان را طریقه
عالیه نقشبندیه از خسر خود حضرت سید شاه غلام حسن شهیدی بود و تربیت باطنی
نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذی مراقبه و
مشغول بذکر الهی با وجود اعیه الله تعالی اولاد بخشیده سه دختر و سه پسر یک پسر
در صغر سنی بمرد الا کلانے کدخدا شده نوجوان ذی اولاد شد نام بود وجیه الله
مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف ابوالحسن نوجوان هردو وفات یافتند
الا دختران ذی اولاد شد کلانی دختر مسماة زهره از سید مخدوم بخش ابن سید

قدس سره و تربیت معنویه از حضرت پیر مرشد سید شاه قمر الدین حسین
قدس سره بطریقه عالیه ابو العلائیه و مجاز نیز از اخی کلانی اند شادی اولی ایشان
از مسماة مخدومه دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود بعمر لعب بودند این فقیر حقیر
چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشد شادی ثانی از دختر میر ماهم بخش رئیس شهر
هنوز زانده زوجه موجود الا از اولاد نیز اند بیمقصود

ثمره چهارم شجره فرع سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد سید السالکین حضرت میر سید سلطان احمد پسر سوم حضرت سید ابو الاصلین سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک هزار و دو صد و شش هجری
بماه شعبان المعظم روز چهار شنبه تاریخ دوازدهم این حضرت در فرزندان والد
اجمل و اکمل و ذی اقبال بوده اند خوبصورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان
تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه که بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل
ظاهری حسبیت افزون تنومند چون پهلوان صاحب قوت و زور بیعت آنحضرت
بود بطریقه عالیه قادریه از حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی
که یکی از خلفاء اکملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره بود
و تربیت معنوی بطریقه ابو العلائیه منعمیه و خلافت از آنحضرت بود در نوجوانی صاحب
ارشاد شدند مریدان بسیار و حسب خواهش که بسعی بازوی خود اوقات

بسال یکہزار و دو صد و بست شش ہجری دہم شہر ذی قعدہ روز یکشنبہ وقت
ز خلت والد ماجد جوان شانزدہ سالہ بودند تحصیل علم ظاہر کتاب درسی فارسی از
ہر یکی اہتمام خود نمودند در روزمرہ فارسی درست ہست بعبارت مربوط نوکری
چند بار نزد حکام زمانہ کردہ اند کدخدائی ایشان از دختر خورد عم کلانے گردید از سماء
است السول عرت رسولا از بطن این بی بی بعد چند سال شادی او اولاد
دو دختر و یک پسر در اوائل تربیت و تعلیم طریقہ ابو العلائیہ از حضرت خال الاعظم
جناب حضرت سید شاہ قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
تعلیمہ میپرداختند چون از انجا کشود و فایدہ مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
بیعت بطریقہ نقشبندیہ ابو العلائیہ بشہر الہ آباد رفتہ از جناب حضرت قطب العاشقین
مظہر کرامات حضرت سید شاہ خواجہ ابو البرکات قدس سرہ ساختند بعدہ
در صحبت بابرکت حاضر شدہ جنابحضرت شیخ المحققین حکیم شاہ مظہر حسین
قدس سرہ جانشین و خلف الرشید حضرت واصل باللہ حضرت شاہ
فرحت اللہ قدس سرہ مخاطب بہ حس دوست فیض طریقہ مذکور گرفتند
بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرارات باطنہ ماذون بخلافت شدند و نیز خلافت
از جناب حضرت عمدۃ العارفین سید شاہ خواجہ ابو الحسین قدس سرہ
ابن و خلف الرشید حضرت قطب العاشقین ماذون ما جازت اخذ بیعت بطریق نقشبندیہ
گردیدند بفضلہ از ہر دو جا نعمات یافتہ سجادہ ارشاد و ترشد ابند رشتہ پیری بمریدان

شجاعت علی ساکن سامن کدخدا یک پسر و دو دختر یکے دختر زوجه محمد کبیر دوم
زوجه سید تفضل امام و نام پسر سید ظهور الحسن کدخدا از دختر برادرم حکیم
سید محمد کاظم یک دختر ست موسوم عطیه فاطمه و ثانی شادی نیز در اوان
خورد نمود و دختر ثانی امة الصغرا زوجه بخشی محمد وزیر ابن سید شاه محمد واحد
مذکور الصدر ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم مسماة ولی النسا کدخدا از سید کمال الدین
نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین حسین
وفات کردند یکی دختر کدخدا از سید حامد رسول نبیره میر علی سجاد پهلواری فرزند
دامود و دمی هنوز ناکدخدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعور یست آن بچه
و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز ناکتخدا اند الا بشغل تحصیل علم و روزگار اند دختر
ثانی حضرت میر سید سلطان احمد مسماة شمس النسا که در عمر ازین فقیر الحروف
خورد بود بیعت بطریقه عالیه قادریه نمود از حضرت جد امجد سید الواصلین و
مشغولی باطنه بودند کدخدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت الله یک دختر
شده بود سه ساله بمیرد نام بود قمر النسا بعده کسے اولاد نشد بعمر پنجاه و شصت
سال رحلت نمود شل عارفه زمانه بود کر تسبیح الحق بیست و دوم شهر ربیع الثانی شب جمعه
بسال یکهزار و دو صد و نود و پنج هجری رحلت کردند تدفین هم پهلوی خواهر کلانی خود
پسر کلانے حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اخی کلانی این فانی جناب
معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

الا با وصاف حمیدہ از ہمہ برادران مکرم بہ نسبت جوہر ذاتی وصفاتی سبحان اللہ
ولادت آنحضرت بسال یکہزار و دو صد و نود و ہجری ماہ سوال المکرم تاریخ
یازدہم روز پنجشنبہ واقع از بیان حضرت پیر دستگیر جد امجد قدس سرہ کی
کمالیت در علم عربی و فارسی و نظم و نثر بود بسیار و در حکمت حکیم صادق صاحب
دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم رو و رقم نخفی و جلی و ہر خط تحریر
می نمودند بیعت حضرت را بطریقہ عالیہ نقشبندیہ ابو العلائیہ از جناب حضرت
قطب العاشقین سید شاہ خواجہ ابو البرکات قدس سرہ و نیز اجازت
و خلافت یافتند از آنحضرت ماندند در صحبت تربیت آلاکشو فیض باطن طریقہ
مذکور از جناب اخی الاعظم خود حضرت سید قمر الدین حسین قدس سرہ کہ استفادہ
و ہم نعت نیز بودند اخی عمزاد و تلمیذی بخوش رقمی از اخی عمزاد خوشنویس سید محمد جلیل
برادر جلیل بعد تحصیل ظاہری و باطنہ بمطب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
غلام نبی خان بودند و استاد حاکم وقت و نیز عہدہ کوتوال نمودند بعمر بست
سہ سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسا بنت سید شاہ ولی احمد بلخی
علیہ الرحمہ گردید اولاد شدند و پسر و چند دختران پسر خورد مسمی سید اشرف حسین
بصغر سنی رحلت نمود و نیز چند دختران الا یک دختر کلانی مسماۃ مریم النسا کہ خدا
شدند از سید شاہ مبارک حسین قدس سرہ از بطن این عفیفہ شدند و دو دختران
وفات شدند بہ کم سنی بعد از ان انہم رحلت کردند و فرزند ارجمند رتبہ بلند را نام

رسیدند اکثر یاران فیضیاب اند از نعمت سنیہ گنجینہ ایشان چنانچہ خلف الرشید ایشان را بیعت و تربیت از ایشان ست و نیز غیرہ برادر خالائی مرید و مسترشد بعد ارتحال اخی سید شاہ فدا حسین علیہ الرحمۃ بمنصب تولیت آمدنی دیہات نشستند با نتظام سرداری و زمینداری از عرصہ سہ سال بعارضہ مجبور اند لعدہ تعالیٰ صحت بخشد یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمہ سہ سالہ درگذشت ثانی یک پسر موجود بنام سید رکن الدین حسین کہ از دختر عم سید شاہ کاظم حسین کدخدائی گردید ذی اولاد است ولدست موجود بنام زین الدین حسین طال اللہ عمرہٗ دو فرزند کلانی و ثانی درگذشتند و دختر ثانی اخی اعانی بی بی ظہور فاطمہ دعوا مجد النسا از صاحبزادہ خود جناب حضرت سید شاہ مبارک حسین قدس سرہٗ کدخدا است یعنی از سید شاہ رضی الدین حسین ذی اولاد اند بعد فوت دختر ولدی موجود است اللہ تعالیٰ شرفی عمر کناد حالا سن شریف اخی کلانی از ہفتاد بالا الا ہنوز باین حالت بشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کمترین ایشان ست

این حقیر مسکین عطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمہ تحریر خواہد ساخت

ثمرہ پنجم شجرہ بست فرع سوم اصل اولی در ذکر محامد حضرت سید شاہ مراد علی فرزند چہارم حضرت سید الواصلین سید شاہ غلام حسین قدس سرہ مع ذکر اولاد

باید دانست اگرچہ میر سید جمال الدین احمد عرف سید شاہ مراد علی اند فرزند چہارم

هجری هفتم شهر رجب المرجب بعمر پنجاه و یک جناب عم المحترم اوستادی مولائی
حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال مزارست درجوار والد ماجد خود
عالی تبار بایا میکه سفر حج بود این خاکسار بسال یکهزار و دو صد و شصت
هجری الله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
ایشان را ترا ید عمر بخشد که بالفعل زیب سجادگی جد امجد نیز خود اند اگرچه جای
ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جد مادری درینجا موقع بود چونکه ذکر مصاهرت
آنحضرت است ماقبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالمنان قدس سره نمایم

مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین خال الاعظم و پیر دستگیر حضرت سید شاه عبدالمنان قادری مع ذکر اولاد ایشان

واضح باد ذکر نسب آبا و اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
سید شاه عبدالمنان قادری بالا نوشته است درین کتاب به نسبت دوم باب
اولی ذکر فرزندان حضرت محبوب سبحانی غوث الاعظم محی الدین سید عبدالقادر
جیلانی رحمة الله علیه الا بیان کیفیت که یک کرسی نسب حضور شد تا معلوم گردد
بنا معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
حضرت سیدی سیف الدین عبدالوهاب ابن حضرت غوث الثقلین از
ملتان تشریف آورده در شهر دهلی بزمان سلطنت بادشاه عالمگیر خانقاه خود
بیرون دهلی دروازه شاه جهان آباد یعنی در دهلی قدیم بپا ساختند و بادشاه

سید کاظم حسین سلمہ کہ در تحصیل کتاب عربی و فارسی از جملہ اخوان دارند
تفوقیت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند
دست شفا هست و هر یکے عزیزان در کتب درسی نیز شاگرد اند حصول بیعت
ایشان بطریقہ عالیہ چشتیہ از جد امجد حضرت سید ابو اصالین سید
شاہ غلام حسین قدس سرہ و سینہ از نعمت باطنہ نیز خالی نیست
اگرچہ ارشاد ظاہری از کسی جا نیست کدخدائی ایشان از دختر خال خورد
سید شاہ حسن احمد ابن سید شاہ ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی
مسماۃ فرید النسا از بطن این عفیفہ چند اولاد شد و سہ پسر و یک دختر
بکم عمری رحلت کردند حالا دو دختر و یک فرزند موجود کدخدا اند دختر کلانے
منسوب از سید ظہور الحسن ابن سید مخدوم بخش ثانی منسوب از سید رکن الدین حسین
مسماۃ امۃ النسا ذی اولاد ہر دو آنند مذکور الصدر الا پسر کہ نام سید
عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاہری
عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
دیگر بہ حیثیت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است
بفرزندی این فقیر مقبول است اللہ تعالی ترقی نماید و توفیق حسن تدبیری
دہد زاید کدخدائی از دختر خالہ این گردیده است ہنوز اولاد نیست اللہ تعالی
عطا فرماید و طور آبا و اجداد بخشد و بخشد عمر تزاید بسال یکہزار و صد و شصت

دو فرزند ایشان بودند بحضرت سید شاہ عبداللہ بیابانی خلعت ایشان
سید محمد سرفراز ملقب با امتیاز جاے در مدرسہ مخفی حال شہر بودند وضع با
ولادت جناب حضرت سید شاہ مظفر حسین ابن سید احمد کبیر ملتانی درین شہر
دہلی در سال یکہزار و ہفتاد ہجری بسن شعور بیعت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ
قادریہ از والد ماجد خود حصول ساختند وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند
انتقال آنجناب بسال یکہزار و نود و دو ہجری کار رعایۃ آمد فتوحات نذرانہ
روزانہ بیشتر بود از مریدان و معتقدین امرا و سلاطین بسیار کسان بر سفرہ
ہمنوال طعام علاوہ لنگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
بدستور کارخانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا معتقدین بودند شل مریدان یکے ازان
راجہ خیالی رام و پسر شان راجہ سادھورام ببرکت دعا برین حضرت بمطلب
رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بوجود نیامد شبی در عالم خواب مشرف زجمال حضرت
محبوب سبحانی شدند ازانجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا میمانی بر ملال و چہ
داری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواہر خورد را کہ او را شل
دختر سپروردی و میدانی در نصیب او اولاد ہست او را کتخدا کن از یکے فرزند ام
کہ دارد نام محمد سرفراز لاریب ہست با امتیاز ہرگاہ از خواب شدند بیدار
وگشتند ہوشیار شدند در تجسس و تلاش ان نامدار آخر ملاقات شد چند نشان
دریافتند بخانہ آوردند خواہر خورد بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلائق گردید باژدحام در
حصول فیض عام بادشاه وارکین شاهی معتقد گردید این بزرگ را آ باجداد
از بغداد شریف آمده چند پشت درانجا اقامت پذیر شدند در ملتان
یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میران سید شاه علی ابن
سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
حضرت سیف الدین عبدالوهاب خلف الرشید کلانی حضرت غوث الاعظم سید
عبدالقادر جیلانی محبوب سبحانی رضی الله عنه وخلف حضرت سید شمس الدین
قادری سید محمد قادری وابنه سید عبدالقادر ثانی یکبار در دہلی آمده چندے اقامت
کرده باز بسوے ملتان که وطن جدید شد از بزرگان تشریف بردند پسر ایشان
سید عبدالرزاق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
ارشاد قادریه باز تشریف آوردند در دہلی در زمان سلاطین چغتین چند سال
بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شہر شدند مقیم زان بعد تشریف بردند بسوے
ملتان ابنه محمد یحیی ابنه سید داود فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
ملتانی ملقب بسید غیاث الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف
بردند ونیز بمعیت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عبدالعزیز که فرزند
سومی غوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاده نشین بغداد شریف اند
جائے عزلت نشین شدند وسالہا در صحرا وبیابان اوقات بسر نمودند

عرف فرزانہ بیگم و سن شریف حضرت سید شاہ عبد المنان پنجاہ و ہفت
سال بود باید دانست نام والدہ حضرت سید شاہ مظفر حسین بود بی بی
زبیدہ و نام زوجہ آنحضرت بود بی بی فہیما مدعو بی بی صاحبہ و نام والدہ
حضرت سید شاہ عبد المنان بی بی پارسا و نام والدہ حضرت سید محمد مہدی
بود بی بی رسیدا و نام زوجہ آنجناب بی بی سیدا بود آنقدر در بیاض نسب آت
از زبانی مخدوم شنیدہ یادداشت بہر علم عزیزان نگاشت القصہ از بطن
زوجہ آنحضرت اول دختر متولد شدند بنام محمدی بیگم و در دہلی بایام صغر سنی
رحلت یافتند بسال یکہزار و یکصد و ہفتاد و نہ ہجری فرزندی در ینعالم بوجود
آمدند در دہلی موسوم شدند بسید غلام عبد القادر اعزان و مریدان را
از ظہور ایشان مسرت شد کمال ہرگاہ حضرت سید شاہ عبد القادر بعمر چہار سالہ
شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاہ عبد المنان
قدس سرہ بشرقی دیار یعنی شہر عظیم آباد پیش آن گردید کہ یکے از معززین معتقدین
راجہ سادھو رام بحکم بادشاہ وقت تبدیلی منصب ازانجا بدینصوب شد
و علاقجات محال دیہات این جوار بدلہ الجوار عطا شد چون راجہ مذکور آمد
اقامت چند سال درین شہر نمود خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند
عریضہ نوشتند کہ آب و ہوا اینجوار بر سر اعتدال و ارزانی غلہ بنسبت انجا کمال
حضوری سرفراز فرمایند بر تحریر راجہ مذکور حضور تنہا بہر تفریح تشریف آوردند

اوشان داده‌اند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکهزار
و یکصد و بست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
عبد المنان تا حیات خود بعد اخذ بیعت تربیت و تعلیم بطریقه عالیه قادریه
کردند و بجائے فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکهزار و
و هفتاد هجری این حضرت پنجاه سال عمر داشتند بحضور ارکین شهر و معتقدین
و مسترشدین شدند سجاده نشین تبرکه دستور نیازات و اعراس بود بجا آوردند
از ندورات تا سال عمر پنجاه و پنج مجرد بودند که خدائی نموده بودند روزی حین
وضو دست خود بر رو مالیدند و بر زبان آوردند درین سن الله تعالی وعده
اولاد بفرماید کدام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد در آنوقت سید محمد مهدی
ابن سید عسکری که از فرزندان حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف ثانی حضرت
محبوب سبحانی رضی الله عنه بودند و ارکین سلطنت بادشاهی مخاطب بمکاتب العلوم
از مریدان مخصوصین حضرت سید شاه عبد المنان قدس سره بودند دست بسته
عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معامله گذشته است چند دختران
شدند و در سه ساله شده بعارضه واحد فوت شدند حالا این دختر بوده است
ده ساله نیت کرده بودم که بکنیزی حضور و هم در بیعت چنین کلمه ارشاد شد
زهی نصیب که آن رتبه و شرف بر زوجیت حضور یابد آخر از آن حضرت عقد
نکاح واقع شد بزوجیت در آمد نام آن مخدومه بی بی اشرف النسا بود

بی بی لطف النسا این مخدومہ بودند چند ماہ کہ انتقال جناب حضرت شاہ عبدالمنان
قدس سرہ شدہ بود بعمر ہفتاد چیزے بالا بتاریخ چہاردہم شہر ذیقعدہ بسال
یکہزار و یک صد و نودہ و یک ہجری بعمر دوازدہ سالگی بودند حضرت سید شاہ
غلام عبد القادر را اجازت سلاسل خاندان خود در روبرو دادند و فرمودند عالم
صبی ست شما بیعت کسی از مشایخ زمان نخائی بروز چہارم حاضرین معتقدین
ایشان را زیب سجادہ نمودند بعد دو سال بطریقہ عالیہ قادریہ بیعت حصول
ساختند از جنابحضرت مولانا حسن رضا قدس سرہ کہ جانشین و مرید
و خلیفہ حضرت قطب العالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ بودند ازان بعد
از ایشان سلسلہ بیعت اجرا شد و خواہر کلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید
محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
و خواہر متوسط را بزوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند کہ ایشان
از شرفا و روسای این شہر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
بصغر سنی وفات یافت بعدہ والدہ شان و از بطن خواہر کلانے یک دختر متولد
شدند اول مسماۃ امیر النسا عرف امانی بیگم ذی اولاد شدند و یک پسر متولد
شدہ بود مسمی غلام رسول آنہم بعد رحلت والدہ بگذشت ازین عالم راحہ
مذکور بہر صرف خانقاہ معین کردہ از سرکار صاحبان و خیابان دو روپیہ روزینہ
و لودہا گاؤن و چند دیہات ہمہ برباد شد دیہات کہ خدائی امامی بیگم از میر سخاوت علی

چندے استقامت کردہ بعرص راجه مذکور از شهر دهلی متعلقان خود را مع اهل
وعیال و مریدان باکمال طلب داشتند وقت تشریف آوری بیگم صاحبه اکثر مریدان
ومعتقدین این خاندان آمدند همراه یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت علی
از فرقه کمبوه و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن
و مریدان مهتمم کار خاص میر درگاهی و میر جمعیت علی عرف میر چنگا وغیره مع
پرستاران بجمعیت درینجا آمدند راجه مذکور هر یکے حسب لیاقت بنواخت
که بعد برهمی کاروبار هم ازین شهر رفتند در اینجا رحلت ساختند سواری زنانی
بگردون رتهه شاهی آمده بود آن زرگاوان بر اسپان فوق داشتند عمر
حضرت سید شاه عبدالقادر چهار سال چند ماه بود در اینجا آمده بعد یکسال
دختر کلانی تولد یافتند از انجا که در شهر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم النسا
نهاده شد از ان بعد عمارت مکان بهر اقامت و خلوت طیار شد باره دری و
خانقاه بهر عرص بزرگان انهمه استماع است از بزرگان و بهر عمارت از زمین
که گل می بر آورند خندق شده بود مشهور گڑهی شاه عبدالمنان خالا از اویدن
جاے حیرت مینماید آن بطور افسانه ماند کجا شد آن کارخانه کا شانه نمی نماید
جائے گر کیفیت ویرانی آرند چون بسال یکهزار و یک صد و هشتاد و سه تولد یافتند
دختر کلانی بعد سه سال تولد شدند دختر ثانی مسماة فهیما النسا و بسال یکهزار
و یک صد و نود و هجری متولد شدند دختر ثالثه یعنی جده مادری این خاکسار

ہیچ نماند بجز روزینه از سرکار انهم تا حیات حضرت جدمادری ماند سند آن نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اول در کیفیت حالات جنابحضرت سید شاه شمس الدین حسین جد مادری این خاکسار تتمه ذکر فرزندان و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین ابن حضرت سید شاه ولی الله جنت آرامگاه ولد حضرت سید المخدومین حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره نسب باقری برادر اعیانی و تانی حضرت جدامجد این فقیر یعنی سید شاه غلام حسین قدس سره ولادت یافتند در سال یکهزار و یکصد و هفتاد و دوم بایکم شهر جمادی الاول بعد انتقال جد ماجد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر انچه که شد بحضرت ایشان از اخی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی مسیح الله خواندند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب بودند خوشنویس بایدوانست آنحضرت بودند جیح کمال پاکیزه صورت جمال فکر و ذهن رسا در علم جفر از انجمله طلب کیمیا هم بود و باشان و شوکت ملاقات راجه های دیار و بادشاه در دهلی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لق شاهانه یافتند آن زمان بادشاه در ملک سلطنت هیچ حکومت نبود باقی که تعداد مواضعات از معافی

ابن میر بہادر علی ساکن شیخپورہ گردید یک دختر متولد عبد النساء جوان شد
تاکتخدا رحلت کردند الا پسر کہ نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
یافتند از جال اعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ و شادی از دختر
سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان ہستند موجود چونکہ حضرت سید شاہ
غلام قادر را از جد مادری سید شاہ شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
کہ ہر دو بزرگ مرید یک مہبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
آنحضرت کردند از خواہر ثالث انجناب مسماۃ لطف النساء کہ ما این از ذریات
ایشان ہستیم و مشہور بود درین شہر این شعر بطور فسانہ سے یکطرف کفر
ایکطرف اسلام ہے بیچ ملتان مرید سادھو رام ہے در صحبت بابرکت آخر اسلام
قبول نمود مومن شد یک رئیس ہنود در سال یکہزار و دو صد و دو تاریخ یازدہم
شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاہ غلام عبد القادر بعمر بست و سہ
سال بعد رحلت والد ماجد یازدہ سال بقید حیات بودہ تعلیم تربیت باطنیہ
بمریدان کردند نام آبا و اجداد روشن نمودند بلند آلا شادی نکردہ بودند بحضور وقت
انتقال چنین کردند مقال کہ فرزندان من عین فرزند خواہر خورد است
والد ماجد نیز ہمین فرمودہ بودند آخر ہمان شد تا حیات آنحضرت و بعد
وفات کارخانہ مشایخی و پیرانہ بکر و فر بود چون جدہ ماجدہ والدہ این فقیر
و نیز جناب جد مادری راہ سخاوت دادہ ثروت از دست بیاد دادند آستانہ

که از والد ماجدم حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند بهره ور از برادران
عمزاد مذکور شد ذکر اولاد دختر خورد که از همه برادر و خواهر بودند خورد مسماة مسیح النسا
فاطمه بیگم که خدا شدند از میر سید نسیم الله ابن سید رحیم الله ولد سید فهیم الله
اهل سکونت دریاپار کشن پور کیشو ضلع ترهت الا بسبب ممانعت خاندانی
گاهی نرفتند بخسر پوره و در خانه داری و آبائی ماندند و رحلت کردند چون در تقدیر
قضا اولاد نشد برادرزاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا حسین را
پرورش کردند مانند پسران خود بسال یکهزار و دوصد و هفتاد و نه هجری رحلت نمودند
و یک پسر سید برکت حسین و دو دختر مسماة قدیر النسا ازین خواهر خورد کلانی و از هر دو
برادر و خواهر خورد سه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی ولد شدند
سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
ولادت شد ایشان یکهزار و دوصد و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل در علم بود
که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی برفاقت
مانند راجه گوالیار بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
شاه خواجه ابو البرکات قدس سره بهر حال در علم موسیقی نیز داشتند
بسیار دخل شادی آنجناب بخانه رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
شد از مسماة حیات النسا یک دختر شد از بطن ابن بی بی مسماة عفو النسا
از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الله تعالی اولاد بخشید

بجز نام شاہی وازحضرت مولانا سید شاہ حسن رضا قدس سرہ کہ خلیفہ
وجانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاہ محمد منعم قدس سرہ کردند
بیعت بطریقہ عالیہ قادریہ کردند حصول وازتربیت وتعلیم باطنہ مستفید گشتہ
مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت اخی کلانی عود والد ماجد حبابل شد بسال
یکہزار و دو صد سہ شہر محرم الحرام آخر یعنی از جناب سماۃ لطف النسا بنت
حضرت سید عبد المنان صاحب قدس سرہ اگر درزمانہ خود بسبب پیری و
ضعیفی ومعذوری پای بہود وجد وحال آلا برخ عانی عیان بود کیفیت
مراقبہ ومشاہدہ حق و ذہی قوت درشہسواری کمالیت داشتند درفن
سپاہگری دخل کمال طلب دنیا چہ اندوخت نبود الا بہر کفاف اہل وعیال
الا مردم سخی حوصلہ بلند داشتند چند سال برفاقت وہمنشینی نواب شجاع الدولہ
ونواب آصف الدولہ تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
شد خانہ نشین بتوکل خدا چون انجام شادی شد بعمر سی سالگی دران سال
آخر در چہاردہم ذی قعدہ بروز عرس حضرت شاہ عبد المنان قدس سرہ تولد
یافتند فرزند کلان نیک رتبہ بلند حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ س
ولادت از لفظ ظہور محمدی برآمد اللہ تعالی سہ پسر وچہار دختر بآنحضرت
عنایت فرمودند دختر کلانی مسماۃ بی بی فصیح النسا کہ از سید شاہ فرید الدین احمد
کدخدا شد بذکر فرزندان ماقبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النسا

فیض نگاہ شاہ دین کرد اثر بمن چنین — گشتم ازان طرب گزین چون نشوم گدا ئے تو

ہستی ای شاہ قمر دین ہست مرا بدل یقین
ہست غلام کمترین فانی خاکپائے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوۃ الکاملین ارشاد السالکین سید شاہ قمر الدین حسین فرزند کلانی جد مادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاہ شمس الدین نواسہ جناب حضرت سید شاہ عبد المنان قادری خواہرزادہ حضرت سید شاہ غلام عبد القادر قادری کہ مفقود بود بوجود این اکمل المحققین بہ پدر و پسر این فرزند عالی گہر ولادت باسعادت آنحضرت بسال یکہزار و دو صد و سہ ہجری ظہور مجدد چہاردہم ذیقعدہ روز دوشنبہ بروز عرس جد مادری خود حضرت سید شاہ عبد المنان قادری لاریب از ظہور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر مثل شمس و قمر سے

جلوہ حق جو بھر نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف	سر بسر تھے وہ لائق تعریف

ستور کردند جانب جد مادری سجادہ براہ حق مستعد و بفیض بخششی خلائق آمادہ معلوم باد آنحضرت در عمر ہفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قرا زبان و تا مدت چہاردہ سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطق صرف نحو کردند تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطفولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
کمال الدین حسین کدخدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و پسر و
دو دختر اند یکے کدخدا و دیگر ناکدخدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهور الدین حسین کدخدا از دختر کلانی این
فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین کدخدا ست از دختر حکیم قربانعلی
در اقران جدی خود یک دختر شده بود بمرد هنوز دیگر فرزند نشد الا دختر بی بی
نعیما النسا کتخدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد مد ظله

شجرهٔ طیبه لا ثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر
سلطان السالکین عمدة العارفین سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
سره معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

فرخنده شو مرا از مدح شناسی تو مرشد پاک مقتدا زنده آل مصطفی	برکت جان من بود سر خوشم بجای تو خلد برین ست جای تو قربت حق فضای تو
مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی سر خدا شنیده ام جلوه پاک دیده ام خاک در ت سگ حضور سیر نمود و دور ور از دو لیت در دلم تا بدرت اگر رسم کرد فراق کو بین هوش نماند جان و تن	چونکه توی خدا نما عاشق شند خدای تو منکه بحق رسیده ام از سبب لای تو فیض چو شد ز من ظهور بود همه عطای تو سرمه چشم خود کنم خاک در سرای تو نعیما شد از زین محن از روی لقای تو

حصول شد یکی شاه عبدالرحمان که بنجرقه بدل طریقه سدا سهاگیه که
می بوند واز حضرت موسی سهاگ کبروبه بشاق ان شغل اشغال وذکر از فیض
معمور گشتند که یاران را وروقت وجد حال طور رقصیه میشود قوی تر نسبت شد بکر وجلی
بعد واز مرزا جان سهروردی بنجرقه بدل ذکر قمری گرفتند وان بدیگر یاران تعلیم
نفر مودند بخیر مرزا الف بیگ مرحوم مغفر مودند انچه که از مرزا صاحب گرفتم بمرزا دادم
علاوه ازین اویسیه بوده بفیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم
شهاب الدین پیر جگجوت قدس سره ونیز فیض روحی حضرت نورالدین
عبدالرحمن جامی وحضرت مخدوم شیخ مصلح الدین سعدی وحضرت امیر خسرو
رحمة الله علیه بدان وسیله در تعفنی بود کمال شده بدین فیضان مالامال
گشتند اهل کمال هر گاه همه فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشد و ترشید
شد جاری خلافت نیز از همه جا شد حصول که در شهر عظیم آباد مشهور و فیضان رسید
وورود در اتفاق بیعت تا انجم نشده بود بعد اخیر در شهر اله آباد در رفته از پیر دستگیر
حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمودند واجازت بیعت نیز یافتند
الا کسی را مرید نساختند بجز تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
بعض بعض را مشرف بخلافت ساختند و در زمره عزیزان خود خلافت بخشیدند
یکی با خی الاعظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه زاد این فقیر و دوم
مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر هرچند بهرا خذ بیعت خلقت تحریر ندید

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذی فنون دخل
در علم موسیقی کمال بر قلب ہویدا سرود وجد و حال اگرچه کتاب حکمت و طب نخواند
الا علاج مریضان با آستانه میگردید بیمار بصحت میرسید درسن بیست و دو
سالگی اول فیضیاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی اخی شدند بعده بخدمت
قدوة المشائخین جناب حضرت اسرار تجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
در تربیت صحبت یکماه چون در آنوقت فائده مترتب نگشت زان بعد حاضر شده
در خدمت با برکت مظهر اسرارات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند در آنجا
بسبب غیبت آنحضرت خانه نشین عزلت گزین گشتند حسب اتفاق تشریف آوری
جناب حضرت واصل بالله حکیم شاه وحدت الله المخاطب حسن دوست
از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چهپره بردند در اقامت شش ماه
در آنجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه بیخودی و استغراق دست داد
و فکر که درین طریقه مشکل جان ست تا آنوقت صورت نه بسته بود حصول گشت
در انعرصه انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسیده از نکات این طریقه و اسرارات
آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد چنان شدند
که اظهر من الشمس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از دو بزرگ

و در دامن جده ماجده و عمه پرورش یافتند زان بعد بعرصه کثیر حسب اتفاق
وقت شادی ثانی کردند قبول از مسماة بی بی بادشاه بیگم دختر خواجه محمد یوسف
رحمة الله علیه احراری از بطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید
سلامت حسین نام شد بعد یک سال بعمر سنی شد ارتحال بعد یک سال والد
ماجده نیز زان نونهال کردند انتقال گویا عمر آنحضرت بحساب بتجردی بگذشت
از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام و نشان قرة العین امان
بسال یکهزار و دو صد و چهل هجری والده ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکهزار
و دو صد و چهل و نه آغاز سال هجری بماه صفر کردند والد ماجده آنحضرت
انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستاوی بلیغ الشعرا مولوی اکبر علی
صاحب بنارسی یادست نوشته می آید که ماند بناظرین

قطعه

قطب عصرم چون ازین عالم گذشت	عالمی معمور شد از شور و شین
هاتفی شوریده دل ارشاد کرد	شد بوا هب شاه شمس الدین حسین

و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو صوری و معنوی حسب حال

قطعه

دوسری تاریخ تھی ماه صفر	جب کیا نانا نے میرے انتقال
روز جمعه اور تھا وقت عصر	باره سو ہجرت پر تھا اونچاس سال

دامنگیر عذرها فرمودند بقول خواجگان پیشین درشیخی نبد نما و ریائی یکشائی بعد
حصول بیعت چند ماه ماندند بقید حیات سبحان فتوح نذرانه از کسی نکردند قبول
و نه اوای عرس بدسه خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند مجالس
بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سد عسان نه ترکه از معاش
پدری گرفتند بوجه معاش سفر مودند من تاب مدارسیم این قماش بخیر توجه کسب
تجارت انهم نه دوکان بازاری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید فروخت شالی وغیره و کیفیت غذای
آنحضرت چه نویسید یکوقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی بی روغن گاهی
بدرقه تبرکاری وغیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بر آن عادی نمی شدند
للجبیر می فرمودند فقیر را هر دو چیز باید چیرها در غذا ها و در لباس لباس پرتکلف
می پوشیدند بطور پادشاهانه که بدانطور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
خوردن طعام رسمیه و عزت و یک وقت معمول بود بدرس تدریس عزیزان
واز نصف روز تا شام و وقت شب یک پاس بیاران در حلقه مراقبه بود تربیت
و تعلیم فرزندان والدین بتجویز بی بسیار واصرار اول شادی در قصبه سهار گرد
بمحله بلخی از مسماة بی بی ریاض النسا دختر خجسته اختر سید شاه ولی محمد
بلخی از بطن آن مخدومه تولد شدند یک فرزند ارجمند رتبه بلند سید شاه
مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود و گذاشتند نونهال

اونکے در کی کیے گدائے جو
جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض
فرحت افزا نہوئے کیونکر دل
اونہیں برکات کی ہون پاتا ہو
شمعی ہی تین ہین کہتے لوگ
وہ نہ آوینگے میری جائے تن

بخشتے اونکو سیم وزر دیکھا
اوسکو مدہوش و بیخبر دیکھا
آپکو جب بچشم تر دیکھا
باعث عشق یہ اثر دیکھا
اونسا منعم نکوئی بشر دیکھا
اسکو ہر بار غور کر دیکھا

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی
غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

ثمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اصل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ مبارک حسین خلف الرسید رتبہ مجید حضرت قطب العصر مع ذکر اولاد امجاد سان

انور بادا غنی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زادہ سید شاہ مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دوصد و سی دو ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذی قعدہ چہاردہم بادہ تاریخ والد آنجناب منظور بدل بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جائے تولد واحد ست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق معقول فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم بذکر و

جب کیا فانی نے اسمین فکر وغور مادہ تاریخ یون لا یا نکال
شمس دنیا دین جب ہوگی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال

الغرض بعد ہفت سال انتقال حضرت صمداری آنحضرت پیر و مرشد نیز یافتند وصال بسال یکہزار دو وصد و پنجاہ وپنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت صبح صادق روز چہارشنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برکندہ از کلام میشمایدرین اوراق ارقام

قطعہ

روز ہجر انست یا شب تاری	شمس یا در لباس ماتم ہست
چرخ میگویدا زسر زاری	قمر دین بنور حق پیوست

توصیف چند انکہ کنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر قلم ظہور محمد سال ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد مے برآید لی اخرت سال رحلت تعمیہ است ار سر حرت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد درجوار حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد منعم عالی تبار فیض آثار از بصیرت نماید بہار

غزل تمام

جلوہ حق جو بچشم نظر دیکھا	عین در صورت قمر دیکھا
مرتبہ فقر و شان شاہی مین	ایسا کوئی نہین بشر دیکھا

شده در عمر بیست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یکهزار و دو صد
و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم دومی سید شاہ
عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت وارند و از بیعت
ایشان نیز اهست از عم الاصغر سید شاہ محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر
عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بدانطریقه ست سومی سید
شاہ شرف الدین حسین این نیز ذی علم اند پر شعور در عربی و فارسی
شان و بیعت ایشان نیز از حضرت عم الاعظم ممدوح شادی این هر دو برادران
کردند بمقام سیوان از دختران شیخ غلام صمدانی شیوخ عثمانی دختر
دومی کردند انتقال فرزندان اند پسر چارمی سید رضی الدین حسن
که در داناپور از دختر سید شاہ علی حسین صاحب کدخدا ست ذی اولاد
بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصغر بارتبه و منزلت برتر حضرت سید
شاہ محمد سجاد اسد تعالی ذریت ایشان را دارد و اباشاد و مبارکباد بحرمة النبی
بقیه ثمره شجره در کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطا حسین

ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد سنه ولادت خاکسار در سال یکهزار و دو صد و سی و دو شهر رمضان
شریف روز پنجشنبه ارقام فرموده تاریخ جناب حضرت جدم ماوری هویدا ست نوشته علیه
طفل نیکو سیر عطا حسین بزمانه سعید گشت ظهور

شغل و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیه نقشبندیه ابو العلائیه
یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت
و جانشینی سجاده از هر دو بزرگوار جد ماجد و والد عالی تبار مزاج منکسر بود
ذو فنون عبارت پسند اخلاق مند بتعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
حسب معمول برادر خال زاد و رضاعی بودند این خاکسار همدرد و همعمر بود
زائد انس موانست بود خوش رقم تحریر عبارت نیز بدرجه معقول و شاعر بے نظیر
شادی اولی روبرو حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمے
سید شاه مراد علی نام ان زوجه بود بی بی مریم دو دختر شدند از ان بی بی
بعد چندی بر سر یافتند وفات زان بعد شادی ثانی از دختر ماموں شان
کردند از مسماة براتن النساء دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
یک دختر از ان زوجه نیز شد هر دو بمردند شادی سوم گردید در خواجه زادگان
از دختر خواجه محمد ذاکر علیه الرحمة اولاد شدند در عالم حیات یکے بعد ممات
بصغر سنی دو فرزند وفات یافتند الا گذاشتند چهار هر یکے ذی علم و هوشیار
یکے سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتخدا شدند بیعت بود
ایشان را از عم الاعظم سید شاه محمد قاسم رحمة الله علیه بطریقه عالیه
ابو العلائیه و تربیت و تعلیم غیر منسوبه الا در اصل اویسیه بودند جد ماجد خود
و زین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اہل کمال حافظ قرآن

خطبہ نیز عید الفطر و عید الضحیٰ و خطبہ ہر جمعہ تا سال تمام قریب پنجاہ و کتاب تصنیفات آن
دوازدہ مجالس مولود آنحضرت سرور کائنات از لفظ تاریخ نبی سن تالیف می برآید
مولود بہار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود حمید و حرز باشد و مولود قادریہ بنام
کرامات غوثیہ و مولود معینہ و انوار قطبیہ لمعات فریدیہ و فیض نظامیہ اسرار نقشبندیہ
و مولود شرفی و مولود علائیہ ہر یکی در احوال ہر بزرگان نامی و چہار ملفوظ بزرگان
و چہار مثنوی سر حق و گنجینہ اولیا و افسانہ دلپذیر و سر عطا یک دیوان فارسی و یک
دیوان اُردو و اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب دقیقۃ السالکین سی جز و کتاب
کیفیت العارفین چہل جز تمام و کتاب دقیقۃ السالکین چہل جز و کتاب
حقیقت العارفین و چہار مولود صدیقیہ و فاروقیہ و عثمانیہ و مولود مرتضویہ و تذکرۃ الشہادتین
و فوائد کبیریہ در معالجات چندان نولید البتہ لائق طبع است از کتب بافوائد
عوام این بیان نمائش حیثیت و استعداد خود نیست از معائنہ دریافت
خواہد شد ؎ فضل حق درکار ہو درکار ہو ٭ کیا بڑی اللہ کی سرکار ہے ٭
القصہ بعمر شانزدہ سالگی بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ خضریہ منعمیہ از جناب
سید شاہ غلام حسین سید الواصلین جد امجد خود نمود و پنج سال
حاضر الخدمت شدہ تربیت و تعلیم بطریقہ ابو العلائیہ از حضرت پیر و مرشد
سید شاہ قمر الدین حسین خال الاعظم او ستاد المحترم گردید از ہر دو جا
بخلافت شرف یافتہ علاوہ ازین فیضان اویسیہ در نسبت و یک سالگی

بست و سه بود از مه رمضان — بود یوم الخمیس وقت فطور
سال تولید صاحب اقبال — چونکه شد گفتنش بدل منظور
شد ندا از ضمیر شمس الدین — بی‌نظیر اولیا دلبود این پور

فرستاده یکی از مشایخین عالی تبار بزرگی از مریدان آنجناب در عقب بایام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر وا وند بعد تولد نام عطاء الصمد
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدین طور فدا حسین و علی حسین آخرکار
عطا حسین شد مشهور سبب تسمیه بلفظ قاضی اینکه قاضی عطاء الصمد
یکی از اجداد وی بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبدالرزاق
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح باد تا هفت سال
عمر بعلالت بگذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از عم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پروریدند از علم بهره اندوز
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی عزیز الدین حیدر گلشن
و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمد مهدی ساکن دسته علاقه حضرت بهار
در عربیت چندان دخل ندارد تا نسخه کافیه خوانده است فضل الهی درکار است و تفسیر
قرآن مجید تا پانزده پاره بکلام عربیت تکلم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره و بعبارات درود
مجیب بطریقه تالیف کرده است و نیز درود چند تالیف است مختصر و مطول و خطبه جمعه قریب ده

دو دختران و دو پسر بصغر سنی رحلت کردند و دختر ثانی اینفقیر حقیر از سید
شاه منیر الدین حسین کدخدا شده بود بیوه است اولاد ندارد واللہ تعالے
آنچه مرا خورسند دارد و زیاده چه برنگارد مریدان تا شهر بمبئی و اینجا درین دیار
بسیار چند ہزار الا اکثر روبروے این فقیر کردند کاتمام باقی بندگان ما نبلغی

تذکره در بیان حالات سیادات رضوی نسب که در موضع انگله اند موجود

واضح باد یکی از بزرگان از شایخان قدیم که از بالا از دو صد سال گذشته باشد
از سیادات مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند سکونت
اختیار ہنوز اولاد شان دران موضع ہستند موجود سابقین بودند مامور بمنصب
قضا و افتا حالا از پیرزاده ملکی اند زمیندار قرابت از انها بمصاهرت را نیز
در شرفا اینجوار و نیز از خاکسار باید دانست نام آن بزرگ بود حضرت
مینا مشهدی رضوی نسب بچند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی رضا
علیه السلام می پیوندد اسامی بزرگان بالا دریافت نشده پسر حضرت
سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف
فرزندان شان سید بڑے ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سه پسر
ایشان یکی سید منور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابنه حکیم
محمد آفاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خورد سید احمد علی ولیوردی
کدخدا شدند لاولد بتیهان رفتند پسر دومی سید محمد صالح سید کریم احمد ابنه

تا هفت سال بر روزگار نا پائدار برفاقت حاکم وقت بسر نمود بعمر بست و دو
سالگی متاهل شد شادی گردید در قصبهٔ بهار از دختر شاه امیر علی صاحب
فردوسی که از اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بعمر بست هشت سالگی
ترک روزگار کرده سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند دیار دیار تا ملک حجاز بهر
زیارت حرمین شریفین مکه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد
پنج سال معاودت نمود الحاصل امسال یکهزار و دو صد شصت و پنج هجری بعمر
سی و سه سالگی درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بتعلیم مریدان و مسترشدان
هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تحریر طول است حالا مع اهل و عیال
اقامت گزین در قصبه شد از سی و سه سال گذشت عمر بخیر بانجام رسید
به شصت و شش مدعا چنانچه بالخیر بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد این فقیر
حقیر یک پسر و دو دختر شدند نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر
خال خود شاه وزیر علی مرحوم کدخدا است دو فرزند او بعمر سنی فوت شدند حالا
یک پسر موجود است سید عطا نظام الدین نوجوان به تحصیل علم
مشغول است و دختر کلانی از سید ظهور الدین حسین کتخدا لیکن لا اولاد است
دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی شان عنایت فاطمه معروف مجید النساء کدخدا شد
از سید مظفر الدین ابن سید وحید الدین بهاری و ثانی خورد سال است و پسر کلانی
شان را نام نور الدین حسین و ثانی را نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

ذی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجاد علی چارمی سید بشارت علی
هر دو لا ولد و پسر اسد علی سید امداد حسین ذی ولد اند کدخدائی ایشان در قصبہ
پھلواری از دختر میر علی سجاد گردید پسر ست بنام احمد حسین و سید امجد علی را
یک پسر و دو دختر دختر کلانی زوجہ شاہ رحیم بخش یک پسرے بہاری شاہ
عبدالکریم نبیرہ وایشان موجود دختر ثانی زوجہ میر مصاحب علی چند دختران و دو
پسر سید الٰہی بخش دومی سید عبدالسبحان ذی اولاد ہستند و خلف سید امجد علی
میر ولایت حسین پسر ایشان میر حمایت حسین سہ خواہر ایشان یکے زوجہ شاہ
رحیم بخش دومی زوجہ میر مصاحب سومی زوجہ اولی شاہ عبدالحکیم شادی ایشان
در شیخپورہ گردید از خواہر میر عباس علی یک دختر شد زوجہ سید الٰہی بخش بخشی
ذی اولاد اند و پسر سید افرد علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را نشانند
یاد نام ذی اولاد ہر یکے اند کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا
مولوی مشہدی ابن مولانا احمد علی احمدی پھلواری داماد انجناب اند باقی جمع
یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از محبان این دیار مینویسد حال
از شیوخ اکابر جواری شائخان عظام قصبہ پھلواری کہ معروف اند در ہر امصار
و دیار بعدہ ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدرالدین شہباز پوری ؛

تتمہ کتاب بر ذکر شائخان قصبہ پھلواری جواری اولاد حضرت

جعفر طیار

سید اطیب اسداینه سید یوسف علی ابنه ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید
آل نبی که موجود اند یک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواہر
سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی
بمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکے قاضی افضل علی دومی شیخ عبد العزیز آ
کلانترا دو پسر یکے را نام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواہر زاده
منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی
سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد صالح
که بود و مدار همه برادر کلانی قاضی سید بڑے ثانی ایشان را پنج فرزند یکی قاضی
سید احمد علی که تا فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند دومی سید امجد علی سومی
سید افرد علی چارمی سید اسعد علی پنجمی مولوی سید اشهد علی قاضی سید
احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سه پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی
مفتی سید ارشاد علی یک پسر و یک دختر فرزند دومی سید ریاض علی دومی
سید امیر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے مظفر حسین دومی اظهر حسین
و نام پسر سید ارشاد علی سید اشہاد علی عرف میر خیر و دو شادی ایشان شد
از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شاه عبد الکریم بان پوری شد اولاد شد
اولاد نماند و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان زوجه
میر غلام امام ابن سید گدا علی سه پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام یکے

ظهیر الحق داماد مولوی نوازش علی ابن مولوی عبد العلی سوم مولوی شاه
امیر الحق که هنوز سجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چارمی
مولوی صغیر الحق داماد قاضی مخدوم عالم نجیبی مولوی فقیر الحق بعض از دختران
مولوی نصیر الحق را نیز فرزند نیست و دختر اینقدر روانست که نگاشت فرزند
دومی حضرت شاه حبیب الله شاه عبد الحی یک دختر ایشان زوجه مولوی علی اکبر
والد ماجد قاضی علی اشرف ذوی اولاد شده از جهان لاولد رفتند و پسر شاه
عبد الحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یکے مولوی محمد علی چهار پسر ایشان
یکے مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر و دومی مولوی قطبی دو را نام یاد ندارم
الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابو الفضل بودند یک دختر ایشان
زوجه اول مولوی محمد سجاد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله قادر قدس سره
یک دختر و یک پسر شد با ایشان از اسمحل شاه محمد مصطفی همعمر بودند این حقیر اسم
کبیر مفقود الخبر و نام پسران شاه ابو الفضل نام کلانے میان شاه حسین
و نام ثانی شاه احمد حسین که همعمر و شفیق قلبی این خاکسار بودند بعد سفر حج
مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بدانجوار رحلت کردند
و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبد الحی شاه ابو القاسم بود
از دختر صغیره حضرت شاه نعمت الله قادری از سماة شمس النسا کدخدا شدند
یک پسر ایشان مولوی شاه محمد تقی که پر لیاقت و ذی اخلاق بودند کدخدا

باید دانست در مقدمه کتاب ہذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از انجا که بزرگان آمدند بزرگی مسمی امیر عطاء الصمد از اولاد بسیار حضرت جعفر طیار درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار در قصبه پھلواری بودند یکے از شایخین کبار شاه ظهور الصمد والد ماجد حضرت شاه مجیب الله قادری یکے از خاصان اہل الله در اینجا شدند عزلت نشین ایشان از بیعت و تربیت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر که برادر بزرگ خسر آنحضرت بودند و نیز استفاده باطنه وارشاد از حضرت مولانا محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند و تو کلانه عزلت گزین و نیز خانقاه پیر ہم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تر بہیری ریاضت و مجاہده کردند زیر درخت تمر ہندی رجوعات خلائق شد پیدا کیفیت و کرامات شد ہویدا آخر از ہجوم خلقت شد از مریدان خانقاه لبا شد عمارات بلند القصه از برادر زادی پیر آنحضرت نیز تولد یافتند با نحضرت یکد ختر و دو پسر یکے را نام شاه عبد الحق پسر ایشان شاه نور الحق و دخواہر ایشان پسر ایشان مولوی شاه ظهور الحق ابن شاه نور الحق ابن شاه ظهور الحق نواسه شاه غلام نقشبند ابن شاه عماد الدین قلندر اند الحاصل مولوی شاه ظهور الحق را پنج پسر و دو دختر یکے از منسوب از مولوی مظهر نبی شاہباز پوری دو یمی کد جد از مولوی علیمی ابن مولوی عبد العلی و نام فرزندان مولوی شاه نصیر الحق و مولوی شاه

مولانا احمدی شد یک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان بعالم عنفوان رحلت کردند
بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد مصطفے تزویج شد یک پسر شد از بعارت
سعد ور ده ساله شده بمرد و یک دختر هست بیوه بے اولاد و شادی در قرابت شده بود
و بمولانا احمدی رحمة الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه
مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابو الحیات رحمة الله علیه
و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی هادی علیه الرحمة
که از دختر صغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره کدخدا شدند
از مسماة بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی
مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادی نمودند مولوی هادی
صاحب ازان نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد ابراهیم
سور و رضا و تسلیم ذی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریت
ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا ممدوح یک دختر زوجه دوم
مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پتنه شد
از دختر مولوی اشهد علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند دو پسر روبروی
ایشان بملک بقا رحیل بعد عرصه تر که مسماة جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند
و از شادی سوم مولانا ممدوح یک پسر مسمی مولوی محمد عارف و چند خواهران ایشان
جا بجا کدخدا شدند ذی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محل ثانیه پسر مولوی

ایشان از دختر عم خورد شاه مجتبی ابن شاه شمس الدین چارمی گردید الا اولاد
نشد او لاو دختر محل اول حضرت شاه مجیب الله قادری شاه نور ابو دند یک دختر
ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه و نسخ
بابا و از شادی ثانی حضرت شاه مجیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر
یک دختر شاه وحید الله که جد صحیح وجد با آنکه ایشان هر دو هم ز لغت بودند نام جد
و پدر ایشان یاد نماند شادی اول شاه وحید الله در نوا باده شد از خواهر شاه
مراد علی مرحوم از بطن آن عفیفه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه
محمد یوسف و دختر شاه وحید الله زوجه مولوی ابو تراب رحمة الله علیه و از شادی
ثانی که در جوار بهار شد بخوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد مصطفی
که شادی ایشان از دختر جناب استادی مولوی محمد امام شد یک دختر و سه پسر
ایشان شاه نعمت مجیب و شاه صفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر
شاه محمد مصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست
دختر دیگر حضرت شاه مجیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا
شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت شد یعنی پسر کلانی نام نامی
بمرتبه عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه
یاد دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود با در ایام طفولیت
رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

و پسر درینجا مناسب افتاده که ذکر ذریت مولوی عبدالعلی مرحوم خاتمه باید داشت
بمولوی شاه عبدالمغنی سه دختران یکے زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد وجیه
و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد و ثالث زوجه مولوی عبدالعلی یک دختر ایشان
زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم و پنج پسر یکے مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولوی
رعایت حسین دوم مولوی نوازش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی ظهیر الحق
ابن مولانا ظهور الحق سوم پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا ظهور الحق کدخدا شدند
یک پسر ایشان داماد جناب مولوی فرد مرحوم و چارم مولوی کمال [illegible]
بعهده جلیله شد مالا مال لاولد کردند انتقال پنجم مولوی محمد یونس نوجوان
بمردند و مولوی عبدالمغنی خلف الرشید مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت
و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان ازین عالم
لاولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه وحید الحق ابن مولوی
محمد وجیه اند شادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خلف ثانی
جناب حضرت شاه نعمت الله قدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمة الله علیه
آنجناب بے نظیر [illegible] در علم صوری و معنوی بودند شادی ایشان از دختر
شاه وحد الله شده بود رحمة الله علیه یک پسر ایشان بودند ذی علم
وارث حال صاحب تسلیم مولوی عبدالکریم در سن نمو رسیده رحلت کردند اولاد
ونه بآنجناب دیگر اولاد شد فرزند سوم بودند جناب اوستاد مولوی محمد امام

شاه وجیه الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسنو و یک دختر
مسماة جمیله هرگاه از ذکر اولاد همیره و خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره فراغت یافت
احوال آنجناب مشیخت مآب بنویسید واضح باد شادی جناب حضرت شاه نعمة الله
رحمة الله علیه در قصبه چهپره موضع گمگشته از صبیه حکیم باسو علیه الرحمة بعنایت الٰهی
از بطن آن بی بی اولاد شدند غیر آن که بطفولیت رفتند هفت پسر موجود و دو
دختر خلعت کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فرد لاریب مجمع
کمالات بودند فرد شادی اول ایشان از دختر مولوی عبد المغنی یعنی از خواهر
مولوی شاه عبد الغنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابو میان
جوان شده بکمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از مساة بی بی بتول دختر
کلانی مولوی محمد امام قادری نوجوان رحیل ملک بقا شدند اولاد نماند و شادی ثانی
مولوی فرد رحمة الله علیه از صبیه مولوی عبد العلی گردید از بطن این زوجه
اولاد شدند اکثر الاولاد پسر و یک دختر که خدا شده وفات یافتند کلانی مولوی
شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر
عم خورد مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزندی بود
خورد سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی
حبیب رحمة الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین
ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبد العلی از هر دو بطن اولاد اند دختران

ابوالفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال خورد ایشان گردید یعنی
از دختر حکیم مظفر پسر اند موجود یکے مولوی عمر در از نام دیگران
ندارم یاد فرزند ہفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان
از دختر خال کلانی حکیم واعظ اللہ شده بود فرزندان موجود اند خلف کلانی
مولوی ید اللہ یا مولوی مولائی شدند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد
دریافت نشد آلا دختر مولوی صاحب زوجہ شاہ نور العین بودند باخر
عمر بہر زیارت حرمین شریفین رفتہ حج ادا ساختہ در انجا کردند

	انتقال انا للہ وانا الیہ راجعون	

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاہ بدر الدین ہشیار پوری قدس سرہٗ

باید دانست این بزرگ از سیادات عظمی علوی نسب بوده اند طریقہ
فردوسیہ سیادا شتند بچند واسطہ خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک
قدس سرہ از انجا کہ بودند جوارے این خاکسار ذکر ذریت نگاشت
انچہ یافت کہ نسب نامہ علے التسلسل الایافت کہ می نگاشت
باید شنید فرزندان ایشان یکے بعینہ آل اند ثانی اولاد در فرزند
آل انجناب یکے شاہ مظہر احمد پدر بزرگوار شاہ اقبال حسین جنر
شاہ میان جان نگہوی بلکہ خسر ہر دو برادر و فرزند ثانی مولوی
مظہر نبی یک دختر ایشان زوجہ ثانیہ مولوی محمد یحیی باقی کیفیت

عالی مقام بمرتبہ شہادت شدند اختتام از دختر کلانیہ مولانا احمدی رحمۃ اللہ علیہ
کدخدا کردند دو پسر و سہ دختر تولد شدند دختر کلانی زوجہ ابو میان ثانی
زوجہ شاہ مصطفے مذکور دختر خورد لا ولد بمرد پسر کلانی مولوی آل احمد محدث
حدیث و حاجی عمر پسر بسفر کردند متاہل نشدند فرزند ثانی مولوی نور احمد کہ از دختر
برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمد یحیٰے کدخدا شدند یک پسر ایشان را نام معلوم
مولوی منظور احمد داماد کلانے شاہ علی حبیب مرحوم باقی کیفیت اولاد شان
دریافت نیست فرزند چہارم جناب معلی القاب استادی مولوی شاہ
ابو الحیواۃ کہ از دختر ثانیہ مولانا احمدی علیہ الرحمہ کدخدا شدند دو پسر شدند
کلانی مولوی محمد یحیی کہ از دختر عم کدخدا شدہ ذی اولاد اند پسر ثانی شاہ محمد وارث
بعارضہ طحال اندر جوانی رحلت کردند فرزند پنجم آنجناب مشیخت مآب حضرت
شاہ نعمۃ اللہ قادری جناب معلی القاب مولوی محمد قادری کہ مجمع صفات
بودند موصوف از دختر شاہ نور یک دختر شد پیدا کہ زوجہ مولوی محمد یحیی شدند
از بطن آن عفیفہ دو پسر و یک دختر شدند کلانی مسمی غلام دستگیر اندر جوانی
رفتند بملک بقا ثانی مولوی عنایت رسول مقبول اہل قبول نوجوان رفتند
الا اولاد گذاشتند و خواہر ایشان زوجہ مولوی نور احمد مرحوم زیادہ چہ نمایم مرقوم
فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد سجاد و یا مولوی علی سجاد کہ با وجود تحصیل
علم ظاہری بطریق فقر غلبہ داشتند کدخدائی اول ایشان از دختر مولوی

یک پسر ایشان چودھری غلام نجف و سہ خواہر
ایشان دختران چودھری غلام شرف یکی جان بی بی
عرف بی بی جیو اشادی ایشان در موضع کرائی برسرای آئینہ
حال اولاد ایشان دریافت نشد دومی بی بی سنون شادی
ایشان در قصبہ چھپرہ بحالہ ہیان وان بود از میر سلامت علی
گردید در وانا پورشد مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علے
و خواہر ایشان بی بی موون زوجہ اولی میر عابد علی صاحب
لاولد بمردند سماۃ مغفورہ و دو پسر و یک دختر بودند بمیر
مقصود علے یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علے کدخدا شدہ لاولد
بمردند و خواہر ایشان نیز در ایام صغر سنی فوت شد باید دانست
دختر چودھری غلام شرف از ہمہ کلانی سماۃ زیب النسا
و دو دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجہ چودھرے
میر دوست علی ابن چودھری میر غلام حسین عرف بی زینت زوجہ مفتی برکت اللہ
یک دختر ایشان سماۃ قدیر النسا کہ مولوی سید منور علی صدر اعلی ابن میر روشن علی
ساکن موضع شیخپورہ کدخدا شدند دو پسر ایشان میر انور علی قاضی یک پسر ایشان
عمر دراز داد و مولوی سید شاہد حسین ابن مولوی سید
واجد حسین ابن میر قادر بخش مرحوم الیہ دوم مولوی منور علے

ذریت ایشان تا معلوم الآمی آرند نبیرہ بندہ محمد دوم بر پشت
پنجم بودند میر محمد سعید ابن سید محمد مجید زائد دریافت نیت
ذوی اقبال کدخدائی ایشان در قصبہ داناپور شد در قرابت
ملکیان داناپورے شیخ زادہ در آنجا نہ چند زنان بودند نبیرہ
و فرزندان صغیر سن چونکہ صاحب شعور و تمیز بودند فرامین
بادشاہی در آنجا یافتند برگرفتند در سوخیت صوبہ یافتہ
حضوری در دربار بادشاہی گردید منصب جاگیر یافتہ بخطاب
چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید خان
کردند صیغہ زمینداری حصول و سکونت نیز گردید در قصبہ
داناپور کہ معروف محلہ چودھرانہ است الغرض یک پسر
ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران
شدند چہار ہر یکے نام دار یکے چودھرے غلام شرف دوحی
چودھری غلام حسین سومی چودھری غلام حیدر چارمی
چودھری غلام امین ہر دو برادر سوم و چہارم عمر یافتہ
لاولد رفتند از نیعالم الا پسر چودھری غلام حسین
بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ
الا از ہمہ کلانے بودند چودھری غلام شرف

شادی ایشان بموضع پهلواڑی شد از مسماة سکرن دختر مولوی بدیع الزمان
ابن شیخ عبد المجید و مولوی بدیع الزمان داماد بود شیخ غلام حیدر را از مسماة
جیاتن کدخدا الحصول از بطن مسماة سکرن یک دختر شد مسماة رحمن کلاز سید
محمد عظیم ابن میر قمر علی کدخدا شد ذوی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر اسد و
خواہر این زوجه مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودهری غلام نجف
سید احمد علی کلاز دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبد المجید کدخدا شدند اولاد نشد و پسر
چهارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سه شادی ایشان کردند از بطن کسے
اولاد نشد بالکل مالک ترکه زوجه ثالث شدند و دختر چودهری غلام نجف مسماة
طاہره زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سه پسر یکی سید
محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دوم سید محمد کلیم داماد سید قمر علی
ابن مولوی منور علی سوم پسر محمد علیم و خواہر کلانی ایشان زوجه سید حامد حسین
مسماة حمیده یک پسر شده بود بمیرد و خواہر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن خواہر
ناظر سید فدا علی در اینجا کیفیت ذریت چودهری محمد سعید خان انجام یافت
چیزی ذکر صاحبان موضع نیچوره که قرابتیان ایشان اند می نگارد و آنهم
یا دیگی از سیادت نامی که نام یا دندار رود از اولاد حضرت حسین اصغر ابن حضرت امام
زین العابدین رضی الله عنه که سلسله مسلسل بالا دریافت نشد چونکه اولاد شان
ذوی اقبال شدند و قرابت داری شد و واقع حسب یاد دنیو سید یعنی ان بزرگ

سید اظہر علی والد میر شمس الہدی شادی اولی ایشان بموضع
کاندھے گردید از دختر میر امجد علی ذی اولاد اند و خواہر
ایشان زوجہ سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر منور علی

ذکر اولاد چودھری غلام نجف

باید شنید شادی چودھری غلام نجف عرف چودھری
ڈوما از دختر ہمزلف شیخ عبد المجید پھلواری گردید کہ شیخ
عبد المجید ہمزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع روھا ے
بودند الحصول چہار پسر و یک دختر از بطن این عفیفہ
بچودھری غلام نجف شد فرزند کلان سید عابد علی
کہ بکمال حسن و شان صیغہ زمینداری انجام کردند و نیز داد
رونق بہ تجارت شادی اولی ایشان از خواہر میر مقصود علی
شدہ بود شادی ثانی از مسماۃ وجیہا عرف سماۃ و جیہہ دختر
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہای گردید یعنی از خواہر
مفتی غلام قادر مرحوم اولاد این بی بی نشد چنانچہ میر
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لاولد رفتند
الغرض پسر ثانی چودھری غلام نجف میر خورشید علی
کہ مدام عمر بسلسلہ روزگار بہ کار حکام بسر ساختند

آنچہ کہ معلوم ہست مینویسد از آنجا کہ فرزند ارجمند منشی مرحوم میر سید حسین علی کہ از
یاران قدیم جناب حضرت اخی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاہ محمد قاسم
قدس سرہ اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاہ
قمرالدین حسین قدس اللہ سرہ اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظہر اسرارات
سید شاہ خواجہ ابوالبرکات قدس اللہ سرہ اند علت غائی تحریر برین نمط کہ یکے مخلصان
قدیم محب صمیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضلہ اکثر برادران ایشان را حصول شرف
بیعت از جناب حضرت اخی الاعظم قدس سرہ و ہم دیگر عزیزان ایشان حقیقت
سلسلۂ بیعت از جناب اخی سر منشہ اتحاد جلیل القدر ارشاد سید شاہ محمد سجاد
دام فیضہ و برکاتہ ہست درین کتاب ذکر نسب و اولاد شان ضرور واجب شد حالا
تحریر مینماید

درانیجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسلہ توقیر

جدالمجد میر سید حسین علی سید فیض اللہ عرف شیخی میان از سیادات رضوی متوطن
مقام ماگکرام نو وار د قصبہ بھدوہی ضلع مرزاپور خلف الرشید ایشان سید بابا العم
خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چہار یکی ذی لیاقت و اقتدار زان بعد
سکونت شان بقصبہ داؤدنگر ضلع بہار گردید پسر کلانی ناظر سید فضل محمد
پسر ایشان یکی سید وارث علی کہ از دختر عم سید فضل احمد کدخدا شدہ ذی اولاد
شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر واصل علی کہ بطریقہ مذہب والد خود

رئیس بود چهار پسر بود ند ذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادی میر
روشن علی از دو دختر عم او سط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگرے
میر قمر علی کہ کیفیت اولاد بالا تحریر شد و از نبیرگان پسر چهارم میر انور علی و نیز
فقیر بخش ہر یکے ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یکے میر بہادر علی و دومی میر حیدر علی
ابنان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبد العلی و نیز بہادر علی صاحب را سہ پسر
شدند و سہ دختر پسر کلانے میر سخاوت علی کہ از دختر سید محمد جعفر خان کدخدا شدند
یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
کمال الدین حسین و سید ظہور الدین حسین و سید صغیر الدین حسین در قرابت خواہر زادہ
این خاکسار اند پسر دوم میر بہادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان کہ از مولوی
علی حسن عرف حسنو ابن مولوی افضل علی کدخدا شد از و سید نور الحسن موجود اند و
پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواہر سہ
برادر سید حامد حسین داماد کلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تیہو برادر
میر برکت حسین و میر اسد علی ہر سہ خال این ہر سہ برادر ذی اقبال بودند
و میر فرحت حسین را سہ پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین

اولاد و دختری ہر سہ برادران موجود اند

ذکر آبا و اجداد سید حسین علی

یکی از احباب منشی سید فضل الدین احمد کہ از سیادت رضوی اند کیفیت نسب و ذریت

شیخ ذوالفقار علی کہ مونس این فقیر بودند و فیضیاب درین طریقہ از حضرت
پیر مرشد قطب العصر بودند و ایک دختر سید محمد زمان زوجہ شاہ بندہ حولا ہوری
کہ از خلفا حضرت شاہ رکن الدین عشق قدس سرہ بودند لاولد رحلت کردند حالا
بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم انچہ کہ معلوم و شادی ایشان اکثر در بنی اعمام است
کہ تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین ولد میر طفیل علی و سید جنت حسین ولد امیر حسین
و سید ضمیر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش
ولد سید ضمیر الدین و پسران سید تفضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمۃ الطبع از قلم شکستہ رقم ہیچمدان کجمج زبان شیخ امیر الدین احمد
چشتی صاحبگنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد چشتی ابن الاصغر
شیخ خیر الدین حسین چشتی ساکن موضع پائیندہ پور پرگنہ شاہجہان پور
ضلع پٹنہ یکی از فرزندان جناب حضرت خواجہ معین الدین چشتی قدس سرہ العزیز سلطان الہند

بعد حمد خالق کون و مکان و نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت یداللہ اطہار حیدر کرار
و ثنا اصحاب کبار احمد مختار بر جملہ حضرات گل گلشن سیادات گوہر آبدار
دریای نجابت اختر تابندۂ برج شرافت عالی حسب والا نسب
واضح باد کہ درین زمان حمید و وقت سعید نسخہ نایاب بذکر انساب

ماندند ثالث سید تفضل حسین دو پسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
نام پسر سید عارت علی سید وارث حسین خلف ثانی سید محمد زمان بسید فضل الله رحیم
پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدر دو پسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی
سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الله پسر ایشان
سید طفیل علی دو خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدر دومی
سید امیر الدین سه پسر ایشان سید ضمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت حسین
پسر سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز ذی اولاد نیستند چارمی سید
فتح الدین لاولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید منیر الدین حیدر
انبه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسر پنجم سید محمد زمان سید
فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا شیعه مذهب
در مذهب تعصب عجب داراو کلانی و خورد را الحمد لله تعمد زیارت این برادران حنفی المذهب
و ابو العلائی مشرب شدند الغرض دو پسر شدند بسید فضل حسین سید محمد حسین
پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
از انجمله فرزند یک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی الطریقه قادریه
بود و وارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

قطعہ تاریخ طبع طبعزاد شیخ محمد کاظم صاحب کوکب ابن شیخ شجاعت علی صاحب ساکن قصبہ صاحب گنج ضلع گیا تلمیذ رشید سید منیر الدین احمد صاحب کیفی و میر خورشید علی صاحب نفیس

چہ خوش طبع شد کنز الانساب کز وی / بود تا قیامت نسب را تسلسل
بہر لفظ او جلوہ گر روی معنی / بجام بلورین رخ شاہد مل
سواد سطورش بصفحہ بیاضش / چو سنبل بہ نسرین فرو ہشتہ کاکل
چہ با رونق آب و رنگش بر آمد / ہمانا تو گوئی کہ شد دستہ گل
ز ہاتف چو پرسید کوکب سن او / بگوشم ندا کرد گشت تسلسل ۱۳۰۰

ایضاً

بحمد اللہ کوکب کنز الانساب / لباس طبع در بر کرد امروز
پئے سال اختتام انطباعش / رقم کردم گل تر رونق افروز ۱۳۰۰

ایضاً

ہوئی مطبوع جب یہ کنز الانساب / بتالیفات فانی خوش اوقات
لکھا کوکب نے سال از روی ابجد / چھپا اب مخزن نسب سیادات ۱۳۰۰

ایضاً

ز برج طبع کوکب کنز الانساب / برنگ شمس طالع گشت ہرگاہ
بتاریخ شیوع انطباعش / نوشتم قدوہ سادات ذیجاہ ۱۳۰۰

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین وستودہ

متاخرین از تالیفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف دقایق

ایقان بادہ کش میخانۂ وحدت جرعہ نوش جام محبت مقبول بارگاہ یزدانی

جناب حضرت سید شاہ عطا حسین صاحب تخلص فانی عزلت گزین

محلہ رام ساگر منحلات قصبہ صاحب گنج ضلع گیا حسب تحریک بلیغ شیخ

محمد کاظم صاحب تخلص کوکب رئیس قصبہ صاحب گنج خلف الصدق شیخ

شجاعت علی صاحب باہتمام معدن لطف وکرم منہل جود وہمم جناب

شیخ نورالدین بن جیواخان صاحب مالک مطبع حیدری

وصفدری مطبع نامی وگرامی صفدری واقع بندر بمبئی بتاریخ

۲۴ رمضان المبارک سنہ ۱۳۰۰ ہجری نبوی مطابق ۲۸ اگست سنہ ۱۸۸۳ عیسوی

بصحت تمام از زیور طبع مزین شدہ آویزۂ گوش روزگار گشت خداوند تعالی

مقبول ومطبوع اہل عالم نماید بمنہ وکرمہ فقط

[illegible]

کاتب کتاب ہذا نثار احمد بریلوی ست

قطعهٔ تاریخ طبع از طبع نشید العوان صد سخن سنج آشنا ملا حسین علی مدرس

صد شکر حق جل و علا کاین نسخه از فرط صفا	با طبع مطبوع آمده و کشف تجلی صفیا
طبعم بحال طبع او چون شد بفکرے سر فرو	هاتف بمن گفتا بگو تاریخ حال اولیا

١٣٢٠

اشتهار

چونکه حاجی سید عطا حسین
معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف
کتاب هذا حق تصنیف را براقم هبه فرموده اند
لهذا امید که کسی بدون اجازت راقم قصد طبع
این کتاب نکنند ورنه از روی مواخذهٔ
قانون بجرم ارتکاب طبع کتاب
موهوب صورت نقصان بظهور خواهد آمد

المشتهر
نور الدین بن جیوا خان